

کانون کارکنان بورس و اوراق بهادار



دوره آمادگی آزمون گواهینامه های حرفه ای بازار سرمایه

قوانین و مقررات تحلیلی بازار سرمایه

محمد صدرائی
فرزاد میدانی

تدوین:

مهرماه ۱۳۹۰

فهرست:

۱. قانون تجارت ۲
۲. قانون تجارت الکترونیکی ۳۲
۳. قانون صدور چک ۴۳
۴. قانون مالیاتهای مستقیم ۴۸
۵. قانون مالیات بر ارزش افزوده ۱۰۷
۶. دستورالعمل تأسیس و فعالیت پردازش اطلاعات مالی ۱۲۱
۷. تقاضای صدور مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی ۱۳۶

قانون تجارت

باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری

فصل اول - دفاتر تجاری

ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائممقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد:

(۱) دفتر روزنامه.

(۲) دفتر کل.

(۳) دفتر دارایی.

(۴) دفتر کپی.

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده ۸ - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را بهر ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپی دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استثناء دفتر کپی قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپی امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدیدسالنامه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال و به علاوه مشمول ماده (۱۳۵) قانون ثبت اسناد است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم میشود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دوطرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه مینماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود. تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاهدارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار میبرند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر، در امور تجاری، سندیت خواهد داشت و غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است.

این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعیالعموم میتواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورتحسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم میشود.

ماده ۱۹ - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص میشوند.

بخش ۹ - انحلال و تصفیه

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل میشود:

- ۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.
- ۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر این که مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.
- ۳ - در صورت ورشکستگی.

۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام بهر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.

۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه.

ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

ماده ۲۰۱ - در موارد زیر هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه بخواهد:

- ۱ - در صورتی که تا یک سال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یک سال متوقف شده باشد.
- ۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حسابهای هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد.
- ۳ - در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأتمدیره و هم چنین سمت مدیرعامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلامتصدی مانده باشد.

۴ - در مورد بندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأیبه انحلال شرکت ندهد.

ماده ۲۰۲ - در مورد بندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارند مهلت متناسبی که حداکثر از شش ماه تجاوز نکند میدهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند.

در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت میدهد.

ماده ۲۰۳ - تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام میگیرد مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی میباشد.

ماده ۲۰۴ - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آن که اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوقالعادهای که رأی به انحلال میدهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۲۰۵ - در صورتی که بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت میگیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب میشود و باید در دنبال نام شرکت همه جا عبارت «در حال تصفیه» ذکر شود و ناممدیر یا مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهیهای مربوط به شرکت قید گردد.

ماده ۲۰۷ - نشانی مدیر یا مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آن که به موجب تصمیم مجمع عمومی فوقالعاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد.

ماده ۲۰۸ - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت میباشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد.

ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیهها و آگهیهای مربوطه شرکت در آن نشر میگردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است.

ماده ۲۱۰ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.

ماده ۲۱۱ - از تاریخ تعیین مدیر یا مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع میشود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهدهدار شوند.

ماده ۲۱۲ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا میباشند و میتوانند برای طرح دعوی و دفاع از دعوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کانلمیکن است.

ماده ۲۱۳ - انتقال دارایی شرکت در حال تصفیه کلاً یا بعضاً به مدیر یا مدیران تصفیه و یا به اقارب آنها از طبقه اول و دوم تا درجه چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقالی که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود.

ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیر یا مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیر یا مدیران تصفیه باید با ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم میدانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفتهاند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند.

ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیر یا مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاهخواهد بود.

ماده ۲۱۶ - مدیر یا مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل میباشد.

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید هم‌مهاله مجمع

عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت و تشریفاتیکه در قانون و اساسنامه پیشبینی شده است دعوت کرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارش حاکمی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند.

ماده ۲۱۸ - در صورتی که به موجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشند ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند.

ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجامع عمومی در کلیه موارد به‌عهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود و در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیشبینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند مانند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند.

ماده ۲۲۱ - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حد نصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هر گونه دعوتنامه و اطلاعیه‌های که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر میکنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد منتشر شود.

ماده ۲۲۲ - در مواردی که به موجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می‌باشند هرگاه مجامع عمومی مورد نظر دو مرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا این که تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند.

ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم میشود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعود تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.

ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدو به مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ - تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آن که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.

ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجارتي حذف گردد.

ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در

حساب مخصوصی نزد یکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضاء ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه کهدر بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعهاشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کانلمیکن است.

ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفیا محجور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر یا مدیران تصفیه باقیمانده مکلفند تعیین جانشین مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند. اگر امر تصفیه منحصرأ به عهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد هر ذینفع میتواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتیکه مدیر تصفیه متوفی یا محجور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد هر ذینفع میتواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۱ - مقررات جزایی

ماده ۲۴۳ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا بهجزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بههر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - هرکس که عالمأ و بر خلاف واقع پذیرهنویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیرهنویسی منتشر نماید و یا مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقد تقلب اعمال کند.

۲ - هرکس در ورقه سهم بانام یا گواهینامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند.

۳ - هرکس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند بعضأ یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد.

۴ - هرکس سهام یا قطعات سهام را قبل از به ثبت رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند.

۵ - هرکس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیرهنویسی کلیه سرمایه و تأدیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقد صادر کند.

۶ - هرکس قبل از پرداخت کلیه مبلغ اسمی سهم سهام بینام یا گواهینامه موقت بینام صادر کند.

ماده ۲۴۴ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا بهجزای نقدی از پنجاههزار ریال تا پانصد هزار ریال یا بههر دو مجازات محکومخواهند شد:

۱ - هرکس عالماً سهام یا گواهینامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد

۲ - هرکس سهام بینام را قبل از آن که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

۳ - هرکس سهام بانام را قبل از آن که اقلأ سی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد.

ماده ۲۴۵ - هرکس عالماً در هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد بهمجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا بهجزاینقیدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا بههر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که ظرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع عمومی فوقالعاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند.

۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت به صدور اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند.

ماده ۲۴۷ - در مورد بند یک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضاء هیأتمدیره قبل از انقضاء مهلت مقرر در جلسه هیأت مزبور صریحاً اعلام کند که باید به تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزایی عمل شود و به این اعلام از طرف سایر اعضاء هیأتمدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کندعضو هیأتمدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد. سلب مسئولیت جزایی از عضو هیأتمدیره منوط به این است کهعضو هیأتمدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیأت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی بههر یک از اعضاء هیأتمدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیأتمدیره بههر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزایی از عضو هیأتمدیره کافی است.

ماده ۲۴۸ - هرکس اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه شرکت سهامی را بدون امضاهای مجاز و نام و نشانی مؤسسين یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از دههزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴۹ - هرکس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیرهنویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۰ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تأدیه کلیه

سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضاء دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دو ترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریالمحکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه نمایند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۶۰ این قانون را در اوراق قرضه قید نمایند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۳ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

- ۱ - هرکس عامداً مانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجمع عمومی صاحبان سهام بشود.
- ۲ - هرکس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و یا به این طریق در اخذ رأی در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت نماید اعم از آن که این کار را شخصاً یا توسط دیگری انجام دهد.

ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را دعوت نکنند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را به موقع تنظیم و تسلیم نمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۵ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۶ - هیأت ریسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند، به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵۷ - رئیس و اعضاء هیأت ریسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رأی صاحبان سهام را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد.

ماده ۲۵۸ - اشخاص زیر به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

- ۱ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارایی و ترازنامه یا به استناد صورت دارایی و ترازنامه مزور منافع موهمیرا بین صاحبان سهام تقسیم کرده باشند.

۲ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهام ارائه یا منتشر کرده باشند.

۳ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.

۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت که با سوء نیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا به خاطر شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند استفاده کنند.

ماده ۲۵۹ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره شرکت که متعمداً مجمع عمومی صاحبان سهام را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجمع عمومی صاحبان سهام دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۰ - رئیس و اعضاء هیأتمدیره و مدیرعامل که عامداً مانع یا مخل انجام وظایف

بازرسان شرکت بشوند یا اسناد و مدارکی را که برای انجاموظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضاء هیأتمدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایشسرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از دههزار تا یکصد هزارریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضاء هیأتمدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیشبینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت بهپذیرهنویسی و خرید سهام جدید رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیرهنویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند.

۲ - در صورتی که شرکت قبلاً اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان این گونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر نگرفته یا قبل از انقضاء مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابلتعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را ازطریق بازخرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند.

ماده ۲۶۳ - رئیس و اعضاء هیأتمدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالملاً برای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت بهپذیرهنویسی سهامجدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزارریال تا یک میلیون ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالملاً مقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام.

۲ - در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوقالعاده به بازرسان شرکت تسلیم نشدهباشد.

۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرایط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر میگردد آگهی نشده باشد.

ماده ۲۶۵ - رئیس و اعضاء هیأت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر اثر زیانهای وارده حداکثر تادو ماه مجمع عمومی فوقالعاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبتبه ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند به حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از دههزار تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶ - هرکس با وجود منع قانونی عالملاً سمت بازرسی را در شرکت سهامی بپذیرد و به آن عمل کند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا بهجزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی که عالم‌اً راجع به اوضاع شرکت به

مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلافحقیقت بدهد و یا این گونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸ - مدیر یا مدیران تصفیه‌ر شرکت سهامی که عالم‌اً مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تأدیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهد شد:

۱ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند.

۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم میدانند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند.

۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانوناساسنامه شرکت پیشبینی شده است دعوت نکرده صورت دارایی منقول و غیر منقول و ترانزنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده‌اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند.

۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آن که تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند.

۵ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام ننمایند.

۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع نمایند و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاعاتشخاص ذینفع نرسانند.

ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد:

۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا مؤسسه دیگری که خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع میباشند مورد استفاده قرار دهند.

۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۲۱۳ به انتقال دارایی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده دارایی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند.

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده ۹۴ - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه بهسهم یا قطعات سهام تقسیم شده باشد. فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده ۹۶ - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهمالشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۹۷ - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهامالشکرکهای غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده ۹۸ - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهامالشکرکهای غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده ۹۹ - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده ۱۰۰ - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده‌اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده ۱۰۲ - سهامالشکرکه شرکاء نمیتواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از باسّم یا بیاسّم و غیره درآید. سهامالشکرکه را نمیتوان منتقل به‌غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به‌آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده ۱۰۳ - انتقال سهامالشکرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

ماده ۱۰۴ - شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین میشوند اداره میگردد.

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کانلمیکن است.

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لااقل نصف سرمایه اتخاذ شود. اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ میشود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت میتواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده ۱۰۷ - هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است. اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۰۹ - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است.

هیأت نظار میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوقالعاده دعوت نماید مقررات مواد ۱۶۵ - ۱۶۷ - ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکاء نمیتوانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمیتواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهامالشکرکه خود کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکتهای با مسئولیت محدود نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهامالشركه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق میگیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیشبینی شده باشد.

ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاهدردار محسوب میشوند:

الف) مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهامالشركه نقدی و تقویم و تسلیم سهامالشركه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که به وسیله متقلبانه سهامالشركه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کانلمیکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لاقلاً اسم یک نفر شرکاء ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (وبرادران) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهامالشركه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهامالشركه بین شرکاء تقسیم میشود مگر آنکه شرکتنامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکاء باید لاقلاً یک نفر از میان خود یا از خارج به سمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهای تضامنی اگر سهامالشركه یک یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهامالشركه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمیتواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمیتواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز مینماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کانلمیکن خواهد بود.
ماده ۱۲۶ - هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز میتوان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی میتوانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد میتوانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء میتوانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دائین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت میتواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک میتواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرده سایر شرکاء میتوانند سهمی آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهامالشرکه کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچ یک از شرکاء را شرکت نمیتواند به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکتنامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء (به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتي از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی میتواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) در صورت تراضی تمام شرکاء:

ج) در صورتی که یکی از شرکاء به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد.

د) در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۷.

ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده ۱۳۸.

و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بند (ج) هرگاه دلائل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکاء معینی باشد محکمه میتواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد. تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل میآید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت میگیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائممقام متوفی خواهد بود. اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائممقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائممقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت

به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود.

شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت اوفقط تا میزان سرمایه است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد.

در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد.

هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بیاثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند. در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد.

ماده ۱۴۷ - هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و میتواند از روی دفاتر اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهامالشركه خود به او داخل در شرکت کند.

ماده ۱۴۹ - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلاً یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشتهاند.

ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی میتوان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد. ماده ۱۵۲ - هر گاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهامالشركه خود رانپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادله آنچه که از بابت سهامالشركه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک بامسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهامالشركه خود که بهیئت رسیده است بکاهد این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتهای منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور میتوانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیه همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده ۱۵۴ - به شریک با مسئولیت محدود فرع نمیتوان داد مگر در صورتی که موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود. اگر در نتیجه ضررهای وارده سهامالشركه شریک با مسئولیت محدود کسر شد مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است.

هر گاه وجهی برخلاف حکم فوق تأدیه گردید شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که باحسّن نیت و به اعتبار بیلان مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده ۱۵۵ - هر کس به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهامالشركه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد.

هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کانلمیکن خواهد بود.

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند. سهامالشركه شرکاء با مسئولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب است.

ماده ۱۵۷ - اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکت‌های مختلط غیرسهامی نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکت‌های تضامنی است.

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ - ۱۳۷ - ۱۳۸ - ۱۳۹ و ۱۴۰ در مورد شرکت‌های مختلط غیر سهامی نیز جاری است. مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل میشود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام متساوی‌القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقول اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیأت نظاری لاقول مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار میشود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین میکند انتخاب هیأت برحسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید میشود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - اولین هیأت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ این قانون رعایت شده است.

ماده ۱۶۷ - اعضاء هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود میباشند.

ماده ۱۶۸ - اعضاء هیأت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده هم‌مهاله راپورتی به مجمع عمومی میدهند و هرگاه در تنظیم صورت دارایی بیهوشی و خطایی مشاهده نمایند در راپورت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان میکنند.

ماده ۱۶۹ - هیأت نظار میتواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی میتواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپورت هیأت نظار اطلاع حاضر کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچ یک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده ۱۷۳ - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول میکند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک از طلبکاران شرکت میتواند به هر یک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۸ - ۳۹ - ۴۱ و ۵۰ شامل شرکتهای مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۹ و ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمیتوانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴ - ۸۵ - ۸۶ - ۸۷ این قانون در شرکتهای مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹ - ۹۰ - ۹۱ و ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل میشود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳.

ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه بیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه ببیند.

مبحث هشتم - شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایههای است که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقول اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) (و برادران) ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲۲ - ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی نیز لازمالرعایه است.

ماده ۱۸۶ - اگر دارایی شرکت نسبی برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران میتوانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت میگذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.

قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ تا ۱۳۶ در شرکتهای نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم - شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل میشود و شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس به کار میبرند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولید یک عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دوثلث اعضاء ادارهکننده شرکت باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل میشود:

- ۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء ایجاد کرده یا خریده باشند.
- ۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر حال مفاد مواد ۳۲ - ۳۳ لازمالرعایه است.

ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ یک از شرکاء نمیتوانند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشند.

فصل دوم - در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکتنامه ها

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است.

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود.

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده هیچ یک از شرکاء نمیتوانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کردهاند عذر قرار دهند.

ماده ۱۹۹ - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین میشود در هر حوزه جداگانه انجام گردد.

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت میگیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازمالرعایه است. همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۷۹ این قانون اتخاذ میشود رعایت خواهد شد.

- ماده ۲۰۱ -** در هر گونه اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور خطی یا چاپی از طرف شرکتهای مذکور در این قانون بهاستثنای شرکتهای تعاونی صادر میشود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود. شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد.
- تبصره - شرکتهای خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.
- فصل سوم - در تصفیه امور شرکتهای**
- ماده ۲۰۲ -** تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.
- ماده ۲۰۳ -** در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن که شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.
- ماده ۲۰۴ -** اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.
- ماده ۲۰۵ -** در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.
- ماده ۲۰۶ -** در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیرضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امر تصفیه معین نمایند.
- ماده ۲۰۷ -** وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ و ۲۱۲.
- ماده ۲۰۸ -** اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد.
- ماده ۲۰۹ -** متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.
- ماده ۲۱۰ -** متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به او اجازه داده باشند. مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است.
- ماده ۲۱۱ -** آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به طور موقت بین شرکاء تقسیم میشود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.
- ماده ۲۱۲ -** متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین میکنند. رفع اختلاف در تقسیم بهمحکمه بدایت رجوع میشود.
- ماده ۲۱۳ -** در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.
- ماده ۲۱۴ -** وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتهای (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.
- ماده ۲۱۵ -** تقسیم دارایی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده‌اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد. فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است. مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کنارهگیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد. در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع میشود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوایی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاهتری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانیتری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل نماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا میگردد.

هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورتحسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده.

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به طریق قرعه باید تأدیه شود و قبل از تأدیه قیمت آن سهام یا اوراق منافی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تأدیه اصل قیمت نمیتواند منافع تأدیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری میتواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تأدیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد. در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان میتوان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً معین میشود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

باب چهاردهم - اسم تجاری

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجاری اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلی ثبت آن را الزامی کند.

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارتخانه که شریک در تجارتخانه ندارد، نمیتواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهوم وجود شریک باشد.

ماده ۵۷۸ - اسم تجاری ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمیتواند اسم تجاری خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجاری ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده ۵۷۹ - اسم تجارتي قابل انتقال است.

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.

ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامی شده در موعد مقرر ثبت به عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حقالثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده ۵۸۲ - وزارت عدلیه به موجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوطه به اسم تجارتي را معین خواهد کرد.

باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول - اشخاص حقوقی

ماده ۵۸۳ - کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده ۵۸۴ - تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا میکنند.

ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق بهموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

حقالثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است.

ماده ۵۸۶ - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمیتوان ثبت کرد.

ماده ۵۸۷ - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی میشوند.

فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال ذالک.

ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته میشود.

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

باب چهارم - برات - فتهطلب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضاء یا مهر براتدهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

(۱) قید کلمه (برات) در روی ورقه.

(۲) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).

(۳) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

(۴) تعیین مبلغ برات.

(۵) تاریخ تأدیه وجه برات.

(۶) مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محالعلیه باشد یا محل دیگر.

- ۷) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته میشود.
- ۸) تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.
- ماده ۲۲۴ - برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات دهنده.
- ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته میشود.
- اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.
- ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ و ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.
- ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.
- مبحث دوم - در قبول و نکول
- ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر میشود.
- در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد. اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب میشود.
- ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محالیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.
- اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است.
- در صورتی که محالیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات قبول شده محسوب میشود.
- ماده ۲۳۰ - قبولکننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید.
- ماده ۲۳۱ - قبولکننده حق نکول ندارد.
- ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.
- ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب میشود ولی معیضاً قبولکننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.
- ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبولکننده باید تأدیه شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است.
- ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود.
- ماده ۲۳۶ - نکول برات باید به موجب تصدیقنامه که رسماً تنظیم میشود محقق گردد. تصدیقنامه مزبور موسم است به اعتراض (پروتست) نکول.
- ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهرنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.
- ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است میتواند از قبولکننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث

- ماده ۲۳۹ - هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی میتواند آن را به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند. قبولی شخص ثالث باید در اعتراضنامه قید شده به امضاء او برسد.

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات‌دهنده و ظهرنویسها حاصل میشود محفوظ خواهد بود.

مبحث چهارم - در وعده برات

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رؤیت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت برات یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات - ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد.

ماده ۲۴۲ - هر گاه برات بیوعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده ۲۴۳ - موعده پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراضنامه نکول معین میشود.

ماده ۲۴۴ - اگر موعده پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل تأدیه شود. تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسی

ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهرنویسی به عمل میآید.

ماده ۲۴۶ - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد. ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و اسم کسی که برات به او انتقال داده میشود قید گردد.

ماده ۲۴۷ - ظهرنویسیحاکمی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویسی وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول و لدیالاقضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده ۲۴۸ - هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته میشود.

مبحث ششم - مسئولیت

ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض میتواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.

همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولیت برات نیست. اقامهکننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محالعلیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

ماده ۲۵۰ - هر یک از مسئولین تأدیه برات میتوانند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورتحساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کنند.

ماده ۲۵۱ - هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات میتواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید. مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمیتواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته میشود به مدیرتصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص مییابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداختهاند جزء دارایی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکستهها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات به انواع پولی که در آن معین شده به عمل میآید.

ماده ۲۵۳ - اگر دارنده برات به براتدهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول یا عدم تأدیه اعتراض شود دارنده برات میتواند از دهنده برات یا انتقالدهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که دربرات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده ۲۵۴ - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده ۲۵۵ - روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است.

ماده ۲۵۷ - اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسهای ماقبل خود و براتدهنده که به مهلت مزبور رضایت ندادهاند حق رجوع نخواهد داشت.

ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را میپردازد بریالذمه محسوب میشود مگر آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده ۲۶۰ - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه بپردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن میتواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه‌های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل میآید.

ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده، اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد میتواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است میتواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ به عمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود میتواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و به ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به براتدهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد.

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید. ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به براتدهنده برسد. مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود.

ظهنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه براتدهنده و ظهنویسها بری میشوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه میتواند اعتراض کند.

ماده ۲۶۹ - محاکم نمیتوانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی میتواند از طرف براتدهنده یا یکی از ظهنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید. دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف براتدهنده پرداخت تمام ظهنویسها بریالذمه میشوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهنویسها به عمل آید ظهنویسهای بعد از او بریالذمهاند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتیری از مسئولین را بریالذمه میکند. اگر خود محالیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهنویسها و همچنین بهبراتدهنده که وجه برات را به محالیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع بهظهنویسها و براتدهنده که وجه برات را به محالیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶ - اگر ظهنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آنظهنویس نمیتواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده ۲۷۷ - هر گاه دارنده برات به رؤیت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارج تأدیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و براتدهنده و ظهنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته که اعتراض عدم تأدیه نامیده میشود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محالعلیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتی که قبولکننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاعنامه فوق آن را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف سه ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعیعلیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ - در مورد برواتی که باید در خارج تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه براتدهنده و یا ظهرنویسهای مقیم ایران در ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.

ماده ۲۸۸ - هر یک از ظهرنویسها بخواد از حقی که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید در مواعدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید از فردای روز تأدیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹ - پس از انقضاء مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹۰ - پس از انقضاء مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه براتدهنده نیز پذیرفته نمیشود مشروط بر اینکه براتدهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محالعلیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محالعلیه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضاء مواعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه یا برای اقامه دعوی مقرر است براتدهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تأدیه برات به محالعلیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافتکننده وجه اقامه دعوی نماید.

ماده ۲۹۲ - پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعیعلیه به عنوان تأمین توقیف نماید.

مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل به عمل میآید:

(۱) در مورد نکول.

(۲) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(۳) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مأمور اجراء به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

(۱) محالعلیه.

(۲) اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالاقضاء معین شدهاند.

۳) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض به عمل می‌آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب به عهده امین صلح یا رییس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

۱) سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرنویسی و غیره.

۲) امر به تأدیه وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته نمیتواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در موارد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقودشدن برات.

ماده ۲۹۶ - مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراضنامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد.

ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام میدهند باید مفاد اعتراضنامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفترمخصوصی که صفحات آن به توسط رییس محکمه یا قائممقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند. در صورتی که محل اقامت براتدهنده یا ظهرنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعی

ماده ۲۹۸ - برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بهعهده براتدهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر میکند.

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعی به عهده براتدهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن به عهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آنجا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برای رجوعی در آنجا صادر شده است برآید.

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعی باید صورتحسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود. در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید میگردد:

۱) اسم شخصی که برات رجوعی به عهده او صادر شده است.

۲) مبلغ اصلی برات اعتراض شده.

۳) مخارج اعتراضنامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق‌العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره.

۴) مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (۲۹۹).

ماده ۳۰۱ - صورتحساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراضنامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده ۳۰۲ - هر گاه برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیقنامه که تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود.

ماده ۳۰۳ - نسبت به یک برات صورتحساب بازگشت متعدد نمیتوان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً به توسط ظهرنویسها پرداخته میشود تا به براتدهنده اولی برسد. تحمیلات براتهای رجوعی را نمیتوان تماماً بر یک نفر وارد ساخت، هر یک از ظهرنویسها و براتدهنده اولی فقط عهدهدار یک خرج است.

ماده ۳۰۴ - خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب میشود.

مبحث دوازدهم - قوانین خارجی

ماده ۳۰۵ - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است. هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی - ضمانت - قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.

معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده ۳۰۶ - اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشی از برات و استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم - در فتهطلب

ماده ۳۰۷ - فتهطلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد میکند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حوالهکرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده ۳۰۸ - فتهطلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

(۱) مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف.

(۲) گیرنده وجه.

(۳) تاریخ پرداخت.

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فتهطلب نیز لازمالرعایه است.

فصل سوم - چک

ماده ۳۱۰ - چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محالعلیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار مینماید.

ماده ۳۱۱ - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا بهحوالهکرد باشد ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

ماده ۳۱۳ - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتي محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویسها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجهچک به سببی که مربوط به محالعلیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.

ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چک را دریافت میکند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگر چه چک در وجه حامل باشد.

ماده ۳۱۷ - مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک میتواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

فصل چهارم - در مرور زمان

ماده ۳۱۸ - دعوای راجعه به برات و فتهطلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدأمرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع میشود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فتهطلبهایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقوله است.

ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات یا فتهطلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یا فتهطلب یا چک میتواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فتهطلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب میشود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذک اگر مقامات صلاحیتدار قضایی یا پلیس تأدییه وجه آن سند را منع کند تأدییه وجه بهحامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.

ماده ۳۲۱ - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تأدییه نیست مگر در مقابل اخذ سند.

ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقههای کوپن یا دارای ضمیمه برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورتگم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق میدهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق ذیل عمل خواهدشد.

ماده ۳۲۳ - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است. اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافی است.

ماده ۳۲۴ - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید به وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز نمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد. محکمه میتواند لدیالاقضاء مدتی بیش از سهسال تعیین کند.

ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محکمه میتواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمیننی که محکمه تصویب نماید.

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت به کوپنهایی که در ضمن جریان دعوی لازماً تأدیه میشود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ عمل خواهد شد.

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود محکمه میتواند به علاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابرازکننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند به خرج او سند جدید یا لدیالاقضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند. اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تأدیه خواهد داشت.

ماده ۳۳۲ - هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده (۳۲۲) نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد: محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم میدهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل - در صورت مؤجل بودن - به صندوق عدلیه بسپارد.

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شده مطابق ماده ۳۲۸ رفتار والا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده میشود.

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب دهم - ضمانت

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمونله تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانتنامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار میتواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید

ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر بهموجب قرارداد یا قانون متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.

ماده ۴۰۶ - ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید به عمل آید.

ماده ۴۰۸ - همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری میشود.

ماده ۴۰۹ - همین که دین حال شد ضامن میتواند مضمونله را بهدریافت طلب یا انصراف از ضامن ملزم کند ولو ضامن مؤجل باشد.

ماده ۴۱۰ - استتکاف مضمونله از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه، اگر دین با وثیقه بوده، ضامن را فوراً و به خودی خود بری خواهد ساخت.

ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمونله باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمونعه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید. اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمونعه مکلف به انجام تشریقاتی استکه برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.



کانون کارگزاری بورس واورق بھادر

قانون تجارت الکترونیکی

باب اول - مقررات عمومی

مبحث اول - در کلیات

فصل اول - قلمرو و شمول قانون

ماده ۱- این قانون مجموعه اصول و قواعدی است که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسط های الکترونیکی و با استفاده از سیستمهای ارتباطی جدید به کار می رود.

فصل دوم - تعاریف

ماده ۲-

الف - «داده پیام» (Data Message): هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می شود.

ب - «اصل ساز» (Originator): منشا اصلی «داده پیام» است که «داده پیام» به وسیله او یا از طرف او تولید یا ارسال می شود اما شامل شخصی که در خصوص «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد.

ج - «مخاطب» (Addressee): شخصی است که اصل ساز قصد دارد وی «داده پیام» را دریافت کند، اما شامل شخصی که در ارتباط با «داده پیام» به عنوان واسطه عمل می کند نخواهد شد.

د - «ارجاع در داده پیام» (Reference Incorporation By): یعنی به منابعی خارج از «داده پیام» عطف شود که در صورت مطابقت با ماده (۱۸) این قانون جزئی از «داده پیام» محسوب می شود.

ه - «تمامیت داده پیام» (Integrity): عبارت است از موجودیت کامل و بدون تغییر «داده پیام». اعمال ناشی از تصدی سیستم از قبیل ارسال، ذخیره یا نمایش اطلاعات که به طور معمول انجام می شود خدشه ای به تمامیت «داده پیام» وارد نمی کند.

و - «سیستم رایانه ای» (Computer System): هر نوع دستگاه یا مجموعه ای از دستگاههای متصل سخت افزاری - نرم افزاری است که از طریق اجرای برنامه های پردازش خودکار «داده پیام» عمل می کند.

ز - «سیستم اطلاعاتی» (Information System): سیستمی برای تولید (اصل سازی)، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش «داده پیام» است.

ح - «سیستم اطلاعاتی مطمئن» (Secure Information System): سیستم اطلاعاتی است که:

۱- به نحوی معقول در برابر سوء استفاده و نفوذ محفوظ باشد.

۲- سطح معقولی از قابلیت دسترسی و تصدی صحیح را دارا باشد.

۳- به نحوی معقول متناسب با اهمیت کاری که انجام می دهد پیکربندی و سازماندهی شده باشد.

۴- موافق با رویه ایمن باشد.

ط - «رویه ایمن» (Secure Method): رویه ای است برای تطبیق صحت ثبت «داده پیام»، منشا و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره سازی «داده پیام» از یک زمان خاص.

ک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتمها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسائی، رمزنگاری، روشهای تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود.

ی - «امضای الکترونیکی» (Electronic Signature): عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو

منطقی متصل شده به «داده پیام» است که برای شناسائی امضاءکننده «داده پیام» مورد استفاده قرار می گیرد.

ک - «امضای الکترونیکی مطمئن» (Secure/Enhanced/Advanced Electronic Signature):

ر امضای الکترونیکی است که مطابق با ماده (۱۰) این قانون باشد.

ل - «امضاءکننده» (Signatory): هر شخص یا قائم مقام وی که امضای الکترونیکی تولید می کند.

م - «شخص» (Person): اعم است از شخص حقیقی و حقوقی و یا سیستم های رایانه ای تحت کنترل آنان.

ن - «معقول» (سنجش عقلانی)، (Reasonableness Test): با توجه به اوضاع و احوال مبادله «داده پیام» از جمله: طبیعت مبادله، مهارت و موقعیت طرفین، حجم مبادلات طرفین در موارد مشابه، در دسترس بودن گزینه های پیشنهادی و رد آن گزینه ها از جانب هر یک از طرفین، هزینه گزینه های پیشنهادی، عرف و روشهای معمول و مورد استفاده در این نوع مبادلات، ارزیابی می شود.

س - «مصرف کننده» (Consumer): هر شخصی است که به منظوری جز تجارت یا شغل حرفه ای اقدام می کند.

ع - «تامین کننده» (Supplier): عبارت از شخصی است که بنا به اهلیت تجاری، صنفی یا حرفه ای فعالیت می کند.

ف - «وسائل ارتباط از راه دور» (Means Of Distance Communication): عبارت از هر نوع وسیله ای است که بدون حضور فیزیکی همزمان تامین کننده و مصرف کننده جهت فروش کالا و خدمات استفاده می شود.

ص - «عقد از راه دور» (Distance Contract): ایجاب و قبول راجع به کالاها و خدمات بین تامین کننده و مصرف کننده با استفاده از وسائل ارتباط از راه دور است.

ق - «واسط با دوام» (Durable Medium): یعنی وسائلی که به موجب آن مصرف کننده بتواند شخصا «داده پیام» های مربوطه را بر روی آن ذخیره کند از جمله شامل فلاپی دیسک، دیسک فشرده، دیسک سخت و یا پست الکترونیکی مصرف کننده.

ر - «داده پیام های شخصی» (Private Data): یعنی «داده پیام» های مربوط به یک شخص حقیقی (موضوع «داده» Data Subject) مشخص و معین.

فصل سوم - تفسیر قانون

ماده ۳- در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.

ماده ۴- در مواقع سکوت و یا ابهام باب اول این قانون، محاکم قضایی باید براساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون، قضاوت نمایند.

فصل چهارم - اعتبار قراردادهای خصوصی

ماده ۵ - هرگونه تغییر در تولید، ارسال، دریافت، ذخیره و یا پردازش داده پیام با توافق و قرارداد خاص طرفین معتبر است.

مبحث دوم - در احکام «داده پیام» - نوشته، امضاء اصل

ماده ۶ - هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده پیام» در حکم نوشته است مگر در موارد زیر:

الف - اسناد مالکیت اموال غیرمنقول.

ب - فروش مواد داروئی به مصرف کنندگان نهایی.

ج - اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می کند و یا از بکارگیری روشهای خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می کند.

ماده ۷- هرگاه قانون، وجود امضاء را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است.

ماده ۸ - هرگاه قانون لازم بداند که اطلاعات به صورت اصل ارائه یا نگهداری شود، این امر یا نگهداری و ارائه اطلاعات به صورت داده پیام نیز در صورت وجود شرایط زیر امکان پذیر می باشد:
 الف - اطلاعات موردنظر قابل دسترسی بوده و امکان استفاده در صورت رجوع بعدی فراهم باشد.
 ب - داده پیام به همان قالبی (فرمتی) که تولید، ارسال و یا دریافت شده و یا به قالبی که دقیقاً نمایشگر اطلاعاتی باشد که تولید، ارسال و یا دریافت شده، نگهداری شود.

ج - اطلاعاتی که مشخص کننده مبداء، مقصد، زمان ارسال و زمان دریافت داده پیام می باشند نیز در صورت وجود نگهداری شوند.

د - شرایط دیگری که هر نهاد، سازمان، دستگاه دولتی و یا وزارتخانه درخصوص نگهداری داده پیام مرتبط با حوزه مسوولیت خود مقرر نموده فراهم شده باشد.

ماده ۹ - هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال «داده پیام» خاتمه یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود سند کاغذی که تحت این شرایط صادر می شود باید به طور صریح ختم تبادل «داده پیام» را اعلام کند. جایگزینی اسناد کاغذی به جای «داده پیام» اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت.

مبحث سوم - «داده پیام» مطمئن

فصل اول - امضاء و سابقه الکترونیکی مطمئن

ماده ۱۰- امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - نسبت به امضاءکننده منحصر به فرد باشد.

ب - هویت امضاءکننده «داده پیام» را معلوم نماید.

ج - به وسیله امضاءکننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.

د - به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن «داده پیام» قابل تشخیص و کشف باشد.

ماده ۱۱- سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از «داده پیام»ی است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است.

فصل دوم - پذیرش، ارزش اثباتی و آثار سابقه و امضای الکترونیکی مطمئن

ماده ۱۲- اسناد و ادله اثبات دعوی ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی توان براساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد.

ماده ۱۳- به طور کلی، ارزش اثباتی «داده پیام»ها با توجه به عوامل مطمئنه از جمله تناسب روشهای ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله «داده پیام» تعیین می شود.

ماده ۱۴- کلیه «داده پیام»هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم سند معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است.

ماده ۱۵- نسبت به «داده پیام» مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می توان ادعای جعلیت به «داده پیام» مزبور وارد و یا ثابت نمود که «داده پیام» مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.

ماده ۱۶- هر «داده پیام»ی که توسط شخص ثالث مطابق با شرایط ماده (۱۱) این قانون ثبت و نگهداری می شود، مقرون به صحت است.

مبحث چهارم - مبادله «داده پیام»

فصل اول - اعتبار قانونی ارجاع در «داده پیام»، عقد و اراده طرفین

ماده ۱۷- «ارجاع در داده پیام» با رعایت موارد زیر معتبر است:

الف - مورد ارجاع به طور صریح در «داده پیام» معین شود.

ب - مورد ارجاع برای طرف مقابل که به آن تکیه می کند روشن و مشخص باشد.

ج - «داده پیام» موضوع ارجاع مورد قبول طرف باشد.

فصل دوم - انتساب «داده پیام»

ماده ۱۸- در موارد زیر «داده پیام» منسوب به اصل ساز است:

الف - اگر توسط اصل ساز و یا به وسیله شخصی ارسال شده باشد که از جانب اصل ساز مجاز به این کار بوده است.

ب - اگر به وسیله سیستم اطلاعاتی برنامه ریزی شده یا تصدی خودکار از جانب اصل ساز ارسال شود.

ماده ۱۹- «داده پیام»ی که براساس یکی از شروط زیر ارسال می شود مخاطب حق دارد آن را ارسال شده محسوب کرده، و مطابق چنین فرضی (ارسال شده) عمل نماید:

الف - قبلاً به وسیله اصل ساز روشی معرفی و یا توافق شده باشد که معلوم کند آیا «داده پیام» همان است که

اصل ساز ارسال کرده است،

ب - «داده پیام» دریافت شده توسط مخاطب از اقدامات شخصی ناشی شده که رابطه اش با اصل ساز، یا

نمایندگان وی باعث شده تا شخص مذکور به روش مورد استفاده اصل ساز دسترسی یافته و «داده پیام» را به مثابه «داده پیام» خود بشناسد.

ماده ۲۰- ماده (۱۹) این قانون شامل مواردی نیست که پیام از اصل ساز صادر نشده باشد و یا به طور اشتباه صادر شده باشد.

ماده ۲۱- هر «داده پیام» یک «داده پیام» مجزا و مستقل محسوب می گردد، مگر آن که معلوم باشد که آن «داده پیام» نسخه مجددی از «داده پیام» اولیه است.

فصل سوم - تصدیق دریافت

ماده ۲۲- هرگاه قبل یا به هنگام ارسال «داده پیام» اصل ساز از مخاطب بخواهد یا توافق کنند که دریافت «داده

پیام» تصدیق شود، اگر به شکل یا روش تصدیق توافق نشده باشد، هر نوع ارتباط خودکار یا مکاتبه یا اتخاذ هر نوع

تدبیر مناسب از سوی مخاطب که اصل ساز را به نحو معقول از دریافت «داده پیام» مطمئن کند تصدیق دریافت

«داده پیام» محسوب می گردد.

ماده ۲۳- اگر اصل ساز به طور صریح هرگونه اثر حقوقی «داده پیام» را مشروط به تصدیق دریافت «داده پیام» کرده

باشد، «داده پیام» ارسال نشده تلقی می شود، مگر آن که تصدیق آن دریافت شود.

ماده ۲۴- اماره دریافت «داده پیام» راجع به محتوای «داده پیام» صادق نیست.

ماده ۲۵- هنگامی که در تصدیق قید می شود «داده پیام» مطابق با الزامات فنی استاندارد یا روش مورد توافق طرفین

دریافت شده، فرض بر این است که آن الزامات رعایت شده اند.

فصل چهارم - زمان و مکان ارسال و دریافت «داده پیام»

ماده ۲۶- ارسال «داده پیام» زمانی تحقق می یابد که به یک سیستم اطلاعاتی خارج از کنترل اصل ساز یا قائم مقام وی وارد شود.

ماده ۲۷- زمان دریافت «داده پیام» مطابق شرایط زیر خواهد بود:

الف - اگر سیستم اطلاعاتی مخاطب برای دریافت «داده پیام» معین شده باشد دریافت، زمانی محقق می شود که:

۱- «داده پیام» به سیستم اطلاعاتی معین شده وارد شود؛

یا

۲- چنانچه «داده پیام» به سیستم اطلاعاتی مخاطب غیر از سیستمی که منحصرًا برای این کار معین شده وارد شود «داده پیام» بازیافت شود.

ب - اگر مخاطب، یک سیستم اطلاعاتی برای دریافت معین نکرده باشد، دریافت زمانی محقق می شود که «داده پیام» وارد سیستم اطلاعاتی مخاطب شود.

ماده ۲۸- مفاد ماده (۲۷) این قانون بدون توجه به محل استقرار سیستم اطلاعاتی جاری است.

ماده ۲۹- اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت «داده پیام» مختلف باشد مطابق قاعده زیر عمل می شود:

الف - محل تجاری، یا کاری اصل ساز محل ارسال «داده پیام» است و محل تجاری یا کاری مخاطب محل دریافت «داده پیام» است مگر آن که خلاف آن توافق شده باشد.

ب - اگر اصل ساز بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد، نزدیکترین محل به اصل معامله، محل تجاری یا کاری خواهد بود در غیر این صورت محل اصلی شرکت، محل تجاری یا کاری است.

ج - اگر اصل ساز یا مخاطب فاقد محل تجاری یا کاری باشند، اقامتگاه قانونی آنان ملاک خواهد بود.

ماده ۳۰ - آثار حقوقی پس از انتساب، دریافت تصدیق و زمان و مکان ارسال و دریافت «داده پیام» موضوع فصول دوم تا چهارم مبحث چهارم این قانون و همچنین محتوی «داده پیام» تابع قواعد عمومی است.

باب دوم - دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی (Certification Service Provider)

ماده ۳۱- دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهائی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تاسیس می شوند. این خدمات شامل تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تایید، ابطال و به روز نگه‌داری گواهی های اصالت (امضای) الکترونیکی می باشد.

ماده ۳۲- آیین نامه و ضوابط نظام تاسیس و شرح وظایف این دفاتر توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه های بازرگانی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی و دادگستری تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

باب سوم - در قواعد مختلف

مبحث اول - حمایت های انحصاری در بستر مبادلات الکترونیکی

فصل اول - حمایت از مصرف کننده (Consumer Protection)

ماده ۳۳- فروشندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمان مناسبی قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند. حداقل اطلاعات لازم، شامل موارد زیر می باشد:

الف - مشخصات فنی و ویژگیهای کاربردی کالا و یا خدمات.

ب - هویت تامین کننده، نام تجاری که تحت آن نام به فعالیت مشغول می باشد و نشانی وی.

ج - آدرس پست الکترونیکی، شماره تلفن و یا هر روشی که مشتری در صورت نیاز بایستی از آن طریق با فروشنده ارتباط برقرار کند.

د - کلیه هزینه هائی که برای خرید کالا بر عهده مشتری خواهد بود (از جمله قیمت کالا و یا خدمات، میزانیات، هزینه حمل، هزینه تماس).

ه - مدت زمانی که پیشنهاد ارائه شده معتبر می باشد.

و - شرایط و فرایند عقد از جمله ترتیب و نحوه پرداخت، تحویل و یا اجرا، فسخ، ارجاع، خدمات پس از فروش.

ماده ۳۴ - تامین کننده باید به طور جداگانه ضمن تایید اطلاعات مقدماتی، اطلاعات زیر را ارسال نماید:

الف - آدرس محل تجاری یا کاری تامین کننده برای شکایت احتمالی.

ب - اطلاعات راجع به ضمانت و پشتیبانی پس از فروش.

ج - شرایط و فراگرد فسخ معامله به موجب مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون.

د - شرایط فسخ در قراردادهای انجام خدمات.

ماده ۳۵ - اطلاعات اعلامی و تاییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و بر اساس لزوم حسن نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود.

ماده ۳۶ - در صورت استفاده از ارتباط صوتی، هویت تامین کننده و قصد وی از ایجاد تماس با مصرف کننده باید به طور روشن و صریح در شروع هر مکالمه بیان شود.

ماده ۳۷ - در هر معامله از راه دور مصرف کننده باید حداقل هفت روز کاری، وقت برای انصراف (حق انصراف) از قبول خود بدون تحمل جریمه و یا ارائه دلیل داشته باشد. تنها هزینه تحمیلی بر مصرف کننده هزینه بازپس فرستادن کالا خواهد بود.

ماده ۳۸ - شروع اعمال حق انصراف به ترتیب زیر خواهد بود:

الف - در صورت فروش کالا، از تاریخ تسلیم کالا به مصرف کننده و در صورت فروش خدمات، از روز انعقاد.

ب - در هر حال آغاز اعمال حق انصراف مصرف کننده پس از ارائه اطلاعاتی خواهد بود که تامین کننده طبق مواد (۳۳) و (۳۴) این قانون موظف به ارائه آن است.

ج - به محض استفاده مصرف کننده از حق انصراف، تامین کننده مکلف است بدون مطالبه هیچ گونه وجهی عین مبلغ دریافتی را در اسرع وقت به مصرف کننده مسترد نماید.

د - حق انصراف مصرف کننده در مواردی که شرایط خاصی بر نوع کالا و خدمات حاکم است اجرا نخواهد شد. موارد آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.

ماده ۳۹ - در صورتی که تامین کننده در حین معامله به دلیل عدم موجودی کالا و یا عدم امکان اجرای خدمات، نتواند تعهدات خود را انجام دهد، باید مبلغ دریافتی را فوراً به مخاطب برگرداند، مگر در بیع کلی و تعهداتی که برای همیشه وفای به تعهد غیرممکن نباشد و مخاطب آماده صبر کردن تا امکان تحویل کالا و یا ایفای تعهد باشد. در صورتی که معلوم شود تامین کننده از ابتدا عدم امکان ایفای تعهد خود را می دانسته، علاوه بر لزوم استرداد مبلغ دریافتی، به حداکثر مجازات مقرر در این قانون نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۴۰ - تامین کننده می تواند کالا یا خدمات مشابه آنچه را که به مصرف کننده وعده کرده تحویل یا ارائه نماید مشروط بر آن که قبل از معامله یا در حین انجام معامله آن را اعلام کرده باشد.

ماده ۴۱- در صورتی که تامین کننده، کالا یا خدمات دیگری غیر از موضوع معامله یا تعهد را برای مخاطب ارسال نماید، کالا و یا خدمات ارجاع داده می شود و هزینه ارجاع به عهده تامین کننده است. کالا یا خدمات ارسالی مذکور چنانچه به عنوان یک معامله یا تعهد دیگر از سوی تامین کننده مورد ایجاب قرار گیرد، مخاطب می تواند آن را قبول کند.

ماده ۴۲- حمایت های این فصل در موارد زیر اجرا نخواهد شد:

الف - خدمات مالی که فهرست آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.

ب - معاملات راجع به فروش اموال غیرمنقول و یا حقوق مالکیت ناشی از اموال غیرمنقول به جز اجاره.

ج - خرید از ماشین های فروش مستقیم کالا و خدمات.

د - معاملاتی که با استفاده از تلفن عمومی (همگانی) انجام می شود.

ه - معاملات راجع به حراجی ها.

ماده ۴۳- تامین کننده نباید سکوت مصرف کننده را حمل بر رضایت وی کند.

ماده ۴۴- در موارد اختلاف و یا تردید مراجع قضائی رسیدگی خواهند کرد.

ماده ۴۵- اجرای حقوق مصرف کننده به موجب این قانون نباید بر اساس سایر قوانین که حمایت ضعیف تری اعمال می کنند متوقف شود.

ماده ۴۶- استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف کننده، موثر نیست.

ماده ۴۷- در معاملات از راه دور آن بخش از موضوع معامله که به روشی غیر از وسائل ارتباط از راه دور انجام می شود مشمول مقررات این قانون نخواهد بود.

ماده ۴۸- سازمانهای قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف کننده می توانند به عنوان شاکی اقامه دعوی نمایند. ترتیب آن به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران می باشد.

ماده ۴۹- حقوق مصرف کننده در زمان استفاده از وسایل پرداخت الکترونیکی به موجب قوانین و مقرراتی است که توسط مراجع قانونی ذی ربط تصویب شده و یا خواهد شد.

فصل دوم - در قواعد تبلیغ - (Marketing)

ماده ۵۰ - تامین کنندگان در تبلیغ کالا و خدمات خود نباید مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که سبب مشتبه شدن و یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود.

ماده ۵۱ - تامین کنندگانی که برای فروش کالا و خدمات خود تبلیغ می کنند نباید سلامتی افراد را به خطر اندازند.

ماده ۵۲ - تامین کننده باید به نحوی تبلیغ کند که مصرف کننده به طور دقیق، صحیح و روشن اطلاعات مربوط به کالا و خدمات را درک کند.

ماده ۵۳ - در تبلیغات و بازاریابی باید هویت شخص یا بنگاهی که تبلیغات به نفع اوست روشن و صریح باشد.

ماده ۵۴ - تامین کنندگان نباید از خصوصیات ویژه معاملات به روش الکترونیکی جهت مخفی نمودن حقایق مربوط به هویت یا محل کسب خود سوءاستفاده کنند.

ماده ۵۵ - تامین کنندگان باید تمهیداتی را برای مصرف کنندگان در نظر بگیرند تا آنان راجع به دریافت تبلیغات به نشانی پستی و یا پست الکترونیکی خود تصمیم بگیرند.

ماده ۵۶ - تامین کنندگان در تبلیغات باید مطابق با رویه حرفه ای عمل نمایند. ضوابط آن به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.

ماده ۵۷ - تبلیغ و بازاریابی برای کودکان و نوجوانان زیر سن قانونی به موجب آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.

فصل سوم - حمایت از «داده پیام» های شخصی (حمایت از داده - Protection Data)

ماده ۵۸ - ذخیره، پردازش و یا توزیع «داده پیام» های شخصی مبین ریشه های قومی یا نژادی، دیدگاههای عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و «داده پیام» های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است.

ماده ۵۹ - در صورت رضایت شخص موضوع «داده پیام» نیز به شرط آنکه محتوای داده پیام وفق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشد ذخیره، پردازش و توزیع «داده پیام» های شخصی در بستر مبادلات الکترونیکی باید با لحاظ شرایط زیر صورت پذیرد:

- الف - اهداف آن مشخص بوده و به طور واضح شرح داده شده باشند.
- ب - «داده پیام» باید تنها به اندازه ضرورت و متناسب با اهدافی که در هنگام جمع آوری برای شخص موضوع «داده پیام» شرح داده شده جمع آوری گردد و تنها برای اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار گیرد.
- ج - «داده پیام» باید صحیح و روزآمد باشد.
- د - شخص موضوع «داده پیام» باید به پرونده های رایانه ای حاوی «داده پیام» های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته و بتواند «داده پیام» های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند.
- ه - شخص موضوع «داده پیام» باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پرونده رایانه ای «داده پیام» های شخصی مربوط به خود را بنماید.
- ماده ۶۰ - ذخیره، پردازش و یا توزیع «داده پیام» های مربوط به سوابق پزشکی و بهداشتی تابع آیین نامه ای است که در ماده (۷۹) این قانون خواهد آمد.
- ماده ۶۱ - سایر موارد راجع به دسترسی موضوع «داده پیام»، از قبیل استثنائات، افشای آن برای اشخاص ثالث، اعتراض، فراگردهای ایمنی، نهادهای مسوول دیدبانی و کنترل جریان «داده پیام» های شخصی به موجب مواد مندرج در باب چهارم این قانون و آیین نامه مربوطه خواهد بود.

مبحث دوم - حفاظت از «داده پیام» در بستر مبادلات الکترونیکی

فصل اول - حمایت از حقوق مولف (Author,s Right/ Copyright) در بستر مبادلات الکترونیکی

ماده ۶۲ - حق تکثیر، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) آثار تحت حمایت قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، به صورت «داده پیام» منحصر در اختیار مولف است. کلیه آثار و تالیفاتی که در قالب «داده پیام» می باشند، از جمله اطلاعات، نرم افزارها و برنامه های رایانه ای، ابزار و روشهای رایانه ای و پایگاههای داده و همچنین حمایت از حقوق مالکیت های فکری در بستر مبادلات الکترونیکی شامل حق اختراع، حق طراحی، حق مولف، حقوق مرتبط با حق مولف، حمایت از پایگاههای داده، حمایت از نقشه مدارهای یکپارچه قطعات الکترونیکی (Chips & Integrated Circuits) و حمایت از اسرار تجاری، مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوبت ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷/۴/۱۴ خواهد بود، منوط بر آن که امور مذکور در آن دو قانون موافق مصوبات مجلس شورای اسلامی باشد.

تبصره ۱ - حقوق مرتبط با مالکیت ادبی و هنری (Related Rights) که پیش از این به عنوان حقوق جانبی مالکیت ادبی و هنری (Neighboring Rights) شناخته می شدند شامل حقوق مادی و معنوی برای عناصر دیگری علاوه بر مولف، از جمله حقوق هنرمندان مجری آثار، تولیدکنندگان صفحات صوتی و تصویری و سازمانها و

موسسات ضبط و پخش می باشند که مشمول قوانین مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و ۱۳۵۲/۹/۲۶

مورد اشاره در این ماده می باشند.

تبصره ۲- مدار یکپاچه (Integrated Circuit) یک جزء الکترونیکی با نقشه و منطقی خاص است که عملکرد و کارائی آن قابلیت جایگزینی با تعداد بسیار زیادی از اجزاء الکترونیکی متعارف را داراست. طراحی های نقشه، جانمایی و منطق این مدارها بر اساس قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷/۴/۱۴ مورد حمایت می باشد.

ماده ۶۳- اعمال موقت تکثیر، اجراء و توزیع اثر که جزء لاینفک فراگرد فنی پردازش «داده پیام» در شبکه ها است از شمول مقرر فوق خارج است.

فصل دوم - حمایت از اسرار تجاری (Trade Secrets)

ماده ۶۴- به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و موسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.

ماده ۶۵- اسرار تجاری الکترونیکی «داده پیام»ی است که شامل اطلاعات، فرمولها، الگوها، نرم افزارها و برنامه ها، ابزار و روشها، تکنیک ها و فرایندها، تالیفات منتشرنشده، روشهای انجام تجارت و داد و ستد، فنون، نقشه ها و فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان، طرحهای تجاری و امثال اینها است، که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است.

فصل سوم - حمایت از علائم تجاری (Trade Names)

ماده ۶۶- به منظور حمایت از حقوق مصرف کنندگان و تشویق رقابت های مشروع در بستر مبادلات الکترونیکی استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه (Name Domain) و یا هر نوع نمایش بر خط (Online) علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا و خدمات شود ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.

باب چهارم - جرایم و مجازات ها

مبحث اول - کلاهبرداری کامپیوتری

ماده ۶۷- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوء استفاده و یا استفاده غیرمجاز از «داده پیام»ها، برنامه ها و سیستم های رایانه ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف «داده پیام»، مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال ماخوذه محکوم می شود.

تبصره - شروع به این جرم نیز جرم محسوب و مجازات آن حداقل مجازات مقرر در این ماده می باشد.

مبحث دوم - جعل کامپیوتری

ماده ۶۸- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی، از طریق ورود، تغییر، محو و توقف «داده پیام» و مداخله در پردازش «داده پیام» و سیستم های رایانه ای، و یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی - بدون مجوز امضاءکننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی مجعول و نظایر آن اقدام به جعل «داده پیام»های

دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان «داده پیام»های معتبر استفاده نماید جاعل محسوب و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود.

تبصره - مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات در این ماده می باشد.

مبحث سوم - نقض حقوق انحصاری در بستر مبادلات الکترونیک

فصل اول - نقض حقوق مصرف کننده و قواعد تبلیغ

ماده ۶۹- تامین کننده متخلف از مواد (۳۳)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۶) و (۳۷) این قانون به مجازات از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - تامین کننده متخلف از ماده (۳۷) به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰- تامین کننده متخلف از مواد (۳۹)، (۵۰)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۴) و (۵۵) این قانون به مجازات از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- تامین کننده متخلف از ماده (۵۱) این قانون به حداکثر مجازات در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- تامین کننده متخلف از ماده (۵۵) این قانون به حداقل مجازات در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل دوم - نقض حمایت از «داده پیام»های شخصی / حمایت از داده

ماده ۷۱- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی شرایط مقرر در مواد (۵۸) و (۵۹) این قانون را نقض نماید مجرم محسوب و به یک تا سه سال حبس محکوم می شود.

ماده ۷۲- هرگاه جرایم راجع به «داده پیام»های شخصی توسط دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی و سایر نهادهای مسوول ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده (۷۱) این قانون محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳- اگر به واسطه بی مبالاتی و بی احتیاطی دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی جرایم راجع به «داده پیام»های شخصی روی دهد، مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می شود.

مبحث چهارم - نقض حفاظت از «داده پیام» در بستر مبادلات الکترونیکی

فصل اول - نقض حق مولف

ماده ۷۴- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجرا و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق تصریح شده مولفان را نقض نماید به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

فصل دوم - نقض اسرار تجاری

ماده ۷۵- متخلفین از ماده (۶۴) این قانون و هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه های تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی، با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیرمجاز، اسرار تجاری آنان را برای خود تحصیل نموده و یا برای اشخاص ثالث افشا نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و نیم، و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - نقض علائم تجاری

ماده ۷۶- متخلفان از ماده (۶۶) این قانون به یک تا سه سال حبس و جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد.

فصل چهارم - سایر

ماده ۷۷- سایر جرایم، آیین دادرسی و مقررات مربوط به صلاحیت جزایی و روش های همکاری بین المللی قضایی جزایی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی به موجب قانون خواهد بود.

باب پنجم - جبران خسارت

ماده ۷۸ - هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم موسسات خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی، خسارتی به اشخاص وارد شود، موسسات مزبور مسوول جبران خسارت وارده می باشند مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود.

باب ششم - متفرقه

ماده ۷۹ - وزارت بازرگانی موظف است زمینه های مرتبط با تجارت الکترونیکی را که در اجرای این قانون موثر می باشند شناسائی کرده و با ارائه پیشنهاد و تایید شورای عالی فناوری اطلاعات، خواستار تدوین مقررات مربوطه و آیین نامه های این قانون توسط نهادهای ذی ربط شود. این آیین نامه ها و مقررات پس از تصویب هیات وزیران به مرحله اجرا درخواهند آمد. سایر آیین نامه های مورد اشاره در این قانون به ترتیب ذیل تهیه خواهند شد:

الف - آیین نامه مربوط به مواد (۳۸) و (۴۲) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی، امور اقتصادی و دارائی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ب - آیین نامه مربوط به مواد (۵۶) و (۵۷) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های بازرگانی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ج - آیین نامه مربوط به ماده (۶۰) این قانون به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۸۰ - وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت های تجارت الکترونیکی، با تجمیع واحدهای ذی ربط، مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۸۱ - اصل سازان، مخاطبین، بایگانان، مصرف کنندگان و کلیه کسانی که «داده پیام» در اختیار دارند موظفند «داده پیام» هائی را که تحت مسوولیت خود دارند به طریقی نگهداری نموده و پشتوانه (Back up) تهیه نمایند که در صورت بروز هرگونه خطری برای یک نسخه، نسخه دیگر مصون بماند.

قانون فوق مشتمل بر هشتاد و یک ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هفدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۴ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

قانون صدور چک

ماده ۱: (الحاقی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) انواع چک عبارتند از:

۱. چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر میکنند و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.
۲. چک تایید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید میشود.
۳. چک تضمینشده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین میشود.
۴. چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت میگردد.

ماده ۲: چکهای صادر عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا میشوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازمالاجرا است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل یا به هر دلیل دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد میتواند طبق قوانین و آییننامههای مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهینامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهینامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید.

اجراء ثبت در صورتی دستور اجرا صادر میکند که مطابقت امضای چک به نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشتنویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

تبصره (الحاقی ۱۰، ۳، ۱۳۶۷) مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام) دارنده چک میتواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینههای وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید. در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینههای مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.

ماده ۳: (اصلاحی ۲، ۶، ۱۳۸۲) صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده، به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک، یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

ماده ۳ مکرر: (الحاقی ۲، ۶، ۱۳۸۲) چک فقط در تاریخ مندرج در آن و با پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

ماده ۴: هر گاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید.

در برگ مذکور باید مطابقت امضا صادرکننده چک با نمونه امضا موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود.

بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد.

در برگ مذکور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد.

ماده ۵: در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک، گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت مینماید.

چک مذکور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بیمحل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود.

در مورد ای ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید.

ماده ۶: بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند.

ماده ۷: (اصلاحی ۲، ۶، ۱۳۸۲) هرکس بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد از ششماه تا یکسال حبس محکوم خواهد شد.

ج- چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دستچک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به صدور چکهای بلامحل نموده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره (الحاقی ۲، ۶، ۱۳۸۲) این مجازات شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره ربوی صادر شده، نمیباشد.

ماده ۸ (اصلاحی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) چکهایی که در ایران عهده بانکهای خارج از کشور صادر شده باشند از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹: در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری، وجه چک را نقداً به دارنده آن پرداخته یا به موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید قابل تعقیب کیفری نیست.

در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد.

ماده ۱۰: (اصلاحی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بیمحل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.

ماده ۱۱: جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است.

برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول چک به بانک مراجعه کرده است، بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل او را در پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری

در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بیمحل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید و در صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر میکند و حق شکایت کیفری وی محفوظ خواهد بود.

تبصره: هرگاه بعد از شکایت کیفری، شاکی چک را به دیگری انتقال دهد با حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو دیگری واگذار نماید تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۳۸۲، ۶، ۲) هرگاه قبل از صدور حکم قطعی، شاکی گذشت نماید و یا اینکه متمم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارت مذکور (از تاریخ ارائه چک به بانک) را فراهم کند یا در صندوق دادگستری با اجراء ثبت تودیع نماید مرجع رسیدگی قرار موقوفی صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که دادگاه نسبت به سایر خسارت مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند.

هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید اجرای حکم موقوف میشود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.

تبصره (الحاقی ۱۳۸۲، ۶، ۲) میزان خسارات و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاقی یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶، ۳، ۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد بود.

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۳۸۲، ۶، ۲) در موارد زیر صادرکننده چک قابل تعقیب کیفری نیست:

الف- در صورتی که ثابت شود چک سفید امضا داده شده باشد.

ب- هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج- چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله و یا تعهدی است.

د- هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

هدر صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد.

ماده ۱۴: (اصلاحی ۱۳۷۲، ۸، ۱۱) صادرکننده چک یا ذینفع با قائم مقام قانونی آنها با تصریح به اینکه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگری تحصیل گردیده میتواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستور دهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم مینماید.

دارنده چک میتواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ (اصلاحی ۱۴، ۱۰، ۱۳۷۶) ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده) در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر میشود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) دستور دهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضا مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت میکند.

تبصره ۳ (الحاقی ۱۴، ۱۰، ۱۳۷۶) پرداخت چکهای تضمینشده و مسافرتی را نمیتوان متوقف نمود مگر آنکه بانک صادرکننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده ۱۴ محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۵: دارنده چک میتواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید.

ماده ۱۶: رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی، فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

ماده ۱۷: وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر خلاف این امر ثابت گردد.

ماده ۱۸: (اصلاحی ۲، ۶، ۱۳۸۲) مرجع رسیدگیکننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آییندادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۷۸، ۶، ۲۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تامین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ مینماید.

ماده ۱۹: در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب امضا متضامنا مسول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو نفر صادر میشود. به علاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است، که در اینصورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسول خواهد بود.

ماده ۲۰: مسولیت مدنی پشتنویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱: (اصلاحی ۱۲، ۸، ۱۳۷۲) بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یکبار چک بیمحل صادر کرده و تعقیب آنها منجر به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننمایند.

مسولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نمودهاند به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد.

تبصره ۲ (الحاقی ۱۱، ۸، ۱۳۷۲) ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت افراد از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آییننامههای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیات دولت میرسد.

مادہ ۲۲: (اصلاحی ۱۳۸۲،۶،۲) در صورتی کہ بہ متہم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متہم در بانک محالعلیہ اقامتگاہ قانونی او محسوب میشود و ہرگونہ ابلاغی بہ نشانی مزبور بہ عمل میآید. ہرگاہ متہم حسب مورد بہ نشانی بانکی یا نشانی تعیینشدہ شناختہ نشود با چنین محلی وجود نداشته باشد گواہی مامور بہ منزلہ ابلاغ اوراق تلقی میشود و رسیدگی بہ متہم بدون لزوم احضار متہم وسیلہ مطبوعات ادامہ خواهد یافت.

مادہ ۲۳: قانون چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ میشود.



کانون کارگزاری بورس واورق بھادر

قانون مالیاتهای مستقیم

باب اول - اشخاص مشمول مالیات

ماده ۱: اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات می باشند:

- ۱- کلیه مالکین اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به اموال یا املاک خود واقع در ایران طبق مقررات باب دوم.
- ۲- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می نماید.
- ۳- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که ایران تحصیل می کند.
- ۴- هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از ایران تحصیل می نماید.
- ۵- هر شخص غیر ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به درآمدهایی که در ایران تحصیل می کند و همچنین نسبت به درآمدهایی که بابت واگذاری امتیازات یا سایر حقوق خود و یا دادن تعلیمات و کمک های فنی و یا واگذاری فیلم های سینمایی (که به عنوان بها یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آنها می گردد) از ایران تحصیل می کند.

ماده ۲: اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیاتهای موضوع این قانون نیستند:

- ۱- وزارتخانه ها و موسسات دولتی
 - ۲- دستگاههایی که بودجه آنها وسیله دولت تامین می شود.
 - ۳- شهرداریها
- تبصره ۱- شرکت هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به اشخاص و موسسه های مذکور در بندهای فوق باشد، سهم درآمد یا سود آنها مشمول حکم این ماده نخواهد بود. حکم این تبصره مانع استفاده شرکت های مزبور از فعالیت های مقرر در این قانون، حسب مورد، نیست.
- تبصره ۲- درآمدهای حاصل از فعالیت های اقتصادی از قبیل فعالیتهای صنعتی، معدنی، تجاری، خدماتی و سایر فعالیت های تولیدی برای اشخاص موضوع این ماده، که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل می شود، در هر مورد به طور جداگانه به نرخ مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. مسئولان اداره امور در این گونه موارد نسبت به سهم فعالیت مذکور مکلف به انجام دادن تکالیف مربوط طبق مقررات این قانون خواهند بود. در غیر اینصورت نسبت به پرداخت مالیات متعلق با مودی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.
- تبصره ۳- معافیت مالیاتی این ماده برای مواردی که از طرف حضرت امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می باشند براساس نظر مقام معظم رهبری است.

باب دوم مالیات بر دارائی

فصل اول: مالیات سالانه املاک

ماده ۳ حذف شد.

ماده ۴ حذف شد.

ماده ۵ حذف شد.

ماده ۶ حذف شد.

ماده ۷ حذف شد.

ماده ۸ حذف شد.

ماده ۹ حذف شد.

فصل دوم: مالیات مستغلات مسکونی خالی

ماده ۱۰ حذف شد.

ماده ۱۱ حذف شد.

فصل سوم : مالیات بر اراضی بایر

ماده ۱۲ حذف شد.

ماده ۱۳ حذف شد.

ماده ۱۴ حذف شد.

ماده ۱۵ حذف شد.

ماده ۱۶ حذف شد.

فصل چهارم : مالیات بر ارث

ماده ۱۷- هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند به شرح زیر مشمول مالیات است :

۱- در صورتی که متوفی یا وارث یا هردو ایرانی مقیم باشند نسبت به سهم الارث هریک از وارث از اموال مشمول مالیات بر ارث موضوع ماده ۱۹ این قانون واقع در ایران یا در خارج از ایران به دولت محلی که مال در آن واقع گردیده پرداخت شده است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون .

۲- در صورتی که متوفی و وارث هر دو ایرانی مقیم خارج از ایران باشند سهم الارث هریک از وارث از اموال و حقوقی مالی متوفی که در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون و نسبت به آن قسمت که در خارج از ایران وجود دارد پس از کسر مالیات بر ارثی که از آن بابت به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است به نرخ بیست و پنج درصد .

۳- در مورد اتباع خارجی و سایر موارد نسبت به آن قسمت از اموال و حقوق مالی متوفی که در ایران موجود است کلاً مشمول مالیات به نرخ مذکور در ماده ۲۰ این قانون برای وارث طبقه دوم .
ماده ۱۸- وارث از نظر این قانون به سه طبقه تقسیم می شوند :

۱- وارث طبقه اول که عبارتند از : پدر , مادر , زن , شوهر , اولاد و اولاد اولاد

۲- وارث طبقه دوم که عبارتند از : اجداد, برادر , خواهر و اولاد آنها

۳- وارث طبقه سوم که عبارتند از : عمو, عمه , دایی , خاله و اولاد آنها

ماده ۱۹- اموال مشمول مالیات بر ارث عبارت است از کلیه ماترک متوفی واقع در ایران و یا خارج از ایران اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل وصول و حقوق مالی پس از کسر هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و واجبات مالی و عبادی در حدود قواعد شرعی و دیون محقق متوفی .

تبصره : بدهی که متوفی به وارث خود دارد در صورتی که مستند به مدارک قانونی بوده و اصالت آن مورد تأیید هیئت حل اختلاف مالیاتی قرار نگیرد قابل کسر از ماترک خواهد بود . در مورد مهریه و هفته ایام عده تأیید هیئت مذکور لازم نیست و در مورد وارث طبقه دوم و سوم کسر دیون منوط به آن است که متوفی تا تاریخ فوت خود دارای وارث از طبقه ماقبل حسب مورد بوده است .

ماده ۲۰- نرخ مالیات بر ارث نسبت به سهم الارث به شرح زیر است :

تا مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

طبقه اول ۵٪

طبقه دوم ۱۵٪

طبقه سوم ۳۵٪

تا مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

طبقه اول ۱۵٪

طبقه دوم ۲۵٪

طبقه سوم ۴۵٪

تا مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نسبت به مازاد ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

طبقه اول ۲۵٪

طبقه دوم ۳۵٪

طبقه سوم ۵۵٪

نسبت به مازاد ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

طبقه اول ۳۵٪

طبقه دوم ۴۵٪

طبقه سوم ۶۵٪

از سهم الارث هریک از وراث طبقه اول مبلغ سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به عنوان معافیت کسر و مازاد به نرخ های مذکور مشمول مالیات می باشد . معافیت مذکور برای هریک از وراث طبقه اول که کمتر از بیست سال سن داشته یا محجور یا معلول و یا از کار افتاده باشند مبلغ پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود .

ماده ۲۱- اموالی که جزء ماترک متوفی باشد و تا یک سال پس از قطعیت مالیات و غیر قابل رسیدگی بودن پرونده امر در مراجع مالیاتی طبق قوانین یا احکام خاص مالکیت آنها سلب و یا به موجب گواهی سازمان ذیربط بلاعوض در اختیار وزارتخانه ها ، موسسه های دولتی ، شهرداریها ، نهادهای انقلاب اسلامی یا شرکت هایی که صددرصد (۱۰۰٪) سهام آنها متعلق به دولت باشد قرارگیرد ، از شمول مالیات بر ارث خارج و در صورتی که بابت سلب مالکیت عوضی داده شود ارزش آن عوض یا اموال سلب مالکیت شده هر کدام کمتر است جزء اموال مشمول مالیات بر ارث محسوب و در هر حال چنانچه مالیاتی اضافه پرداخت شده باشد مسترد خواهد شد . حکم این ماده در مواردی که وراث تمام یا قسمتی از اموال را که جزء ماترک باشد بطور رایگان به یکی از اشخاص مذکور در ماده (۲) این قانون واگذار کنند نیز جاری است.

ماده ۲۲- در صورتی که به موجب رای هیئت حل اختلاف مالیاتی مطالبات متوفی غیر قابل وصول تشخیص داده شود ، مطالبات مذکور جزء ماترک منظور نمی شود و اگر مالیات آن قبلا وصول شده باشد مسترد خواهد شد و در صورت وصول احتمالی این گونه مطالبات ورثه ملزم به پرداخت مالیات متعلق خواهند بود . در هر صورت وزارت امور اقتصادی و دارائی از نظر تامین مالیات متعلق می تواند به عنوان ثالث در دعوی مربوط شرکت و یا راسا اقامه دعوی نماید .

ماده ۲۳- حذف شد .

ماده ۲۴- اموال زیر از شمول مالیات این فصل خارج است :

۱ - وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس انداز خدمت و مزایای پایان خدمت ، مطالبات مربوط به خسارت اخراج، بازخرید خدمت و مرخصی استحقاقی استفاده نشده و بیمه های اجتماعی و نیز وجوه پرداختی توسط موسسات بیمه یا بیمه گذاری و یا کارفرما از قبیل بیمه عمر، خسارت فوت و همچنین دیه و مانند آنها حسب مورد که یک جا و یابطور مستمر به ورثه متوفی پرداخت می گردد .

۲ - اموال منقول متعلق به مشمولین بند ۴ ماده ۳۹ قرارداد وین مورخ فروردین ۱۳۴۰ و ماده (۵۱) قرارداد وین مورخ اردیبهشت ماده ۱۳۴۲ و بند (۴) ماده (۳۸) قرارداد وین مورخ اسفند ماه ۱۳۵۳ با رعایت شرایط مقرر در قرارداد مزبور با شرط معامله متقابل .

۳- اموالی که برای سازمانها و موسسه های مذکور در ماده (۲) این قانون مورد وقف یا نذر یا حبس واقع گردد به شرط تأیید سازمانها و موسسه های مذکور .

۴- هشتاد درصد اوراق مشارکت و سپرده های متوفی نزد بانک های ایرانی و شعب آنها در خارج از کشور و موسسه های اعتباری غیر بانکی مجاز ، همچنین پنجاه درصد ارزش سهام متوفی در شرکتهایی که سهام آنها طبق قانون مزبور در بورس پذیرفته شده باشد و چهل درصد ارزش سهام شرکتی متوفی در سایر شرکتهای و نیز چهل درصد ارزش خالص دارائی متوفی در واحدهای تولیدی ، صنعتی ، معدنی و کشاورزی .

ماده ۲۵- وراثت طبقات اول و دوم نسبت به اموال شهدای انقلاب اسلامی مشمول مالیات بر ارث موضوع این فصل نخواهند بود . احراز شهادت برای استفاده از مقررات این ماده منوط به تأیید یکی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و یا بنیاد شهیدانقلاب اسلامی حسب مورد می باشد

ماده ۲۶- وراثت (منفرد یا مجتمعا) یا ولی یا امین یا قیم یا نماینده قانونی آنها مکلف اند ظرف شش ماه از تاریخ فوت متوفی اظهارنامه ای روی نمونه مخصوصی که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می شود حاوی کلیه اقلام ما ترک با تعیین بهای زمان فوت و تصریح مطالبات و بدهی هایی که طبق مقررات این فصل قابل احتساب هستند به ضمیمه مدارک زیر به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم و رسید دریافت دارند .

۱- رونوشت یا تصویر گواهی شده اسناد مربوط به بدهی و مطالبات متوفی

۲- رونوشت یا تصویر گواهی شده کلیه اوراقی که مثبت حق مالکیت متوفی نسبت به اموال و حقوق مالی است .

۳- در صورتی که اظهار نامه از طرف وکیل یا قیم یا ولی داده شود رونوشت یا تصویر گواهی شده وکالت نامه یا قیم نامه.

۴- رونوشت یا تصویر گواهی شده آخرین وصیت نامه متوفی اگر وصیت نامه موجود باشد .

تبصره : تسلیم اظهار نامه با مشخصات مذکور از طرف یکی از وراثت ، سلب تکلیف سایر ورثه می گردد .

ماده ۲۷- اداره امور مالیاتی صلاحیت دار در مورد ارث ، اداره امر مالیاتی است که آخرین اقامتگاه قانونی متوفی در محدوده آن واقع بوده است و اگر متوفی در ایران مقیم نبوده ، اداره امور مالیاتی مربوط در تهران خواهد بود .

تبصره : اقامت از نظر این قانون تابع تعاریف مقرر در قانون مدنی می باشد.

ماده ۲۸- مشمولین مالیات بر ارث مکلف اند مالیات متعلق را براساس اظهارنامه تا سه ماه پس از انقضای مهلت تسلیم اظهار نامه به رسم علی الحساب پرداخت و رسید دریافت دارند .

تبصره : اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است پس از رسیدگی و قطعی شدن مالیات و پرداخت آن مفاصا حساب مالیات را حداکثر ظرف مهلت یک هفته طبق مقررات این قانون صادر و به ذینفع تسلیم نماید .

ماده ۲۹- سازمان امور مالیات کشور مکلف است به منظور اجرای صحیح مقررات مالیات بر ارث ، دفتر مرکزی ارث را در تهران تشکیل دهد . ادارات امور مالیاتی مکلف اند اظهارنامه های دریافتی را ظرف مدت یک هفته پس از دریافت به مذکور ارسال نمایند . دفتر مرکزی ارث اظهار نامه های واصله را ثبت و مهمور ظرف یک ماه جهت اقدامات قانونی بعدی به اداره امور مالیاتی مربوط اعاده خواهد نمود . در صورتی که برای یک متوفی اظهارنامه های متعددی واصل شده باشد ، دفتر مرکزی ارث اظهار نامه های مذکور را به اداره امور مالیاتی که اولین اظهار نامه را به دفتر مزبور فرستاده است ارسال و مراتب را به سایر ادارات امور مالیاتی ذیربط اعلام خواهد نمود.

ماده ۳۰- اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است اظهارنامه مودیان را طبق مقررات این فصل رسیدگی و ارزش اموال را تشخیص و به شرح زیر عمل کند : الف: در صورتی که جمع ارزش اموال مشمول مالیات اظهار شده در اظهار نامه با ارزش تعیین شده همان اموال توسط اداره امور مالیاتی بیش از ۱۵ درصد اختلاف نداشته باشد، اظهار نامه را قطعی تلقی و مراتب را ظرف شش ماه به مؤدی ابلاغ نماید . ب: در صورتی که اختلاف بیش از ۱۵ درصد باشد و همچنین در مواردی که وراثت یا نماینده قانونی آنها و سایر کسانی که طبق مقررات این قانون مکلف به دادن اظهار نامه هستند

از تسلیم اظهار نامه خودداری کنند یا در اظهار نامه قسمتی از اموال را ذکر ننمایند مالیات متعلق را بر طبق مقررات این قانون تشخیص و به مؤدی ابلاغ کند .

تبصره : هرگاه وراثت ظرف مدت یکماه از تاریخ اخطار کتبی اداره امور مالیاتی از ارائه اموال به منظور ارزیابی خودداری نمایند اداره امور مالیاتی نسبت به تعیین بهای اموال راسا اقدام خواهد نمود.

ماده ۳۱-۱ اداره امور مالیاتی مکلف است پس از تسلیم اظهار نامه از طرف وراثت یا نماینده قانونی آنها در صورت درخواست کتبی ظرف مدت یک هفته گواهی نامه متضمن رونوشت مصدق ریز ماترک را که در اظهارنامه نوشته شده صادر و به مودی تسلیم نماید . این گواهی نامه فقط از نظر صدور برگ حصر وراثت معتبر است . رسیدگی به تقاضای حصر وراثت در دادگاهها موقوف به ارائه گواهی نامه مذکور در این ماده خواهد بود و مدیران دفتر دادگاههای صادر کننده تصدیق حصر وراثت موظف اند رونوشت گواهی شده آن را ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور به اداره امور مالیاتی محل بفرستند.

ماده ۳۲- ماخذ ارزیابی املاک اعم از عرصه یا اعیان ، ارزش معاملاتی ملک با رعایت تبصره (۱) ماده (۵۹) این قانون در زمان فوت بوده و ماخذ ارزیابی سایر اموال و حقوق مالی ، ارزش آنها در تاریخ فوت خواهد بود .

تبصره ۱- اثاث البیت محل سکونت از نظر مالیاتی جزء ماترک متوفی محسوب نخواهد شد
تبصره ۲- در مورد ساختمان هائی که با توجه به نوع مصالح یا طرز معماری خاص دارای ارزش فوق العاده هستند ارزش معاملاتی اعیانی ملاک نبوده و اداره امور مالیاتی مکلف است در این مورد و همچنین در ارزیابی جواهر و اشیای نفیس از نظر کارشناس یا کارشناسان و متخصص و متخصصین ذیربط استفاده کند .

تبصره ۳- در مواردی که منفعت مال ، مورد وصیت یا نذر واقع می شود و همچنین در حبس چنانچه پس از انقضای مدت ، اصل مال عاید وراثت شود ارزش مال مورد وصیت و نذر حبس ، به تاریخ حین الفوت مورث با رعایت مسلوب المتفعه بودن آن تقویم و به سهم الارث وراثی که مال عاید آنها می شود اضافه و مشمول مالیات بر ارث خواهد بود .
تبصره ۴- حقوق ناشی از عقود اجاره به شرط تملیک با بانکها نسبت به عرصه و اعیان املاک براساس ارزش معاملاتی حین الفوت متوفی محاسبه خواهد شد .

ماده ۳۳- ماموران کنسولی ایران در خارج از کشور موظف اند ظرف مدت سه ماه از تاریخ اطلاع از وقوع فوت اتباع ایرانی مراتب را ضمن ارسال کلیه اطلاعات در مورد ماترک آنان اعم از منقول یا غیر منقول واقع در کشور محل مأموریت خود ، با تعیین مشخصات و ارزش آنها ، از طریق وزارت امور خارجه به وزارت امور اقتصادی و دارائی اعلام نمایند .

تبصره : آیین نامه اجرائی این ماده ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه های امور اقتصادی و دارائی و امور خارجه تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

ماده ۳۴- بانکها و شرکتهای و موسسات و اشخاصی که اموال از متوفی نزد خود دارند مکلف اند ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از فوت صورت آن اموال اعم از وجوه نقد یا سفته یا جواهر و نیز مقدار سهام شرکت متوفی را تنظیم و به اداره امور مالیاتی محل تسلیم نمایند، همچنین موظف اند در صورت مراجعه اداره امور مالیاتی ، دفاتر و اسناد مورد نیاز را برای رسیدگی در اختیار آنها بگذارند .

ماده ۳۵- ادارات ثبت اسناد و املاک موقعی که مال غیر منقول را به اسم وراثت یا موصی له ثبت می نمایند ، همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعی که می خواهند تقسیم نامه یا هر نوع معامله وراثت راجع به ترک را ثبت کنند ، باید گواهی نامه اداره امور مالیاتی صلاحیت دار را مبنی بر عدم شمول مالیات یا این مالیات متعلق کلا پرداخت یا ترتیب یا تضمین لازم برای پرداخت آن داده شده است مطالبه نمایند و قبل از ارائه این گواهی نامه مجاز به ثبت نیستند .

ماده ۳۶- بانکها و شرکتها و مؤسسات و اشخاصی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر یا سهام یا سهم شرکتها و یا هر نوع مال دیگر از متوفی نزد خود دارند مجاز نخواهند بود آن را به وارث یا وصی حسب مورد تسلیم و یا به نام آنان ثبت نمایند مگر این که گواهی نامه موضوع قسمت اخیر ماده ۳۵ این قانون ارائه گردد .

ماده ۳۷- در صورتی که به موجب احکام دادگاهها براساس حقوق مالی متوفی مالی به ورثه برسد ، مدیران دفتر دادگاهها مکلف اند رونوشت حکم را به اداره امور مالیاتی مربوط ارسال دارند تا در صورتی که قبلا مالیات آن وصول نشده باشد اقدام به مطالبه مالیات گردد. این حکم در مواردی که اسناد و مدارک تازه ای مربوط به دارائی متوفی بدست آید جاری خواهد بود . در صورتی که پس از قطعیت مالیات اسناد و مدارک تازه ای مربوط به بدهی متوفی یا عدم تعلق دارائی به وی ارائه گردد و در محاسبه مالیات موثر باشد پرونده امر جهت صدور رای مقتضی به هیئت حل اختلاف مالیاتی ارسال و طبق رای هیئت اقدام خواهد شد .

ماده ۳۸- اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت منتقل می شود ، در صورتی که از موارد معافیت مذکور در بند ۳ ماده ۲۴ این قانون نباشد و یا مشمول مقررات فصل مالیات بر درآمد اتفاقی نگردد ، به شرح زیر مشمول مالیات است :

الف : در مورد وقف و حبس ، منافع مال هر سال مشمول مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ این قانون خواهد بود .
ب : در نذر و وصیت چنانچه منافع مورد نذر و وصیت باشد ، به شرح بند الف فوق و در صورتی که عین مال مورد نذر و وصیت باشد ، ارزش مال طبق مقررات این فصل تعیین و یک جا به نرخ مقرر برای وراثت طبقه دوم مشمول مالیات خواهد بود .

تبصره ۱: مال مورد وصیت وقتی مشمول مالیات خواهد بود که وصیت یا فوت موصی قطعی شده باشد.
تبصره ۲: اداره امور مالیاتی صلاحیت دارد در مورد وقف و حبس و نذر و وصیت اداره امور مالیاتی است که محل اقامت متوفی یا حبس و نذر کننده یا موصی در محدوده آن واقع است و در صورتی که افراد مذکور مقیم ایران نباشد اداره امور مالیاتی ، مربوط در تهران خواهد بود .

تبصره ۳: دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت اسناد و محاکم دادگستری و سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و اداره سرپرستی صغار و محجورین و همچنین بانکها و سایر موسسات مجاز نخواهند بود به مفاد وصیت نامه ای ترتیب اثر دهند مگر این که گواهی نامه اداره امور مالیاتی صلاحیت مبنی براین که وصیت نامه مذکور از طرف وصی یا وراثت به اداره مالیاتی صلاحیت دار تسلیم شده است ارائه گردد .

ماده ۳۹- در مورد وقف ، متولی و در مورد حبس و نذر، حبس و نذر کننده و در مورد وصیت ، وصی مکلف اند حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی ، حسب مورد ، اظهار نامه ای روی نمونه ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می شود حاوی مشخصات و ارزش مال مورد وقف و حبس یا نذر یا وصیت به انضمام اسناد مربوطه به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم و رسید دریافت دارند و همچنین در صورتی که مورد از مصادیق بند الف ماده ۳۸ این قانون باشد : مالیات منافع هر سال را تا آخر تیر ماه سال بعد و چنانچه مورد از مصادیق قسمت اخیر بند ب ماده مزبور باشد ، مالیات متعلق را حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهار نامه پرداخت کنند و یا از تسهیلات مذکور در موارد ۴۰ و ۴۱ این قانون استفاده نمایند.

تبصره : در مواردی که موضوع وقف یا حبس یا نذر یا وصیت از مصادیق بند ۳ ماده ۲۴ این قانون و یا مشمول مقررات فصل مالیات بر درآمد اتفاقی باشد متولی ، یا حبس و نذر کننده یا وصی ، حسب مورد ، مکلف اند مشخصات اموال مورد وقف یا حبس و یا نذر یا وصیت و مشخصات ذینفع را روی نمونه ای که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه می شود درج و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ وقوع عقد یا فوت موصی به اداره امور مالیاتی صلاحیت دار تسلیم و رسید دریافت دارند .

ماده ۴۰- در صورتی که مشمولان مالیات این فصل قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات خود نباشد سازمان امور مالیاتی کشور می تواند با اخذ تضمین معتبر قرار تقسیط آن را تا مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن مالیات متعلق بدهد و در صورتی که دادن تضمین تقسیط برای وراث مقدور نباشد می توانند طبق ماده ۴۱ این قانون عمل کنند .

ماده ۴۱- سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در صورتیکه جز ماترک ، وجوه نقد موجود نباشد به تقاضای کتبی وراث معادل مالیاتی متعلق ، مالی را اعم از منقول یا غیر منقول از ماترک با توافق وراث انتخاب و به قیمتی که مبنای محاسبه مالیات بر ارث قرار گرفته است به جای مالیات قبول کند .
تبصره : در صورتی که در اجرای این ماده به جای مالیات قبول شود ، انتقال آن به وزارت امور اقتصادی و دارایی مشمول هیچ گونه مالیاتی نخواهد بود .

ماده ۴۲- در صورتی که جز ماترک متوفی کارخانه یا کارگاه تولیدی یا واحدهای کشاورزی باشد و ارزش سایر اموال متوفی تکافوی مالیات بر ارث متعلق به ماترک را نکند ، پس از وصول مالیات از محل سایر اموال نسبت به مازاد مالیات و همچنین در مواردی که ماترک منحصر به کارخانه یا کارگاه تولیدی یا واحدهای کشاورزی باشد سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است در صورت تقاضای وراث با تقسیط مالیات در مدت مناسبی موافقت نماید .

ماده ۴۳- در صورتی که بانکها و شرکتها و موسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند از اجرای مواد ۳۴ و ۳۶ این قانون تخلف نمایند ، علاوه بر این که تا معادل ارزش مالی که نزد آنها بوده ، با وراث نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق مسئولیت تضامنی دارند ، مشمول جریمه ای معادل پنج درصد قیمت مال نیز خواهند بود . در مورد بانکها و شرکتهای دولتی و موسسات دولتی ، مختلف و شرکا و معان و نان وی در تخلف نیز مسئولیت تضامنی خواهند داشت .

فصل پنجم : حق تمبر

ماده ۴۴- از هر برگ چک که از طرف بانکها چاپ می شود در موقع چاپ دویست ریال حق تمبر اخذ می شود .
ماده ۴۵- از اوراق مشروحه زیر نسبت به مبلغ آنها معادل سه در هزار حق تمبر اخذ می شود : برات ، فته طلب (سفته) و نظایر آنها

تبصره : حق تمبر مقرر در این ماده بابت کمتر از هزار ریال معادل حق تمبر هزار ریال خواهد بود .

ماده ۴۶- از کلیه اسناد تجاری قابل انتقال که در ایران صادر و یا معامله ومورد استفاده قرارداده میشود (به استثنای اوراق مذکور در مواد ۴۵ و ۴۸ این قانون) و اسناد کاشف از حقوق مالکیت نسبت به مال التجاره از قبیل بارنامه هوایی و دریائی و همچنین اوراق بیمه مال التجاره پنج هزار (۵۰۰۰) ریال و بارنامه زمینی وصورت وضعیت مسافری یک هزار ریال حق تمبر دریافت خواهد شد و موسسه های حمل و نقل مسئول تنظیم دقیق بارنامه هستند و باید هویت و نشانی صحیح صاحب کالا و سایر اطلاعات مربوط را در آن درج نمایند و نسخ کافی اوراق مذکور را حداقل تا پنج سال از تاریخ صدور نگاهداری کنند .

تبصره : از اوراق و مدارک زیر به شرح مقرر در این تبصره حق تمبر اخذ می شود :

- ۱ - از کارت معافیت هریک از مشمولان که به انحصار مختلف از انجام دادن خدمت وظیفه معاف می شوند ، بابت صدور کارت معافیت مذکور ، مبلغ ده هزار ریال
- ۲ - از هر گونه گواهینامه رانندگی بین المللی مبلغ پنجاه هزار ریال
- ۳ - از هر پلاک ترانزیت انواع خودرو و همچنین از شماره گذاری هر وسیله نقلیه که بصورت موقت وارد کشور می شود مبلغ دویست هزار ریال
- ۴ - از گواهینامه رانندگی انواع خودرو به ازای هر سال به مدت اعتبار مبلغ یک هزارریال

- ۵ - از کارنامه و گواهینامه دانش آموزان دوره ابتدائی ، راهنمائی و متوسطه مبلغ یک هزار ریال
 - ۶ - از دانشنامه و گواهی دانشنامه کاردانی ، کارشناسی ، کارشناسی ارشد ، دکترا و بالاتر مبلغ ده هزار ریال
 - ۷ - از گواهی ارزش تحصیلی دوره های ابتدائی ، راهنمائی و متوسطه خارجی مبلغ بیست هزار ریال
 - ۸ - از گواهی ارزش تحصیلی دوره های فنی و حرفه ای و دانشگاهی خارجی مبلغ پنجاه هزار ریال
 - ۹ - از پروانه مامائی یا مدرک تحصیلی دوره کاردانی و دندانپزشکی تجربی مبلغ بیست هزار ریال
 - ۱۰ - از پروانه مشاغل پزشکی ، دندانپزشکی ، پیراپزشکی ، دامپزشکی و دارو سازی مبلغ یکصد هزار ریال
 - ۱۱ - از جواز تاسیس ، کارت شناسائی واحدهای تولیدی و معدنی ، کارت بازرگانی ، پروانه وکالت و کارشناسی و سایر پروانه های کسب و کار ، بابت صدور مبلغ یکصد هزار ریال و بابت تجدید آنها مبلغ پنجاه هزار ریال
- ماده ۴۷- از کلیه قراردادهای و اسناد مشابه آنها به شرح زیر که بین بانکها و مشتریان آنها مبادله یا از طرف مشتریان تعهد می شود، در صورتی که در دفاتر اسناد رسمی ثبت نشود ، معادل ده هزار ریال حق تمیر اخذ می شود :
- ۱ - برگ قبول شرایط عمومی حساب جاری
 - ۲ - قرارداد وام یا اعطای تسهیلات از هر نوع که باشد و نیز اوراق و فرم های تعهد آوری که بانکها به نام های مختلف در موقع انجام معاملات به امضای مشتریان خود می رساند.
 - ۳ - قراردادهای انواع سپرده های سرمایه گذاری
 - ۴ - وکالت نامه های بانکی که در دفتر بانک تنظیم می شود و مشتریان حق امضای خود را به دیگری واگذار می نمایند .
 - ۵ - قراردادهای دیگری که بین بانکها و مشتریان منعقد می شود و طرفین تعهدات و مسئولیت هایی را به عهده می گیرند و به امور مذکور در این ماده مرتبط می شود :
 - ۶ - ضمانت نامه های صادره از طرف بانکها
 - ۷ - تقاضای صدور ضمانت نامه در صورتی که تقاضا از طرف بانک قبول شده و ضمانت نامه صادر گردد .
 - ۸ - تقاضای گشایش اعتبار اسنادی برای داخله ایران یا برای کشورهای خارج در صورتی که تقاضا از طرف بانک قبول شده و اعتبار اسنادی گشایش یابد.
- ماده ۴۸- سهام و سهم الشرکه کلیه شرکتهای ایرانی موضوع قانون تجارت به استثنای شرکت های تعاونی براساس ارزش اسمی سهام یا سهم الشرکه به قرار دو در هزار مشمول حق تمبر خواهد بود. کسور صد ریال هم صد ریال محسوب میشود.
- تبصره : حق تمبر سهام و سهم الشرکه شرکتها باید ظرف دو ماه از تاریخ ثبت قانونی شرکت و درمورد افزایش سرمایه و سهام اضافی از تاریخ ثبت افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکتها از طریق ابطال تمبر پرداخت می شود . افزایش سرمایه در مورد شرکتها هایی که قبلاً " سرمایه خود را کاهش داده اند تا میزانی که حق تمبر آن پرداخت شده است مشمول حق تمیر مجدد نخواهد بود.
- ماده ۴۹- در صورتی که اسناد مشمول حق تمبر موضوع مواد ۴۵، ۴۶، ۴۷ و ۴۸ این قانون در ایران صادر شده باشد صادر کنندگان باید تمبر مقرر را بر روی آنها الصاق و ابطال نمایند و هر گاه اسناد مذکور در خارج از کشور صادر شده باشد اولین شخصی که اسناد مزبور را متصرف می شود باید قبل از هر نوع امضا اعم از ظهر نویسی یا معامله یا قبولی یا پرداخت به ترتیب فوق عمل نماید و در هر صورت یا تادیه می نمایند متضامناً مشمول پرداخت حقوق مقرر خواهند بود.
- ماده ۵۰- وزارت امور اقتصادی و دارائی مجاز است سفته و برات و بارنامه و اوراق دیگر مشمول حق تمبر را چاپ و در دسترس متقاضیان بگذارد . وزارت امور اقتصادی و دارائی می تواند در مواردی که مقتضی بداند به جای الصاق و ابطال تمبر به دریافت حق تمبر در قبال صدور قبض مالیات اکتفا نماید .

ماده ۵۱- در صورت تخلف از مقررات این فصل، متخلف علاوه بر اصل حق تمبر، معادل دو برابر آن جریمه خواهد شد.

باب سوم - مالیات بردرآمد

فصل اول: مالیات بردرآمد املاک

ماده ۵۲- درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات بردرآمد املاک می باشد.

ماده ۵۳: درآمد مشمول مالیات املاکی که به اجاره واگذار می گردد عبارت است از کل مال الاجاره، اعم از نقدی و غیرنقدی، پس از کسر بیست و پنج درصد بابت هزینه ها و استهلاکات و تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره. درآمد مشمول مالیات در مورد اجاره دست اول املاک مورد وقف یا حبس براساس این ماده محاسبه خواهد شد. در رهن تصرف، راهن طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود. هرگاه موجر مالک نباشد، درآمد مشمول مالیات وی عبارت است از مابه التفاوت اجاره دریافتی و پرداختی بابت ملک مورد اجاره. حکم این ماده در مورد خانه های سازمانی متعلق به اشخاص حقوقی در صورتی که مالیات آنها طبق دفاترقانونی تشخیص شود جاری نخواهد بود.

تبصره ۱: محل سکونت پدر یا مادر یا همسر یا فرزند یا اجداد و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک اجاری تلقی نمی شود مگر این که به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می شود. در صورتی که چند واحد مسکونی محل سکونت مالک و یا افراد مزبور باشد یک واحد برای سکونت مالک و یک واحد مسکونی برای هر یک از افراد مذکور به انتخاب مالک از شمول مالیات موضوع این بخش خارج خواهد بود.

تبصره ۲: املاکی که مجاناً در اختیار سازمانها و مؤسسات موضوع ماده ۲ این قانون قرار می گیرد غیر اجاری تلقی می شود.

تبصره ۳: از نظر مالیات بردرآمد اجاره املاک هر واحد آپارتمان یک مستقل محسوب می شود.

تبصره ۴: در مورد املاکی که با اثاثه یا ماشین آلات به اجاره واگذار می شود، درآمد ناشی از اجاره اثاثه و ماشین آلات نیز جزء درآمد ملک محسوب و مشمول مالیات این فصل می شود.

تبصره ۵: مستحدثاتی که طبق قرارداد از طرف مستأجر در عین مستأجره به نفع موجر ایجاد می شود، براساس ارزش معاملاتی روز تحویل مستحدثه به موجر تقویم و پنجاه درصد آن جزء درآمد مشمول مالیات اجاره سال تحویل محسوب میگرد.

تبصره ۶: هزینه هایی که به موجب قانون یا قرارداد به عهده مالک است و از طرف مستأجر انجام می شود و همچنین مخارجی که به موجب قرارداد انجام آن از طرف مستأجر تقبل شده در صورتی که عرفاً به عهده مالک باشد، به بهای روز انجام هزینه اضافه می شود.

تبصره ۷: در صورتی که مالک اعیان احداث شده در عرصه استیجاری ملک را کلاً یا جزئاً به اجاره واگذار نماید، مبلغ اجاره پرداختی بابت عرصه به نسبت مورد اجاره از مال الاجاره دریافتی کسر و مازاد طبق مقررات صدر این ماده مشمول مالیات خواهد بود.

تبصره ۸: در صورتی که مالک محل سکونت خود را بفروشد و در سند انتقال بدون اجاره بها مهلتی برای تخلیه ملک داده شود، در مدتی که محل سکونت انتقال دهنده می باشد تا شش ماه و در بیع شرط مادام که طبق شرایط معامله مبیع در اختیار بایع شرطی است، اجاری تلقی نمی شود، مگر این که به موجب اسناد و مدارک ثابت گردد که اجاره پرداخت می شود.

تبصره ۹: وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و دستگاههایی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها به وسیله دولت تأمین می شود، نهادهای انقلاب اسلامی، شهرداریها و شرکتهای و مؤسسات وابسته به آنها و همچنین سایر اشخاص حقوقی مکلف اند مالیات موضوع این فصل را از مال الاجاره هایی که پرداخت می کنند کسر و ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک پرداخت و رسید آن را به موجر تسلیم نمایند.

تبصره ۱۰: واحدهای مسکونی متعلق به شرکتهای سازنده مسکن که قبل از انتقال قطعی و

طبق اسناد و مدارک مثبت به موجب قرارداد واگذار می گردد مادام که در تصرف خریدار می باشد، در مدت مذکور اجاری تلقی نمی شود و از لحاظ مالیاتی با خریدار مانند مالک رفتار خواهد شد مشروط بر این که مالیات نقل و انتقال قطعی موضوع ماده (۵۹) این قانون به مأخذ تاریخ تصرف پرداخت شده باشد.

تبصره ۱۱: مالکان مجتمع های مسکونی دارای بیش از سه واحد استیجاری که با رعایت الگوی مصرف مسکن بنا به اعلام وزارت مسکن و شهرسازی ساخته شده یا می شوند در طول مدت اجاره از صددرصد (۱۰۰٪) مالیات بردرآمد املاک اجاری معاف می باشد در غیر این صورت درآمد هر شخص ناشی از اجاره واحد یا واحدهای مسکونی در تهران تا مجموع یکصد و پنجاه مترمربع زیربنای مفید و در سایر نقاط تا مجموع دویست مترمربع زیربنای مفید از مالیات بردرآمد ناشی از اجاره املاک معاف می باشد.

ماده ۵۴: مال الاجاره از روی سند رسمی تعیین می شود و در صورتی که اجاره نامه رسمی وجود نداشته باشد یا از تسلیم سند یا رونوشت آن خودداری گردد و یا موجر علاوه بر اجاره بها وجهی به عنوان ودیعه یا هر عنوان دیگر از مستأجر دریافت نموده باشد، میزان اجاره بها براساس املاک مشابه تعیین خواهد شد. چنانچه بعدا اسناد و مدارک مثبت به دست آید که معلوم شود اجاره ملک بیش از مبلغی است که مأخذ تشخیص درآمد مشمول مالیات قرار گرفته، مالیات مابه التفاوت طبق مقررات این قانون قابل مطالبه خواهد بود.

تبصره ۱: ارزش اجاری مستغلات در مواردی که باید براساس اجاره بهای املاک مشابه تقویم گردد به وسیله اداره امور مالیاتی که ملک در محدوده آن واقع است تعیین خواهد شد.

تبصره ۲: از ابتدای سال ۱۳۸۲، مأخذ محاسبه درآمد مشمول مالیات اجاره املاک، ارزش اجاری خواهد بود که توسط کمیسیون تقویم املاک موضوع ماده (۶۴) این قانون برای محدوده شهرها و روستاها و براساس هر مترمربع تعیین خواهد شد.

ماده ۵۵: هرگاه مالک خانه یا آپارتمان مسکونی، آن را به اجاره واگذار نماید و خود محل دیگری برای سکونت خویش اجاره نماید یا از خانه سازمانی که کارفرما در اختیار او می گذارد استفاده کند در احتساب درآمد مشمول مالیات این فصل میزان مال الاجاره ای که به موجب سند رسمی یا قرارداد می پردازد یا توسط کارفرما از حقوق وی کسر و یا برای محاسبه مالیات حقوق تقویم می گردد از کل مال الاجاره دریافتی او کسر خواهد شد.

ماده ۵۷: در مورد شخص حقیقی که هیچ گونه درآمدی ندارد تا میزان معافیت مالیاتی درآمد حقوق موضوع ماده (۸۴) این قانون از درآمد مشمول مالیات سالانه مستغلات از مالیات معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات می باشد. مشمولان این ماده باید اظهارنامه مخصوصی طبق نمونه ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم و اعلام نمایند که هیچ گونه درآمد دیگری ندارد. اداره امور مالیاتی مربوط باید خلاصه مندرجات اظهارنامه مودی را به اداره امور مالیاتی محل سکونت مودی ارسال دارد و در صورتی که ثابت شود اظهارنامه مودی خلاف واقع است مالیات متعلق به اضافه یک برابر آن به عنوان جریمه وصول خواهد شد. در اجرای حکم این ماده حقوق بازنشستگی و وظیفه دریافتی و جوایز و سود ناشی از سپرده های بانکی درآمد تلقی نخواهد شد.

تبصره ۱: حکم این ماده در مورد فرزندان صغیری که تحت ولایت پدر باشند جاری نخواهد بود.
 تبصره ۲: در صورتی که سایر درآمدهای مشمول مالیات ماهانه مودی کمتر از مبلغ مذکور در این ماده باشد، آن مقدار از درآمد مشمول مالیات اجاره املاک که با سایر درآمدهای مودی بالغ بر مبلغ فوق باشد معاف و مازاد طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۵۸: حذف شد.

ماده ۵۹: نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ پنج درصد (۵٪) و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ دو درصد (۲٪) در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق مشمول مالیات می باشد.

تبصره ۱: چنانچه برای مورد معامله ارزش معاملاتی تعیین نشده باشد، ارزش معاملاتی نزدیکترین محل مشابه مبنای محاسبه مالیات خواهد بود.

تبصره ۲: حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از حق کسب یا پیشه حق تصرف محل یا حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل.

ماده ۶۰: حذف شد.

ماده ۶۱: در مواردی که انتقال ملک در دفاتر اسناد رسمی انجام نمی شود نیز ارزش معاملاتی ملک طبق مقررات این فصل در محاسبه مالیات ملاک عمل خواهد بود و به طور کلی برای املاکی که ارزش معاملاتی آنها تعیین نشده ارزش معاملاتی نزدیکترین محل مشابه مناط اعتبار می باشد.

ماده ۶۲: حذف شد.

ماده ۶۳: نقل و انتقال قطعی املاکی که به صورتی غیر از عقد بیع انجام می شود به استثنای نقل و انتقال بلاعوض که طبق مقررات مربوط مشمول مالیات است مشمول مالیات نقل و انتقال قطعی املاک برابر مقررات این فصل خواهد بود و چنانچه عوضین، هر دو ملک باشند هر یک از متعاملین به ترتیب فوق مالیات نقل و انتقال قطعی مربوط به ملک واگذاری خود را پرداخت خواهند نمود.

ماده ۶۴: تعیین ارزش معاملاتی املاک به عهده کمیسیون تقویم املاک، متشکل از هفت عضو می باشد که در تهران از نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور و وزارتخانه های مسکن و شهرسازی، جهادکشاورزی و نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر در شهرستانها از مدیران کل یا رؤسای ادارات امور مالیاتی، مسکن و شهرسازی، جهادکشاورزی و ثبت اسناد و املاک به ترتیب در مراکز استانها یا شهرستانها حسب مورد و یا نمایندگان آنها و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر تشکیل و هر سال یک بار نسبت به تعیین ارزش معاملاتی املاک اقدام خواهد نمود. در موارد تقویم املاک واقع در هر بخش و روستاهای تابعه (براساس تقسیمات کشوری) سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک توسط شورای بخش مربوط معرفی خواهند شد. در صورت نبودن شورای شهر یا بخش سه نفر با شرایط مذکور که کارمند دولت نباشند، به معرفی فرماندار یا بخشدار مربوط در کمیسیون شرکت خواهند نمود. کمیسیون تقویم املاک در تهران به دعوت سازمان امور مالیاتی کشور و در شهرستانها به دعوت مدیرکل یا رئیس اداره امور مالیاتی در محل سازمان مزبور یا ادارات تابعه آن تشکیل خواهد شد. جلسات کمیسیون با حضور حداقل پنج نفر که سه نفر آنها عضو دولت باشند رسمیت می یابد و تصمیمات متخذه با رأی موافق چهارنفر معتبر است. کمیسیون مزبور مکلف است:

الف: قیمت اراضی شهری را با توجه به آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده و موقعیت جغرافیایی (شبکه بندی زمین، نوع خاک، خدمات تحت الارضی، آب و هوا و ارتفاع) و وضعیت حقوقی (مشاع بودن، نوع مالکیت از لحاظ جاری بودن یا داشتن دفترچه مالکیت، استیجاری بودن) و خدمات شهری (آب، برق، تلفن، گاز، بهداشت، آموزش و پرورش، شبکه حمل و نقل شهری و سایر خدمات) و میزان مساحت و تراکم جمعیت و تراکم ساخت و موقعیت ملک از لحاظ قرار داشتن در مناطق تجاری و صنعتی و مسکونی و آموزشی و پامختلط و به طور کلی نوع کاربری اراضی و دسترسی ها به فضای سبز و مراکز خرید و کیفیت شوارع از نظر حمل و نقل و عبور و مرور.

ب: قیمت زمینهای کشاورزی و روستایی را علاوه بر رعایت موارد مذکور در بند الف) فوق، فاصله تا شهر، نوع محصول و قیمت آنها، نوع خاک و میزان آب و داشتن قابلیت برای کشت مکانیزه و وضعیت طبیعی زمین و داشتن جاده و نوع جاده و فاصله تا جاده های اصلی و مواردی که مالکین عرصه و اعیان و اشجار باغات متفاوت باشند.

ج : قیمت ساختمان را با توجه به نوع مصالح (اسکلت فلزی یا بتون آرمه یا اسکلت بتونی و سوله و غیره) و قدمت و تراکم و طریقه استفاده از آن (مسکونی ، تجاری ، اداری ، آموزشی ، بهداشتی و خدماتی و غیره) و نوع مالکیت از نظر عرصه و اعیان تعیین نماید . ارزش معاملاتی تعیین شده پس از یک ماه از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک لازم الاجرا می باشد و تا تعیین ارزش معاملاتی جدید معتبر است .
تبصره ۱ : سازمان امور مالیاتی کشور یا ادارات تابعه سازمان مزبور می توانند قبل از اتمام دوره یک ساله ، کمیسیون تقویم املاک را در موارد زیر تشکیل دهند :

۱- برای تعیین ارزش معاملاتی نقاطی که فاقد ارزش معاملاتی است .
۲- برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص سازمان امور مالیاتی کشور با مقایسه با نقاط مشابه هماهنگی ندارد .

۳- برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص سازمان امور مالیاتی کشور با توجه به عوامل ذکر شده در این ماده تغییرات عمده در ارزش تعیین شده به وجود آمده باشد . ارزش معاملاتی تعیین شده حسب این تبصره پس از یک ماه از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک لازم الاجرا بوده و تا تعیین ارزش معاملاتی جدید معتبر خواهد بود .

تبصره ۲ : مادامی که ارزش معاملاتی املاک طبق مقررات این قانون تعیین نشده است آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده معتبر است .

ماده ۶۵ : نقل و انتقال قطعی املاک که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات اراضی به عمل آمده و یا خواهد آمد و واحدهای مسکونی از طرف شرکت های تعاونی مسکن به اعضای آنها مشمول مالیات موضوع این فصل نخواهد بود .
ماده ۶۶ : در صورتی که انتقال گیرنده دولت یا شهرداریها یا موسسات وابسته به آنها بوده و همچنین در مواردی که ملک به وسیله اجرای ثبت و سایر ادارات دولتی به قائم مقامی مالک انتقال داده می شود چنانچه بهای مذکور در سند کمتر از ارزش معاملاتی باشد در محاسبه مالیات موضوع ماده (۵۹) این قانون بهای مذکور در سند به جای ارزش معاملاتی هنگام انتقال حسب مورد ملاک عمل قرار خواهد گرفت .

ماده ۶۷ : فسخ معاملات قطعی املاک بر اساس حکم مراجع قضایی به طور کلی و اقاله یا فسخ معاملات قطعی املاک در سایر موارد تا شش ماه بعد از انجام معامله به عنوان معامله جدید مشمول مالیات موضوع این فصل نخواهد بود .

ماده ۶۸ : املاکی که در اجرای ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب مرداد ماه ۱۳۲۰ و اصلاحات بعدی آن به دولت تملیک می شود از پرداخت مالیات نقل و انتقال قطعی معاف است .

ماده ۶۹ : اولین انتقال قطعی واحدهای مسکونی ارزان و متوسط قیمت که ظرف مدت ده سال از تاریخ تصویب این قانون مطابق ضوابط و قیمت هایی که وزارتخانه های مسکن و شهرسازی و امور اقتصادی و دارایی تعیین می نمایند احداث و حداکثر در مدت یک سال از تاریخ انقضای مهلت اجرای برنامه احداث که حسب مورد توسط وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری محل تعیین می شود منتقل می گردد از پرداخت مالیات بر نقل و انتقال قطعی املاک معاف می باشد .

ماده ۷۰ : هرگونه مال یا جوهی که از طرف وزارتخانه ها و موسسات و شرکت های دولتی یا شهرداریها بابت عین یا حقوق راجع به املاک و اراضی برای ایجاد و یا توسعه مناطق نظامی یا مرافق عامه از قبیل توسعه یا احداث جاده ، راه آهن ، خیابان ، معابر ، لوله کشی آب و نفت و گاز ، حفر نهر و نظایر آنها به مالک یا صاحب حق تعلق می گیرد یا به حساب وی به ودیعه گذاشته می شود از مالیات نقل و انتقال موضوع این فصل معاف خواهد بود . املاکی که طبق قوانین مربوطه در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده یا می رسد در صورت انتقال به سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به کل مالیات نقل و انتقال قطعی متعلق و در سایر موارد که مالکیت در دست اشخاص باقی می ماند نسبت به

۵۰ درصد مالیات مربوط به درآمد موضوع فصل مالیات بردرآمد املاک از معافیت مالیاتی

برخوردار خواهد شد. و همچنین هرگونه وجه یا مالی که از طرف اشخاص مذکور بابت تملک املاک یا حقوق واقع در محدوده طرح های نوسازی، بهسازی و بازسازی محلات قدیمی و بافت های فرسوده شهرها به مالکین یا صاحبان حق تعلق می گیرد از پرداخت مالیات نقل و انتقال معاف است.

ماده ۷۱: زمین هایی که از طریق اسناد عادی معامله گردیده است در موقع تنظیم سند رسمی به نام خریدار قیمت اعیانی احداث شده وسیله نقلیه خریدار در محاسبه منظور نخواهد شد مشروط بر این که موضوع مورد تأیید مراجع ذیصلاح دولتی یا محاکم قضایی یا شهرداری محل که ملک در محدوده آن واقع است حسب موردقرارگرفته باشد

ماده ۷۲: در مواردی که پس از پرداخت مالیات از طرف مودی معامله انجام نشود اداره امور مالیاتی مربوط مکلف است بنا به درخواست مودی و تأیید دفتر اسناد رسمی مربوط، مبنی بر عدم ثبت معامله ظرف پانزده روز از تاریخ اعلام دفتر اسناد رسمی مالیات وصول شده متعلق به معامله انجام نشده را از محل وصولی جاری طبق مقررات این قانون مسترد دارد. حکم این ماده در مورد استرداد مالیات های مربوط به حق واگذاری و درآمد اتفاقی نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷۳: حذف شد.

ماده ۷۴: در مورد املاک با عنوان دستداری یا عناوین دیگر که حسب عرف محل در تصرف شخصی است چنانچه متصرف تمامی حقوق خود نسبت به ملک را به دیگری منتقل نماید مزبور مشمول مالیات نقل و انتقال قطعی املاک برابر مقررات این فصل می باشد. همچنین در مورد درآمد حاصل از واگذاری سایر حقوق مربوط به این نوع املاک متصرف از نظر مالیاتی مانند مالک حسب مورد مشمول مالیات مربوط خواهد بود و در موارد فوق تاریخ تصرف تاریخ تملک متصرف محسوب می گردد.

ماده ۷۵: از نظر مالیاتی مستأجرین املاک اوقافی اعم از این که اعیان مستحده در آن داشته یا نداشته باشند نسبت به عرصه مشمول مقررات این فصل خواهند بود.

تبصره ۱: در محاسبه مالیات این گونه مودیان تاریخ اجاره به جای تاریخ تملک منظور خواهد شد.

تبصره ۲: حکم این ماده در مواردی که ملک توسط مستأجر واگذار می شود مانع اجرای تبصره ۷ ماده ۵۳ این قانون نخواهد بود.

ماده ۷۶: در مواردی که نقل و انتقال موضوع ماده ۵۲ این قانون طبق مقررات این فصل مشمول مالیات به شرح ماده ۵۹ این قانون باشد، وجه دیگری بابت مالیات بردرآمد نقل و انتقال مزبور مطالبه نخواهد شد.

ماده ۷۷: اولین نقل و انتقال قطعی ساختمان های نوساز اعم از مسکونی و غیره که بیش از دو سال از تاریخ صدور گواهی پایان کار آنها نگذشته باشد، علاوه بر مالیات نقل و انتقال قطعی موضوع ماده (۵۹) این قانون مشمول مالیات مقطوع به نرخ ده درصد (۱۰٪) به مأخذ ارزش معاملاتی اعیانی مورد انتقال خواهند بود. اشخاص حقیقی یا حقوقی، مشمول مالیات دیگری از بابت درآمد حاصل از ساخت و فروش موضوع این ماده نخواهند بود.

ماده ۷۸: در مورد واگذاری هر یک از حقوق مذکور در ماده ۵۲ این قانون از طرف مالک عین غیر از مواردی که ضمن مواد ۵۳ تا ۷۷ این قانون ذکر شده است دریافتی مالک به نرخ های مذکور در ماده ۵۹ مأخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت.

ماده ۷۹: حذف شد.

ماده ۸۰: مودیان موضوع این فصل مکلف اند اظهارنامه مالیاتی خود را روی نمونه ای که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و در دسترس آنها قرار می گیرد تنظیم و در مورد حق واگذاری محل و نیز مودیان موضوع ماده ۷۴ این قانون تا سی روز پس از انجام معامله و در سایر موارد تا آخر تیرماه سال بعد به انضمام مدارک مربوط به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم و مالیات متعلق را طبق مقررات پرداخت نمایند.

تبصره ۱: در مواردی که معاملات موضوع ماده ۵۲ این قانون به موجب اسناد رسمی انجام می گیرد، مودی مکلف است قبل از انجام معامله میزان دریافتی و یا درآمد موضوع هر یک از مالیات های مندرج در ماده ۱۸۷ این قانون را به تفکیک به اداره امور مالیاتی ذیربط اعلام دارد. این اعلام، به استثنای مواردی که موجب تغییر ننموده، به منزله انجام تکالیف مقرر در متن این ماده می باشد.

تبصره ۲: در مواردی که معاملات موضوع این فصل به موجب اسناد رسمی انجام نمی گیرد، انتقال گیرنده مکلف است مراتب را ظرف سی روز از تاریخ انجام معامله کتبا، به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک اطلاع دهد.

فصل دوم: مالیات بردرآمد کشاورزی

ماده ۸۱: درآمد حاصل از کلیه فعالیت های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغان داری، احیای مراتع و جنگلها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات از پرداخت مالیات معاف می باشد. دولت مکلف است مطالعات و بررسی های لازم را در زمینه کلیه فعالیت های کشاورزی و آن رشته از فعالیت های مزبور که ادامه معافیت آنها ضرورت داشته باشد معمول و لایحه مربوط را حداکثر تا آخر برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

فصل سوم: مالیات بردرآمد حقوق

ماده ۸۲: درآمندی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران برحسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیرنقد تحصیل می کند مشمول مالیات بردرآمد حقوق است.

تبصره: درآمد حقوقی که در مدت مأموریت خارج از کشور (از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران یا اشخاص مقیم ایران) از منابع ایرانی عاید شخص می شود مشمول مالیات بردرآمد حقوق می باشد.

ماده ۸۳: درآمد مشمول مالیات حقوق عبارت است از حقوق (مقرری یا مزد، یا حقوق اصلی) و مزایای مربوط به شغل اعم از مستمر و یا غیر مستمر قبل از وضع کسور و پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون.

تبصره: درآمد غیرنقدی مشمول مالیات حقوق به شرح زیر تقویم و محاسبه می شود:

الف: مسکن با اثاثیه معادل ۲۵ درصد و بدون اثاثیه ۲۰ درصد حقوق و مزایای نقدی (به استثنای مزایای نقدی معاف موضوع ماده ۹۱ این قانون) در ماه پس از وضع وجوهی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می شود.

ب: اتومبیل اختصاصی با راننده معادل ۱۰ درصد و بدون راننده معادل ۵ درصد حقوق و مزایای مستمر نقدی (به استثنای مزایای نقدی معاف موضوع ماده ۹۱ این قانون) در ماه پس از کسر وجوهی که از این بابت از حقوق کارمند کسر می شود.

ج: سایر مزایای غیرنقدی معادل قیمت تمام شده برای پرداخت کننده حقوق.

ماده ۸۴: تا میزان یکصد و پنجاه برابر حداقل حقوق مبنای جدول حقوق موضوع ماده (۱) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت، مصوب ۱۳۷۰، درآمد سالانه مشمول مالیات حقوق کلیه حقوق بگیران از جمله کارگران مشمول قانون کار، از یک یا چند منبع، از پرداخت مالیات معاف می شود.

ماده ۸۵: نرخ مالیات بردرآمد حقوق در مورد کارکنان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون به نرخ مقطوع ده درصد (۱۰٪) و در مورد سایر حقوق بگیران نیز پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون تا مبلغ چهل و دو میلیون (۴۲۰۰۰۰۰۰) ریال به نرخ ده درصد (۱۰٪) و نسبت به مازاد آن به نرخ های مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.

ماده ۸۶ : پرداخت کنندگان حقوق هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلف اند مالیات

متعلق را طبق مقررات ماده (۸۵) این قانون محاسبه و کسر و ظرف سی روز ضمن تسلیم فهرستی متضمن نام و نشانی دریافت کنندگان حقوق و میزان آن به اداره امور مالیاتی محل پرداخت و در ماه های بعد فقط تغییرات را صورت دهند .

تبصره : پرداخت هایی که از طرف غیر از پرداخت کنندگان مقرری مزد و حقوق اصلی به عمل می آید پرداخت کنندگان این قبیل وجوه مکلف اند هنگام هر پرداخت مالیات متعلق را بدون رعایت معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون به نرخ های مقرر در ماده (۸۵) این قانون محاسبه و کسر و ظرف ۳۰ روز با صورتی حاوی نام و نشانی دریافت کنندگان و میزان آن به اداره امور مالیاتی محل پرداخت کنند .

ماده ۸۷ : اضافه پرداختی بابت مالیات بردرآمد حقوق طبق مقررات این قانون مسترد خواهد شد مشروط بر این که بعد از انقضای تیرماه سال بعد تا آخر آن سال با درخواست کتبی حقوق بگیر از اداره امور مالیاتی محل سکونت مورد مطالبه قرار گیرد . اداره امور مالیاتی مذکور موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم درخواست رسیدگی های لازم را معمول و در صورت احراز اضافه پرداختی و نداشتن بدهی قطعی دیگر در آن اداره امور مالیاتی نسبت به استرداد اضافه پرداختی از محل وصولی های جاری اقدام کند . در صورتی که درخواست کننده بدهی قطعی مالیاتی داشته باشد اضافه پرداختی به حساب بدهی مزبور منظور و مازاد مسترد خواهد شد .

ماده ۸۸ : در مواردی که از اشخاص مقیم خارج که در ایران شعبه یا نمایندگی ندارند حقوق دریافت شود دریافت کنندگان حقوق مکلف اند ظرف سی روز از تاریخ دریافت حقوق مالیات متعلق را طبق مقررات این فصل به اداره امور مالیاتی محل سکونت خود پرداخت و تا آخر تیرماه سال بعد اظهارنامه مالیاتی مربوط به حقوق دریافتی خود را به اداره امور مالیاتی مزبور تسلیم نمایند .

ماده ۸۹ : صدور پروانه خروج از کشور یا تمدید پروانه اقامت و یا اشتغال برای اتباع خارجه ، به استثنای کسانی که طبق مقررات این قانون از پرداخت مالیات معاف می باشند ، موقوف به ارائه مفاصا حساب مالیاتی یا تعهد کتبی کارفرمای اشخاص حقوقی ایرانی طرف قرارداد با کارفرمای اتباع خارجی یا اشخاص حقوقی ثالث ایرانی است .

ماده ۹۰ : در مواردی که پرداخت کنندگان حقوق ، مالیات متعلق را در موعد مقرر نپردازند یا کمتر از میزان واقعی پرداخت نمایند ، اداره امور مالیاتی محل اشتغال حقوق بگیر ، یا در مورد مضمولان تبصره ماده (۸۲) این قانون ، اداره امور مالیاتی محل پرداخت کننده حقوق مکلف است مالیات متعلق را به انضمام جرایم موضوع این قانون محاسبه و از پرداخت کنندگان حقوق که در حکم مودی می باشند به موجب برگ تشخیص با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه کند . حکم این ماده نسبت به مضمولان ماده (۸۸) این قانون نیز جاری خواهد بود .

ماده ۹۱ : درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است :

۱ - روسا و اعضای مأموریت های سیاسی خارجی در ایران و رؤسا و اعضای هیأت های نمایندگی فوق العاده دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل و همچنین روسا و اعضای هیأت های نمایندگی سازمان ملل متحد و موسسات تخصصی آن در ایران نسبت به درآمد حقوق دریافتی از سازمان و موسسات مزبور در صورتی که تابع دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند .

۲ - روسا و اعضای مأموریت های کنسولی خارجی در ایران و همچنین کارمندان موسسات فرهنگی دول خارجی نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دول متبوع خود به شرط معامله متقابل

۳ - کارشناسان خارجی که با موافقت دولت جمهوری اسلامی ایران از محل کمک های بلاعوض فنی و اقتصادی و علمی و فرهنگی دول خارجی و یا موسسات بین المللی به ایران اعزام می شوند نسبت به حقوق دریافتی آنان از دول متبوع یا موسسات بین المللی مذکور

- ۴ - کارمندان محلی سفارتخانه ها و کنسولگریها و نمایندگی های دولت جمهوری اسلامی ایران در خارج نسبت به درآمد حقوق دریافتی از دولت جمهوری اسلامی ایران در صورتی که دارای تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران نباشند به شرط معامله متقابل .
- ۵ - حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری و پایان خدمت و خسارت اخراج و بازخرید خدمت و وظیفه یا مستمری پرداختی به وراثت و حق سنوات و حقوق ایام مرخصی استفاده نشده که در موقع بازنشستگی یا از کارافتادگی به حقوق بگیر پرداخت می شود .
- ۶ - هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مربوط به شغل .
- ۷ - مسکن واگذاری در محل کارگاه یا کارخانه جهت استفاده کارگران و خانه های ارزان قیمت سازمانی در خارج از محل کارگران یا کارخانه که مورد استفاده کارگران قرار می گیرد .
- ۸ - وجوه حاصل از بیمه بابت جبران خسارت بدنی و معالجه و امثال آن .
- ۹ - عیدی سالانه یا پاداش آخر سال جمعاً معادل یک دوازدهم میزان معافیت مالیاتی موضوع ماده (۸۴) این قانون .
- ۱۰ - خانه های سازمانی که با اجازه قانونی یا به موجب آیین نامه های خاص در اختیار مأموران کشوری گذارده می شود
- ۱۱ - وجوهی که کارفرما بابت هزینه معالجه کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آنها مستقیماً به وسیله حقوق بگیر به پزشک یا بیمارستان به استناد اسناد و مدارک مثبت پرداخت کند .
- ۱۲ - مزایای غیرنقدی پرداختی به کارکنان حداکثر معادل دو دوازدهم معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون .
- ۱۳ - درآمد حقوق پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اعم از نظامی و انتظامی ، مشمولان قانون استخدامی وزارت اطلاعات و جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و آزادگان .
- ماده ۹۲ : پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات حقوق کارکنان شاغل در مناطق کمتر توسعه یافته طبق فهرست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور بخشوده می شود .
- تبصره : بدهی مالیات بردرآمد حقوق کادرنظامی و انتظامی تا تاریخ اجرای این قانون بخشوده می شود .

فصل چهارم: مالیات بردرآمد مشاغل

- ماده ۹۳ : درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به مشاغل یا به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در سایر فصل های این قانون در ایران تحصیل کند پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون مشمول مالیات بردرآمد مشاغل می باشد .
- تبصره : درآمد شرکت های مدنی (اعم از اختیاری یا قهری) و همچنین درآمدهای ناشی از فعالیت های مضاربه در صورتی که عامل (مضارب) یا صاحب سرمایه شخص حقیقی باشد تابع مقررات این فصل می باشد .
- ماده ۹۴ : درآمد مشمول مالیات مودیان موضوع این فصل عبارت است از کل فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات فصول دیگر شناخته نشده پس از کسر هزینه ها و استهلاکات مربوط طبق مقررات فصل هزینه های قابل قبول و استهلاکات .
- ماده ۹۵ : صاحبان مشاغل موضوع این فصل مکلف اند اسناد و مدارک مثبت کافی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات خود نگاهداری کنند . صاحبان مشاغل از لحاظ تشخیص درآمد مشمول مالیات به گروه های زیر تقسیم می شوند :
- الف : صاحبان مشاغلی که به موجب این قانون مکلف به ثبت فعالیت های شغلی خود در دفاتر روزنامه و کل موضوع قانون تجارت هستند و باید دفاتر و اسناد و مدارک مربوط را با رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری نگاهداری کنند .

ب : صاحبان مشاغلی که بر حسب این قانون مکلف به ثبت فعالیت های شغلی خود در دفاتر درآمد و هزینه می باشند .

مونه های دفاتر مذکور توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می گردد و در دسترس قرار می گیرد .

ج : صاحبان مشاغلی که مشمول مقررات بندهای (الف) و (ب) فوق نیستند مکلف اند صورت خلاصه وضعیت درآمد و هزینه خود را طبق ضوابط و نمونه های تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور نگهداری کنند .

تبصره ۱ : سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت تا پایان دی ماه هر سال فهرست مشاغل افزوده شده به بندهای (الف) و (ب) ماده (۹۶) و مشمول از آغاز سال بعد را تهیه و از طریق تشکل های صنفی و درج آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثراانتشار به مودیان اعلام می دارد .

تبصره ۲ : آیین نامه مربوط به روش های نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک و نحوه ثبت وقایع مالی و چگونگی تنظیم صورت های مالی نهایی براساس نوع فعالیت و همچنین رعایت اصول و موازین و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری توسط سازمان امور مالیاتی کشور با کسب نظر از جامعه حسابداران رسمی تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید .

ماده ۹۶ :

الف : صاحبان مشاغل موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از :

- ۱ - دارندگان کارت بازرگانی و کلیه وارد کنندگان و صادرکنندگان
- ۲ - صاحبان کارخانه ها و واحدهای تولیدی که برای آنها جواز تأسیس و پروانه بهره برداری از وزارتخانه ذیربط صادر شده یا می شود .
- ۳ - بهره برداران معادن .
- ۴ - صاحبان موسسات حسابرسی ، حسابداری و دفترداری ، خدمات مالی و ارائه دهندگان خدمات مدیریتی ، مشاوره ای ، انفورماتیک ، رایانه ای اعم از سخت افزاری و نرم افزاری و طراحی سیستم .
- ۵ - صاحبان مراکز آموزشی و پرورشی ، آموزشگاه های آزاد ، مدارس غیرانتفاعی ، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی .
- ۶ - صاحبان بیمارستانها ، زایشگاهها ، آسایشگاهها ، درمانگاهها و خانه های سالمندان .
- ۷ - صاحبان هتلها و هتل های سه ستاره و بالاتر
- ۸ - بندگان ، عمده فروشها ، فروشگاه های بزرگ ، واسطه های مالی ، نمایندگان توزیع کالاهای داخلی و وارداتی و صاحبان انبارها .
- ۹ - نمایندگان موسسه های تجاری و صنعتی ، اعم از داخلی و خارجی .
- ۱۰ - صاحبان موسسات حمل و نقل موتوری ، زمینی ، دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری .
- ۱۱ - صاحبان موسسات مهندسی و مهندسی مشاور .
- ۱۲ - صاحبان موسسات تبلیغاتی و بازاریابی .

ب : صاحبان مشاغل موضوع بند (ب) ماده (۹۵) این قانون عبارتند از

- ۱ - صاحبان کارگاه های صنعتی
- ۲ - صاحبان مشاغل ساختمانی ، تأسیسات فنی و صنعتی ، نقشه کشی ، نقشه برداری ، محاسبات فنی و نظارت .
- ۳ - چاپخانه داران ، لیتوگرافها ، صحافها ، ارائه دهندگان خدمات چاپ و گرافیکها .
- ۴ - صاحبان مراکز ارتباطات رایانه ای
- ۵ - وکلا ، کارشناسان ، مترجمان رسمی دادگستری ، مشاوران حقوقی ، حسابداران رسمی و اعضای سازمان های نظام مهندسی .
- ۶ - محققان ، پژوهشگران و کارشناسان آزاد که به تهیه و ارائه طرح های تحقیقاتی اشتغال دارند .

۷ - دلالتان ، حق العمل کاران و کارگزاران .

۸ - صاحبان مراکز فرهنگی ، هنری ، فرهنگسراها ، کانون های حرفه ای و انجمن های صنفی و تخصصی .

۹ - صاحبان سینماها ، تماشاخانه ها و مکان های تفریحی و ورزشی .

۱۰ - صاحبان مشاغل فیلم برداری ، دوبلاژ ، مونتاژ و سایر خدمات سینمایی .

۱۱ - پزشکان و دندانپزشکان که دارای مطب هستند و دامپزشکان که به حرفه دامپزشکی اشتغال دارند .

۱۲ - صاحبان آزمایشگاهها ، رادیولوژی ها ، فیزیوتراپی ها ، سونوگرافی ها ، الکتروانسفالوگرافی ها ، سی تی اسکن ها ، سالن های زیبایی و دیگر ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و طبی و غیرطبی .

۱۳ - صاحبان میهمان سراها ، میهمان پذیرها و مسافرخانه ها .

۱۴ - صاحبان تالارهای پذیرایی ، رستوران ها ، تهیه کنندگان غذاهای آماده ، ارائه دهندگان خدمات پذیرایی و کرایه دهندگان ظروف .

۱۵ - صاحبان دفاتر اسناد رسمی .

۱۶ - صاحبان تعمیرگاه های مجاز و اتو سرویسها . ۱۷ - صاحبان نمایشگاه ها و فروشگاه های اتومبیل و بنگاه های معاملات املاک و آژانس های کرایه اتومبیل .

۱۸ - سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر .

۱۹ - عاملان فروش و فروشندگان آهن آلات .

تبصره ۱ : سازمان امور مالیاتی کشور در صورت تشخیص ضرورت می تواند هر یک از مضمولان بند(ب) این ماده را به رعایت مقررات موضوع بند (الف) این ماده ملزم نماید مشروط بر آن که مراتب کتبا تا پایان دی ماه هر سال به مودیان فوق ابلاغ گردد . مودیان اخیرالذکر از اول سال بعد مکلف به اجرای آن می باشند .

تبصره ۲: منظور از صاحبان مذکور در این ماده اشخاصی است که بهره برداری از موسسات به حساب آنان انجام می شود .

تبصره ۳ : مضمولان این ماده که در محل شغل خود دارای فعالیت های شغلی دیگر موضوع این فصل می باشند مکلف اند برای کلیه فعالیت های شغلی خود طبق مقررات این قانون عمل کنند .

ماده ۹۷ : در موارد زیر درآمد مشمول مالیات مودی از طریق علی الرأس تشخیص خواهد شد :

۱ - در صورتی که تا موعد مقرر ترانزنامه و حساب سودوزیان و یا حساب درآمد وهزینه و حساب سودوزیان ، حسب مورد ، تسلیم نشده باشد

۲ - در صورتی که مودی به درخواست کتبی اداره امور مالیاتی مربوط از ارائه دفاتر و یا مدارک حساب در محل کار خود خودداری نماید (منظور از محل کار در مورد اشخاص حقوقی نیز همان اقامتگاه قانونی آنها می باشد مگر این که مودی قبلا مرکز عملیات خود را برای ارائه دفاتر و اسناد و مدارک کتبا به اداره امور مالیاتی مربوط اعلام نموده باشد .) در اجرای این بند هرگاه مودی از ارائه قسمتی از مدارک حساب خودداری نماید چنانچه مربوط به هزینه باشد از احتساب آن جزء هزینه های قابل قبول خودداری می شود و در صورتی که مربوط به درآمد باشد درآمد مشمول مالیات این قسمت از طریق علی الرأس تعیین خواهد شد .

۳- در صورتی که دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات به نظر اداره امور مالیاتی غیر قابل رسیدگی تشخیص شود و یا به علت عدم رعایت موازین قانونی و آیین نامه مربوط مورد قبول واقع نشود که در این صورت مراتب باید با ذکر دلایل کافی کتبا به مودی ابلاغ و پرونده برای رسیدگی به هیأتی متشکل از سه نفر حسابرس منتخب رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور احاله گردد . مودی می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ با مراجعه به هیأت مزبور نسبت به رفع اشکال رسیدگی و ادای توضیح کتبی در مورد نحوه رعایت موازین قانونی و آیین نامه حسب مورد اقدام نماید و در هر حال هیأت مکلف است ظرف ده روز پس از انقضای یک ماه فوق نظر خود را با توجیهات و دلایل لازم و کافی به اداره امور مالیاتی اعلام نماید تا براساس آن اقدام گردد . نظر هیأت با اکثریت مناط

اعتبار است و نظر عضوی که در اقلیت قرار گیرد باید در صورت جلسه درج گردد. در مواردی که هیأت نظر اداره امور مالیاتی را در مورد غیرقابل رسیدگی بودن دفاتر مودی مردود اعلام می کند باید مراتب را به دادستانی انتظامی مالیاتی نیز اعلام نماید.

تبصره ۱: در اجرای بند (۳) این ماده دو ماه به مهلت رسیدگی موضوع ماده (۱۵۶) این قانون اضافه می شود.
تبصره ۲: هرگاه طبق اسناد و مدارک ابرازی یا به دست آمده امکان تعیین درآمد واقعی مودی وجود داشته باشد، اداره امور مالیاتی مکلف است درآمد مشمول مالیات را براساس رسیدگی به اسناد و مدارک مزبور یا دفاتر، حسب مورد، تعیین کند، در صورت داشتن درآمد ناشی از فعالیت های مکتوم که مستند به دلایل و قرائن کافی باشد، درآمد مشمول مالیات آن فعالیتها همواره از طریق علی الرأس تشخیص داده و به درآمد مشمول مالیات مشخص شده قبلی افزوده و مأخذ مطالبه مالیات واقع خواهد شد.

ماده ۹۸: در موارد تشخیص علی الرأس، اداره امور مالیاتی باید پس از تحقیقات و بررسی های لازم و کسب اطلاعات مورد نیاز از مراجع مختلف اعم از دولتی یا غیردولتی ابتدا قرینه و یا قرائن مذکور در این قانون را که متناسب با وضعیت و موضوع فعالیت مودی باشد انتخاب و دلایل انتخاب نوع قرینه یا قرائن و رقم آنها را با توجیه مافی در گزارش رسیدگی قید نماید و سپس با اعمال ضریب یا ضرایب مقرر در قرینه یا قرائن انتخابی درآمد مشمول مالیات مودی را تعیین نماید. در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود معدلی که از نتایج اعمال ضریب به دست می آید درآمد مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۹۹: قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده (۷۶) قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی آن که پیشنهاد آنها قبل از تاریخ تصویب این قانون می باشد از لحاظ تشخیص درآمد مشمول مالیات و نیز پرداخت چهاردرصد مالیات مقطوع کماکان مشمول مقررات قانون فوق الذکر خواهند بود.

تبصره: قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده (۷۶) قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی که پیشنهاد آنها از تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۳ لغایت ۱۳۶۷/۱۲/۲۹ تسلیم گردیده از لحاظ تعیین درآمد مشمول مالیات تابع مقررات این قانون بوده و فقط از لحاظ اعمال نرخ مالیات بردرآمد عملکرد منتهی به سال ۱۳۶۷ تابع نرخ مالیاتی مقرر در سال مزبور خواهند بود.

ماده ۱۰۰: مودیان موضوع این فصل قانون مکلف اند اظهارنامه مالیاتی مربوط به فعالیت های شغلی خود را در یک سال مالیاتی برای هر واحد شغلی یا برای هر محل جداگانه طبق نمونه ای که وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه خواهد شد تنظیم و تا آخر تیرماه سال بعد به اداره امور مالیاتی محل شغل خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون پرداخت نمایند.

تبصره ۱: در مورد کارگاهها و واحدهای تولیدی که نوع فعالیت آنان ایجاد دفتر یا فروشگاه در یک یا چند محل دیگر را اقتضا نماید مودی مکلف است کلیه درآمدهای حاصل از فعالیت خود را طی یک اظهارنامه به اداره امور مالیاتی محل وقوع کارگاه یا واحد تولیدی تسلیم نماید.

تبصره ۲: در مورد مشمولین این فصل که دارای محل ثابت برای شغل خود نمی باشند، محل سکونت آنها از لحاظ تسلیم اظهارنامه محل شغل تلقی می گردد.

تبصره ۳: در شرکت های مدنی تسلیم اظهارنامه توسط یکی از شرکا موجب اسقاط تکلیف سایر شرکا نخواهد بود. این امر مانع از تسلیم اظهارنامه مشترک نمی باشد.

تبصره ۴: اظهارنامه مالیاتی مودیان موضوع این فصل شامل ترازنامه و حساب سود و زیان یا حساب درآمد و هزینه یا خلاصه وضعیت درآمد و هزینه، حسب مورد طبق نمونه هایی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می شود خواهد بود.

تبصره ۵: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در مورد بعضی از منابع این فصل در هر سال و در نقاطی که مقتضی بداند درآمد مشمول مالیات تمام یا برخی از مودیان مشمول بند (ج) ماده (۹۵) این قانون را بانظر اتحادیه مربوط تعیین

و مالیات متعلقه را که قطعی خواهد بود وصول نماید و در مواردی که معلوم شود از اول یک

سال مالیاتی یا در اثنای آن مودی ترک کسب نموده و یا به عللی خارج از اختیار وی قادر به انجام کار نبوده است و این امر مورد تأیید هیأت حل اختلاف مالیاتی قرار گیرد درآمد مشمول مالیات به نسبت مدت اشتغال محاسبه و مالیات متعلقه وصول خواهد شد .

ماده ۱۰۱ : درآمد سالانه مشمول مالیات مودیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر تسلیم کرده اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن به نرخ های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود . شرط تسلیم اظهارنامه برای استفاده از معافیت فوق نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۲ به بعد جاری است .

تبصره : در مشارکت های مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکا حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و باقی مانده سهم هر شریک جداگانه مشمول مالیات خواهد بود . شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می گردد . در صورت فوت احد از شرکا وراثت وی به عنوان قائم مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به طور مساوی بین آنان تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد . ماده ۱۰۲ : در مضاربه ، عامل (مضارب) مکلف است در موقع تسلیم اظهارنامه علاوه بر پرداخت مالیات خود مالیات درآمد سهم صاحب سرمایه را بدون رعایت معافیت ماده ۱۰۱ این قانون کسر و به عنوان مالیات علی الحساب صاحب سرمایه به حساب مالیاتی واریز و رسید آن را به اداره امور مالیاتی ذیربط و صاحب سرمایه ارائه نماید . تبصره در صورتی که صاحب سرمایه بانک باشد تکلیف کسر مالیات صاحب سرمایه از عامل یا مضارب ساقط است .

ماده ۱۰۳ : وکلای دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می کنند مکلف اند در وکالت نامه های خود رقم حق الوکاله ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی الحساب مالیاتی روی وکالت نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد :

الف : در دعاوی و اموری که خواسته آنها مالی است پنج درصد حق الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله ب - در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانونا لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق الوکاله مقرر در آیین نامه حق الوکاله برای هر مرحله . ج: در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مواد حکم بند (الف) این ماده . د - در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیرقضایی رسیدگی و حل و فصل می شود و برای حق الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها میزان حق الوکاله صرفا از لحاظ مالیاتی به شرح زیر :

تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال مابه الاختلاف ، پنج درصد ، تا سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال مابه الاختلاف ، چهاردرصد نسبت به مازاد ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال ، از سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال مابه الاختلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال منظور می شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد . مفاد این بند درباره اشخاصی که وکالتا در مراجع مذکور در این بند اقدام می نمایند (ولو این که وکیل دادگستری نباشند) نیز جاری است ، جز در مورد کارمندان مودی یا پدر مادر برادر خواهر پسر دختر نواده و همسر مودی .

تبصره ۱ : در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون آئین دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاهها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالت های مرجوعه از طرف وزارتخانه ها و موسسات دولتی و شرکت های دولتی و شهرداریها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالت نامه نمی باشند .

تبصره ۲: وزارتخانه ها و موسسات دولتی و شرکت های دولتی و شهرداریها و موسسات

وابسته به دولت و شهرداریها مکلف اند از وجوهی که بابت حق الوکاله به وکلا پرداخت می کنند پنج درصد آن را کسر و بابت علی الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند.

تبصره ۳: در صورتی که پس از ابطال تمبر تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی وکالت نامه مربوط نخواهد بود.

تبصره ۴: در مواردی که دادگاهها حق الوکاله یا خسارت حق الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که مأخذ ابطال تمبر روی وکالت نامه قرار گرفته است تعیین نمایند مدیران دفتر دادگاهها مکلف اند میزان مورد حکم قطعی را به اداره امور مالیاتی مربوط اطلاع دهند تا مابه التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد.

ماده ۱۰۴ - وزارتخانه ها ، موسسات دولتی ، شهرداریها ، موسسات وابسته به دولت و شهرداریها و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند (الف) ماده (۹۵) این قانون مکلف اند در هر مورد که بابت حق الزحمه پزشکی ، هزینه های بیمارستانی و آزمایشگاهی و رادیولوژی ، داوری ، مشاوره ، کارشناسی ، حسابرسی ، خدمات مالی و اداری ، نویسندگی ، تألیف و تصنیف ، آهنگ سازی ، نوازندگی و هنرپیشگی و خوانندگی ، نقاشی و دلالی و حق العمل کاری ، هرگونه حق الزحمه یا کارمزد ارائه خدمات به استثنای کارمزد پرداختی به بانکها ، صندوق تعاون و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز ، امورمربوط به نظافت اماکن و ابنیه ، اجاره ماشین آلات اداری و محاسباتی ، کلیه خدمات و ارتباطات رایانه ای ، اجاره هر نوع وسایل نقلیه موتوری زمینی ، هوایی و دریایی ، ماشین آلات و کارخانجات و سردخانه ها ، انبارداری ، نگاهداری و تعمیر آسانسور و شופاژ و تهویه مطبوع ، هر نوع کار ساختمانی و تأسیسات فنی و تأسیساتی ، تهیه طرح ساختمانها و تأسیسات ، نقشه کشی ، نقشه برداری ، نظارت و محاسبات فنی ، حمل و نقل و وجوهی که بابت حق نمایش فیلم به هر عنوان پرداخت می کنند پنج درصد آن را به عنوان علی الحساب مالیات مودی (دریافت کنندگان وجوه) کسر و ظرف سی روز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید آن را به مودی تسلیم نمایند و همچنین ظرف همین مدت مشخصات دریافت کنندگان را با ذکر نام و نشانی آنها به اداره امور مالیاتی ذیربط ارسال دارند .

تسهیلات اعطایی بانکها از طریق قرارداد جعاله در امور مربوط به کشاورزی و تعمیر و تکمیل یک واحد مسکونی مشمول کسر ۵٪ مالیات علی الحساب موضوع این ماده نبوده و در این گونه موارد بانکها مکلف اند رونوشت قرارداد جعاله تنظیمی با عامل را ظرف سی روز از تاریخ انعقاد قرارداد به اداره امور مالیاتی ذیربط ارسال دارند تبصره ۱: در مورد انجام امور مربوط به این ماده چنانچه قراردادی تنظیم گردد کارفرما مکلف است ظرف سی روز از تاریخ انعقاد قرارداد رونوشت آن را به اداره امور مالیاتی محل با اخذ رسید تنظیم نماید .

تبصره ۲: در مواردی که منابع درآمد مذکور در این ماده کالا از پرداخت مالیات معاف باشد کسر علی الحساب مالیات به شرح فوق به شرط استعلام قبلی و کسر نظر اداره امور مالیاتی محل منتفی است .

تبصره ۳: در مواردی که وجوه مذکور در این ماده در صندوق دادگستری و امثال آن تودیع و یا وسیله مراجع اجرایی وصول و ایصال می گردد تودیع کننده مکلف به کسر مالیات نخواهد بود و انجام تکالیف مقرر در این ماده به عهده متصدیانی خواهد بود که دستور پرداخت وجوه مذکور را صادر می کنند .

تبصره ۴: در مورد قراردادهای پیمانکاری موضوع ماده (۷۶) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی آن که پیشنهاد آنها قبل از تاریخ تصویب این قانون باشد کارفرما مکلف است طبق مقررات ماده مذکور عمل نماید .

تبصره ۵: سازمان امور مالیاتی کشور تا پایان دی ماه هر سال فهرست سایر مواردی را که باید از آغاز سال بعد به امور مصرح در این ماده اضافه شود از طریق درج آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار کشور اعلام خواهد کرد .

تبصره ۶: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در صورت خودداری پرداخت کنندگان وجوه

موضوع این ماده از انجام تکالیف مقرر، به آنها از پرداخت، از طریق عملیات اجرایی موضوع فصل نهم از باب چهارم این قانون، مالیات را وصول و در مورد کلیه دستگاههای اجرایی دولت، نهادهای عمومی غیردولتی و سایر سازمانها و موسساتی که به نحوی از اعتبارات دولتی استفاده می کنند و همچنین سایر دستگاههایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، از حساب بانکی آنها برداشت کند.

فصل پنجم: مالیات بردرآمدشخص حقوقی

ماده ۱۰۵: جمع درآمد شرکتها و درآمد ناشی از فعالیت های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می شود، پس از وضع زیان های حاصل از منابع غیر معاف و کسر معافیت های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪) خواهند بود.

تبصره ۱: در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیرتجاری که به منظور تقسیم سود تأسیس نشده اند، در صورتی که دارای فعالیت انتفاعی باشند، از مأخذ کل درآمد مشمول مالیات فعالیت انتفاعی آنها مالیات به نرخ مقرر در این ماده وصول می شود.

تبصره ۲: اشخاص حقوقی خارجی و موسسات مقیم خارج از ایران به استثنای مشمولان تبصره (۵) ماده (۱۰۹) و ماده (۱۱۳) این قانون از مأخذ کل درآمد مشمول مالیاتی که از بهره برداری سرمایه در ایران یا از فعالیت هایی که مستقیماً یا به وسیله نمایندگی از قبیل شعبه، نماینده، کارگزار و امثال آن در ایران انجام می دهند یا از واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود، انتقال دانش فنی، دادن تعلیمات، کمک های فنی یا واگذاری فیلم های سینمایی از ایران تحصیل می کنند به نرخ مذکور در این ماده مشمول مالیات خواهند بود. نمایندگان اشخاص و موسسات مذکور در ایران نسبت به درآمدهایی که به هر عنوان به حساب خود تحصیل می کنند طبق مقررات مربوط به این قانون مشمول مالیات می باشند.

تبصره ۳: در موقع احتساب مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی اعم از ایرانی یا خارجی، مالیات هایی که قبلاً پرداخت شده است با رعایت مقررات مربوط از مالیات متعلق کسر خواهد شد و اضافه پرداختی از این بابت قابل استرداد است.

تبصره ۴: اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به سود سهام یا سهام شرکتی که دریافتی از شرکت های سرمایه پذیر مشمول مالیات دیگری نخواهند بود.

تبصره ۵: در مواردی که به موجب قوانین مصوب وجوهی تحت عناوین دیگری غیر از مالیات بردرآمد از مأخذ درآمد مشمول مالیات اشخاص قابل وصول باشد، مالیات اشخاص پس از کسر وجوه مزبور به نرخ مقرر مربوط محاسبه خواهد شد.

ماده ۱۰۶: درآمد مشمول مالیات در مورد اشخاص حقوقی (به استثنای درآمدهایی که طبق مقررات این قانون نحوه دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است) از طریق رسیدگی به دفاتر قانونی بر طبق مقررات ماده (۹۴) و بند (الف) ماده (۹۵) این قانون و در موارد مذکور در ماده (۹۷) این قانون به طور علی الرأس تشخیص می گردد.

ماده ۱۰۷: درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی خارجی و موسسات مقیم خارج از ایران به شرح زیر تشخیص می گردد:

الف - در مورد پیمانکاری در ایران نسبت به عملیات هر نوع کار ساختمانی، تأسیسات فنی و تأسیساتی شامل تهیه و نصب موارد مذکور، و نیز حمل و نقل و عملیات تهیه طرح ساختمانها و تأسیسات، نقشه برداری، نقشه کشی، نظارت و محاسبات فنی، دادن تعلیمات و کمک های فنی، انتقال دانش فنی و سایر خدمات در تمام موارد به مأخذ دوازده درصد (۱۲٪) کل دریافتی سالانه.

ب - بابت واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود از ایران و واگذاری فیلم های سینمایی ، که به عنوان بها یا حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آنها می شود ، به مأخذ بیست درصد (۲۰٪) تا چهل درصد (۴۰٪) مجموع وجوهی که ظرف یک سال مالیاتی عاید آنها می گردد ، می باشد . ضریب تعیین درآمد مشمول مالیات هر یک از موارد مذکور در این بند بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین می شود .

پرداخت کنندگان وجوه مزبور و همچنین پرداخت کنندگان وجوه مذکور در بند (الف) این ماده مکلف اند در هر پرداخت مالیات متعلق را با توجه به مبالغی که از اول سال تا آن تاریخ پرداخت کرده اند کسر و ظرف مدت ده روز به اداره امور مالیاتی محل اقامت خود پرداخت کنند . در غیر این صورت دریافت کنندگان متضامنا مشمول پرداخت اصل مالیات و متعلقات آن خواهند بود . ج - در مورد بهره برداری از سرمایه و سایر فعالیت هایی که اشخاص حقوقی و مؤسسات مزبور به وسیله نمایندگی از قبیل شعبه ، نماینده ، کارگزار و امثال آنها در ایران انجام می دهند طبق مقررات ماده (۱۰۶) این قانون .

تبصره ۱ : در مواردی که تمام یا قسمتی از عملیات پیمانکاری موضوع بندهای (الف) و (ب) این ماده به اشخاص حقوقی پیمانکار ایرانی واگذار می گردد ، پرداخت کننده وجه باید از هر پرداخت به پیمانکاران ایرانی دو و نیم درصد (۲/۵٪) به عنوان مالیات علی الحساب آنها کسر و ظرف سی روز از تاریخ پرداخت به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز کند .

تبصره ۲ : در مورد عملیات پیمانکاری موضوع بند (الف) این ماده در صورتی که کارفرما ، وزارتخانه ها ، موسسات و شرکت های دولتی یا شهرداریها باشند ، آن قسمت از مبلغ قرارداد که از طریق خرید داخلی یا خارجی به مصرف خرید لوازم و تجهیزات می رسد مشروط بر آن که در قرارداد یا اصلاحات و الحاقات بعدی آن مبالغ لوازم و تجهیزات به طور جدا از سایر اقلام قرارداد درج شده باشد از پرداخت مالیات معاف خواهد بود .

تبصره ۳ : شعب و نمایندگی های شرکتها و بانک های خارجی در ایران که بدون داشتن حق انجام دادن معامله به امر بازاریابی و جمع آوری اطلاعات اقتصادی در ایران برای شرکت مادر اشتغال دارند و برای جبران مخارج خود از شرکت مادر وجوهی دریافت می کنند نسبت به آن مشمول مالیات بردرآمد نخواهند بود .

تبصره ۴ : در مواردی که پیمانکاران خارجی تمام یا قسمتی از پیمانکاری موضوع بند (الف) این ماده را به پیمانکاران دست دوم اشخاص حقوقی ایرانی واگذار کنند معادل آن مبلغ از لوازم و تجهیزات مذکور در قرارداد دست اول که توسط پیمانکار دست دوم خریداری می گردد از دریافتی پیمانکار دست اول از پرداخت مالیات بر درآمد معاف خواهد بود .

تبصره ۵ : درآمد مشمول مالیات فعالیت های موضوع بند (الف) ماده (۱۰۷) این قانون که قرارداد پیمانکاری آنها از ابتدای سال ۱۳۸۲ و به بعد منعقد می گردد طبق مقررات ماده (۱۰۶) این قانون تشخیص می گردد . حکم این تبصره نسبت به ادامه فعالیت های موضوع قراردادهای پیمانکاری که تاریخ انعقاد آنها قبل از سال ۱۳۸۲ بوده است ، جاری نخواهد بود .

ماده ۱۰۸ : اندوخته هایی که مالیات آن تا تاریخ لازم الاجرا شدن این اصلاحیه پرداخت نشده در صورت انتقال به حساب سرمایه مشمول مالیات نخواهد بود ، لیکن در صورت تقسیم یا انتقال به حساب سود و زیان یا کاهش سرمایه معادل اندوخته اضافه شده به حساب سرمایه ، به درآمد مشمول مالیات سال تقسیم یا انتقال یا کاهش سرمایه اضافه می شود . این حکم شامل اندوخته های سود ناشی از فعالیت های معاف موسسه در دوران معافیت و اندوخته موضوع ماده (۱۳۸) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه های بعدی آن تا تاریخ تصویب این اصلاحیه پس از احراز شرایط مربوط تا آن تاریخ نخواهد بود . اندوخته هایی که مالیات آن تا تاریخ تصویب این اصلاحیه وصول گردیده در صورت تقسیم یا انتقال به حساب سود و زیان یا سرمایه یا انحلال مشمول مالیات دیگری نخواهد بود .



ماده ۱۰۹: درآمد مشمول مالیات در مورد موسسات بیمه ایرانی عبارت است از:

- ۱ - ذخایر فنی در آخر سال مالی قبل
- ۲ - حق بیمه دریافتی در معاملات بیمه مستقیم پس از کسر برگشتیها و تخفیفها
- ۳ - حق بیمه های اتکایی وصولی پس از کسر برگشتیها
- ۴ - کارمزد و مشارکت در سود معاملات بیمه های اتکایی واگذاری
- ۵ - بهره سپرده های بیمه گر اتکایی نزد بیمه گر واگذارکننده
- ۶ - سهم بیمه گران اتکایی بابت خسارت پرداختی بیمه های غیر زندگی و باخرید و سرمایه و مستمری های بیمه های زندگی
- ۷- سایر درآمدها

پس از کسر:

- ۱- هزینه تمبر قراردادهای بیمه
- ۲ - هزینه های پزشکی بیمه های زندگی
- ۳ - کارمزدهای پرداختی از بابت معاملات بیمه مستقیم
- ۴ - حق بیمه های اتکایی واگذاری
- ۵ - سهم صندوق تأمین خسارت های بدنی از حق بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث
- ۶ - مبالغ پرداختی از بابت باخرید و سرمایه و مستمری های بیمه زندگی و خسارت پرداختی از بابت بیمه های غیرزندگی
- ۷ - سهم مشارکت بیمه گزاران در منافع ۸ - کارمزدها و سهم مشارکت بیمه گران در سود معاملات بیمه های اتکایی قبول
- ۹ - بهره متعلق به سپرده های بیمه های اتکایی واگذاری
- ۱۰ - ذخایر فنی در آخر سال مالی
- ۱۱ - سایر هزینه ها و استهلاکات قابل قبول

تبصره ۱: انواع ذخایر فنی موسسات بیمه (اندوخته های فنی موضوع ماده ۶۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری) برای هر یک از رشته های بیمه و میزان و طرز محاسبه آنها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که از طرف بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از موافقت شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید .

تبصره ۲: انواع ذخایر فنی بیمه مرکزی ایران برای هر یک از رشته های بیمه و میزان و طرز محاسبه آنها از طرف مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران تعیین خواهد شد

تبصره ۳: در معاملات بیمه مستقیم , حق بیمه و کارمزدها و تخفیف حق بیمه و سهم مشارکت بیمه گزاران در منافع و نحوه احتساب آنها با رعایت مقررات تعیین شده از طرف شورای عالی بیمه خواهد بود . کلیه ارقام مزبور به استثنای کارمزد باید در قرارداد بیمه ذکر شده باشد .

تبصره ۴: ارقام مربوط به معاملات بیمه های اتکایی اعم از قبولی یا واگذاری بر اساس شرایط قراردادهای و یا توافقیهای موسسات بیمه ذیربط خواهد بود .

تبصره ۵: موسسات بیمه خارجی که با قبول بیمه اتکایی از موسسات بیمه ایرانی تحصیل درآمد می نمایند مشمول مالیاتی به نرخ دو درصد حق بیمه دریافتی و سود حاصل از سپرده مربوط در ایران می باشند . در صورتی که موسسات بیمه ایرانی در کشور متبوع موسسه بیمه گر اتکایی دارای فعالیت بیمه بوده و از پرداخت مالیات بر معاملات اتکایی معاف باشند , موسسه مزبور نیز از پرداخت مالیات دولت ایران معاف خواهد شد . موسسات بیمه ایرانی مکلف اند در

موقع تخصیص حق بیمه به نام بیمه گر اتکایی خارجی مشمول مالیات موضوع این تبصره ، دو درصد آن را به عنوان مالیات بیمه گر اتکایی کسر نمایند و وجوه کسر شده در هر ماه را منتهی ظرف سی روز به ضمیمه صورتی حاوی مشخصات بیمه گر اتکایی و حق بیمه متعلق به اداره امور مالیاتی مربوط ارسال و وجه مزبور را به حساب مالیاتی پرداخت نمایند .

ماده ۱۱۰ : اشخاص حقوقی مکلف اند اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر و اسناد و مدارک خود را حداکثر تا چهارماه پس از سال مالیاتی همراه با فهرست هویت شرکا و سهامداران و حسب مورد میزان سهم شرکت یا تعداد سهام و نشانی هر یک از آنها را به اداره امور مالیاتی که محل فعالیت اصلی شخص حقوقی در آن واقع است تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند . پس از تسلیم اولین فهرست مزبور ، تسلیم فهرست تغییرات در سنوات بعد کافی خواهد بود . محل تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات اشخاص حقوقی خارجی و موسسات مقیم خارج از ایران که در ایران دارای اقامتگاه یا نمایندگی نمی باشند تهران است . حکم این ماده در مورد کارخانه داران و اشخاص حقوقی در دوران معافیت نیز جاری خواهد بود .

تبصره : اشخاص حقوقی نسبت به درآمدهایی که طبق مقررات این قانون نحوه دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است مکلف به تسلیم اظهارنامه مالیاتی جداگانه که در فصل های مربوط پیش بینی شده است نیستند .

ماده ۱۱۱ : شرکت هایی که با تأسیس شرکت جدید یا با حفظ شخصیت حقوقی یک شرکت ، در هم ادغام یا ترکیب می شوند از لحاظ مالیاتی مشمول مقررات زیر می باشند :

الف : تأسیس شرکت جدید یا افزایش سرمایه شرکت موجود تا سقف مجموع سرمایه های ثبت شده شرکت های ادغام یا ترکیب شده از پرداخت دو در هزار حق تمبر موضوع ماده (۴۸) این قانون معاف است .

ب : انتقال دارایی های شرکت های ادغام یا ترکیب شده به شرکت جدید یا شرکت موجود حسب مورد به ارزش دفتری مشمول مالیات مقرر در این قانون نخواهد بود .

ج : عملیات شرکت های ادغام یا ترکیب شده در شرکت جدید یا شرکت موجود مشمول مالیات دوره انحلال موضوع بخش مالیات بر درآمد این قانون نخواهد بود .

د : استهلاك دارایی های منتقل شده به شرکت جدید یا شرکت موجود باید بر اساس روال قبل از ادغام یا ترکیب ادامه یابد .

ه : هر گاه در نتیجه ادغام یا ترکیب ، درآمدی به هر یک از سهامداران در شرکت های ادغام یا ترکیب شده تعلق گیرد طبق مقررات مربوط مشمول مالیات خواهد بود .

و : کلیه تعهدات و تکالیف مالیاتی شرکت های ادغام یا ترکیب شده به عهده شرکت جدید یا موجود حسب مورد می باشد .

ز : آیین نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این اصلاحیه به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید .

ماده ۱۱۲ : حکم ماده (۹۹) و تبصره آن در مورد عملیات پیمانکاری اشخاص حقوقی اعم از ایرانی و خارجی جاری خواهد بود .

ماده ۱۱۳ : مالیات مؤسسات کشتیرانی و هواپیمایی خارجی بابت کرایه مسافر و حمل کالا و امثال آنها از ایران به طور مقطوع عبارت است از پنج درصد کلیه وجوهی که از این بابت عاید آنها خواهد شد اعم از این که وجوه مزبور در ایران یا در مقصد یا در بین راه دریافت شود . نمایندگی یا شعب مؤسسات مذکور در ایران موظف اند تا بیستم هر ماه صورت وجوه دریافتی ماه قبل را به اداره امور مالیاتی محل تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند . مؤسسات مذکور از بابت این گونه درآمدها مشمول مالیات دیگری به عنوان مالیات بردرآمد نخواهد بود . هرگاه شعب یا نمایندگی های مذکور صورت های مقرر را به موقع تسلیم نکنند یا صورت ارسالی آنها مطابق واقع نباشد در این صورت مالیات متعلق براساس تعداد مسافر و حجم محمولات علی الرأس تشخیص خواهد شد .

تبصره : در مواردی که مالیات متعلق بر درآمد مؤسسات کشتیرانی و هواپیمایی ایرانی در کشورهای دیگر بیش از ۵٪ کرایه دریافتی باشد با اعلام سازمان ذیربط ایرانی ، وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است مالیات شرکت های کشتیرانی و هواپیمایی تابع کشورهای فوق را معادل نرخ مالیاتی آنها افزایش دهد .

ماده ۱۱۴ : آخرین مدیر یا مدیران شخص حقوقی مشترکا موظف اند قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی با سایر ارکان صلاحیت دار که برای اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شخص حقوقی دعوت شده است اظهارنامه ای حاوی صورت دارایی و بدهی شخص حقوقی در تاریخ دعوت روی نمونه ای که بدین منظور از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می گردد تنظیم و به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نمایند اظهارنامه ای که حداقل حاوی امضاء یا امضاهای مجاز و حسب مورد مهر موسسه بر طبق اساسنامه شخص حقوقی باشد برای اداره امور مالیاتی معتبر خواهد بود .

ماده ۱۱۵ : مأخذ محاسبه مالیات آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی که منحل می شوند ارزش دارایی شخص حقوقی است منهای بدهیها و سرمایه پرداخت شده و اندوخته ها و مانده سودهایی که مالیات آن قبلا پرداخت گردیده است .

تبصره ۱ : ارزش دارایی شخص حقوقی نسبت به آن چه قبلا فروش رفته بر اساس بهای فروش و نسبت به بقیه بر اساس بهای روز انحلال تعیین می شود .

تبصره ۲ : چنانچه در بین دارایی های شخص حقوقی که منحل می شود ، دارایی یا دارایی های موضوع فصل اول باب سوم این قانون و سهام یا سهم الشرکه یا حق تقدم سهام شرکتها وجود داشته باشد و این دارایی ها حسب مورد در هنگام نقل و انتقال قطعی مشمول مقررات ماده (۵۹) و تبصره های ماده (۱۴۳) این قانون باشند ، در تعیین مأخذ محاسبه مالیات آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی منحل ارزش دفتری دارایی یا دارایی های مذکور جزو ارقام دارایی های شخص حقوقی منحل شده منظور نمی گردد و معادل همان ارزش دفتری از جمع سرمایه و بدهی ها کسر می گردد . مالیات متعلق به دارایی یا دارایی های مزبور حسب مورد براساس مقررات ماده (۵۹) و تبصره های ماده (۱۴۳) این قانون تعیین و مورد مطالبه قرار می گیرد .

تبصره ۳ : آن قسمت از اموال اشخاص حقوقی منحل شده که بر اساس مقررات فوق در تاریخ انحلال مشمول مالیات مقطوع موضوع ماده (۵۹) و تبصره های ماده (۱۴۳) این قانون باشند در اولین نقل و انتقال بعد از تاریخ انحلال مشمول مالیات نخواهند بود .

ماده ۱۱۶ : مدیران تصفیه مکلف اند ظرف شش ماه از تاریخ انحلال (تاریخ ثبت انحلال شخص حقوقی در اداره ثبت شرکتها) اظهارنامه مالیاتی مربوط به آخرین دوره عملیات شخص حقوقی را بر اساس ماده (۱۱۵) این قانون تنظیم و به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند .

تبصره : مالیات آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی که منحل می شوند با رعایت تبصره (۲) ماده (۱۱۵) این قانون به نرخ مذکور در ماده (۱۰۵) این قانون محاسبه می گردد .

ماده ۱۱۷ : اداره امور مالیاتی مکلف است برابر مقررات این قانون به اظهارنامه مربوط به آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی خارج از نوبت رسیدگی نموده و در صورتی که به مندرجات آن اعتراض داشته باشد حداکثر ظرف یک سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ، مالیات متعلق را به موجب برگ تشخیص تعیین و ابلاغ نماید و گرنه مالیات متعلق به اظهارنامه تسلیمی به وسیله مدیران تصفیه قطعی تلقی می گردد . در صورتی که بعد از معلوم گردد اقلامی از دارایی شخص حقوقی در اظهارنامه ذکر نشده است نسبت به آن قسمت که در اظهارنامه قید نشده در مهلت مقرر در تبصره ماده (۱۱۸) این قانون مالیات مطالبه خواهد شد .

ماده ۱۱۸ : تقسیم دارایی اشخاص حقوقی منحل شده قبل از تحویل مفاصا حساب مالیاتی یا بدون سپردن تأمین معادل میزان مالیات مجاز نیست .

تبصره: آخرین مدیران شخص حقوقی در صورت عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده (۱۱۴)

این قانون یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع و مدیران تصفیه در صورت عدم رعایت مقررات موضوع ماده (۱۱۶) این قانون و این ماده و ضامن یا ضامن های شخص حقوقی و شرکای ضامن (موضوع قانون تجارت) متضامن و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است مشمول پرداخت مالیات و جرایم متعلق به شخص حقوقی خواهد بود به شرط آن که ظرف مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون از تاریخ درج آگهی انحلال در روزنامه رسمی کشور مطالبه شده باشد.

فصل ششم: مالیات درآمد اتفاقی

ماده ۱۱۹: درآمد نقدی و یا غیرنقدی که شخص حقیقی یا حقوقی به صورت بلاعوض و یا از طریق معاملات محاباتی و یا به عنوان جایزه یا هر عنوان دیگر از این قبیل تحصیل می نماید مشمول مالیات اتفاقی به نرخ مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.

ماده ۱۲۰- درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل عبارت است از صددرصد درآمد حاصله و در صورتی که غیرنقدی باشد، به بهای روز تحقق درآمد طبق مقررات این قانون تقویم می شود مگر در مورد املاکی که در اجرای مفاد ماده (۶۴) این قانون برای آنها ارزش معاملاتی تعیین شده است که در این صورت ارزش معاملاتی مأخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت.

تبصره: در مورد صلح معوض و هبه معوض به استثنای مواردی که مشمول ماده (۶۳) این قانون می باشد درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل عبارت خواهد بود از مابه التفاوت ارزش عوضین که براساس مقررات این ماده تعیین می شود نسبت به طرف معامله ای که از آن منتفع شده است.

ماده ۱۲۱: صلح با شرط خیار فسخ و هبه با حق رجوع از نظر مالیاتی قطعی تلقی می گردد ولی در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ وقوع عقد معامله فسخ یا اقاله یا رجوع شود، وجوهی که به عنوان مالیات موضوع این فصل وصول شده است قابل استرداد می باشد. در این صورت اگر در فاصله بین وقوع عقد و فسخ یا اقاله یا رجوع منتقل الیه از منافع آن استفاده کرده باشد نسبت به آن منفعت مشمول مالیات این فصل خواهد بود.

ماده ۱۲۲: در مورد مصالح مالی که منافع آن مادام العمر یا برای مدت معین به مصالح یا شخص ثالث اختصاص داده می شود بهای مال به مأخذ جمع ارزش عین و منفعت در تاریخ تعلق، مأخذ مالیات مصالح در تاریخ مزبور خواهد بود. تبصره: در صورتی که قبل از تاریخ تعلق منفعت انتقالی صورت گیرد قیمت مذکور در سند مأخذ مالیات انتقال دهنده قرار خواهد گرفت که طبق مقررات این فصل مشمول مالیات خواهد بود، لیکن مأخذ مالیات آخرین انتقال گیرنده عین که منافع مال نیز به او تعلق بگیرد، عبارت خواهد بود از مابه التفاوت بهای هر مال به شرح حکم فوق و مبلغی که طبق سند پرداخته است.

ماده ۱۲۳: در صورتی که منافع مالی بطور دائم یا موقت بلاعوض به کسی واگذار شود انتقال گیرنده مکلف است مالیات منافع هر سال را در سال بعد پرداخت نماید.

ماده ۱۲۴: مال مورد وصیت به نفع اشخاص معین در حدودی که وصیت قانونا نافذ است بعد از قطعی شدن آن در مورد وراثت به سهم الارث آنها اضافه و مشمول مالیات برارث می باشد و در مورد غیر وراثت نسبت به کل آن مشمول مالیات این فصل خواهد بود.

ماده ۱۲۵: انتقالاتی که طبق مقررات فصل مالیات برارث مشمول مالیات می باشد مشمول مالیات این بخش نخواهد بود.

ماده ۱۲۶: صاحبان درآمد موضوع این فصل مکلف اند در هر سال اظهارنامه مالیاتی خود را در مورد منافع موضوع ماده (۱۲۳) این قانون تا آخر اردیبهشت ماه سال بعد و در سایر موارد ظرف سی روز از تاریخ تحصیل درآمد یا تعلق منافع به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم و مالیات متعلق را بپردازند. در صورتی که معامله در دفاتر اسناد رسمی انجام و مالیات وصول شده باشد تکلیف تسلیم اظهارنامه ساقط می شود.

ماده ۱۲۷: موارد زیر مشمول مالیات اتفاقی نخواهد بود:

الف: کمک های نقدی و غیرنقدی بلاعوض سازمان های خیریه یا عام المنفعه یا وزارتخانه ها یا مؤسسات دولتی و شرکت های دولتی یا شهرداریها یا نهادهای انقلاب اسلامی به اشخاص حقیقی غیر از مواردی که مشمول مالیات فصل حقوق است.

ب: وجوه یا کمک های مالی اهدایی به خسارت دیدگان جنگ، زلزله، سیل، آتش سوزی و یا حوادث غیر مترقبه دیگر.

ج: جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می نماید. تبصره: ضوابط اجرایی بندهای (الف) و (ب) طبق آیین نامه ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور تهیه خواهد شد.

ماده ۱۲۸: درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی ناشی از درآمدهای اتفاقی از طریق رسیدگی به دفاتر تشخیص خواهد شد و مالیاتهایی که طبق مقررات این فصل در منبع پرداخت میگردد به عنوان پیش پرداخت مالیات آنها منظور خواهد شد.

فصل هفتم: مالیات بر جمع درآمد ناشی از منابع مختلف

ماده ۱۲۹: حذف شد

ماده ۱۳۰: بدهی های گذشته موضوع مواد (۳) تا (۱۶) و تبصره (۳) ماده (۵۹) و ماده (۱۲۹) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه های بعدی آن قابل مطالبه و وصول نخواهد بود.

تبصره: وزارت امور اقتصادی و دارایی می تواند بدهی مالیات هایی که سال تحصیل درآمد مربوط یا تعلق آنها حسب مورد قبل از سال ۱۳۶۸ باشد را تا سقف یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال برای هر مودی در نقاطی که مقتضی بداند کلا یا جزئا مورد بخشودگی قرار دهد.

ماده ۱۳۱: نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد به شرح زیر است:

- تا میزان سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪) - تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰۰۰۰۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰٪) - تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪) - تا میزان یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰٪) - نسبت به مازاد یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪)

باب چهارم - در مقررات مختلفه

فصل اول: معافیت ها

ماده ۱۳۲: درآمد مشمول مالیات ابرازی ناشی از فعالیت های تولیدی و معدنی در واحدهای تولیدی یا معدنی در بخش های تعاونی و خصوصی که از اول سال ۱۳۸۱ به بعد از طرف وزارتخانه های ذیربط برای آنها پروانه بهره برداری صادر یا قرارداد استخراج و فروش منعقد می شود، از تاریخ شروع بهره برداری یا استخراج به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) و به مدت چهار سال و در مناطق کمتر توسعه یافته به میزان صد درصد (۱۰۰٪) و به مدت ده سال از مالیات موضوع ماده (۱۰۵) این قانون معاف هستند.

تبصره ۱: فهرست مناطق کمتر توسعه یافته برای بقیه مدت برنامه سوم توسعه اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین در آغاز هر دوره برنامه توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره ۲: معافیت های موضوع این ماده شامل درآمد های تولیدی و معدنی مستقر در شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز تهران و پنجاه کیلومتری مرکز اصفهان و سی کیلومتری مراکز استانها و شهرهای دارای بیش از سیصد هزار نفر جمعیت براساس آخرین سرشماری به استثنای شهرک های صنعتی استقرار یافته در شعاع سی کیلومتری مراکز استانها و شهرهای مذکور نخواهد بود. (به ماده ۶۶ اصلاحیه مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ زیر توجه شود) ماده ۶۶ - در راستای منظور نمودن معافیت های مالیاتی برای سرمایه گذاری صنعتی، استثنای مذکور در تبصره (۲) ماده (۱۳۲) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ حذف و صدور پروانه تأسیس تنها در مواردیکه برخوردار از معافیت مالیاتی باشد، مجاز است.

تبصره ۳: کلیه تاسیسات ایرانگردی و جهانگردی دارای پروانه بهره برداری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هر سال از پرداخت ۵۰ درصد مالیات متعلق معاف هستند.

تبصره ۴: ضوابط مربوط به تعیین تاریخ شروع بهره برداری واحدهای معاف موضوع این ماده و همچنین تعیین محدوده موضوع تبصره (۲) این ماده توسط وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و معادن تعیین و اعلام می گردد.

ماده ۱۳۳: صددرصد درآمد شرکت های تعاونی روستائی، عشایری، کشاورزی، صیادان، کارگری، کارمندی، دانشجویان و دانش آموزان و اتحادیه های آنها از مالیات معاف است.

تبصره: دولت مکلف است معادل مالیات بردرآمد متعلق به آن قسمت از سود ابزاری سازمان مرکزی تعاون روستائی ایران را که با تصویب مجمع عمومی برای سرمایه گذاری در شرکت های تعاونی اختصاص داده شود، پس از وصول و واریز آن به حساب درآمد عمومی کشور، از محل اعتبار ردیف خاصی که به همین منظور در قانون بودجه کل کشور پیش بینی می شود در وجه سازمان مذکور مسترد نماید.

ماده ۱۳۴: درآمد حاصل از تعلیم و تربیت مدارس غیر انتفاعی اعم از ابتدائی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه ای، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی غیر انتفاعی و درآمد موسسات نگهداری معلولین ذهنی و حرکتی بابت نگهداری اشخاص مذکور که حسب مورد دارای پروانه فعالیت از مراجع ذیربط هستند همچنین درآمد باشگاهها و موسسات ورزشی دارای مجوز از سازمان تربیت بدنی حاصل از فعالیت های منحصرآ ورزشی از پرداخت مالیات معاف است. آئین نامه اجرائی این ماده به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. ماده ۱۳۵: حذف شد.

ماده ۱۳۶: وجوه پرداختی بابت بیمه عمر از طرف موسسات بیمه که به موجب قراردادهای منعقد بیمه عاید ذینفع می شود از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۳۷: هزینه های درمانی پرداختی هر مودی بابت معالجه خود و یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال مالیاتی به شرط این که اگر دریافت کننده موسسه درمانی یا پزشک مقیم ایران باشد دریافت وجه را گواهی نماید و چنانچه به تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به علت فقدان امکانات لازم معالجه در خارج از ایران صورت گرفته است پرداخت هزینه مزبور به گواهی مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در کشور محل معالجه یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده باشد، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به موسسات بیمه ایرانی بابت بیمه عمر و بیمه های درمانی از درآمد مشمول مالیات مودی کسر خواهد شد. در مورد معلولان و بیماران خاص و صعب العلاج علاوه بر هزینه های مذکور هزینه مراقبت و توانبخشی آنان نیز قابل کسر از درآمد مشمول مالیات معلول یا بیمار شخصی که تکفل او را عهده دار است می باشد.

ماده ۱۳۸: آن قسمت از سود ابرازی شرکت های تعاونی و خصوصی که برای توسعه و

بازسازی و نوسازی یا تکمیل واحدهای صنعتی و معدنی خود یا ایجاد واحدهای جدید صنعتی یا معدنی در آن سال مصرف گردد از ۵۰ درصد مالیات متعلق موضوع ماده ۱۰۵ این قانون معاف خواهد بود مشروط براین که قبلاً اجاره توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی و یا معدنی جدید در قالب طرح سرمایه گذاری معین از وزارتخانه ذیربط تحصیل شده باشد. در صورتی که هزینه اجرای طرح یا طرح های یاد شده در هر سال مزاد سود ابرازی همان سال باشد و یا از طرح سرمایه گذاری کمتر باشد شرکت می تواند از معافیت مذکور در محاسبه مالیات سود ابرازی سال های بعد حداکثر به مدت سه سال و به میزان مزاد مذکور و یا باقی مانده هزینه اجرای کامل طرح بهره مند شود.

تبصره ۱- در صورتی که شرکت، قبل از تکمیل، اجرا طرح را متوقف نماید یا ظرف مدت یک سال پس از مهلت تعیین شده در طرح سرمایه گذاری، آنرا بهره برداری نرساند، یا ظرف پنج سال پس از شروع بهره برداری آنرا تعطیل، منحل یا منتقل نماید معادل معافیت های مالیاتی منظور شده در این ماده برای اجرای طرح و جرائم متعلقه موضوع ماده ۱۹۰ این قانون از شرکت وصول خواهد شد.

تبصره ۲- واحدهای صنعتی جدید که با استفاده از معافیت های مندرج در این ماده تاسیس می شوند نمی توانند از معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۱۳۲ این قانون استفاده نمایند.

تبصره ۳- کارخانه های واقع در محدوده آبریز تهران که تعداد کارکنان آنها کمتر از ۵۰ نفر نباشد در صورتی که تاسیسات خود را کلاً به خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتر مرکز تهران انتقال دهند براساس ضوابطی که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی و وزارت ذیربط حسب مورد برقرار می شود تا ده سال از تاریخ بهره برداری در محل جدید از پرداخت مالیات بردرآمد ناشی از فعالیت صنعتی مربوط معاف خواهند بود.

تبصره ۴- از نظر قانون محدوده آبریز تهران شامل منطقه آبریز غربی رودخانه حبله رودگرمسار و منطقه آبریز شرقی رودخانه زیاران و کلیه مناطق رودخانه های دماوند، جاجرود، دارآباد، دربند، اوین، فرحزاد، کن، کرج و کردان بوده و حدود آن عبارت است از: شمالاً: خطالراس کوههای البرز که آب آن به رشته کویر مرکزی جاری می شود. شرقاً: ساحل غربی رودخانه حبله رود گرمسار غرباً: ساحل شرقی رودخانه زیاران جنوباً: خطوط ممتد از غرب به شرق از محل تقاطع رودخانه زیاران با رودخانه شور تا خط القعر دریاچه نمک به سمت غرب تا محل تقاطع با مسیر حبله رود گرمسار

ماده ۱۳۹:

الف: موقوفات، نذورات، پذیره، کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی آستان قدس رضوی، آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع)، آستانه حضرت معصومه، آستان حضرت احمد ابن موسی (شاه چراغ) آستان مقدس امام خمینی (ره) مساجد، حسینیه ها، تکایا و سایر بقاع متبرکه که از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص سایر بقاع به عهده سازمان اوقاف و امور خیریه می باشد.

ب: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از پرداخت مالیات معاف است.

ج: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی صندوق پس انداز بازنشستگی و سازمان بیمه خدمات درمانی و سازمان تامین اجتماعی و نام صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر و همچنین حق بیمه و حق بازنشستگی سهم کارکنان و کارفرما و جریمه های دریافتی مربوط توسط آنها از پرداخت مالیات معاف است. (اصلاحی بموجب قانون الحاق صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۸۸/۲/۲۶)

د: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مدارس علوم اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص مدارس علوم اسلامی با شورای مدیریت حوزه علمیه قم می باشد.

ه: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی نهادهای انقلاب اسلامی از پرداخت مالیات معاف است. تشخیص نهادهای انقلاب اسلامی با هیئت وزیران می باشد.

و: آن قسمت از درآمد صندوق عمران موقوفات کشور که به مصرف عمران موقوفات برسد از پرداخت مالیات معاف است.

ز: درآمد اشخاص از محل وجوه بریبه ولی فقیه، خمس و زکات از پرداخت مالیات معاف است.

ح: آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت و بهداشت و درمان، بنا و تعمیر و نگهداری مساجد و مصالها و حوزه های علمیه و مدارس علوم اسلامی و مدارس و دانشگاههای دولتی، مراسم تزییه و اطعام، تعمیر اثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیل دانش آموزان و دانشجویان، کمک به مستضعفان و آسیب دیدگان حوادث ناشی از سیل و زلزله، آتش سوزی، جنگ و حوادث غیر مترقبه دیگر برسد، مشروط بر اینکه درآمد و هزینه های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، از پرداخت مالیات معاف است.

ط: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی موسسات خیریه و عام المنفعه که به ثبت رسیده اند، مشروط بر اینکه به موجب اساسنامه آنها صرف امور مذکور در بند (ح) این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه های آنها نظارت کند، از پرداخت مالیات معاف است.

ی: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی و همچنین حق عضویت اعضا مجامع حرفه ای، احزاب و انجمنها و تشکل های غیر دولتی که دارای مجوز از مراجع ذیربط باشند و وجوهی که به موجب قانون و مقررات مربوط از درآمد یا حق الزحمه اعضا آنها کسر و به حساب مجامع مزبور واریز می شود، از پرداخت مالیات معاف است.

ک: موقوفات و کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی انجمنها و هیات های مذهبی مربوط به اقلیت های دینی مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشروط بر اینکه رسمیت آنها به تصویب وزارت کشور برسد، از پرداخت مالیات معاف است.

ل: فعالیتهای انتشاراتی و مطبوعاتی، فرهنگی و هنر که به موجب مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می شوند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره ۱- وجوهی که از فعالیت های غیر انتفاعی به منظور پیشبرد اهداف و وظائف اشخاص موضوع این ماده از راه برگزاری دوره های آموزشی، سمینارها، نشر کتاب و نشریه های دوره ای و... در چارچوب اساسنامه آنها تحصیل می شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد هزینه آنها نظارت می کند، از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره ۲- حکم تبصره (۲) ماده (۲) این قانون در مورد درآمد مشمول مالیات اشخاص موضوع این ماده جاری می باشد.

تبصره ۳- آئین نامه اجرائی موضوع این ماده به وسیله سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۴- مفاد این ماده در مواردی که از طرف حضرت امام خمینی (ره) یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می باشند براساس نظر مقام معظم رهبری انجام می گیرد.

ماده ۱۴۰: حذف شد.

ماده ۱۴۱:

الف: صد درصد درآمد حاصل از صادرات محصولات تمام شده کالای صنعتی و محصولات بخش کشاورزی (شامل محصولات زراعی، باغی، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع) و صنایع تبدیلی و تکمیلی آن پنجاه درصد درآمد حاصل از صادرات سایر کالاهائی که به منظور دست یافتن به اهداف صادرات کالاهای غیر نفتی به خارج از کشور صادر می شوند از شمول مالیات معاف هستند.

فهرست کالاهای مشمول این ماده در طول هر برنامه به پیشنهاد وزارتخانه های امور

اقتصادی و دارائی، بازرگانی، کشاورزی و جهاد سازندگی و وزارتخانه صنعتی به تصویب هیئت وزیران می رسد.

ب: صددرصد درآمد حاصل از صادرات کالاهای مختلف که به صورت ترانزیت به ایران وارد شده یا می شوند و بدون تغییر در ماهیت یا با انجام کاری بر روی آن صادر می شوند از شمول مالیات معاف است.

تبصره: زیان حاصل از صدور کالاهای معاف از مالیات در مورد کسانی که غیر از امور صادراتی فعالیت دیگری هم دارند، در محاسبه مالیات فعالیت های آنان منظور نخواهد شد.

ماده ۱۴۲- درآمد کارگاه های فرش دستباف و صنایع دستی و شرکت های تعاونی و اتحادیه های تولیدی مربوطه از پرداخت مالیات معاف است.

ماده ۱۴۳- معادل ده درصد (۱۰٪) از مالیات بردرآمد حاصل از فروش کالاهایی که در بورسهای کالایی پذیرفته شده و به فروش میرسد و ده درصد (۱۰٪) از مالیات بردرآمد شرکتهایی که سهام آنها برای معامله در بورسهای داخلی یا خارجی پذیرفته میشوند و پنج درصد (۵٪) از مالیات بردرآمد شرکتهایی که سهام آنها برای معامله در بازار خارج از بورس داخلی یا خارجی پذیرفته میشوند، از سال پذیرش تا سالی که از فهرست شرکتهای پذیرفته شده در این بورسها یا بازارها حذف نشدهاند با تأیید سازمان بخشوده میشود. شرکتهایی که سهام آنها برای معامله در بورسهای داخلی یا خارجی یا بازارهای خارج از بورس داخلی یا خارجی پذیرفته شود در صورتی که در پایان دوره مالی به تأیید سازمان حداقل بیست درصد (۲۰٪) سهام شناور آزاد داشته باشند معادل دو برابر معافیهای فوق از بخشودگی مالیاتی برخوردار خواهند شد.

تبصره ۱- از هر نقل و انتقال سهام و سهم الشرکه و حق تقدم سهام و سهم الشرکه شرکا در سایر شرکت ها مالیات مقطوعی به میزان چهار درصد ارزش اسمی آنها وصول می شود. از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بردرآمد نقل و انتقال فوق مطالبه نخواهد شد. انتقال دهندگان سهام و سهم الشرکه و حق تقدم سهام مکلف اند قبل از انتقال مالیات متعلق را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کنند.

ادارات ثبت یا دفاتر اسناد رسمی مکلف اند در موقع ثبت تغییرات یا تنظیم سند انتقال حسب مورد گواهی پرداخت مالیات متعلق را اخذ و ضمیمه پرونده مربوط به ثبت یا انتقال کنند.

تبصره ۲- در شرکت های سهامی پذیرفته شده در بورس اندوخته صرف سهام مشمول مالیات مقطوع به نرخ نیم درصد خواهد بود و به این درآمد مالیات دیگری تعلق نمی گیرد. شرکت ها مکلف اند ظرف سی روز از تاریخ ثبت افزایش سرمایه آن را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور واریز کنند.

ماده ۱۴۳ مکرر- از هر نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام شرکتهای اعم از ایرانی و خارجی در بورسها یا بازارهای خارج از بورس دارای مجوز، مالیات مقطوعی به میزان نیم درصد (۵٪) ارزش فروش سهام و حق تقدم سهام وصول خواهد شد و از این بابت وجه دیگری به عنوان مالیات بردرآمد و نقل و انتقال سهام و حق تقدم سهام و مالیات بر ارزش افزوده خرید و فروش مطالبه نخواهد شد.

کارگزاران بورسها و بازارهای خارج از بورس مکلفند مالیات یاد شده را به هنگام هر انتقال از انتقال دهنده وصول و به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز نمایند و ظرف ده روز از تاریخ انتقال رسید آن را به همراه فهرستی حاوی تعداد و مبلغ فروش سهام و حق تقدم مورد انتقال به اداره امور مالیاتی محل ارسال کنند.

تبصره ۱: تمامی درآمدهای صندوق سرمایهگذاری در چهارچوب این قانون و تمامی درآمدهای حاصل از سرمایهگذاری در اوراق بهادار موضوع بند (۲۴) ماده یک (۱) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و درآمدهای حاصل از نقل و انتقال این اوراق یا درآمدهای حاصل از صدور و ابطال آنها از پرداخت مالیات بردرآمد و مالیات بر ارزش افزوده موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۰۲ معاف میباشد و از بابت نقل و انتقال آنها و صدور و ابطال اوراق بهادار یاد شده مالیاتی مطالبه نخواهد شد.

تبصره ۲: سود و کارمزد پرداختی یا تخصیصی اوراق بهادار موضوع تبصره (۱) این ماده به

استثناء سود سهام و سهام‌الشرکه شرکتها و سود گواهیهای سرمایه‌گذاری صندوقها، مشروط به ثبت اوراق بهادار یاد شده نزد سازمان جزء هزینههای قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات ناشر این اوراق بهادار محسوب میشود.

تبصره ۳: در صورتی که هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم ایران که سهامدار شرکت پذیرفته شده در بورس یا بازار خارج از بورس، سهام یا حق تقدم خود را در بورسها یا بازارهای خارج از بورس خارجی بفروشد، از این بابت هیچگونه مالیاتی در ایران دریافت نخواهد شد.

تبصره ۴ - صندوق سرمایه‌گذاری مجاز به هیچگونه فعالیت اقتصادی دیگری خارج از مجوزهای صادره از سوی سازمان نمیشود.

ماده ۱۴۴: جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول و جوایز علمی و بورس های تحصیلی و همچنین درآمدهای که بابت حق اختراع یا حق اکتشاف عاید مخترعین و مکتشفین می گردد بطور کلی و نیز درآمد ناشی از فعالیت های پژوهشی و تحقیقاتی مراکزی که دارای پروانه تحقیق از وزارتخانه های ذیصلاح می باشند به مدت ده سال از تاریخ اجرای این اصلاحیه طبق مقررات در آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی ، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارائی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید ، از پرداخت مالیات معاف می باشند .

ماده ۱۴۵: سود دریافتی به هر عنوان در موارد زیر از پرداخت مالیات معاف است :

۱ - سود متعلق به سپرده های مربوط به کسور بازنشستگی و پس انداز کارمندان و کارگران نزد بانک های ایرانی در حدود مقررات استخدامی مربوطه .

۲ - سود یا جوایز متعلق به حسابهای پس انداز و سپرده های مختلف نزد بانکهای ایرانی یا موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز . این معافیت شامل سپرده هایی که بانکها یا موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز نزد هم می گذارند نخواهد بود .

۳ - جوایز متعلق به اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه

۴ - سود پرداختی بانک های ایرانی به بانک های خارج از ایران بابت اضافه برداشت (اوردرافت) و سپرده ثابت به شرط معامله متقابل

۵ - سود و جوایز متعلق به اوراق مشارکت

تبصره : در مواردی که در قانون مالیاتهای مستقیم به بانکها اشاره می شود امتیازات ، تسهیلات ، ترجیحات و تکالیف ذکر شده شامل موسسات اعتباری غیر بانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تاسیس شده اند یا می شوند نیز خواهد شد .

ماده ۱۴۶: کلیه معافیت های مدت دار که به موجب قوانین مالیاتی و مقررات قبلی مقرر شده است با رعایت مقررات مربوط تا انقضا مدت به قوت خود باقی است .

تبصره : مالیات سود متعلق به قبوض اقساطی اصلاحات ارضی کماکان بخشوده خواهد شد .

فصل دوم: هزینه های قابل قبول و استهلاک

ماده ۱۴۷: هزینه های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات به شرحی که ضمن مقررات این قانون مقرر می گردد عبارت است از هزینه هایی که در حدود متعارف متکی به مدارک بوده و منحصرآ مربوط به تحصیل درآمد موسسه در دوره مالی مربوط به رعایت حد نصاب های مقرر باشد. در مواردی که هزینه ای در این قانون پیش بینی نشده یا بیش از نصاب های مقرر در این قانون بوده ولی پرداخت آن به موجب قانون و یا مصوبه هیات وزیران صورت گرفته باشد قابل قبول خواهد بود .

تبصره : از لحاظ مقررات این فصل موسسه عبارت است از کلیه اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون

ماده ۱۴۸: هزینه هایی که حائز شرایط مذکور در ماده فوق می باشد به شرح زیر در حساب

مالیاتی قابل قبول است:

۱- قیمت خرید کالای فروخته شده و یا قیمت خرید مواد مصرفی در کالا و خدمات فروخته شده

۲- هزینه های استخدامی متناسب با خدمت کارکنان براساس مقررات استخدامی موسسه بشرح زیر :

الف : حقوق یا مزد اصلی و مزایای مستمر اعم از نقدی یا غیر نقدی (مزایای غیر نقدی به قیمت تمام شده برای کارفرما)

ب : مزایای غیر مستمر اعم از نقدی و غیر نقدی از قبیل خواربار ، بهره وری ، پاداش ، عیدی ، اضافه کار ، هزینه سفر و فوق العاده مسافرت ، نصاب هزینه سفر و فوق العاده مسافرت مدیران و بازرسان و کارکنان به خارج از ایران به منظور رفع حوائج موسسه ذیربط طبق آئین نامه ای خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می رسد تعیین خواهد شد .

ج : هزینه های بهداشتی و درمانی و وجوه پرداختی بابت بیمه های بهداشتی و عمر و حوادث ناشی از کارکنان

د: حقوق بازنشستگی ، وظیفه ، پایان خدمت طبق مقررات استخدامی موسسه و خسارت اخراج و بازخرید طبق قوانین موضوعه مازاد بر مانده حساب ذخیره مربوط

هـ: وجوه پرداختی به سازمان تامین اجتماعی طبق مقررات مربوط و همچنین تا میزان سه درصد حقوق پرداختی سالانه بابت پس انداز کارکنان براساس آئین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی می رسد .

و: معادل یک ماه آخرین حقوق و دستمزد و همچنین مابه التفاوت تعدیل حقوق سنوات قبل که به منظور تامین حقوق بازنشستگی ووظیفه مزایای پایان خدمت ، خسارت اخراج و بازخرید کارکنان موسسه ذخیره می شود .

این حکم نسبت به ذخائری که تا کنون در حساب بانکها نگهداری شده است نیز جاری خواهد بود .

۳- کرایه محل موسسه در صورتی که اجاره ای باشد مال الاجاره پرداختی طبق سند رسمی و در غیر اینصورت در حدود متعارف

۴- اجاره بهای ماشین آلات و ادوات مربوط به موسسه در صورتی که اجاره ای باشد

۵- مخارج سوخت ، برق ، روشنائی ، آب و مخابرات و ارتباطات

۶- وجوه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط به عملیات و دارائی موسسه

۷- حق الامتیاز پرداختی و همچنین حقوق عوارض و مالیات هائی که به سبب فعالیت موسسه به شهرداریها و وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به آنها پرداخت می شود(به استثنای مالیات بر درآمد و ملحقات آن و سایر مالیات هایی که موسسه به موجب مقررات این قانون ملزم به کسر از دیگران و پرداخت آن می باشد و همچنین جرایمی که به دولت و شهرداریها پرداخت می گردد).

۸- هزینه تحقیقاتی ، آزمایشی و آموزشی ، خرید کتاب و نشریات و لوح های فشرده و هزینه های بازاریابی ، تبلیغات و نمایشگاهی مربوط به فعالیت موسسه براساس آئین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی می رسد.

۹- هزینه های مربوط به جبران خسارت وارده مربوط به فعالیت و دارائی موسسه مشروط براینکه :
اولا : وجود خسارت محقق باشد

ثانیا: موضوع و میزان آن مشخص باشد .

ثالثا : طبق مقررات قانون یا قراردادهای موجود جبران آن به عهده دیگری نبوده و یا در هر صورت از طریق دیگر جبران نشده باشد .

آئین نامه احراز شروط سه گانه مذکور در این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی می رسد.

- ۱۰- هزینه های فرهنگی و ورزشی و رفاهی کارگران پرداختی به وزارت کار و امور اجتماعی حداکثر معادل ده هزار ریال به ازای هر کارگر
- ۱۱- ذخیره مطالباتی که وصول آن مشکوک باشد مشروط براینکه :
- اولا: مربوط به فعالیت موسسه باشد .
- دوما : احتمال غالب برای لاوصول ماندن آن موجود باشد
- ثالثا: در دفاتر موسسه به حساب مخصوص منظور شده باشد تا زمانی که طلب وصول گردد یا لا وصول بودن آن محقق شود .
- آئین نامه مربوط به این بند به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد .
- ۱۲- زیان اشخاص حقیقی و حقوقی که از طریق رسیدگی به دفاتر آنها و با توجه به مقررات احراز گردد ، از درآمد سال یا سالهای بعد استهلاک پذیر است .
- ۱۳- هزینه های جزئی مربوط به محل موسسه که عرفا به عهده مستاجر است در صورتی که اجاری باشد .
- ۱۴- هزینه های مربوط به حفظ و نگهداری محل موسسه در صورتی که ملکی باشد .
- ۱۵- مخارج حمل و نقل
- ۱۶- هزینه های ایاب و ذهاب ، پذیرائی و انبارداری
- ۱۷- حق الزحمه های پرداختی متناسب با انجام کار شده از قبیل حق العمل دلالی ، حق الوکاله- حق المشاوره- حق حضور- هزینه های حسابرسی و خدمات مالی و اداری و بازرسی ، هزینه های نرم افزاری ، طراحی و استقرار سیستم های مورد نیاز ، سایر هزینه های کارشناسی در ارتباط با فعالیت موسسه و حق الزحمه بازرسی قانونی
- ۱۸- سود کارمزدی که برای انجام دادن عملیات موسسه با بانکها ، صندوق تعاون و همچنین موسسات اعتباری غیر بانکی مجاز پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد .
- ۱۹- بهای ملزومات اداری و لوازمی که معمولاً ظرف یک سال از بین می رود .
- ۲۰- مخارج تعمیر و نگهداری ماشین الات و لوازم کار و تعویض قطعات یدکی که به عنوان تعمیر اساسی تلقی نگردد .
- ۲۱- هزینه های اکتشاف معادن که منجر به بهره برداری نشده باشد .
- ۲۲- هزینه های مربوط به حق عضویت و حق اشتراک پرداختی مربوط به فعالیت موسسه
- ۲۳- مطالبات لاوصول به شرط اثبات آن از طرف مودی مازاد برمانده حساب ذخیره مشکوک الوصول
- ۲۴- زیان حاصل از تاثیر ارزش براساس اصول متداول حسابداری مشروط بر اتخاذ یک روش یکنواخت طی سالهای مختلف از طرف مودی
- ۲۵- ضایعات متعارف تولید
- ۲۶- ذخیره مربوط به هزینه های پرداختی قابل قبول که به سال مورد رسیدگی ارتباط دارد.
- ۲۷- هزینه های قابل قبول مربوط به سال های قبلی که پرداخت یا تخصیص آن در سال مالیاتی مورد رسیدگی تحقق یابد .
- ۲۸- هزینه خرید کتاب و سایر کالاهای فرهنگی هنری برای کارکنان و افراد تحت تکفل آنها تا میزان حداکثر ۵٪ معافیت های مالیاتی موضوع ماده ۸۴ این قانون به ازای هر نفر
- تبصره ۱- هزینه های دیگر که مربوط به تحصیل درآمد موسسه تشخیص می شود و در این ماده پیش بینی نشده است به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی جز هزینه های قابل قبول پذیرفته خواهد شد.
- تبصره ۲- مدیران و صاحبان سرمایه اشخاص حقوقی در صورتی که دارای شغل موظف در موسسات مذکور باشند جز کارکنان موسسه محسوب خواهند شد ولی در موسساتی که غیر اشخاص حقوقی باشند حقوق و مزایای صاحب

موسسه و اولاد تحت تکفل و همسر نامبرده به استثنای هزینه سفر و فوق العاده مسافرت

مربوط به شغل که مشمول مقررات جز ب بند ۲ این ماده خواهد بود جز هزینه های قابل قبول منظور نخواهد شد .

تبصره ۳- در محاسبه مالیات شرکتها و اتحادیه های تعاونی ، ذخایر موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۵ قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ و اصلاحیه های بعدی آن و دو مورد شرکتها و اتحادیه هایی که وضعیت خود را با قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۷۰/۶/۱۳ تطبیق داده اند یا بدهند ذخیره موضوع بند ۱ و حق تعاون و آموزش موضوع بند ۳ ماده ۲۵ قانون اخیر الذکر جز هزینه محسوب می شود. ماده ۱۴۹: در تشخیص درآمد مشمول مالیات محاسبه استهلاکات دارائی وهزینه های تاسیس و سرمایه ای با رعایت اصول زیر انجام می شود :

۱- آن قسمت از دارائی ثابت که بر اثر استعمال یا گذشت زمان یاسایر عوامل بدون توجه به تغییر قیمتها ارزش آن تقلیل می یابد قابل استهلاک است .

۲- ماخذ استهلاک قیمت تمام شده دارائی می باشد .

۳- استهلاکات از تاریخی محاسبه می شود که دارائی قابل استهلاک آماده برای بهره برداری ، در اختیار موسسه قرار می گیرد . در صورتی که دارائی قابل استهلاک به استثنای فیلم های سینمائی وارده از خارج از کشور که از تاریخ اولین نمایش قابل استهلاک خواهد بود در خلال ماه در اختیار موسسه قرار گیرد ، ماه مزبور در محاسبه منظور نخواهد شد . در مورد کارخانجات دوره بهره برداری آزمایشی جز بهره برداری محسوب نمی گردد .

۴- هزینه های تاسیس از قبیل ثبت موسسه حق مشاوره و نظایر آن و هزینه های زاید بردرآمد (دوره قبل از بهره برداری و دوره بهره برداری) جز در مواردی که ضمن جدول مقرر در ماده ۱۵۱ این قانون تصریح خواهد شد حداکثرتا مدت ده سال از تاریخ بهره برداری بطور مساوی قابل استهلاک است .

۵- در صورتی که بر اثر فروش مال قابل استهلاک یا مسلوب المنفعه شدن ماشین الات زبانی متوجه موسسه گردد زیان حاصل معادل ارزش مستهلک نشده دا رائی منهای حاصل فروش (در صورت فروش)یک جا قابل احتساب در حساب سود و زیان همان سال می باشد .

تبصره : در مورد محاسبه مالیات تهیه کنندگان فیلم های ایرانی که در ایران تهیه می شود قیمت تمام شده فیلم در سال اول بهره برداری و در صورتی که درآمد فیلم تکافو نکند در سالهای بعد در محاسبه درآمد مشمول مالیات منظور خواهد شد .

ماده ۱۵۰: طرز محاسبه استهلاک به شرح زیر است : الف: در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۵۱ این قانون برای استهلاک نرخ تعیین شود نرخها ثابت بوده و در هر سال مابه التفاوت قیمت تمام شده مال مورد استهلاک و مبلغی که در سالهای قبل برای آن به عنوان استهلاک منظور شده است اعمال می گردد.

ب- در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۵۱ این قانون مدت تعیین شده در هر سال بمر مساوی از قیمت تمام شده مال به نسبت مدت مقرر استهلاک منظور می گردد

تبصره ۱- هزینه مربوط به تغییر یا تعمیر اساسی دارائی قابل استهلاک جز قیمت تمام شده دارائی محسوب می شود .

تبصره ۲- موسسات می توانند هزینه های نرم افزاری خود را حداکثر تا ۵ سال مستهلک کنند.

تبصره ۳- موسسات می توانند آن مقدار از دارائی های ثابت استهلاک پذیر را که برای بازسازی ، جایگزینی خطوط تولید یا توسعه و تکمیل خریداری گردیده است با دوبرابر نرخ یا نصف مدت استهلاک پیش بینی شده در جدول استهلاکات موضوع ماده ۱۵۱ این قانون حسب مورد مستهلک کنند .

تبصره ۴- در اجاره های سرمایه ای دارائی های ثابت استهلاک پذیرنده نحوه انعکاس هزینه استهلاک در دفاتر طرفین معامله براساس استانداردهای حسابداری خواهد بود.

ماده ۱۵۱: جدول استهلاکات براساس ضوابط مصوب از طرف سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پس از تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی به موقع اجرا گذارده می شود.

فصل سوم: قرائن و ضرایب مالیاتی

ماده ۱۵۲: قرائن مالیاتی عبارتست از عواملی که در هر رشته از مشاغل با توجه به موقعیت شغلی برای تشخیص درآمد مشمول مالیات بطور علی الراس به کار می رود و فهرست آن بشرح زیر می باشد:

۱- خرید سالانه

۲- فروش سالانه

۳- درآمد ناویژه

۴- میزان تولید در کارخانجات

۵- ارزش حق واگذاری محل کسب

۶- جمع کل وجوهی که بابت حق التحریر و حق الزحمه وصول عوارض و مصرف تمبر عاید دفترخانه اسناد رسمی می شود یا میزان تمبر مصرفی آنها

۷- سایر عوامل به تشخیص کمیسیون تعیین ضرائب

ماده ۱۵۳: ضرایب مالیاتی عبارت است از ارقام مشخصه ای که حاصل ضرب آنها در قرینه مالیاتی در موارد تشخیص علی الراس درآمد مشمول مالیات تلقی می گردد

تبصره: در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود معدلی که از نتایج اعمال ضرایب بدست می آید درآمد مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۵۴: جدول ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات به ترتیب زیر تنظیم و ابلاغ می گردد:

الف: برای تعیین ضرایب هر سال کمیسیونی مرکب از نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و نماینده شورای مرکزی اصناف در مورد اصناف و نماینده نظام پزشکی در مورد مشاغل وابسته به پزشکی و نماینده اتاق بازرگانی و صنایع بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مورد سایر مشاغل در سازمان امور مالیاتی کشور تشکیل می شود و با توجه به جریان معاملات و اوضاع و احوال اقتصادی ضرایب مربوط به مالیات های حوزه تهران را نسبت به هریک از قرائن مذکور در ماده ۱۵۲ این قانون درباره مودیان مختلف برحسب نوع مشاغل به طور تفکیک تعیین و فهرست آن را به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم می نماید. تصمیمات این کمیسیون از طرف سازمان امور مالیاتی کشور به عنوان جدول ضرایب حوزه تهران برای اجرا ابلاغ خواهد شد.

ب: جدول مذکور در بند الف از طرف سازمان امور مالیاتی کشور به ادارات امور مالیاتی شهرستانها ارسال می گردد. به محض وصول جدول مذکور کمیسیونی مرکب از رئیس اداره امور مالیاتی محل و رئیس بانک ملی ایران و نماینده شورای مرکزی اصناف در مورد اصناف و نماینده نظام پزشکی در مورد مشاغل وابسته به پزشکی و نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در مورد سایر مشاغل تشکیل می شود. کمیسیون مزبور جدول رسیده را مبنای مطالعه قرار داده و با توجه به اوضاع و احوال اقتصادی خاص حوزه جغرافیائی محل در صورت اقتضا تغییرات لازم را در ارقام آن با ذکر دلیل به عمل خواهد آورد نتیجه کمیسیون به مرکز گزارش شده و از طرف سازمان امور مالیاتی کشور مورد بررسی قرار می گیرد و تا حدی که دلایل اقامه شده برای تغییرات جدول قانع کننده به نظر برسد جدول از طرف سازمان امور مالیاتی کشور برای اصلاح و عنوان جدول ضرایب به اداره امور مالیاتی مربوط ابلاغ خواهد شد. تبصره ۱- در نقاطی که شورای مرکزی اصناف یا اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران یا نظام پزشکی تشکیل نشده است فرماندار محل حسب مورد به جای هریک از نمایندگان آنها نماینده ای بصیر و مطلع را جهت شرکت در کمیسیون ضرایب معرفی خواهد نمود.

تبصره ۲- حضور نماینده سازمان امور مالیاتی کشور یا رئیس اداره امور مالیاتی هم

چنین نماینده بانک مرکزی یا بانک ملی حسب مورد برای رسمیت جلسات کمیسیون ضروری است و تصمیمات کمیسیون با اکثریت آرای حاضرین در جلسه مناط اعتبار است .

تبصره ۳- ضریب مالیاتی در مواردی که درآمد مشمول مالیات موضوع این قانون باید علی الراس تشخیص داده شود در صورتی که به موجب این قانون یا طبق جدول ضریبی برای آن تعیین نشده باشد بوسیله هیئت حل اختلاف مالیاتی محل با توجه به ضریب مشاغل مشابه تعیین خواهد شد .

تبصره ۴- کمیسیون تعیین ضرایب نماینده اتحادیه هر رشته یا صنف را برای ادای توضیحات در جلسه کمیسیون ضرایب دعوت خواهد نمود.

فصل چهارم: مقررات عمومی

ماده ۱۵۵: سال مالیاتی عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند همان سال ختم می شود لکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آنها به موجب اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی کند درآمد سال مالی آنها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات قرار می گیرد و موعد تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان و سررسید پرداخت مالیات آنها چهار ماه شمسی پس از سال مالی می باشد .

ماده ۱۵۶: اداره امور مالیاتی مکلف است اظهار نامه مودیان مالیات بردرآمد را در مورد درآمد هر منبع که در موعد مقرر تسلیم شده است حداکثر تا یک سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر برای تسلیم اظهار نامه رسیدگی نماید . در صورتی که ظرف مدت مذکور برگ تشخیص درآمد صادر ننماید و یا تا سه ماه پس از انقضای یک سال فوق الذکر برگ تشخیص درآمد مذکور را به مودی ابلاغ نکند اظهار نامه مودی قطعی تلقی می شود . هرگاه پس از قطعی شدن اظهار نامه مالیاتی یا بعد از رسیدگی و صدور ابلاغ برگ تشخیص اعم از این که به قطعیت رسیده یا نرسیده باشد معلوم شود مودی درآمد یا فعالیتهای انتفاعی کتمان شده ای داشته و مالیات متعلق به آن نیز مطالبه نشده باشد فقط مالیات بردرآمد آن فعالیتهای بارعایت ماده ۱۵۷ این قانون قابل مطالبه خواهد بود . در این حالت و همچنین مواردی که اظهار نامه مودی به علت عدم رسیدگی قطعی تلقی می گردد اداره امور مالیاتی بایستی یک نسخه از برگ تشخیص صادره به انضمام گزارش توجیهی مربوط را ظرف ده روز از تاریخ صدور جهت رسیدگی به دادستانی انتظامی مالیاتی ارسال نماید .

ماده ۱۵۷: نسبت به مودیان مالیات بردرآمد که در موعد مقرر از تسلیم اظهار نامه درآمد خودداری نموده اند یا اصولاً طبق مقررات این قانون مکلف به تسلیم اظهار نامه در سررسید پرداخت مالیات نیستند مرور زمان مالیاتی پنج سال از تاریخ سررسید پرداخت مالیات می باشد و پس از گذشتن پنج سال مذکور مالیات متعلق قابل مطالبه نخواهد بود مگر اینکه ظرف این مدت درآمد مودی تعیین و برگ تشخیص مالیات صادر و حداکثر ظرف سه ماه پس از انقضای ۵ سال مذکور برگ تشخیص صادر به مودی ابلاغ شود .

تبصره : در مواردی که مالیات به هر علت از غیر مودی مطالبه شده باشد پس از تأیید مراتب از طرف هیات حل اختلاف مالیاتی مطالبه مالیات از غیر مودی در هر مرحله ای که باشد کان لم بکن تلقی می گردد و در این صورت اداره امور مالیاتی مکلف است بدون رعایت مرور زمان موضوع این ماده ظرف یک سال از تاریخ صدور رای هیات مزبور مالیات متعلق را از مودی واقعی مطالبه نماید و گرنه مشمول مرور زمان خواهد بود .

ماده ۱۵۸: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در مورد بعضی از منابع مالیاتی کلا یا جزئا و در نقاطی که مقتضی بداند طبق آگهی منتشره در نیمه اول هر سال اعلام نماید که در سال بعد اظهار نامه های مودیان مزبور را که به موقع تسلیم نموده باشند بدون رسیدگی قبول نموده و فقط تعدادی از آنها را بطور نمونه گیری و طبق مقررات این قانون مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

ماده ۱۵۹: وجوهی که به عنوان مالیات هر منبع از طریق واریز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور یا ابطال تمبرپرداخت می شود در موقع تشخیص و احتساب مالیات قطعی مودی منظور می گردد و در صورتی که مبلغی بیش از مالیات متعلق پرداخت شده باشد اضافه پرداختی مسترد خواهد شد تبصره: به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می شود که در مورد مودیان غیر ایرانی و اشخاص مقیم خارج از کشور کل مالیات های متعلق را به نرخ مربوط مقرر در منبع وصول نماید.

ماده ۱۶۰: سازمان امور مالیاتی کشور برای وصول مالیات و جرائم متعلق از مودیان و مسئولان پرداخت مالیات نسبت به سایر طلبکاران به استثنای صاحبان حقوق نسبت به مال مورد وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان ناشی از خدمت حق تقدم خواهد داشت. حکم قسمت اخیر این ماده مانع وصول مالیات متعلق به انتقال مال مورد وثیقه نخواهد بود.

ماده ۱۶۱: در مواردی که مالیات مودی هنوز قطعی نشده یا مراحل اجرائی آن طی نشده است و بیم تفریط مال یا اموال از طرف مودی به قصد فرار از پرداخت مالیات می رود اداره امور مالیاتی باید با ارائه دلایل کافی از هیات حل اختلاف مالیاتی قرار تامین مالیات را بخواهد و در صورتی که هیات صدور قرار را لازم تشخیص دهد ضمن تعیین مبلغ قرار مقتضی صادر خواهد کرد. اداره امور مالیاتی مکلف است معادل همان مبلغ از اموال و وجوه مودی که نزد وی یا اشخاص ثالث باشد تامین نماید در این صورت مودی و اشخاص ثالث پس از ابلاغ اخطار کتبی اداره امور مالیاتی حق نخواهد داشت اموال مورد تامین را از تصرف خود خارج کند مگر اینکه معادل مبلغ مورد مطالبه تامین دهند و در صورت تخلف علاوه بر پرداخت مطالبات مذکور مشمول مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۹۹ این قانون خواهد بود.

ماده ۱۶۲: در مواردی که اشخاص متعدد مسئول پرداخت مالیات شناخته می شوند ادارات امور مالیاتی حق دارند به همه آنها مجتمعا یا به هریک جداگانه برای وصول مالیات مراجعه کنند و مراجعه به یکی از آنها مانع مراجعه به دیگران نخواهد بود.

ماده ۱۶۳: سازمان امور مالیاتی کشور مجاز است که مضمولان مالیات را در مواردی که مالیات آنان در موقع تحصیل درآمد کسر و پرداخت نمی شود کلا یا بعضا مکلف نماید در طول سال مالیات متعلق به همان سال را به نسبتی از آخرین مالیات قطعی شده سنوات قبل یا به نسبتی از حجم فعالیت بطور علی الحساب نمایند و در صورت تخلف علی الحساب پرداخت مذکور طبق مقررات این قانون وصول خواهد شد.

ماده ۱۶۴: سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است به منظور تسهیل در پرداخت مالیات و تقلیل موارد مراجعه مودیان به ادارات امور مالیاتی حساب مخصوصی از طریق بانک مرکزی در بانک ملی افتتاح نماید تا مودیان بتوانند مستقیما به شعب یا باجه های بانک مراجعه و مالیاتهای خود را به حساب مذکور پرداخت نمایند.

ماده ۱۶۵: در مواردی که بر اثر حوادث و سوانح از قبیل زلزله، سیل، آتش سوزی، بروز آفات و خشکسالی و طوفان و اتفاقات غیر مترقبه دیگر به یک منطقه کشور یا به مودی یا مودیان خاص خساراتی وارد گردد و خسارت وارده از طریق وزارتخانه ها یا موسسات دولتی یا شهرداریها یا سازمانهای بیمه و یا موسسات عام المنفعه جبران نگردد وزارت امور اقتصادی و دارائی می تواند معادل خسارت وارده از درآمد مشمول مالیات در آن سال و سنوات بعد کسر و نسبت به آن دسته از مودیان که بیش از ۵۰٪ اموال آنان در اثر حوادث مذکور از بین رفته است و قادر به پرداخت بدهی های مالیاتی خود نمی باشند با تصویب هیئت وزیران تمام یا قسمتی از بدهی مالیاتی آنها را بخشوده با تقسیط طولانی نماید. آیین نامه اجرائی این ماده توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره: مودیان مالیاتی مناطق جنگ زده و جنوب کشور که فهرست این مناطق بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیئت وزیران اعلام می گردد از تسهیلات مالیاتی زیر برخوردار خواهند شد:

الف: پنجاه درصد مالیات مودیان مزبور بابت درآمد حاصل در نقاط مذکور از اول سال ۱۳۶۸ لغایت ۱۳۷۲ بخشوده می گردد.

ب : به ازای هر سال اشتغال در نقاط فوق از تاریخ اجرای این اصلاحیه یک سوم بدهی مالیاتی تا پایان سال ۱۳۶۷ آنها بابت درآمد حاصل در نقاط مذکور بخشوده می شود .

ج : مالیات پرداخت شده مودیان موصوف بابت درآمدهای حاصل از تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۰ لغایت سال ۱۳۶۷ در نقاط مذکور حداکثر معادل یک سوم آن در هر سال از مالیات سنوات بعد آنان در همان نقاط کسر خواهد شد .

د : در مواردی که مودیان قادر به ادامه فعالیت در نقاط مذکور نباشد با ارائه دلایل مورد قبول وزارت امور اقتصادی و دارائی تمام یا قسمتی از بدهی های موصوف مودی بخشوده خواهد شد .

ماده ۱۶۶: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند قبوض پیش پرداخت مالیاتی تهیه و برای استفاده مودیان عرضه نماید. قبوض مذکور با نام و غیر قابل انتقال بوده و در موقع واریز مالیات مودی مبلغ پیش پرداخت به اضافه دو درصد آن به ازای هر سه ماه زود پرداخت از بدهی مالیاتی مربوط کسر خواهد شد .

ماده ۱۶۷: وزارت امور اقتصادی و دارائی یاسازمان امور مالیاتی کشور می تواند نسبت به مودیان که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه بطور یک جا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی بدهی مربوط را حداکثر به مدت سه سال تقسیط نماید .

ماده ۱۶۸: دولت می تواند برای جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات راجع به درآمد و دارائی مودیان با دولت های خارجی موافقت نامه های مالیاتی منعقد و پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مرحله اجرا بگذارد .

رأدادهای یا موافقت نامه های مربوط به امور مالیاتی که تا تاریخ اجرای این قانون با دول خارجی منعقد و به تصویب قوه مقننه یا هیات وزیران رسیده است تا زمانی که لغو نشده به قوت خود باقی است . دولت موظف است ظرف یک سال از تاریخ اجرای این قانون قراردادها و موافقت نامه های قبلی را بررسی و نظر خود را مبنی بر ادامه یا لغو آنها مستدلا به مجلس شورای اسلامی گزارش نماید

ماده ۱۶۹: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در صورتی که به منظور تسهیل در تشخیص درآمد مودیان مالیاتی کاربرد وسایل و روشها و صورت حسابها و فرم هائی را جهت نگاهداری حساب برای هر گروه از آنان ضروری تشخیص دهد مراتب را تا آخر دی ماه هر سال در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار آگهی کند و مودیان از اول فروردین سال بعد مکلف به رعایت آنها می باشند ، عدم رعایت موارد مذکور در مورد مودیان که مکلف به نگاهداری دفاتر قانونی هستند موجب بی اعتباری دفاتر مربوط خواهد بود و در مورد سایر مودیان موجب تعلق جریمه ای معادل بیست درصد مالیات منبع مربوط می باشد . به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می شود برای اشخاص حقیقی و حقوقی کارت اقتصادی شامل شماره اقتصادی صادر کند اشخاص حقیقی و حقوقی که حسب اعلام سازمان امور مالیاتی کشور موظف به اخذ کارت می شوند مکلف اند براساس دستورالعمل که توسط سازمان تهیه و اعلام می شود برای انجام دادن معاملات خود صورتحساب صادر و شماره اقتصادی مربوط را در صورت حسابها و فرمهای درج نموده و فهرست معاملات خود را به سازمان امور مالیاتی تسلیم نماید . عدم صدور صورتحساب یا عدم درج شماره اقتصادی خود و طرف معامله حسب مورد یا استفاده از شماره اقتصادی خود برای معاملات دیگران یا استفاده از شماره اقتصادی دیگران برای معاملات خود مشمول جریمه ای معادل ۱۰٪ مبلغ مورد معامله ای که بدون رعایت ضوابط فوق انجام می شود خواهد بود . عدم ارائه فهرست معاملات انجام شده به سازمان امور مالیاتی طبق دستورالعمل صادره مشمول جریمه ای معادل ۱٪ معاملات که فهرست آنها ارائه نشده است خواهد بود . جرائم مذکور توسط اداره امور مالیاتی مربوط با رعایت مهلت مقرر در ماده ۱۵۷ این قانون مطالبه خواهد شد و مودی مکلف است ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ مطالبه نسبت پرداخت ان اقدام کند . در غیر اینصورت معترض شناخته شده و موضوع جهت رسیدگی و صدور رای به هیات حل اختلاف مالیاتی ارجاع خواهد شد . رای هیات مزبور قطعی و لازم الاجرا است . جریمه مذکور غیر قابل بخشش است و از طریق مقررات اجرائی موضوع این قانون قابل وصول خواهد بود .

تبصره ۱: در صورتی که رعایت موارد مذکور در ماده فوق بتا به تشخیص هیات حل اختلاف مالیاتی از عهده مودی خارج بوده باشد مشمول بی اعتباری دفاتر و جرائم مربوط حسب مورد نخواهد بود .

تبصره ۲: استفاده کنندگان از شماره اقتصادی دیگران نسبت به مالیات بردرآمد و

همچنین جرائم موضوع این ماده با اشخاصی که شماره اقتصادی آنان مورد استفاده قرار گرفته است مسئولیت تضامنی خواهند داشت .

تبصره ۳: در صورتی که طرفین معامله در معاملات خود از انجام دادن هر یک از تکالیف مقرر در این ماده خودداری نمایند متضامنا مسئول خواهند بود و در مواردی که خریدار از ارائه شماره اقتصادی خودداری کند چنانچه فروشنده مشخصات خریدار و موضوع معامله را ظرف مهلت یک ماه به سازمان امور مالیاتی اعلام نماید مشمول جریمه تخلف فوق از این بابت نخواهد بود .

تبصره ۴: اشخاص حقوقی و صاحبان مشاغل موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون مکلف به نگهداری صورت حساب های مربوط به خریدهای خود در سال عملکرد و سال بعد از آن می باشند و در صورت درخواست ماموران مالیاتی باید به آنان ارائه دهند . در غیر اینصورت مشمول جریمه ای معادل ۱۰٪ صورت حسابهای ارائه نشده خواهد بود.

ماده ۱۷۰: مرجع رسیدگی به هر گونه اختلافات که در تشخیص مالیاتهای موضوع این قانون بین اداره امور مالیاتی و مودی ایجاد شود هیئت حل اختلاف مالیاتی می باشد مگر مواردی که به موجب مقررات سایر مواد این قانون مرجع رسیدگی دیگری تعیین شده باشد .

ماده ۱۷۱: کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان امور مالیاتی کشور در دوره خدمت یا آمادگی به خدمت نمی توانند به عنوان وکیل یا نماینده مودیان مراجعه نمایند.

ماده ۱۷۲: ۱۰۰٪ وجوهی که به حساب های تعیین شده از طرف دولت به منظور بازسازی یا کمک و نظایر آن بصورت بلاعوض پرداخت می شود و همچنین وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا کمک های غیر نقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر ، تجهیز و احداث و یا تکمیل مدارس دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و مراکز بهداشتی و درمانی و یا اردوگاههای تربیتی و اسایشگاهها و مراکز بهزیستی و کتابخانه و مراکز فرهنگی و هنری (دولتی) طبق ضوابطی که توسط وزارتخانه های آموزش و پرورش ، فرهنگ و آموزش عالی ، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و امور اقتصادی و دارائی تعیین می شود از درآمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مودی انتخاب خواهد کرد قابل کسر است .

ماده ۱۷۳: این قانون از اول فروردین سال ۱۳۶۸ به موقع اجرا گذاشته می شود و مقررات آن شامل کلیه مالیاتها و مالیات بردرآمدهایی است که سبب تعلق مالیات یا تحصیل درآمد حسب مورد بعد از تاریخ اجرای این قانون بوده و همچنین مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط به سال مالی که در سال اول اجرای این قانون خاتمه می یابد خواهد بود و کلیه قوانین مالیاتی مغایر دیگر نسبت به آنها ملغی است .

تبصره : با اجرای این قانون وصول عوارض تخلیه موضوع ماده ۸ قانون تعدیل و تثبیت اجاره بها مصوب سال ۱۳۵۲ منتهی است .

ماده ۱۷۴: مالیات بردرآمدهایی که تاریخ تحصیل درآمد وسایر مالیات های مستقیم موضوع این قانون که سبب تعلق آنها قبل از سال ۱۳۶۸ و بعد از ۱۳۴۵ می باشد به عنوان بقایای مالیاتی تلقی و از نظر تعیین و تشخیص درآمد مشمول مالیات و نرخ های مالیاتی و تکالیف مودیان و مرور زمان تابع احکام قانونی زمان تحصیل درآمد و از لحاظ رسیدگی و ترتیب تصفیه تابع مقررات این قانون خواهد بود .

تبصره ۱: مالیات هایی که سال تحصیل درآمد مربوط یا تعلق آنها حسب مورد قبل از سال ۱۳۴۶ می باشد و تا تاریخ تصویب این قانون پرداخت نشده باشد قابل مطالبه نخواهد بود .

تبصره ۲: انتقالات موضوع ماده ۱۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحات بعدی آن که قبل از اجرای این قانون صورت گرفته است در صورت فوت انتقال دهنده بعد از اجرای این قانون به سهم الارث ورثه

مربوط اضافه و مالیات متعلق طبق مقررات مربوط در این قانون پس از وضع سهم الارث پرداختی قبلی وصول خواهد شد .

ماده ۱۷۵: کلیه نصاب های مندرج در این قانون هماهنگ با نرخ تورم هر دو سال یک بار به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی و تصویب هیئت وزیران قابل تعدیل است .

ماده ۱۷۶: ساز مان امور مالیاتی می تواند مالیات موضوع این قانون را از طریق ابطال تمبر بصورت قطعی و یا تشخیصی وصول نماید . آئین نامه اجرائی این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه و پس از تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی به موقع اجرا گذارده می شود .

فصل پنجم:وظایف مودیان

ماده ۱۷۷: مودیان مالیاتی می توانند اظهار نامه های موضوع این قانون را که حسب مورد مکلف به تسلیم آن هستند به تفکیک با اخذ رسید به اداره امور مالیاتی محل سکونت تسلیم نمایند . در اینصورت اداره امور مالیاتی مذکور باید مراتب را در پرونده مودی منعکس نموده و اظهار نامه تسلیمی را ظرف ۳ روز برای اقدام به اداره امور مالیاتی ذیربط ارسال دارد . تسلیم اظهار نامه به اداره امور مالیاتی محل سکونت از لحاظ آثار مترتب در حکم تسلیم آن به اداره امور مالیاتی مربوط خواهد بود . حکم این ماده شامل مواردی نیز که مودی اظهار نامه خود را اشتباها به اداره امور مالیاتی دیگری در شهرستان تسلیم نماید خواهد بود .

تبصره ۱- هر گاه آخرین روز مهلت یا موعد مقرر برای تسلیم اظهار نامه یا سایر اوراقی که مودی مالیاتی به موجب مقررات مکلف به تسلیم آن می باشد، مصادف با تعطیل رسمی یا عمومی گردد اولین روز بعد از تعطیل مزبور بر حسب مورد جز مهلت یا موعد مقرر جهت تسلیم اظهار نامه یا اوراق مذکور محسوب خواهد شد .

تبصره ۲- تسلیم اظهار نامه و پرداخت مالیات مودیانی که در خارج از ایران اقامت دارند و همچنین موسسات و شرکتهایی که مرکز اصلی آنها در خارج از کشور است چنانچه دارا ی نماینده در ایران باشند به عهده نماینده آنها خواهد بود .

تبصره ۳- صاحبان مشاغل مکلفند ظرف ۴ ماه از تاریخ شروع فعالیت مراتب را کتبا به اداره امور مالیاتی محل اعلام نمایند. عدم انجام دادن تکلیف فوق در مهلت مقرر مشمول جریمه ای معادل ۱۰ درصد مالیات قطعی و نیز موجب محرومیت از کلیه تسهیلات و معافیت های مالیاتی از تاریخ شناسائی توسط اداره امور مالیاتی خواهد بود .

ین حکم در مورد صاحبان مشاغلی که برای آنها از طرف ذیربط پروانه یا مجوز فعالیت صادر گردیده است نخواهد بود .

ماده ۱۷۸: در مواردی که اظهار نامه مالیاتی یا سایر اوراق که مودی مالیاتی موجب مقررات مکلف به تسلیم آنها می باشد بوسیله اداره پست واصل می گردد تاریخ تسلیم به اداره پست در صورت احراز تاریخ تسلیم به مراجع مربوط تلقی می گردد .

ماده ۱۷۹: در صورتی که مودی محل های متعدد برای سکونت خود داشته باشد مکلف است یکی از آنها را به عنوان محل سکونت اصلی معرفی نماید وگرنه اداره امور مالیاتی می تواند هریک از محل های سکونت مودی را محل سکونت اصلی تلقی نماید

ماده ۱۸۰: هر شخص حقیقی ایرانی که با ارائه گواهی نمایندگی های مالی یا سیاسی دولت جمهوری اسلامی در خارج ثابت کند که از درآمد یک سال مالیاتی خود در یکی از کشورهای خارج به عنوان مقیم مالیات پرداخته است از لحاظ مالیاتی در آن سال مقیم خارج از کشور خواهد شد مگر در یکی از موارد زیر:

- ۱- در سال مالیاتی مزبور در ایران دارای شغلی بوده باشد .
- ۲- در سال مالیاتی مزبور حداقل شش ماه متوالیا یا متناوبا در ایران سکونت داشته باشد .
- ۳- توقف در خارج از کشور به منظور انجام ماموریت یا معالجه یا امثال آن بوده باشد .

تبصره: اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی مقیم ایران در صورتی که درآمدی از خارج از

کشور تحصیل نموده و مالیات آن را به دولت محل تحصیل درآمد پرداخته باشند و درآمد مذکور را در اظهار نامه یا ترازنامه و حساب سودو زیان خود محاسبه و طبق مقررات این قانون اعلام نماید مالیات پرداختی آنها در خارج از کشور و یا آن مقدار مالیاتی که به درآمد تحصیل شده در خارج از کشور با تناسب به کل درآمد مشمول مالیات آنان تعلق می گیرد هر کدام کمتر باشد از مالیات بر درآمد آنها قابل کسر خواهد بود.

ماده ۱۸۱: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند به منظور نظارت بر اجرای قوانین و مقررات مالیاتی هیات هایی مرکب از سه نفر را جهت بازدید و کنترل دفاتر قانونی مودیان مالیاتی طبق آئین نامه ای که به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور و تصویب وزیر امور اقتصادی و دارائی خواهد بود اعزام نماید. در صورتی که مودی از ارائه دفاتر خودداری نماید با موافقت هیات مذکور در بند ۳ ماده ۹۷ این قانون درآمد مشمول مالیات سال مربوط از طریق علی الراس تشخیص خواهد شد.

تبصره: هیات های موضوع این ماده می توانند حسب تجویز سازمان امور مالیاتی کشور کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مالی مودیان را اعم از این که مربوط به سال مراجعه باشد یا سنوات قبل باشند به منظور کسب اطلاعات لازم و ارائه آن به اداره امور مالیاتی ذیربط مورد بازرسی قرار دهند و یا در صورت لزوم دفاتر و اسناد و مدارک سنوات قبل را در قبال ارائه رسید به اداره امور مالیاتی منتقل نمایند.

فصل ششم: وظایف اشخاص ثالث

ماده ۱۸۲: کسانی که مطابق مقررات این قانون مکلف به پرداخت مالیات دیگران می باشند و همچنین هر کس که پرداخت مالیات دیگری را تعهد یا ضمانت کرده باشد و کسانی که در اثر خود داری از انجام تکالیف مقرر در این قانون مشمول جریمه ای شناخته شده اند در حکم مودی محسوب و از نظر وصول بدهی طبق مقررات قانونی اجرای وصول مالیاتها با آنان رفتار خواهد شد.

ماده ۱۸۳: در مواردی که انتقال ملک بوسیله اداره ثبت انجام می گیرد مالیات بر نقل و انتقال قطعی باید قبلاً پرداخت شود و در اداره ثبت با ذکر شماره مفصاحساب صادره از اداره امور مالیاتی ذیصلاح در سند انتقال اقدام انتقال ملک خواهد نمود.

ماده ۱۸۴: ادارات ثبت مکلف اند در آخر هر ماه فهرست کامل شرکتها و موسساتی را که در طول ماه به ثبت می رسند و تغییرات حاصله در مورد شرکتها و موسسات موجود و نیز نام اشخاص حقیقی یا حقوقی را که دفتر قانونی به ثبت رسانده اند با ذکر تعداد دفاتر ثبت شده و شماره های آن به اداره امور مالیاتی محل اقامت موسسه ارسال دارند.

ماده ۱۸۵: در کلیه مواردی که معاملات مربوط به فصل ۴ از باب دوم و همچنین فصول اول و ششم باب سوم این قانون به موجب سند رسمی صورت می گیرد صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلف اند فهرست خلاصه معاملات هر ماه را تا پایان ماه بعد در مقابل اخذ رسید به اداره امور مالیاتی ذیربط در محل تسلیم نمایند.

ماده ۱۸۶: صدور یا تجدید یا تمدید کارت بازرگانی و پروانه کسب یا کار اشخاص حقیقی یا حقوقی از طرف مراجع صلاحیت دار منوط به ارائه گواهی از اداره امور مالیاتی ذیربط مبنی بر پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده می باشد و در صورت عدم رعایت این حکم مسئولان امر نسبت به پرداخت مالیاتهای مزبور با مودی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

تبصره ۱- اعطای تسهیلات بانکی به اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل از طرف بانکها و سایر موسسات اعتباری منوط به اخذ گواهی های زیر خواهد بود: ۱- گواهی پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده ۲- گواهی اداره امور مالیاتی مربوط مبنی بر وصول نسخه ای از صورت های مالی ارائه شده به بانکها و سایر موسسات اعتباری ضوابط اجرائی این تبصره توسط سازمان امور مالیاتی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می شود مبلغی معادل یک در هزار

درآمد مشمول مالیات قطعی شده صاحبان در آمد مشاغل را وصول و در حساب مخصوص در خزانه منظور نموده تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه به تشکل های صنفی و مجامع حرفه ای که در امر تشخیص و وصول مالیات همکاری می نماید پراخت نماید.

و جوه پرداختی به استناد این ماده از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است .

ماده ۱۸۷: در کلیه مواردی که معاملات موضوع فصل چهارم از باب دوم و همچنین فصول اول و ششم باب سوم این قانون موجب اسناد رسمی صورت می گیرد صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلف اند قبل از ثبت و یا اقاله یا فسخ سند معامله مراتب را بشرح و مشخصات کامل و چگونگی نوع و موضوع معامله مورد نظر به اداره امور مالیاتی محل وقوع ملک و یا محل سکونت مودی حسب مورد اعلام و پس از کسب گواهی انجام معامله اقدام به ثبت یا اقاله یا فسخ سند معامله حسب مورد نموده و شماره و مرجع صدور آن را در سند معامله قید نمایند. گواهی انجام معامله حداکثر ظرف ده روز از تاریخ اعلام دفترخانه پس از وصول بدهی های مالیاتی مربوط به مورد معامله از مودی ذیربط از قبیل مالیات بر درآمد اجاره املاک و همچنین وصول مالیات حق واگذاری محل مالیات شغلی محل مورد معامله مالیات درآمد اتفاقی و مالیات نقل و انتقال قطعی املاک حسب مورد صادر خواهد شد .

تبصره ۱- چنانچه میزان مالیات مشخصه مورد اختلاف باشد پرونده امر خارج از نوبت در مراجع حل اختلاف مالیاتی موضوع این قانون رسیدگی خواهد شد و اگر مودی تمایل به اخذ گواهی قبل از رسیدگی و صدور رای از طرف مراجع حل اختلاف باشد با وصول مالیات مورد قبول مودی و اخذ سپرده یا تضمین معتبر از قبیل سفته ، بیمه نامه ، اوراق بهادار، وثیقه ملکی و ... معادل مبلغ مابه الاختلاف گواهی انجام معامله صادر خواهد شد .

تبصره ۲- در مواردی که به موجب احکام دادگاهها وجوه مربوط به حق واگذاری محل در صندوق دادگستری و امثال آن توزیع گردد مسئولان در موقع پرداخت به ذینفع مکلف اند ضمن استعلام از اداره امور مالیاتی مربوط مالیات متعلق را کسر و به حساب سازمان امور مالیاتی واریز نماید.

ماده ۱۸۸: متصدیان فروش و ابطال تمبر مکلف اند براساس مقررات این قانون به میزان مقرر در روی هر وکالت نامه تمبر باطل و میزان آن را در دفتری که اختصاصا جهت تمبر مصرفی باید به وسیله هر یک از وکلا نگهداری شود ثبت و گواهی نمایند. دفتر مزبور باید در موقع رسیدگی به حساب مالیاتی وکیل به اداره امور مالیاتی ارائه شود و گرنه از موجبات عدم قبول دفتر وکیل از نظر مالیاتی خواهد بود.

فصل هفتم: تشویقات و جرائم مالیاتی

ماده ۱۸۹: اشخاص حقوقی و حقیقی موضوع بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون چنانچه طی سه سال متوالی ترازنامه و حساب سود و زیان و دفاتر و مدارک آنان مورد قبول قرار گرفته باشد و مالیات هر سال را در سال تسلیم اظهار نامه بدون مراجعه به هیاتهای حل اختلاف مالیاتی پرداخت کرده باشد معادل ۵ درصد اصل مالیات سه سال مذکور علاوه بر استفاده از مزایای مقرر در ماده ۱۹۰ این قانون به عنوان جایزه خوش حسابی از محل وصولی های جاری پرداخت یا در حساب سنوات بعد آنان منظور خواهد شد . جایزه مربوط از پرداخت مالیات معاف خواهد بود .

ماده ۱۹۰: علی الحساب پرداختی بابت مالیات عملکرد هر سال مالی قبل از سررسید مقرر در این قانون برای پرداخت مالیات عملکرد موجب تعلق جایزه ای معادل یک درصد مبلغ پرداختی به ازای هر ماه تا سررسید مقرر خواهد بود که از مالیات متعلق همان عملکرد کسر خواهد شد .پرداخت مالیات پس از آن موعد موجب تعلق جریمه ای معادل ۲/۵٪ مالیات به ازای هر ماه خواهد بود . مبدا احتساب جریمه در مورد مودیانی که مکلف به تسلیم اظهار نامه مالیاتی هستند نسبت به مبلغ مندرج در اظهار نامه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم آن و نسبت به مابه الاختلاف از تاریخ مطالبه و در مورد مودیانی که از تسلیم اظهارنامه خودداری نموده و یا اصولا مکلف به تسلیم اظهار نامه نیستند تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه یا سررسید پرداخت مالیات حسب مورد می باشد .

تبصره ۱- مودیانی که به تکالیف قانونی خود راجع به تسلیم به موقع اظهارنامه یا

ترازنامه و حساب سود و زیان و پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت مالیات طبق اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان و حسب مورد ارائه به موقع دفاتر و اسناد و مدارک خود اقدام نموده اند در موارد مذکور در ماده ۲۳۹ این قانون هرگاه برگ تشخیص مالیاتی صادره را قبول یا با اداره امور مالیاتی توافق نماید و نسبت به پرداخت مالیات متعلقه یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام کنند از ۸۰٪ جرائم مقرر در این قانون معاف خواهند بود. همچنین در صورتی که این گونه مودیان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات نسبت به پرداخت یا ترتیب دادن پرداخت آن اقدام نمایند از ۴۰٪ جرائم متعلقه در این قانون معاف خواهند بود.

تبصره ۲- چنانچه فاصله تاریخ وصول اعتراض مودی نسبت به برگ تشخیص مالیات تا تاریخ قطعی شدن مالیات از یک سال تجاوز نماید، جریمه دوونیم درصد در ماه موضوع این ماده نسبت به مدت زمان بیش از یک سال مذکور تا تاریخ ابلاغ برگ قطعی مالیات قابل مطالبه از مودی نخواهد بود. سازمان امور مالیاتی مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که رسیدگی و قطعیت یافتن مالیات مودیان حداکثر تا یک سال پس از تاریخ تسلیم اعتراض آنان صورت پذیرد.

ماده ۱۹۱: تمام یا قسمتی از جرائم مقرر در این قانون بنا به درخواست مودی با توجه به دلایل ابرازی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و خوش حساسی مودی به تشخیص و موافقت سازمان امور مالیاتی کشور قابل بخشوده شدن می باشد.

ماده ۱۹۲: در کلیه مواردی که مودی یا نماینده او که به موجب مقررات این قانون از بابت پرداخت مالیات مکلف به تسلیم اظهار نامه می باشد چنانچه از تسلیم آن در مواعد مقرر در این قانون خودداری نماید مشمول جریمه ای معادل ده درصد مالیات متعلق خواهد بود.

تبصره: عدم تسلیم اظهار نامه توسط اشخاص حقوقی و مشمولان بندهای الف و ب ماده ۹۵ این قانون موجب تعلق جریمه ای معادل ۴۰٪ مالیات متعلق می گردد و مشمول بخشودگی نمی شود. در مورد مودیانی که اظهار نامه خود را تسلیم می نماید حکم این تبصره نسبت به مالیات متعلق به درآمدهای کتمان شده یا هزینه های غیر واقعی که غیر قابل قبول نیز باشد جاری خواهد بود.

ماده ۱۹۳: نسبت به مودیانی که به موجب مقررات این قانون مکلف به نگهداری دفاتر قانونی هستند در صورت عدم تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان یا عدم ارائه دفاتر مشمول جریمه ای معادل ۲۰٪ مالیات برای هر یک از موارد مذکور و در مورد رد دفتر مشمول جریمه ای معادل ۱۰٪ مالیات خواهند بود.

تبصره: عدم تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان دو دوره معافیت موجب عدم استفاده از معافیت مقرر در سال مربوط خواهد شد.

ماده ۱۹۴: مودیانی که اظهار نامه آنها در اجرای مقررات ماده ۱۵۸ این قانون مورد رسیدگی قرار می گیرد در صورتی که درآمد مشمول مالیات مشخصه قطعی با رقم اظهار شده از طرف مودی بیش از ۱۵٪ اختلاف داشته باشد علاوه بر تعلق جرائم مقرر مربوط که قابل بخشودن نیز نخواهد بود تا سه سال بعد از ابلاغ مالیات مشخصه قطعی از هرگونه تسهیلات و بخشودگی های مقرر در قانون مالیاتها نیز محروم خواهند شد.

ماده ۱۹۵: جریمه تخلف آخرین مدیران شخص حقوقی از لحاظ عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۱۱۴ این قانون ظرف مهلت مقرر یا تسلیم اظهارنامه خلاف واقع به ترتیب عبارتست از دو درصد و یک درصد سرمایه پرداخت شده شخص حقوقی در تاریخ انحلال

ماده ۱۹۶: جریمه تخلف مدیر یا مدیران تسویه در مورد تقسیم دارائی شخص حقوقی قبل از تسویه امور مالیاتی شخص حقوقی یا قبل از سپردن تامین مقرر موضوع ماده ۱۱۸ این قانون معادل ۲۰٪ مالیات متعلق خواهد بود که از مدیر یا مدیران تسویه وصول می گردد.

ماده ۱۹۷: نسبت به اشخاصی که به شرح مقررات این قانون مکلف به تسلیم صورت یا فهرست یا قرارداد یا مشخصات راجع به مودی می باشند، در صورتی که از تسلیم آنها در موعد مقرر خودداری و یا برخلاف واقع تسلیم نمایند، جریمه متعلق در مورد حقوق عبارت خواهد بود از ۲٪ حقوق پرداختی و در خصوص پیمانکاری ۱٪ کل مبلغ قرارداد و در هر حال با مودی متضامنا مسئول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.

ماده ۱۹۸: در شرکت های منحل مدیران اشخاص حقوقی مجتمعا یا منفردا نسبت به پرداخت مالیات بردرآمد اشخاص حقوقی وهمچنین مالیات هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آنها باشد با شخص حقوقی مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

یا حقوقی که به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ایصال مالیات مودیان دیگر می باشد در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر علاوه بر مسئولیت تضامنی که با مودی در پرداخت مالیات خواهد داشت مشمول جریمه ای معادل ۲۰٪ مالیات پرداخت نشده خواهد بود.

تبصره ۱- در مواردی که مکلفین به کسر مالیات وزارتخانه، شرکت یا موسسه دولتی یا شهرداری باشد مسئولین امر مشمول مجازات مقرر طبق قانون تخلفات اداری خواهند بود.

تبصره ۲- هر گاه مکلف به کسر مالیات شخص حقوقی غیر دولتی باشد مدیر یا مدیران مربوط نیز علاوه بر مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرائم متعلق به حبس تادینی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. این حکم شامل مدیر یا مدیران اشخاص حقوقی که برای پرداخت مالیات های مذکور به سازمان امور مالیاتی کشور تامین سپرده اند نخواهد بود.

تبصره ۳- چنانچه کسر مالیات شخص حقیقی باشد حبس تادینی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضائی در خصوص تبصره های ۲ و ۳ این ماده از طرف رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۰۰: در هر مورد که به موجب مقررات این قانون تکلیف یا وظیفه ای برای دفاتر اسناد رسمی مقرر گردیده است در صورت تخلف علاوه بر مسئولیت تضامنی سردفتر با مودی در پرداخت مالیات و یا مالیاتهای متعلق مربوط مشمول جریمه ای معادل ۲۰٪ آن نیز خواهد بود و در مورد تکرار به مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۹۹ این قانون نیز با رعایت مقررات مربوط محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰۱: هر گاه مودی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارک که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است استناد نماید با برای سه سال متوالی از تسلیم اظهار نامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند علاوه بر جریمه ها و مجازات های مقرر در این قانون از کلیه معافیت ها و بخشودگی های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد.

تبصره: تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضائی از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۰۲: وزارت امور اقتصادی و دارائی یا سازمان امور مالیاتی کشور می تواند از خروج بدهکاران مالیاتی که میزان بدهی قطعی آنها از ۱۰ میلیون ریال بیشتر باشد از کشور جلوگیری نماید. حکم این ماده در مورد مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی اعم از مالیات بردرآمد شخص حقوقی یا مالیاتهای که به موجب این قانون شخص حقوقی مکلف به کسر و ایصال آن می باشد و مربوط به دوره مدیریت آنان بوده نیز جاری است مراجع ذیربط به اعلام وزارت یا سازمان مزبور مکلف به اجرای این ماده می باشند.

تبصره: در صورتی که مودیان مالیاتی به قصد فرار از پرداخت مالیات اقدام به نقل و انتقال اموال خود به همسر و یا فرزندان نمایند سازمان امور مالیاتی می تواند نسبت به ابطال اسناد مذکور از طریق مراجع قضائی اقدام نماید.

فصل هشتم: ابلاغ

ماده ۲۰۳: اوراق مالیاتی بطور کلی باید به شخص مودی ابلاغ و در نسخه ثانی رسید اخذ گردد. هرگاه به خود مودی دسترسی پیدا نشود اوراق مالیاتی باید در محل سکونت یا محل کار اوبه یکی از بستگان یا مستخدمین او ابلاغ گردد مشروط براین که به نظر مامور ابلاغ سن ظاهری این اشخاص برای تمیز اهمیت اوراق مورد ابلاغ کافی بوده و بین مودی و شخصی که اوراق را دریافت می دارد تعارض منفعت نباشد.

تبصره ۱- هرگاه مودی یا در صورت عدم حضور وی بستگان یا مستخدمین او از گرفتن برگها استنکاف نماید یا در صورتی که هیچ یک از اشخاص مذکور در محل نباشد مامور ابلاغ باید امتناع آنان از گرفتن اوراق یا عدم حضور اشخاص فوق را در محل در هر نسخه قید نموده و نسخه اول اوراق را به درب محل سکونت یا محل کار مودی الصاق نماید. اوراق مالیاتی که به ترتیب فوق ابلاغ شده قانونی تلقی و تاریخ الصاق تاریخ ابلاغ به مودی محسوب می شود.

تبصره ۲- سازمان امور مالیاتی می تواند برای ابلاغ اوراق مالیاتی از خدمات پست سفارشی استفاده نماید. امور پست باید اوراق مالیاتی را به شخص مودی یا بستگانی و مستخدمین او در محل ابلاغ و در نسخه ثانی رسید اخذ کند و چنانچه مودی یا اشخاص یاد شده از گرفتن اوراق امتناع کنند، مامور پست این موضوع را در نسخ اوراق مذکور قید و نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می کند و نسخه اول را به اداره مالیاتی عودت می دهد و. رگه هیچ یک از اشخاص یاد شده در محل نباشد مامور پست با قید تاریخ مراجعه عبارت (۱۵ روز پس از تاریخ مجدداً مراجعه خواهد شد) را در اوراق مذکور قید و نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می کند و نسخه اول را عودت می دهد. مامور پست در مراجعه بعدی در صورت عدم حضور اشخاص فوق این امر را در ذیل اوراق قید و نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می کند و نسخه اول را به اداره امور مالیاتی عودت می دهد. اوراقی که بدین ترتیب الصاق می شود از تاریخ الصاق ابلاغ شده محسوب می شود.

ماده ۲۰۴: مامور ابلاغ باید مراتب را در نسخه اول و دوم اوراق مالیاتی تصریح و امضا نماید: الف: محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال به حروف و عدد ب: نام کسی که اوراق به او ابلاغ شده با تعیین این که چه نسبتی با مودی دارد ج: نام و مشخصات گواهان با نشانی کامل آنان در مورد تبصره ماده ۲۰۳ این قانون ماده ۲۰۵: اگر مودی یکی از ادارات دولتی یا موسسات وابسته به دولت باشد اوراق مالیاتی باید به رئیس یا قائم مقام رئیس دفتر آن اداره و یا موسسه ابلاغ گردد.

ماده ۲۰۶: اگر مودی شرکت تجاری یا سایر اشخاص حقوقی باشد اوراق مالیاتی باید به مدیر یا اشخاص دیگری که از طرف شرکت حق امضا دارند ابلاغ شود.

تبصره: مقررات ماده ۲۰۳ این قانون و تبصره آن در مورد شرکتهای تجاری و سایر اشخاص حقوقی نیز مجری است.

ماده ۲۰۷: در مواردی که مودی محلی را به عنوان محل کار یا سکونت یا محل ابلاغ اوراق مالیاتی معرفی کند و در غیر این مورد در صورتی که اوراق مالیاتی در محلی به عنوان محل کار یا سکونت مودی ابلاغ شود و در پرونده دلیل و اثری حاکی از اطلاع مودی از این موضوع بوده و به این نشانی ایراد نکرده باشد مادامی که محل دیگری به عنوان محل سکونت یا کار اعلام نکند ابلاغ اوراق مالیاتی به همان نشانی قانونی صحیح است.

ماده ۲۰۸: در مواردی که نشانی مودی در دست نباشد اوراق مالیاتی یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار حوزه اداره امور مالیاتی محل و اگر در محل مزبور روزنامه نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیکترین محل به حوزه اداره امور مالیاتی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز آگهی می شود. این آگهی در حکم ابلاغ مودی محسوب خواهد شد.

تبصره ۱- در متن اوراق مالیاتی ابلاغ شده باید علاوه بر مطالب مربوط، محل مراجعه مهلت مقرر و تکلیف قانونی مودی درج شده باشد.

تبصره ۲- در مورد مودیان مالیات مستغلات که نشانی آنها طبق ماده ۲۰۷ این قانون مشخص نباشد اوراق مالیاتی به ترتیب مذکور در تبصره ماده ۲۰۳ این قانون به محل مستغلی که مالیات آن مورد مطالبه است ابلاغ

خواهد شد.

ماده ۲۰۹: مقررات آئین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ، جز در مواردی که در این قانون مقرر گردیده است در مورد ابلاغ اوراق مالیاتی اجرا خواهد شد.

فصل نهم: وصول مالیات

ماده ۲۱۰: هرگاه مودی مالیات قطعی شده خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید اداره امور مالیاتی به موجب برگ اجرائی به او ابلاغ می کند ظرف یک ماه از تاریخ کلیه بدهی خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی بدهد.

تبصره ۱- در برگ اجرائی باید نوع مبلغ مالیات، مدارک تشخیص قطعی بدهی، سال مالیاتی، مبلغ پرداخت شده قبلی و جریمه متعلق درج گردد.

تبصره ۲- آن قسمت از مالیات مورد قبول مودی مذکور در اظهار نامه یا ترازنامه تسلیمی به عنوان مالیات قطعی تلقی می شود و از طریق عملیات اجرائی قابل وصول است.

ماده ۲۱۱: هرگاه مودی پس از ابلاغ برگ اجرائی در موعد مقرر مالیات مورد مطالبه را کلاً پرداخت نکند یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی ندهد به اندازه بدهی مودی اعم از اصل و جرائم متعلق به اضافه ۱۰٪ بدهی از اموال منقول یا غیر منقول و مطالبات مودی توقیف خواهد شد. صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجرائیات اداره امور مالیاتی می باشد.

ماده ۲۱۲: توقیف اموال زیر ممنوع است:

۱- دوسوم حقوق بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه

۲- لباس و اشیا و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مودی و افراتحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه موجود و نفقه اشخاص واجب المنفعه مودی

۳- ابزار و آلات کشاورزی و صنعتی و وسایل کسب که برای تامین حداقل معیشت مودی لازم است.

۴- محل سکونت به قدر متعارف

تبصره ۱- هرگاه ارزش مالی که برای توقیف در نظر گرفته می شود زائد بر میزان بدهی مالیاتی مودی و قابل تفکیک نباشد، تمام مال توقیف و فروخته خواهد شد و مازاد مسترد می شود مگر این که مودی اموال بلاعارض دیگری معادل میزان فوق معرفی نماید.

تبصره ۲- هرگاه مودی یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می نمایند، از اثاث البیت آنچه عادتاً مورد استفاده زنان است متعلق به زن و بقیه متعلق به شوهر شناخته می شود مگر آن که خلاف ترتیب فوق معلوم شود.

تبصره ۳- توقیف واحدهای تولیدی اعم از کشاورزی و صنعتی در مدت عملیات اجرائی نباید موجب تعطیل واحد تولیدی گردد.

ماده ۲۱۳: ارزیابی اموال مورد توقیف به وسیله ارزیاب اداره امور مالیاتی به عمل خواهد آمد ولی مودی می تواند با تودیع حق الزحمه ارزیابی طبق مقررات مربوط به دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری تقاضا کند که ارزیابی اموال بوسیله ارزیاب رسمی به عمل آید.

ماده ۲۱۴: کلیه اقدامات لازم مربوط به آگهی حراج و مزایده فروش اموال مورد توقیف اعم از منقول و غیر منقول به عهده مسئول اجرائی اداره امور مالیاتی می باشد. در مورد فروش اموال غیر منقول در صورتی که پس از انجام تشریفات مقرر تعیین خریدار، مالک برای امضای سند حاضر نشود مسئول اجرائیات اداره امور مالیاتی به استناد مدارک مربوط از اداره ثبت محل تقاضای انتقال ملک به نام خریدار خواهد کرد و اداره ثبت اسناد و املاک مکلف به اجرای آن است.

ماده ۲۱۵: دو مورد اموال غیر منقول توقیف شده در صورتی که پس از دونوبت آگهی (که نوبت دوم آن بدون حداقل قیمت آگهی می شود) خریداری برای آن پیدا نشد سازمان امور مالیاتی می تواند مطابق ارزیابی کارشناس رسمی

دادگستری معادل کل بدهی مودی به علاوه هزینه متعلقه از مال مورد توقیف تملک و بهای آن را به حساب بدهی مودی منظور نماید .

تبصره ۱- در صورتی که مودی قبل از انتقال مال مذکور به نام سازمان امور مالیاتی و یا دیگری حاضر به پرداخت بدهی خود باشد . سازمان امور مالیاتی با دریافت بدهی مودی به اضافه ده درصد بدهی و هزینه های متعلقه از ملک مزبور رفع توقیف می نماید .

تبصره ۲- در صورتی که مال به تملک سازمان امور مالیاتی درآمده باشد اگر آمادگی جهت فروش داشته باشد و مودی درخواست نماید در شرایط مساوی اولویت با مودی است .

ماده ۲۱۶: مرجع رسیدگی به شکایات ناشی از اقدامات اجرائی راجع به مطالبات دولت از اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی که طبق مقررات اجرائی مالیاتها قابل مطالبه و وصول می باشد هیات حل اختلاف مالیاتی خواهد بود . به شکایات مزبور به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و رای صادر خواهد شد . رای صادره قطعی و لازم الاجرا است .

تبصره ۱- در مورد مالیاتهای مستقیم در صورتی که شکایات حاکی از این باشد که وصول مالیات قبل از قطعیت به موقع اجرا گذارده شده است هرگاه هیئت حل اختلاف مالیاتی شکایت را وارد دانست ضمن صدور رای به بطلان اجرائیه حسب مورد قرار رسیدگی و اقدام لازم صادر یا نسبت به درآمد مشمول مالیات مودی رسیدگی و رای صادر خواهد شد . رای صادره از هیئت های حل اختلاف قطعی است

تبصره ۲- در مورد مالیاتهای غیر مستقیم هرگاه شکایت اجرائی از این جهت باشد که مطالبه مالیات قانونی نیست مرجع رسیدگی به این شکایت نیز هیات حل اختلاف مالیاتی خواهد بود و رای هیات مزبور در این باره قطعی و لازم الاجرا است. تبصره ۲- در مورد مالیاتهای غیر مستقیم هرگاه شکایت اجرائی از این جهت باشد که مطالبه مالیات قانونی نیست مرجع رسیدگی به این شکایت نیز هیات حل اختلاف مالیاتی خواهد بود و رای هیات مزبور در این باره قطعی و لازم الاجرا است. مفاد این تبصره شامل جرائم قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و بهای مال قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و بهای مال قاچاق از بین رفته و نیز آن دسته از مالیاتهای غیر مستقیم که طبق مقررات مخصوصه خود در مراجع خاص باید حل و فصل شود نخواهد بود.

ماده ۲۱۷: به وزارت امور اقتصادی و دارائی اجازه داده می شود که یک درصد از وجوهی که بابت مالیات و جرائم موضوع این قانون وصول می گردد (به استثنای مالیات بردرآمد شرکتهای دولتی) در حساب مخصوص در خزانه منظور نموده و در مورد آموزش و تربیت کارمندان در امور مالیاتی و حسابرسی و تشویق کارکنان و کسانی که در امر وصول مالیات فعالیت موثری مبذول داشته و یا می دارند خرج نماید . وجوه پرداختی به استناد این ماده به عنوان پاداش وصولی شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است . وزارت امور اقتصادی و دارائی موظف است که در هر شش ماه گزارشی از میزان وصول مالیات و توزیع مالیات وصولی بین طبقات و سطوح مختلف درآمد را به کمیسیون امور اقتصادی و دارائی مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید .

ماده ۲۱۸: آئین نامه مربوط به قسمت وصول مالیات توسط وزارتخانه های امور اقتصادی و دارائی و دادگستری تصویب وزارت امور اقتصادی و دارائی به موقع اجرا گذارده خواهد شد

باب پنجم - سازمان تشخیص و مراجع مالیاتی

فصل اول : مراجع تشخیص مالیات و وظایف و اختیارات آنها

ماده ۲۱۹ : شناسایی و تشخیص درآمد مشمول مالیات ، مطالبه و وصول مالیات موضوع این قانون به سازمان امور مالیاتی کشور محول می شود که به موجب بند (الف) ماده (۵۹) قانون به سازمان امور مالیاتی کشور محول می شود که بند (الف) ماده (۵۹) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ایجاد گردیده است . نحوه انجام دادن تکالیف و استفاده از اختیارات و برخورداری از صلاحیت های هر یک از ماموران مالیاتی و اداره امور مالیاتی و همچنین ترتیبات اجرای احکام مقرر در این قانون به موجب آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر

ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور، به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید.

تبصره: سازمان امور مالیاتی کشور می تواند تا تصویب آیین نامه موضوع این ماده، از روشها، ترتیبات اجرایی و عناوین شغلی به مقررات مجری استفاده نماید.

ماده ۲۲۰: اصلاحات عبارتی زیر در این قانون انجام می شود: ۱- در مواد ذیل عبارت سازمان امور مالیاتی کشور جایگزین عبارت وزارت امور اقتصادی و دارایی می گردد: مواد (۲۶)، (۲۹)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۵۷)، (۸۰)، (۱۱۴) و (۱۵۴) و تبصره (۲) ذیل آن، مواد (۱۵۸)، (۱۵۹) و تبصره ذیل آن، مواد (۱۶۰)، (۱۶۳)، (۱۶۴)، (۱۶۶)، (۱۶۹)، (۱۷۶)، (۱۸۶) و (۱۹۱)، تبصره (۲) ذیل ماده (۲۰۳)، ماده (۲۱۵) و تبصره های (۱) و (۲) ذیل آن و تبصره ماده (۲۳۰). ۲- در موارد زیر عبارت اداره امور مالیاتی جایگزین واژه ها و عبارت های مامور تشخیص، ماموران تشخیص، ممیز مالیاتی، سر ممیز مالیاتی، حوزه، حوزه مالیاتی، دفتر ممیزی حوزه مالیاتی، دفتر ممیزی و اداره امور اقتصادی و دارایی می شود: مواد (۲۶)، (۲۷)، (۲۹)، (۳۱)، (۳۴)، (۳۵) و تبصره های (۲) و (۳) ماده (۳۸)، ماده (۳۹) و تبصره ذیل آن، مواد (۷۲) و (۸۰-)، تبصره های (۱) و (۲) ماده (۸۷)، مواد (۸۸) و (۱۰۲)، تبصره (۵) ماده (۱۰۹)، مواد (۱۱۳)، (۱۱۴)، (۱۱۷)، (۱۲۶)، (۱۵۴) و تبصره (۲) آن، مواد (۱۵۶)، (۱۶۱)، (۱۶۲)، (۱۶۴)، (۱۷۰)، (۱۷۹)، (۱۸۳)، (۱۸۴)، (۱۸۵) و (۱۸۶) و تبصره ذیل آن، مواد (۱۸۸)، (۲۰۸)، (۲۱۰)، (۲۱۱)، (۲۱۳)، (۲۱۴)، (۲۲۷)، (۲۲۹) و (۲۳۰) و تبصره ذیل آن، مواد (۲۳۲)، (۲۳۳)، (۲۴۹).

ماده ۲۲۱ حذف شد. ماده ۲۲۲ حذف شد. ماده ۲۲۳ حذف شد. ماده ۲۲۴ حذف شد. ماده ۲۲۵ حذف شد. ماده ۲۲۶: عدم تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر از طرف مودی که مکلف به تسلیم اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان هستند موجب عدم رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان آنها که در موعد مقرر قانونی تسلیم شده است در مهلت مذکور در ماده (۱۵۶) این قانون نخواهد بود. در غیر اینصورت، درآمد مذکور در ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی قطعی خواهد بود.

تبصره: به مودیان مالیاتی اجازه داده می شود در صورتی که به نحوی از انحاء در اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی از نظر محاسبه اشتباهی شده باشد، با ارائه مدارک لازم ظرف یک ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه نسبت به رفع اشتباه اقدام و اظهارنامه یا ترازنامه یا حساب سود و زیان اصلاحی را حسب مورد تسلیم نماید و در هر حال تاریخ تسلیم اظهارنامه مودی تاریخ تسلیم اظهارنامه اول می باشد.

ماده ۲۲۷: در مواردی که اظهارنامه و ترازنامه و حساب سود و زیان مودی حسب مورد قبول می شود و همچنین پس از تشخیص علی الراس و صدور برگ تشخیص، چنانچه ثابت شود مودی فعالیتهایی داشته است که درآمد آن را کتمان نموده است و یا اداره امور مالیاتی در موقع صدور برگ تشخیص از آن مطلع نبوده اند، مالیات باید با محاسبه درآمد ناشی از فعالیتهای مذکور تعیین و مابه تفاوت آن با رعایت مهلت مقرر در ماده (۱۵۷) این قانون مطالبه شود.

ماده ۲۲۸: در مواردی که اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان مودی مورد قبول واقع نشود و یا اساسا مودی مزبور را در موعد قانونی تسلیم نکرده باشد، مالیات مودی طبق مقررات این قانون تشخیص و مطالبه خواهد شد.

ماده ۲۲۹: اداره امور مالیاتی می تواند برای رسیدگی به اظهارنامه یا تشخیص هر گونه درآمد مودی به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مربوط مراجعه و رسیدگی نمایند و مودی مالیات مکلف به ارائه و تسلیم آنها می باشد و گرنه بعدا به نفع او در امور مالیاتی آن سال قابل استناد نخواهد بود مگر آن که قبل از تشخیص قطعی درآمد معوم شود که ارائه آنها در مراحل قبلی به عللی خارج از حدود اختیار مودی میسر نبوده است. حکم این ماده مانع از آن نخواهد بود که مراجع حل اختلاف برای تشخیص درآمد واقعی مودی به اسناد و مدارک ارائه شده از طرف مودی استناد نمایند.

ماده ۲۳۰: در مواردی که مدارک و اسناد حاکی از تحصیل درآمد نزد اشخاص ثالث به استثنای اشخاص مذکور در ماده (۲۳۱) این قانون موجود باشد اشخاص ثالث مکلف اند با مراجعه و مطالبه اداره امور مالیاتی، دفاتر و همچنین

اصل یا رونوشت اسناد مربوط و هر گونه اطلاعات مربوط به درآمد مودی یا مشخصات او را ارائه دهند و گرنه در صورتی که در اثر این استتکاف آنها زیانی متوجه دولت شود به جبران زیان وارده به دولت محکوم خواهند شد .

رجع ثبوت استتکاف اشخاص ثالث و تعیین زیان وارده به دولت مراجع صالحه قضایی است که با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی و خارج نوبت به موضوع رسیدگی خواهند نمود .

تبصره : در موارد استتکاف اشخاص ثالث در ارائه اسناد و مدارک مورد درخواست اداره امور مالیاتی ، سازمان امور مالیاتی کشور می تواند اشخاص ثالث را از طریق دادستانی کل کشور مکلف به ارائه اسناد و مدارک مذکور بنماید . تعقیب قضایی موضوع مانع از اقدامات اداره امور مالیاتی نخواهد بود .

ماده ۲۳۱ : در مواردی که ادارات امور مالیاتی کتبا از وزارتخانه ها ، موسسات دولتی ، شرکت های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شهرداریها و سایر موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی اطلاعات و اسناد لازم را در زمینه فعالیت و معاملات و درآمد مودی بخواهند مراجع مذکور مکلف اند رونوشت گواهی شده اسناد مربوط و هرگونه اطلاعات لازم را در اختیار آنان بگذارند مگر این که مسئول امر ابراز آن را مخالف مصالح مملکت اعلام نماید که در این صورت با موافقت وزیر مسئول و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی از ابراز آن خودداری می شود و در غیر این صورت به تخلف مسئول امر با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی در مراجع صالحه قضایی خارج از نوبت رسیدگی و حسب مورد به مجازات مناسب محکوم خواهد شد . ولی در مورد اسناد و اطلاعاتی که نزد مقامات قضایی است و مقامات مزبور ارائه آن را مخالف مصلحت بدانند ، ارائه آن منوط به موافقت دادستان کل کشور خواهد بود .

تبصره : درمورد بانکها و موسسه های اعتباری غیر بانکی ، سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مودی را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی مطالبه خواهد کرد و بانکها و موسسه های اعتباری غیر بانکی موظفند حسب نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی اقدام نمایند .

ماده ۲۳۲ : اداره امور مالیاتی و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مودی به دست می آورند تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذیربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد .

ماده ۲۳۳ : در صورتی که اداره امور مالیاتی ضمن رسیدگی های خود به تخلفات مالیاتی مودی موضوع ماده (۲۰۱) این قانون برخورد نمودند مکلف اند مراتب را برای تعقیب به دادستان انتظامی مالیاتی گزارش دهند .

ماده ۲۳۴ حذف شد

ماده ۲۳۵ : اداره امور مالیاتی مکلف است نسبت به مودیانی که بدهی مالیاتی قطعی خود را پرداخت نموده اند حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ وصول تقاضای مودی مفاصا حساب مالیاتی تهیه و به مودی تسلیم کند .

فصل دوم : ترتیب رسیدگی

ماده ۲۳۶ : حذف شد .

ماده ۲۳۷ : برگ تشخیص مالیات باید بر اساس ماخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی و به نحوی تنظیم گردد که کلیه فعالیت های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مودی روشن باشد .

مضاء کنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص به طور خوانا قید نمایند و مسئول مندرجات برگ تشخیص و نظریه خود از هر جهت خواهند بود . و در صورت استعلام مودی از نحوه تشخیص مالیات مکلف اند جزئیات گزارشی را که مبنای صدور برگ تشخیص قرار گرفته است به مودی اعلام نمایند و هرگونه توضیحی را در این خصوص بخواهد به او بدهند .

ماده ۲۳۸ : در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مودی ابلاغ می شود ، چنانچه مودی نسبت به آن معترض باشد می تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصا یا به وسیله وکیل تام الاختیار خود به اداره امور مالیاتی

مراجعه و با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتبا تقاضای رسیدگی مجدد نماید. مسئول مربوط

موظف است پس از ثبت درخواست مودی در دفتر مربوط و ظرف مهلتی که سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابراز شده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست، آن را رد و مراتب را ظهر برگ تشخیص درج و امضا نماید و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابرازی را موثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد و نظر او مورد قبول مودی قرار گیرد، مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس و به امضای مسئول و مودی خواهد رسید و هرگاه دلایل و اسناد و مدارک ابرازی مودی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد موثر تشخیص ندهد باید مراتب را مستدلا در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده امر را برای رسیدگی به هیات حل اختلاف ارجاع نماید.

ماده ۲۳۹: در صورتی که مودی ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص مالیات قبولی خود را نسبت به آن کتبا اعلام کند یا مالیات مورد مطالبه را به ماخذ برگ تشخیص پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را بدهد یا اختلاف موجود بین خود و اداره امور مالیاتی را به شرح ماده (۲۳۸) این قانون رفع نماید پرونده امر از لحاظ میزان درآمد مشمول مالیات مختومه تلقی می گردد و در مواردی که مودی ظرف سی روز کتبا اعتراض ننماید و یا در مهلت مقرر در ماده مذکور به اداره امور مالیاتی مربوط مراجعه نکند درآمد تعیین شده در برگ تشخیص مالیات قطعی است.

تبصره: در مواردی که برگ تشخیص مالیات طبق مقررات تبصره ماده (۲۰۳) و ماده (۲۰۸) این قانون ابلاغ شده باشد و مودی به شرح مقررات این ماده اقدام نکرده باشد در حکم معترض به برگ تشخیص مالیات شناخته می شود. در این صورت و همچنین در مواردی که مودی ظرف مهلت سی روز از ابلاغ کتبا به برگ تشخیص اعتراض کند پرونده امر برای رسیدگی به هیات حل اختلاف مالیاتی ارجاع می گردد.

ماده ۲۴۰: در موقع طرح پرونده در هیات حل اختلاف مالیاتی نماینده اداره امور مالیاتی باید در جلسات مقرر هیات شرکت کند و برای توجیه مندرجات برگ تشخیص دلایل کافی اقامه کند و توضیحات لازم را بدهد.
ماده ۲۴۱: حذف شد.

ماده ۲۴۲- اداره امور مالیاتی موظف است در هر مورد که به علت اشتباه در محاسبه، مالیات اضافی دریافت شده است و همچنین در مواردی که مالیاتی طبق مقررات این قانون قابل استرداد می باشد، وجه قابل استرداد را از محل وصولی جاری ظرف یک ماه به مودی پرداخت کند.

تبصره: مبالغ اضافی دریافتی از مودیان بابت مالیات موضوع این قانون به هر عنوان مشمول خسارتی به نرخ یک و نیم درصد (۱/۵٪) در ماه از تاریخ تا زمان استرداد می باشد و از محل وصولی های جاری به مودی پرداخت خواهد شد. حکم این تبصره نسبت به مالیات های تکلیفی و علی الحساب های پرداختی در صورتی که اضافه بر مالیات متعلق باشد در صورتی که ظرف سه ماه از تاریخ درخواست مودی مسترد نشود از تاریخ انقضای مدت مزبور جاری خواهد بود.

ماده ۲۴۳: در صورتی که درخواست استرداد از طرف مودی به عمل آمده باشد اداره امور مالیاتی آن را وارد داند، مودی می تواند ظرف سی روز از تاریخ اعلام نظر اداره یاد شده از هیات حل اختلاف مالیاتی درخواست رسیدگی کند. رای هیات حل اختلاف مالیاتی در این مورد قطعی و غیر قابل تجدید نظر است و در صورت صدور رای به استرداد مالیات اضافی اداره مربوط طبق جزء اخیر ماده (۲۴۲) این قانون ملزم به اجرای آن خواهد بود.

فصل سوم: مرجع حل اختلاف مالیاتی

ماده ۲۴۴: مرجع رسیدگی به کلیه اختلاف های مالیاتی جز در مواردی که ضمن مقررات این قانون مرجع دیگری پیش بینی شده، هیات حل اختلاف مالیاتی است. هر هیات حل اختلاف مالیاتی از سه نفر به شرح زیر تشکیل خواهد شد:

۱- یک نفر نماینده سازمان امور مالیاتی کشور.

۲- یک نفر قاضی اعم از شاغل یا بازنشسته . در صورتی که قاضی بازنشسته واجد شرایطی در شهرستانها یا مراکز استانها وجود نداشته باشد بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور ، رئیس قوه قضائیه یک نفر قاضی شاغل را برای عضویت هیات معرفی خواهد نمود .

۳- یک نفر نماینده از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن یا اتاق تعاون یا جامعه حسابداران رسمی یا مجامع حرفه ای یا تشکل های صنفی یا شورای اسلامی شهر به انتخاب مودی در صورتی که برگ تشخیص مالیات ابلاغ قانونی شده باشد و یا همزمان با تسلیم اعتراض به برگ تشخیص در مهلت قانونی مودی انتخاب خود را اعلام ننماید سازمان امور مالیاتی با توجه به نوع فعالیت مودی یا موضوع مورد رسیدگی از بین نمایندگان مزبور یک نفر را انتخاب خواهد کرد .

تبصره ۱- جلسات هیات های حل اختلاف مالیاتی با حضور سه نفر رسمی است و رای هیات های مزبور با اکثریت آرا قطعی و لازم الاجرا است ، ولی نظر اقلیت باید در متن رای قید گردد .

تبصره ۲- اداره امور هیات های حل اختلاف مالیاتی و مسئولیت تشکیل جلسات هیاتها به عهده امور مالیاتی کشور می باشد و حق الزحمه اعضا هیات های حل اختلاف براساس آیین نامه ای که بنا به پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد رسید از محل اعتباری که به همین منظور در بودجه سازمان مذکور پیش بینی می شود قابل پرداخت خواهد بود .

ماده ۲۴۵ : نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیات از بین کارمندان سازمان مذکور که دارای ده سال سابقه خدمت بوده و لااقل شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته و در امر مالیاتی بصیر و مطلع باشند انتخاب خواهند شد .

ماده ۲۴۶: وقت رسیدگی هیات حل اختلاف مالیاتی در مورد هر پرونده ، جهت حضور مودی یا نماینده مودی و نیز اعزام نماینده اداره امور مالیاتی باید به آنها ابلاغ گردد . فاصله تاریخ ابلاغ و روز تشکیل جلسه هیات نباید کمتر از ده روز باشد مگر به درخواست مودی و موافقت واحد مربوط .

تبصره : عدم حضور مودی یا نماینده مودی و نیز نماینده اداره امور مالیاتی مربوط مانع از رسیدگی هیات و صدور رای نخواهد بود .

ماده ۲۴۷ : حذف شد .

ماده ۲۴۸ : رای هیات حل اختلاف مالیاتی بایستی متضمن اظهارنامه موجه و مدلل نسبت به اعتراض مودی بوده و در صورت اتخاذ تصمیم به تعدیل درآمد مشمول مالیات ، جهات و دلایل آن توسط هیات در متن رای قید شود .

ماده ۲۴۹: هیاتهای حل اختلاف مالیاتی مکلف اند مآخذ مورد محاسبات مالیات را در متن رای قید و در صورتی که در محاسبه اشتباهی کرده باشند ، با درخواست مودی یا اداره امور مالیاتی مربوط به موضوع رسیدگی و رای اصلاح کنند .

ماده ۲۵۰ : در مواردی که هیات حل اختلاف مالیاتی برگ تشخیص مالیات را رد و یا این که تشخیص اداره امور مالیاتی را تعدیل نماید مکلف است نسخه ای از رای خود را به انضمام رونوشت برگ تشخیص مالیات جهت رسیدگی نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال کند تا در صورت احراز تخلف نسبت به تعقیب متخلف اقدام نماید .

ماده ۲۵۱ : مودی یا اداره امور مالیاتی می تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی هیات حل اختلاف مالیاتی، به استناد عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقص رسیدگی ، با اعلام دلایل کافی به شورای عالی مالیاتی شکایت و نقص رای و تجدید رسیدگی را درخواست کنند . ماده ۲۵۱ مکرر در مورد مالیات های قطعی موضوع این قانون و مالیات های غیر مستقیم که در مرجع دیگری قابل طرح نباشد و به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات مستندا به مدارک و دلایل کافی از طرف مودی شکایت و تقاضای تجدید رسیدگی شود وزیر امور اقتصادی و دارایی می تواند پرونده امر را به هیاتی مرکب از سه نفر به انتخاب خود جهت رسیدگی ارجاع نماید . رای هیات به اکثریت آرا قطعی و لازم الاجرا می باشد . حکم این ماده نسبت به عملکرد سنوات ۱۳۶۸ تا تاریخ تصویب این اصلاحیه نیز جاری خواهد بود .

فصل چهارم: شورای عالی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن

ماده ۲۵۲: شورای عالی مالیاتی مرکب است از بیست و پنج نفر عضو که از بین اشخاص صاحب نظر، مطلع و مجرب در امور حقوقی، اقتصادی، مالی، حسابداری و حسابرسی که دارای حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی یا معادل در رشته های مذکور می باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می شوند.

تبصره ۱- حداقل پانزده نفر از اعضاء شورای عالی مالیاتی باید از کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا سازمانها و واحدهای تابعه آن که دارای حداقل شش سابقه کار در مشاغل مالیاتی باشند انتخاب شوند.

تبصره ۲- جلسات شورای عالی مالیاتی با حضور حداقل دو سوم اعضاء رسمی است و تصمیمات آن با رای حداقل نصف به علاوه یک حاضرین معتبر خواهد بود.

ماده ۲۵۳: دوره عضویت اعضای شورای عالی مالیاتی از تاریخ انتصاب است و در این مدت قابل تغییر نیستند مگر تقاضای خودشان یا به موجب حکم قطعی دادگاه اختصاصی اداری موضوع ماده (۲۶۷) این قانون. انتصاب مجدد اعضا پس از انقضای سه سال مذکور بلامانع است. رئیس شورای عالی مالیاتی از بین اعضای شورا که کارمند وزارت امور اقتصادی و دارایی باشد، به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی منصوب می شود.

ماده ۲۵۴- شورای عالی مالیاتی دارای هشت شعبه و هر شعبه مرکب از سه نفر عضو خواهد بود. رئیس و اعضای شعب از طرف رئیس شورای عالی مالیاتی منصوب می شوند.

ماده ۲۵۵: وظایف و اختیارات شورای عالی مالیاتی به شرح زیر است:

۱- تهیه آیین نامه ها و بخشنامه های مربوط به اجرای این قانون در مواردی که از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ارجاع می گردد و یا در مواردی که شورای عالی مالیاتی تهیه آن را ضروری می داند پس از تهیه به رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد کند.

۲- بررسی و مطالعه به منظور پیشنهاد و اعلام نظر در مورد شیوه اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و همچنین پیشنهاد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات مالیاتی و یا حذف بعضی از آنها به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور.

۳- اظهار نظر در مورد موضوعات و مسایل مالیاتی که وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور حسب اقتضا برای مشورت و اظهار نظر به شورای عالی مالیاتی ارجاع می نماید.

۴- رسیدگی به آرای قطعی هیات های حل اختلاف مالیاتی که از لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات موضوعه یا نقص رسیدگی مورد شکایت مودی یا اداره امور مالیاتی واقع شده باشد.

ماده ۲۵۶: هرگاه از طرف مودی یا اداره امور مالیاتی شکایتی در موعد مقرر از رای قطعی هیات حل اختلاف مالیاتی واصل شود که ضمن آن با اقامه دلایل و یا ارائه اسناد و مدارک صراحتاً یا تلویحاً ادعای نقض قوانین و مقررات موضوعه یا ادعای نقص رسیدگی شده باشد، رئیس شورای عالی مالیاتی شکایت را جهت رسیدگی به یکی از شعب مربوط ارجاع خواهد نمود. شعبه مزبور موظف است بدون ورود به ماهیت امر صرفاً از لحاظ رعایت تشریفات و کامل بودن رسیدگی های قانونی و مطابقت مورد با قوانین و مقررات موضوعه به موضوع رسیدگی و مستنداً به جهات و اسباب و دلایل قانونی رای مقتضی بر نقض آرای هیات های حل اختلاف مالیاتی و یا رد شکایت مزبور صادر نماید، رای شعبه با اکثریت مناط اعتبار است و نظر اقلیت باید در متن رای قید گردد.

ماده ۲۵۷: در مواردی که رای مورد شکایت از طرف شعبه نقض می گردد پرونده امر جهت رسیدگی مجدد به هیات حل اختلاف مالیاتی دیگر ارجاع خواهد شد و در صورتی که در آن محل یک هیات بیشتر نباشد به هیات حل اختلاف مالیاتی نزدیکترین شهری که با محل مزبور در محدوده یک استان باشد ارجاع می شود. مرجع مزبور مجدداً به موضوع اختلاف مالیاتی برطبق فصل سوم این باب و با رعایت نظر شعبه شورای عالی مالیاتی رسیدگی و رای مقتضی

می دهد . رایى که بدین ترتیب صادر میشود قطعى و لازم الاجرا است . حکم این ماده درموردی که آرای صادره از هیاتهای حل اختلاف مالیاتی توسط دیوان عدالت اداری نقض می گردد نیز جاری خواهد بود .

تبصره : درموردی که رای هیات های حل اختلاف مالیاتی نقض می شود شورای عالی مالیاتی موظف است یک نسخه از رای هیات را برای رسیدگی نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال دارد تا در صورت احراز تخلف اقدام به تعقیب نماید .

ماده ۲۵۸ : هرگاه در شعب شورای عالی مالیاتی نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد حسب ارجاع وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور یا رئیس شورای عالی مالیاتی هیات عمومی شورای عالی مالیاتی با حضور رئیس شورا و روسای شعب و در غیاب رئیس شعبه یک نفر از اعضای آن شورا به انتخاب رئیس شورا تشکیل خواهد شد و موضوع مورد اختلاف را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر و اقدام به صدور رای می نماید . در این صورت رای هیات عمومی که با دو سوم آرای تمام اعضا قطعی است برای شعب شورای عالی مالیاتی و هیاتهای حل اختلاف مالیاتی در موارد مشابه لازم الاتباع است .

ماده ۲۵۹ : هرگاه شکایت از رای هیات حل اختلاف مالیاتی از طرف مودی به عمل آمده باشد و مودی به میزان مالیات مورد رای وجه نقد یا تضمین بانکی بسپرد و یا وثیقه ملکی معرفی کند یا ضامن معتبر که اعتبار ضامن مورد قبول اداره امور مالیاتی باشد ، معرفی نماید رای هیات تصدور رای شورای عالی مالیاتی موقوف الاجرا میماند .

فصل پنجم : هیات عالی انتظامی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن

ماده ۲۶۱ : هیات عالی انتظامی مالیاتی مرکب خواهد بود از سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی البدل که از بین کارمندان عالی مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی که در امور مالیاتی اشتغال داشته باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی برای مدت سه سال به این سمت منصوب می شود و در مدت مذکور قابل تغییر نیستند مگر به تقاضای خودشان و یا به موجب حکم قطعی دادگاه اختصاصی اداری موضوع ماده (۲۶۲) این قانون . انتصاب مجدد آنان پس از انقضای سه سال مذکور بلامانع است . رئیس هیات عالی انتظامی مالیاتی از بین اعضای اصلی هیات به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی انتخاب و منصوب میشود .

تبصره : کارمندانی که مدارج مذکور در ماده (۲۲۰) این قانون را طی نموده و در یکی از استان های کشور به جز استان تهران به عنوان مدیر کل خدمت کرده باشند در انتخاب به سمت فوق حق تقدم دارند .

ماده ۲۶۲ : وظایف و اختیارات هیات عالی انتظامی مالیاتی به شرح زیر است :

الف : رسیدگی به تخلفات اداری در امور مالیاتی کلیه ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیات های حل اختلاف مالیاتی و هیات سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون و سایر مامورانی که طبق این قانون مسئول وصول مالیات هستند و نیز کسانی که با حفظ سمت وظایف ماموران مزبور را انجام می دهند به درخواست دادستانی انتظامی مالیاتی . تعقیب و رسیدگی به پرونده های مطروحه در دادستانی و هیات عالی انتظامی مالیاتی سابق به عهده مراجع موضوع این فصل خواهد بود .

ب : نفی صلاحیت شاغلین مقامات مذکور در ادامه خدمات مالیاتی به جهات مسایل اخلاقی و یا رفتار منافی با حیثیت و شئون ماموران مالیاتی و سوء شهرت و اهمال و مسامحه آنان در انجام وظایف خود به درخواست دادستان انتظامی مالیاتی .

ج : رسیدگی به اعتراض مامورانی که صلاحیت آنها مورد تایید دادستان انتظامی مالیاتی قرار نگرفته است نظر هیات در این گونه موارد برای مسئولین ذیربط معتبر خواهد بود .

فصل ششم : دادستانی انتظامی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن

ماده ۲۶۳: دادستان انتظامی مالیاتی از بین کارمندان عالی مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی که دارای حداقل ده سال سابقه خدمت بوده و شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته باشند به پیشنهاد رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و حکم وزیر امور اقتصادی و دارایی به این سمت منصوب می شود.

ماده ۲۶۴: وظایف دادستان انتظامی مالیاتی به شرح زیر است:

الف: رسیدگی و کشف تخلفات و تقصیرات ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیات های حل اختلاف مالیاتی و همچنین اعضای هیات سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون و سایر ماموران که طبق این قانون در امر وصول مالیات دخالت دارند و نیز کسانی که با حفظ سمت وظایف ماموران مزبور را انجام میدهند و تعقیب آنها.

ب: تحقیق درجهات اخلاقی و اعمال و رفتار افراد مذکور.

پ: اعلام نظر نسبت به ترفیع مقام ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیات های حل اختلاف مالیاتی. ت: اقامه دعوی علیه مودیان و ماموران مالیاتی که در این قانون پیش بینی شده است

ماده ۲۶۵: جهات ذیل موجب شروع رسیدگی و تحقیق خواهد بود:

الف: شکایت ذینفع راجع به عدم رعایت مقررات این قانون.

ب: گزارش رسیده از مراجع رسمی.

پ: مواردی که از طرف وزیر امور اقتصادی و دارایی یا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور و با هیات عالی انتظامی مالیاتی ارجاع شود.

ت: مشهودات و اطلاعات دادستانی انتظامی مالیاتی

تبصره: دادستان انتظامی مالیاتی موارد مذکور در این ماده را مورد رسیدگی قرار میدهد و حسب مورد پرونده را بایگانی یا قرار منع تعقیب صادر و یا ادعای تنظیم و به هیات عالی انتظامی مالیاتی تسلیم می نماید و در موارد صدور منع تعقیب نیز مراتب باید به هیات عالی انتظامی مالیاتی اعلام شود. هیات مذکور در صورتی که قرار منع تعقیب صادره را منطبق با موضوع تشخیص ندهد راسا نسبت به رسیدگی اقدام خواهد نمود.

ماده ۲۶۶: مرجع رسیدگی به تخلف افراد مذکور در ماده (۲۶۲) این قانون مرکب است از دو نفر اعضای هیات عالی انتظامی غیر از رئیس هیات و یک نفر از اعضای شورای عالی مالیاتی بنا به معرفی رئیس شورا. مرجع مذکور طبق مقررات این قانون و قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر مقررات موضوعه نسبت به موضوع ارجاعی رسیدگی و رای به براءت یا محکومیت صادر می نماید. رای مزبور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رای از طرف کارمند مورد تعقیب و همچنین دادستانی انتظامی مالیاتی قابل تجدید نظر مرکب از سه نفر عضو که عبارتند از رئیس هیات عالی انتظامی مالیاتی، رئیس شورای عالی مالیاتی و یکی از اعضای هیات عالی انتظامی به انتخاب رئیس هیات عالی انتظامی که در رای بدوی دخالت نداشته باشد. رای مرجع تجدید نظر قطعی و لازم الاجرا است.

تبصره ۱: هرگاه هر یک از اعضای هیات عالی انتظامی مالیاتی خواه در مرحله بدوی یا تجدید نظر سابقه صدور رای یا هر نوع اظهارنظری نسبت به موضوع طرح شده داشته باشند وزیر امور اقتصادی و دارایی حسب مورد یک نفر دیگر را در آن مورد تعیین خواهد نمود.

تبصره ۲: در هر مورد که رای مرجع تجدید نظر توسط دیوان عدالت اداری نقض و یا پرونده قابل رسیدگی مجدد اعلام گردد، پرونده امر منحصرأ به جهات مورد نظر دیوان مزبور به هیاتی مرکب از سه نفر به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی که یکی از آنان رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور خواهد بود احاله و رای هیات اخیرالذکر قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۶۷: تخلفات انتظامی اعضای شورای عالی مالیاتی و اعضای هیات عالی انتظامی به دستور وزیر امور اقتصادی و دارایی در دادگاه اختصاصی اداری مرکب از یکی از روسای شعب دیوان عالی کشور به معرفی رئیس دیوان عالی کشور، رئیس کل دیوان محاسبات و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور مورد رسیدگی قرار می گیرد که بر طبق

قانون رسیدگی به تخلفات اداری و سایر مقررات مربوط رسیدگی و رای بر برائت یا محکومیت صادر خواهد نمود. این رای قطعی و لازم الاجرا است.

ماده ۲۶۸: درموردی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به سبب معاملاتی که در دفتر اسناد رسمی انجام می شود تکالیفی به عهده صاحبان دفتر گذارده شده است تخلف آنان از انجام تکالیف مذکور به وسیله دادستانی انتظامی مالیاتی تعقیب خواهد شد. محاکمه و مجازات سر دفتر متخلف در مرجع صلاحیت دار مذکور در قانون دفاتر اسناد رسمی به عمل خواهد آمد ولی دادستانی انتظامی مالیاتی علاوه بر تسلیم ادعای نامی تواند از وجود نماینده اداره امور مالیاتی برای ادای توضیحات لازم در مرجع مزبور استفاده نماید.

ماده ۲۶۹: تخلف قضات اعضای هیات های حل اختلاف مالیاتی در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به عهده هیات های حل اختلاف گذارده شده است با اعلام دادستانی انتظامی مالیاتی در دادرسی انتظامی قضات مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. در مورد قضات بازنشسته و نیز نمایندگان موضوع بند (۳) ماده (۲۴۴) این قانون به تخلف آنان با اعلام دادستانی انتظامی در محاکم دادگستری رسیدگی و به مجازات متناسب محکوم خواهند شد.

ماده ۲۷۰: مجازات تخلف ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور در هیات حل اختلاف در موارد زیر عبارت است از:

۱- هرگاه بعد از تشخیص مالیات و غیر قابل اعتراض بودن آن معلوم شود که ماموران مالیاتی و نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور عضو هیات حل اختلاف مالیاتی از روی تعدد یا مسامحه بدون توجه به اسناد و مدارک مودی و بدون تحقیقات کافی درآمد مودی را کمتر یا بیشتر از میزان واقعی تشخیص داده اند، علاوه بر جبران خسارت وارده به میزانی که شورای عالی مالیاتی تعیین می نماید متخلف به مجازات اداری حداقل سه ماه و حداکثر پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

۲- در مواردی که مودیان بر اثر مسامحه و غفلت ماموران مالیاتی مشمول مرور زمان یا غیر قابل وصول گردد جز در مورد اظهار نامه هایی که در اجرای ماده (۱۵۸) این قانون رسیدگی به آن الزامی نیست مقصر به موجب رای هیات عالی انتظامی از خدمات مالیاتی برکنار و حسب مورد به مجازات متناسب مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد. ضمناً نسبت به زیان وارده به دولت به میزانی که شورای عالی مالیاتی تشخیص می دهد متخلف مسئولیت مدنی داشته و وسیله دادستان انتظامی مالیاتی در دادگاههای حقوقی دادگستری به این عنوان دعوی جبران ضرر و زیان اقامه خواهد شد و در صورت وجود سوء نیت متهم وسیله دادستانی انتظامی مالیاتی مورد تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت. ماموران مالیاتی که امر مالیاتی مختوم را مجدداً مورد اقدام قرار دهند به موجب حکم هیات عالی انتظامی به انفصال از خدمات دولت از یک الی چهار سال محکوم می شوند و در مواردی که با دادن گزارش خلاف واقع در امر مالیاتی تعدد و وسایل تعقیب مودیان را که بی تفصیراند فراهم سازند به موجب حکم دادگاههای دادگستری به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می شوند. دادگاهها خارج از نوبت به این جرایم رسیدگی خواهند نمود. این حکم شامل ماموران مالیاتی نیز خواهد بود که در موارد مذکور در مواد (۱۵۶) و (۲۲۷) و (۲۳۹) این قانون به طور کلی بعد از صدور برگ تشخیص در هر مرحله ای که باشد، بابت فعالیت دیگر مودی اعم از این که از همان نوع باشد یا نوع دیگر بدون به دست آوردن مدرک مثبت یا در خارج از مهلت مرور زمان مالیاتی موضوع مواد (۱۵۶) و (۱۵۷) این قانون مطالبه مالیات نمایند.

تبصره: تشریفات رسیدگی به تخلفات و مجازات آنها جز در مواردی که مقررات خاصی برای آن در این قانون پیش بینی شده است مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود.

ماده ۲۷۱: در مورد رد دفاتر و اسناد و مدارک مودی هرگاه هیات سه نفری موضوع بند (۳) ماده (۹۷) این قانون در یک سال مالیاتی بیش از یک پنجم نظریات اداره امور مالیاتی را (با نوبت اضافی) مردود اعلام نماید ماموران

مالیاتی مربوط برای مدت یک سال و در صورت تکرار به طور دائم از اشتغال در رده ماموران مالیاتی منفصل خواهند شد .

ماده ۲۷۲ : سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران و حسابداران رسمی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی که عهده دار انجام دادن وظایف حسابرسی و بازرسی قانونی یا حسابرسی اشخاص هستند در صورت درخواست اشخاص مذکور مکلف اند گزارش حسابرسی مالیاتی طبق نمونه ای که از طرف سازمان امور مالیاتی تهیه می شوند ، تنظیم کنند و جهت تسلیم به اداره امور مالیاتی مربوط در اختیار مودی قرار دهند . گزارش اخیرالذکر باید شامل موارد زیر باشد :

الف : اظهارنامه نسبت به کفایت اسناد و مدارک حسابداری برای امر حسابرسی طبق مفاد این قانون و مقررات مربوط با رعایت اصول و ضوابط و استانداردهای حسابداری .

ب : تعیین درآمد مشمول مالیات بر اساس مفاد این قانون و مقررات مربوط .

ج : اظهارنامه نسبت به مالیات های تکلیفی که مودی به موجب قانون مکلف به کسر و پرداخت آن به سازمان امور مالیاتی بوده است .

د : سایر مواردی که در نمونه گزارش حسابرسی مالیاتی مورد نظر سازمان امور مالیاتی کشور تعیین خواهد شد . تبصره ۱: اداره امور مالیاتی گزارش حسابرسی مالیاتی را بدون رسیدگی قبول و مطابق مقررات برگ تشخیص مالیات صادر می کند ، قبول گزارش حسابرسی مالیاتی موکول به آن است که مودی گزارش حسابرسی مالی نسبت به صورت های مالی که طبق استانداردهای حسابرسی توسط همان حسابدار رسمی یا موسسه حسابرسی تنظیم شده باشد را ضمیمه گزارش حسابرسی مالیاتی همراه با اظهارنامه مالیاتی یا حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مهلت تسلیم اظهارنامه ، تسلیم اداره امور مالیاتی مربوط نموده باشد .

تبصره ۲: سازمان امور مالیاتی کشور میتواند حسابرسی صورت های مالی و تنظیم گزارش مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی را به حسابداران رسمی یا موسسات حسابرسی واگذار نماید . در این صورت پرداخت حق الزحمه ، طبق مقررات مربوط به عهده سازمان امور مالیاتی کشور می باشد .

ماده ۲۷۳ : تاریخ اجرای این قانون از اول سال ۱۳۸۱ خواهد بود و کلیه اشخاص حقوقی که شروع سال مالی آنها از اول فروردین ماه سال ۱۳۸۰ به بعد باشد نیز از لحاظ ترتیب رسیدگی و نرخ مالیاتی مشمول این قانون خواهند شد . از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر به استثنای احکام مالیاتی در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دوران برنامه مزبور و نیز ماده (۱۳) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و استفساریه مصوب ۱۳۷۴/۱/۲۱ قانون اخیرالذکر لغو می گردد . این حکم شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی به آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است نیز می باشد .

ماده ۲۴۷- آراء هیأت های حل اختلاف مالیاتی بدوی قطعی و لازمالاجراء است. مگر این که ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی براساس ماده (۲۰۳) این قانون و تبصره های آن به مؤدی، از طرف مأموران مالیاتی مربوط یا مؤدیان مورد اعتراض کتبی قرارگیرد که در این صورت پرونده جهت رسیدگی به هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر احاله خواهد شد. رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر قطعی و لازمالاجراء میباشد. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)

تبصره ۱- مؤدی مالیاتی مکلف است مقدار مالیات مورد قبول را پرداخت و نسبت بهمازاد بر آن اعتراض خود را در مدت مقرر تسلیم کند. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)

تبصره ۲- نمایندگان عضو هیأت های حل اختلاف مالیاتی نباید قبلاً نسبت به موضوع مطروحه اظهارنظر داشته یا رأی داده باشند. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)

تبصره ۳- در صورتی که رأی صادره هیأت بدوی از سوی یکی از طرفین مورد اعتراض تجدیدنظرخواهی قرارگرفته باشد در مرحله تجدیدنظر فقط به ادعای آن طرف رسیدگی و رأی صادر خواهد شد. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)



تبصره ۴- آراء قطعی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی به استثناء مواردی که رأی هیأت

حل اختلاف مالیاتی بدوی با عدم اعتراض مؤدی یا مأمور مالیاتی مربوط قطعیت مییابد برابر مقررات ماده (۲۵۱) این قانون قابل شکایت و رسیدگی در شورایی مالیاتی خواهد بود. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)

تبصره ۵- سازمان امور مالیاتی کشور اجازه دارد شکایت کتبی مؤدیان مالیاتی از آراء هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی صادره تا تاریخ تصویب این ماده که در مهلت قانونی به‌مراجع مالیاتی ذیربط تسلیم شده است را یک بار به هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر به منظور رسیدگی و صدور رأی مقتضی احاله نماید. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)

تبصره ۶- در مواردی که شکایت مؤدیان مالیاتی از آراء هیأت‌های بدوی از طرف هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر رد شود و همچنین شکایت از آراء هیأت‌های تجدیدنظر از طرف شعب شورایی مالیاتی مردود اعلام شود، برای هر مرحله معادل یکدرصد (۱٪) تفاوت مالیات موضوع رأی مورد شکایت و مالیات ابرازی مؤدی در اظهارنامه تسلیمی، هزینه رسیدگی تعلق میگیرد که مؤدی مکلف به پرداخت آن خواهد بود. (الحاقی ۱۳۸۸/۲/۲۰)



کانون کارگزاری بورس واورق بھادر

قانون مالیات بر ارزش افزوده

فصل اول - کلیات و تعاریف

ماده ۱- عرضه کالاها و ارائه خدمات در ایران وهمچنین واردات و صادرات آنها مشمول مقررات این قانون می باشد.
ماده ۲- منظور از مالیات در این قانون، به استثناء موارد مندرج در فصول هشتم ونهم، مالیات بر ارزش افزوده می باشد.

ماده ۳- ارزش افزوده در این قانون، تفاوت بین ارزش کالاها وخدمات عرضه شده با ارزش کالاها وخدمات خریداری یا تحصیل شده در یک دوره معین می باشد.

ماده ۴- عرضه کالا در این قانون، انتقال کالا از طریق هر نوع معامله است.
تبصره- کالاهای موضوع این قانون که توسط مؤدی خریداری، تحصیل یا تولید می شود در صورتی که برای استفاده شغلی به عنوان دارائی در دفاتر ثبت گردد یا برای مصارف شخصی برداشته شود، عرضه کالا به خود محسوب ومشمول مالیات خواهد شد.

ماده ۵- ارائه خدمات در این قانون، به استثناء موارد مندرج در فصل نهم، انجام خدمات برای غیر در قبال مابه ازاء می باشد.

ماده ۶- واردات در این قانون، ورود کالا یا خدمت از خارج از کشور یا از مناطق آزاد تجاری- صنعتی ومناطق ویژه اقتصادی به قلمرو گمرکی کشور می باشد.

ماده ۷- صادرات در این قانون، صدور کالا یا خدمت به خارج از کشور یا به مناطق آزاد تجاری- صنعتی ومناطق ویژه اقتصادی می باشد.

ماده ۸- اشخاصی که به عرضه کالا و ارائه خدمت و واردات وصادرات آنها مبادرت می نمایند، به عنوان مؤدی شناخته شده ومشمول مقررات این قانون خواهند بود.

ماده ۹- معاوضه کالاها وخدمات در این قانون، عرضه کالا یا خدمت از طرف هر یک از متعاملین تلقی وبه طور جداگانه مشمول مالیات می باشند.

ماده ۱۰- هر سال شمسی به چهار دوره مالیاتی سه ماهه، تقسیم می شود. در صورتی که شروع یا خاتمه فعالیت مؤدی در خلال یک دوره مالیاتی باشد، زمان فعالیت مؤدی طی دوره مربوطه یک دوره مالیاتی تلقی می شود.
وزیر امور اقتصادی ودارائی مجاز است با پیشنهاد سازمان امور مالیاتی کشور مدت دوره مالیاتی را برای هر گروه از مؤدیان دو یا یک ماهه تعیین نماید.

ماده ۱۱- تاریخ تعلق مالیات به شرح زیر است:

الف- در مورد عرضه کالا:

۱- تاریخ صورتحساب، تاریخ تحویل کالا یا تاریخ تحقق معامله کالا، هر کدام که مقدم باشد، حسب مورد؛
۲- در موارد مذکور در تبصره ماده (۴) این قانون، تاریخ ثبت دارائی در دفاتر یا تاریخ شروع استفاده، هر کدام که مقدم باشد یا تاریخ برداشت، حسب مورد؛

۳- در مورد معاملات موضوع ماده (۹) این قانون، تاریخ معاوضه؛

ب- در مورد ارائه خدمات:

۱- تاریخ صورتحساب یا تاریخ ارائه خدمت، هر کدام که مقدم باشد حسب مورد؛

۲- در مورد معاملات موضوع ماده (۹) این قانون، تاریخ معاوضه.

ج- در مورد صادرات و واردات:

در مورد صادرات، هنگام صدور (از حیث استرداد) و در مورد واردات تاریخ ترخیص کالا از گمرک و در خصوص خدمت، تاریخ پرداخت مابه ازاء.

تبصره- در صورت استفاده از ماشین های صندوق، تاریخ تعلق مالیات، تاریخ ثبت معامله در ماشین می باشد.

فصل دوم: معافیتها

ماده ۱۲- عرضه کالاها و ارائه خدمات زیر وهمچنین واردات آنها حسب مورد از پرداخت مالیات معاف می باشد:

- ۱- محصولات کشاورزی فرآوری نشده؛
- ۲- دام و طیور زنده، آبزیان، زنبور عسل و نوغان؛
- ۳- انواع کود، سم، بذر و نهال؛
- ۴- آرد خبازی، نان، گوشت، قند، شکر، برنج، حبوبات و سویا، شیر، پنیر، روغن نباتی و شیر خشک مخصوص تغذیه کودکان؛
- ۵- کتاب، مطبوعات، دفاتر تحریر و انواع کاغذ چاپ، تحریر و مطبوعات؛
- ۶- کالاهای اهدایی به صورت بلا عوض به وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی با تأیید هیأت وزیران و حوزه های علمیه با تأیید حوزه گیرنده هدایا؛
- ۷- کالاهایی که همراه مسافر و برای استفاده شخصی تا میزان معافیت مقرر طبق مقررات صادرات و واردات، وارد کشور می شود. مازاد بر آن طبق مقررات این قانون مشمول مالیات خواهد بود؛
- ۸- اموال غیر منقول؛
- ۹- انواع دارو، لوازم مصرفی درمانی، خدمات درمانی (انسانی، حیوانی و گیاهی) و خدمات توانبخشی و حمایتی؛
- ۱۰- خدمات مشمول مالیات بر درآمد حقوق، موضوع قانون مالیاتهای مستقیم؛
- ۱۱- خدمات بانکی و اعتباری بانکها، موسسات و تعاونیهای اعتباری و صندوق های قرض الحسنه مجاز و خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورسها و بازارهای خارج از بورس.
- ۱۲- خدمات حمل و نقل عمومی مسافری برون شهری و درون شهری، جاده ای، ریلی، هوایی و دریایی؛
- ۱۳- فرش دستباف؛
- ۱۴- انواع خدمات پژوهشی و آموزشی که طبق آئین نامه ای که با پیشنهاد مشترک وزارتخانه های علوم تحقیقات و فناوری، امور اقتصادی و دارایی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و کار و امور اجتماعی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد؛
- ۱۵- خوراک دام و طیور؛
- ۱۶- رادار و تجهیزات کمک ناوبری هوانوردی ویژه فرودگاه ها بر اساس فهرستی که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد؛
- ۱۷- اقلام با مصارف صرفاً دفاعی (نظامی و انتظامی) و امنیتی بر اساس فهرستی که به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد. فهرست مذکور از اولین دوره مالیاتی پس از تصویب هیأت وزیران قابل اجراء خواهد بود.
- ماده ۱۳- صادرات کالا و خدمت به خارج از کشور از طریق مبادی خروجی رسمی، مشمول مالیات موضوع این قانون نمی باشد و مالیاتهای پرداخت شده بابت آنها با ارائه برگه خروجی صادره توسط گمرک (در مورد کالا) و اسناد و مدارک مثبت، مسترد می گردد.

تبصره- مالیاتهای پرداختی بابت کالاهای همراه مسافران تبعه کشورهای خارجی که از تاریخ خرید آنها تا تاریخ خروج از کشور بیش از دوماه نگذشته باشد، از محل وصولی های جاری درآمد مربوط هنگام خروج از کشور در مقابل ارائه اسناد ومدارک مثبتته مشمول استرداد خواهد بود.

ضوابط اجرائی این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه وبه تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

فصل سوم: مآخذ، نرخ و نحوه ی محاسبه ی مالیات

ماده ۱۴- مآخذ محاسبه مالیات، بهای کالا یا خدمت مندرج در صورتحساب خواهد بود. در مواردی که صورتحساب موجود نباشد ویا از ارائه آن خودداری شود ویا به موجب اسناد ومدارک مثبتته احراز شود که ارزش مندرج در آنها واقعی نیست، مآخذ محاسبه مالیات بهای روز کالا یا خدمت به تاریخ روز تعلق مالیات می باشد.

تبصره- موارد زیر جزء مآخذ محاسبه مالیات نمی باشد:

الف- تخفیفات اعطائی؛

ب- مالیات موضوع این قانون که قبلاً توسط عرضه کننده کالا یا خدمت پرداخت شده است؛

ج- سایر مالیاتهای غیر مستقیم وعوارضی که هنگام عرضه کالا یا خدمت به آن تعلق گرفته است.

ماده ۱۵- مآخذ محاسبه مالیات واردات کالا، عبارت است از ارزش گمرکی کالا (قیمت خرید، هزینه حمل ونقل وحق بیمه) به علاوه حقوق ورودی (حقوق گمرکی وسود بازرگانی) مندرج در اوراق گمرکی.

تبصره- مآخذ محاسبه مالیات واردات خدمت، عبارت است از معادل ارزش ریالی مربوطه به مابه ازاء واردات خدمت مزبور.

ماده ۱۶- نرخ مالیات بر ارزش افزوده، یک ونیم درصد (۱/۵٪) می باشد.

تبصره- نرخ مالیات بر ارزش افزوده کالاهای خاص به شرح زیر تعیین می گردد:

۱- انواع سیگار ومحصولات دخانی، دوازده درصد (۱۲٪).

۲- انواع بنزین وسوخت هواپیما بیست درصد (۲۰٪).

ماده ۱۷- مالیاتهایی که مؤدیان در موقع خرید کالا یا خدمت برای فعالیتهای اقتصادی خود به استناد صورتحسابهای صادره موضوع این قانون پرداخت نموده اند، حسب مورد از مالیاتهای وصول شده توسط آنها کسر ویا به آنها مسترد می گردد.

ماشین آلات وتجهیزات خطوط تولید نیز از جمله کالای مورد استفاده برای فعالیتهای اقتصادی مؤدی محسوب می گردد.

تبصره ۱- در صورتی که مؤدیان مشمول حکم این ماده در هر دوره مالیاتی اضافه پرداختی داشته باشند، مالیات اضافه پرداخت شده به حساب مالیات دوره های بعد مؤدیان منظور خواهد شد ودر صورت تقاضای مؤدیان، اضافه مالیات پرداخت شده از محل وصولی های جاری درآمد مربوط، مسترد خواهد شد.

تبصره ۲- در صورتی که مؤدیان به عرضه کالا یا خدمت معاف از مالیات موضوع این قانون اشتغال داشته باشند ویا طبق مقررات این قانون مشمول مالیات نباشند، مالیاتهای پرداخت شده بابت خرید کالا یا خدمت تا این مرحله قابل استرداد نمی باشد.

تبصره ۳- در صورتی که مؤدیان به عرضه توأم کالاها یا خدمات مشمول مالیات ومعاف از مالیات اشتغال داشته باشند، صرفاً مالیاتهای پرداخت شده مربوط به کالاها یا خدمات مشمول مالیات در حساب مالیاتی مؤدی منظور خواهد شد.

تبصره ۴- مالیات بر ارزش افزوده وعوارض پرداختی مؤدیان بابت کالاهای خاص موضوع تبصره ماده (۱۶) وبندهای (ب)، (ج) و(د) ماده (۳۸) این قانون، صرفاً در مراحل واردات، تولید وتوزیع مجدد آن کالاها توسط واردکنندگان، تولید کنندگان وتوزیع کنندگان آن، قابل کسر از مالیاتهای وصول شده ویا قابل استرداد به آنها خواهد بود.

تبصره ۵- آن قسمت از مالیاتهای ارزش افزوده پرداختی مؤدیان که طبق مقررات این قانون قابل کسر از مالیاتهای وصول شده یا قابل استرداد نیست، جزء هزینه های قابل قبول موضوع قانون مالیاتهای مستقیم محسوب می شود.

تبصره ۶- مبالغ اضافه دریافتی از مؤدیان بابت مالیات موضوع این قانون، در صورتی که ظرف سه ماه از تاریخ درخواست مؤدی مسترد نشود، مشمول خسارتی به میزان دو درصد (۲٪) در ماه نسبت به مبلغ مورد استرداد ومدت تأخیر خواهد بود.

تبصره ۷- مالیاتهایی که در موقع خرید کالاها و خدمات توسط شهرداریها ودهیاریها برای انجام وظایف وخدمات قانونی پرداخت می گردد، طبق مقررات این قانون قابل تهاتر ویا استرداد خواهد بود.

فصل چهارم:

ماده ۱۸- مؤدیان مکلفند به ترتیبی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین واعلام می نماید نسبت به ارائه اطلاعات درخواستی سازمان مذکور وتکمیل فرمهای مربوطه اقدام وثبت نام نمایند.

ماده ۱۹- مؤدیان مکلفند در قبال عرضه کالا یا خدمات موضوع این قانون، صورتحسابی با رعایت قانون نظام صنفی وحاوی مشخصات متعاملین ومورد معامله به ترتیبی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین واعلام می شود، صادر ومالیات متعلق را در ستون مخصوص درج و وصول نمایند. در مواردی که از ماشین های فروش اسفاده می شود، نوار ماشین جایگزین صورتحساب خواهد شد.

تبصره- کالاهای مشمول مالیات که بدون رعایت مقررات وضوابط این قانون عرضه گردد، علاوه بر جرائم متعلق وسایر مقررات مربوط موضوع این قانون، کالای قاچاق محسوب ومشمول قوانین ومقررات مربوط می شود.

ماده ۲۰- مؤدیان مکلفند، مالیات موضوع این قانون را در تاریخ تعلق مالیات، محاسبه واز طرف دیگر معامله وصول نمایند.

تبصره ۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است مالیات موضوع این قانون را قبل از ترخیص از واردکنندگان کالا وصول ودر پروانه های گمرکی ویا فرمهای مربوط حسب مورد درج نماید واطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی وحقوقی مشمول مقررات این قانون را حداکثر به صورت ماهانه به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه نموده وامکان دسترسی همزمان سازمان امور مالیاتی کشور به پایگاه های اطلاعاتی ذی ربط را فراهم آورد

گمرک جمهوری اسلامی ایران مکلف است مالیات وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به حساب مخصوصی نزد خزانه داری کل کشور که به این منظور توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد، واریز نماید.

تبصره ۲- واردکنندگان خدمات مکلفند مالیات متعلق به خدمات خریداری شده از خارج از کشور را محاسبه وپرداخت نمایند.

ماده ۲۱- مؤدیان مالیاتی مکلفند، اظهارنامه هر دوره مالیاتی را طبق نمونه ودستورالعملی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تعیین واعلام می شود، حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ انقضاء هر دوره، به ترتیب مقرر تسلیم ومالیات متعلق به دوره را پس از کسر مالیاتهایی که طبق مقررات این قانون پرداخت کرده اند وقابل کسر می باشد، در مهلت مقرر مذکور، به حسابی که توسط وزارت امور اقتصادی وداریایی (خزانه داری کل کشور) تعیین وتوسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد، واریز نمایند.

تبصره ۱- چنانچه مدت فعالیت شغلی مؤدی کمتر از مدت یک دوره مالیاتی باشد، تکلیف مقرر در این ماده نسبت به مدت یاد شده نیز جاری می باشد.

تبصره ۲- اشخاص حقیقی وحقوقی که بیش از یک محل شغل یا فعالیت دارند، تسلیم اظهارنامه وپرداخت مالیات برای هر محل شغل یا فعالیت به طور جداگانه الزامی است.

تبصره ۳- در مورد کارگاه ها و واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی که نوع فعالیت آنها ایجاد دفتر، فروشگاه یا شعبه در یک یا چند محل دیگر را اقتضاء نماید، تسلیم اظهارنامه واحد مطابق دستورالعملی است که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد.

تبصره ۴- مؤدیانی که محل ثابت برای شغل خود ندارند، محل سکونت آنان از لحاظ تسلیم اظهارنامه و سایر امور مالیاتی مناط اعتبار خواهد بود.

ماده ۲۲- مؤدیان مالیاتی در صورت انجام ندادن تکالیف مقرر در این قانون و یا در صورت تخلف از مقررات این قانون، علاوه بر پرداخت مالیات متعلق و جریمه تأخیر، مشمول جریمه ای به شرح زیر خواهند بود:

۱- عدم ثبت نام مؤدیان در مهلت مقرر معادل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) مالیات متعلق تا تاریخ ثبت نامه یا شناسایی حسب مورد.

۲- عدم صدور صورتحساب معادل یک برابر مالیات متعلق.

۳- عدم درج صحیح قیمت در صورتحساب معادل یک برابر مابه التفاوت مالیات متعلق.

۴- عدم درج و تکمیل اطلاعات صورتحساب طبق نمونه اعلام شده معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) مالیات متعلق.

۵- عدم تسلیم اظهارنامه از تاریخ ثبت نام یا شناسایی به بعد حسب مورد، معادل پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات متعلق.

۶- عدم ارائه دفاتر یا اسناد و مدارک حسب مورد معادل بیست و پنج درصد (۲۵٪) مالیات متعلق.

ماده ۲۳- تأخیر در پرداخت مالیاتهای موضوع این قانون در مواعد مقرر، موجب تعلق جریمه ای به میزان دو درصد (۲٪) در ماه، نسبت به مالیات پرداخت نشده و مدت تأخیر خواهد بود.

فصل پنجم: سازمان مالیات بر ارزش افزوده و وظایف و اختیار آن

ماده ۲۴- سازمان امور مالیاتی کشور موظف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، ساختار و تشکیلات مورد نیاز خود را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی به رئیس جمهوری پیشنهاد نماید. سازمان امور مالیاتی کشور می تواند در ایجاد تشکیلات استانی بدون رعایت سطح تقسیمات کشوری و متناسب با توان اقتصادی هر استان (منطقه) اقدام نماید. این تشکیلات پیشنهادی پس از تأیید رئیس جمهور قابل اجراء خواهد بود.

تبصره - به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می شود نیروی انسانی متخصص مورد نیاز برای اجراء این قانون را در چارچوب تشکیلات سازمانی مصوب از محل نیروهای موجود و کمبود آن را از طریق برگزاری آزمون استخدامی اختصاصی، انتخاب و استخدام نماید. سازمان امور مالیاتی کشور می تواند تا ده درصد (۱۰٪) از مجوز استخدام مذکور را، از بین دارندگان مدرک تحصیلی دانشگاهی، بدون انتشار آگهی و برگزاری آزمون به استخدام درآورد.

ماده ۲۵- شناسایی، نحوه رسیدگی و تشخیص، مطالبه و وصول مالیاتها به سازمان امور مالیاتی کشور محول می شود. عناوین شغلی، شرایط احراز مشاغل از نظر تحصیلات و تجربه، وظایف و نحوه انجام دادن تکالیف و تعیین اختیارات و برخورداری از صلاحیت های هر یک از کارکنان سازمان مزبور در کشور و همچنین ترتیبات اجرائی احکام مقرر در این قانون به استثناء موادی که برای آن دستورالعمل یا آئین نامه پیش بینی شده است، به موجب ترتیبات ماده (۲۱۹) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ خواهد بود.

ماده ۲۶- در مواردی که مأموران ذی ربط سازمان امور مالیاتی کشور جهت رسیدگی به اظهارنامه یا بررسی میزان معاملات به مؤدیان مراجعه و دفاتر و اسناد و مدارک آنان را درخواست نمایند، مؤدیان و خریداران مکلف به ارائه دفاتر و اسناد و مدارک درخواستی حسب مورد می باشند و در صورت عدم ارائه دفاتر و اسناد و مدارک مورد نیاز، متخلف مشمول جریمه مقرر در ماده (۲۲) این قانون محسوب گردیده و مالیات متعلق به موجب دستورالعملی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می کند، به صورت علی الراس تشخیص داده و مطالبه و وصول خواهد شد.

ماده ۲۷- مؤدیان موضوع این قانون می توانند تنظیم گزارشهای حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده خود را به سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران یا مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ارجاع نمایند. اشخاص مذکور

در صورت قبول درخواست مؤدی، مکلفند گزارش حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده را با رعایت شرایط زیر و طبق نمونه ودستورالعملی که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می کند، تنظیم نموده و جهت تسلیم به اداره امور مالیاتی مربوط، در اختیار مؤدی قرار دهند.

الف- اظهار نظر نسبت به کفایت اسناد ومدارک حسابداری برای امر حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده طبق مفاد قوانین ومقررات واستانداردهای حسابداری.

ب- تعیین مأخذ مشمول مالیات ومالیات متعلق هر دوره مالیاتی بر اساس مفاد این قانون ومقررات مربوط. تبصره ۱- اداره امور مالیاتی گزارش حسابرسی را که با رعایت شرایط اخیر الذکر این ماده تنظیم شود، بدون رسیدگی قبول ومطابق مقررات مربوط برگه مطالبه صادر می کند. قبول گزارش حسابرسی مالیاتی هر دوره مالیاتی موکول به آن است که مؤدی گزارش مزبور را به همراه اظهار نامه مالیاتی دوره مزبور ویا حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انقضاء مهلت تسلیم اظهارنامه، تسلیم اداره امور مالیاتی مربوط نموده باشد.

تبصره ۲- سازمان امور مالیاتی کشور می تواند حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده اشخاص حقیقی وحقوقی را به سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران یا حسابداران رسمی ومؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی واگذار نماید. در این صورت، پرداخت حق الزحمه، طبق مقررات مربوط به عهده سازمان امور مالیاتی کشور می باشد.

ماده ۲۸- به منظور ارتقاء فرهنگ مالیاتی پرداخت کنندگان مالیات وارائه خدمات مشاوره ای صحیح در امور مالیاتی به مؤدیان مالیاتی بر مبنای قوانین ومقررات مالیاتی کشور وهمچنین ارائه خدمات نمایندگی مورد نیاز آنان برای مراجعه به ادارات ومراجع مالیاتی، نهادی به نام ((جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران)) تأسیس می شود تا با پذیرش اعضاء ذی صلاح در این باره فعالیت نماید.

کلیه مراجع ذی ربط دولتی مکلفند پس از ارائه برگه نمایندگی معتبر از سوی مشاوران مالیاتی عضو جامعه، در حوزه وظایف قانونی خود ودر حدود مقررات مالیاتی با آنان همکاری نمایند.

اساسنامه جامعه ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه وبا پیشنهاد وزارت امور اقتصادی ودارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۹- در مواردی که اوراق مطالبه مالیات یا برگه استرداد مالیات اضافه پرداختی به مؤدی ابلاغ می شود، در صورتی که مؤدی معترض باشد، می تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ اوراق یاد شده اعتراض کتبی خودرا به اداره امور مالیاتی مربوط برای رفع اختلاف تسلیم نماید ودر صورت رفع اختلاف با مسؤل ذی ربط، پرونده مختومه می گردد. چنانچه مؤدی در مهلت مذکور کتباً اعتراض ننماید، مبالغ مندرج در اوراق مطالبه مالیات ویا برگه استرداد مالیات اضافه پرداختی به استثناء مواردی که اوراق موضوع این ماده ابلاغ قانونی شده باشد، حسب مورد قطعی محسوب می گردد.

در صورتی که مؤدی ظرف مهلت مقرر در این ماده اعتراض خود را کتباً به اداره امور مالیاتی مربوط تسلیم نماید، ولی رفع اختلاف نشده باشد وهمچنین در مواردی که اوراق مذکور ابلاغ قانونی شده باشد، پرونده امر ظرف بیست روز از تاریخ دریافت اعتراض یا تاریخ انقضاء مهلت اعتراض در موارد ابلاغ قانونی جهت رسیدگی به هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم احاله می شود.

ماده ۳۰- کلیه بانکها، مؤسسات وتعاونی های اعتباری، صندوق های قرض الحسنه وصندوق تعاون مکلفند صرفاً اطلاعات واسناد لازم مربوط به درآمد مؤدیان را که در امر تشخیص و وصول مالیات مورد استفاده می باشد، حسب درخواست رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور به سازمان مزبور اعلام نمایند. اشخاص مزبور در صورت عدم ارائه اطلاعات واسناد مذکور مسؤل جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.

ماده ۳۱- شهرداریها مکلفند اطلاعات موجود در پایگاه های اطلاعاتی خود مربوط به املاک، مشاغل وسایر موارد که در امر شناسایی یا تشخیص عملکرد مالی مؤدیان مورد نیاز سازمان امور مالیاتی کشور می باشد، را حسب درخواست

رئیس کل سازمان مذکور در اختیار این سازمان قرار داده وامکان دسترسی همزمان سازمان امور مالیاتی کشور به این اطلاعات را در پایگاه های اطلاعاتی ذی ربط فراهم آورند.

ماده ۳۲- رسیدگی به تخلفات مأموران مالیاتی، تابع احکام مربوط به قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ خواهد بود. اجراء این ماده مانع از اعمال اختیارات رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ناشی از سایر قوانین نخواهد بود.

ماده ۳۳- احکام مربوط به فصول هشتم و نهم باب چهارم و فصل سوم باب پنجم و مواد (۱۶۷)، (۱۹۱)، (۲۰۲)، (۲۳۰) تا (۲۳۳) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ در مورد مالیاتهای مستقیم و مالیاتهای این قانون جاری است. حکم ماده (۲۵۱) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ در مورد این قانون جاری نخواهد بود.

فصل ششم: سایر مقررات

ماده ۳۴- مؤدیان مشمول مالیات موضوع این قانون مکلفند از دفاتر، صورتحسابها و سایر فرمهای مربوط، ماشینهای صندوق ویا سایر وسایل و روشهای نگهداری حساب که سازمان امور مالیاتی کشور تعیین می کند، استفاده نمایند. مدارک مذکور باید به مدت ده سال بعد از سال مالی مربوط توسط مؤدیان نگهداری و در صورت مراجعه مأموران مالیاتی به آنان ارائه شود.

ماده ۳۵- سازمان امور مالیاتی کشور موظف است طرح لازم برای توسعه، تجهیز، آموزش و تربیت کارکنان مالیاتی، آموزش و ترویج فرهنگ مالیاتی از طریق رسانه ها و سازو کارهای مناسب در سطح کشور در طول یک دوره زمانی حداکثر پنج ساله را تهیه و تنظیم نماید. همچنین سازمان مذکور مجاز است، برای اجراء این قانون نسبت به تملک انواع دارایی های سرمایه ای (از جمله فضای اداری و تجهیزات مورد نیاز) اقدام نماید. دولت مکلف است اعتبار و مجوزهای مورد نیاز برای اجراء این ماده را در لوایح بودجه سالانه کل کشور منظور نماید.

ماده ۳۶- بودجه سازمان امور مالیاتی کشور و واحدهای استانی ذی ربط هر سال به صورت متمرکز در ردیف جداگانه ای در قوانین بودجه منظور و به طور صد در صد (۱۰۰٪) تخصیص یافته تلقی می شود و جهت انجام هزینه های جاری و تملک دارایی های سرمایه ای ستاد سازمان و واحدهای استانی در اختیار سازمان مزبور قرار داده می شود.

ماده ۳۷- یک در هزار از وجوهی که بابت مالیات، عوارض و جرائم متعلق موضوع این قانون وصول می گردد، در حساب مخصوصی در خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می گردد و معادل آن از محل اعتباری که در قوانین بودجه سنواتی منظور می گردد، در اختیار سازمان مزبور قرار خواهد گرفت تا برای آموزش، تشویق و جایزه به مصرف کنندگان و مؤدیان هزینه نماید. وجوه پرداختی به استناد این بند از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

یک نفر از اعضاء کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر بر اقدامات سازمان امور مالیاتی کشور در این مورد تعیین می گردد. وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است سالانه گزارشی از میزان و نحوه توزیع وجوه موضوع این ماده بین مصرف کنندگان و مؤدیان را به کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

فصل هفتم: عوارض کالا ها و خدمات

ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداریها و دهیاریها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون، یک و نیم درصد (۱/۵٪)؛

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)؛

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)؛

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪).

تبصره ۱- واحدهای تولیدی آلاینده محیط زیست که استاندارد ها و ضوابط حفاظت از محیط زیست را رعایت نمی نمایند، طبق تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست (تا پانزدهم اسفند ماه هر سال برای اجراء در سال بعد)، همچنین پالایشگاههای نفت و واحدهای پتروشیمی، علاوه بر مالیات و عوارض متعلق موضوع این قانون، مشمول پرداخت یک درصد (۱٪) از قیمت فروش به عنوان عوارض آلاینده می باشند. حکم ماده (۱۷) این قانون و تبصره های آن به عوارض آلاینده موضوع این ماده قابل تسری نمی باشد.

واحدهایی که در طی سال نسبت به رفع آلاینده اقدام نمایند، با درخواست واحد مزبور و تأیید سازمان حفاظت محیط زیست از فهرست واحدهای آلاینده خارج می گردند. در این صورت، واحدهای یاد شده از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان مزبور به سازمان امور مالیاتی کشور، مشمول پرداخت عوارض آلاینده نخواهد شد. واحدهایی که در طی سال بنا به تشخیص و اعلام سازمان حفاظت محیط زیست به فهرست واحدهای آلاینده محیط زیست اضافه گردند، از اول دوره مالیاتی بعد از تاریخ اعلام توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشمول پرداخت عوارض آلاینده خواهند بود.

عوارض موضوع این تبصره در داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل استقرار واحد تولیدی و در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می شود، تا بین دهیاریهای همان شهرستان توزیع گردد.

تبصره ۲- در صورتی که واحدهای تولیدی به منظور ارتقاء مهارت و سلامت کارکنان خود مراکز آموزشی و ورزشی ایجاد کرده و یا در این خصوص هزینه نمایند، با اعلام وزارت کار و امور اجتماعی می توانند ده درصد (۱۰٪) عوارض موضوع بند (الف) این ماده را تا سقف هزینه صورت گرفته درخواست استرداد نمایند، در صورت تأیید هزینه های مزبور توسط سازمان امور مالیاتی کشور، وجوه مربوط قابل تهاتر یا استرداد حسب مقررات این قانون خواهد بود.

تبصره ۳- به منظور تأسیس و توسعه واحدهای آموزشی مورد نیاز در مناطق کمتر توسعه یافته، معادل نیم درصد (۵/۰٪) از عوارض وصولی بند (الف) این ماده در حساب مخصوص در خزانه به نام وزارت آموزش و پرورش واریز می گردد و معادل آن از محل اعتباری که در قوانین بودجه سنواتی منظور می گردد در اختیار وزارت یاد شده قرار خواهد گرفت تا توسط وزارت مزبور در امر توسعه و احداث مراکز آموزشی مورد نیاز در مناطق مزبور هزینه گردد. آئین نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های آموزش و پرورش، کشور و امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حسابهای رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه داری کل کشور افتتاح می گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هرماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید:

الف) عوارض وصولی بند (الف) ماده (۳۸) در مورد مؤدیان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در مورد مؤدیان خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور به منظور توزیع بین دهیاریهای همان شهرستان بر اساس شاخص جمعیت و میزان کمتر توسعه یافتگی:

ب) عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج)، و (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور.

تبصره ۱- سه درصد (۳٪) از وجوه واریزی که به حسابهای موضوع این ماده واریز می گردد، در حساب مخصوصی نزد خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می شود و معادل آن از محل اعتبار اختصاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می گردد در اختیار سازمان مزبور که وظیفه شناسایی، رسیدگی، مطالبه و وصول این عوارض را عهده دار می باشد، قرار خواهد گرفت تا برای خرید تجهیزات، آموزش و تشویق کارکنان و حسابرسی هزینه نمایند. وجوه پرداختی به استناد این بند به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

تبصره ۲- حساب تمرکز وجوه قید شده در این ماده توسط خزانه داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثناء نحوه توزیع مذکور در قسمتهای اخیر بند (الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه یافتگی و جمعیت و بیست درصد (۲۰٪) دهیاریها بر اساس شاخص جمعیت تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آئین نامه اجرائی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان ها به تصویب هیأت وزیران می رسد توزیع و توسط شهرداری ها و دهیاری ها هزینه می شود. هر گونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به جز پرداخت به شهرداری ها و دهیاری ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می باشد. وزارت کشور موظف است، گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یکبار به شورای عالی استان ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ماده ۴۰- احکام سایر فصول این قانون، به استثناء احکام فصل نهم در رابطه با عوارض موضوع این فصل نیز جاری است. لیکن احکام سایر فصول، مربوط به نرخ و ترتیبات واریز و توزیع عوارض که این فصل برای آن دارای حکم خاص است، جاری نخواهد بود.

فصل هشتم: حقوق ورودی

ماده ۴۱- حقوق گمرکی معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین می شود. به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیأت وزیران تعیین می شود، حقوق ورودی اطلاق می گردد.

تبصره ۱: نرخ حقوق ورودی علاوه بر رعایت سایر قوانین و مقررات باید به نحوی تعیین گردد که: الف: در راستای حمایت مؤثر از اشتغال و کالای تولید یا ساخت داخل در برابر کالای وارداتی باشد. ب: در بر گیرنده نرخ ترجیحی و تبعیض آمیز بین واردکنندگان دولتی با بخش های خصوصی، تعاونی و غیر دولتی نباشد.

ج: نرخ حقوق ورودی قطعات، لوازم و موادی که برای مصرف در فرآوری یا ساخت یا مونتاژ یا بسته بندی اشیاء یا مواد یا دستگاه ها وارد می گردد از نرخ حقوق ورودی محصول فرآوری شده یا شیء یا ماده یا دستگاه آماده پایین تر باشد. **تبصره ۲:** کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مربوط به معافیت های حقوق ورودی به استثناء معافیت های موضوع ماده (۶) و بندهای (۱)، (۲)، (۴) تا (۹) و (۱۲) تا (۱۹)، ماده (۳۷) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۷ و ماده (۸) قانون ساماندهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۷۴/۷/۸ و قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و اصلاحات آن و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی مصوب ۱۳۸۴ و معافیت لایحه قانونی راجع به ماشین آلات تولیدی که توسط واحدهای تولید، صنعتی و معدنی مجاز وارد می شود از پرداخت حقوق ورودی مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۴ شورای انقلاب اسلامی ایران و معافیت گمرکی لوازم امداد و نجات اهدایی به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و وزارت کشور و اقلام عمده صرفاً دفاعی کشور لغو می گردد. اقلام عمده دفاعی به پیشنهاد مشترک وزارت دفاع و پشتیبان نیروهای مسلح و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و با تصویب هیأت وزیران تعیین می گردد.

تبصره ۳: معادل دوازده در هزار ارزش گمرکی کالاها یا وارداتی که حقوق ورودی آنها وصول می شود از محل اعتباراتی که همه ساله در قوانین بودجه سنواتی کل کشور منظور می شود در اختیار وزارت کشور قرار می گیرد تا

بر اساس مقررات تبصره (۲) ماده (۳۹) این قانون به شهرداری ها و دهیاری های سراسر کشور به عنوان کمک پرداخت و به هزینه قطعی منظور شود.
فصل نهم: سایر مالیات ها و عوارض خاص

ماده ۴۲- مالیات نقل و انتقال انواع خودرو به استثناء ماشین های راهسازی ، کارگاهی، معدنی، کشاورزی، شناورها، موتورسیکلت و سه چرخه موتوری اعم از تولید داخل یا وارداتی، حسب مورد معادل یک درصد (۱٪) قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا یک درصد (۱٪) مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها تعیین می شود. مبنای محاسبه این مالیات، به ازاء سپری شدن هر سال از سال مدل خودرو و حداکثر تا شش سال به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪) و حداکثر تا شصت درصد (۶۰٪) تقلیل می یابد.

تبصره ۱- دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم هر نوع سند بیع قطعی، صلح، هبه و وکالت برای فروش انواع خودرو مشمول مالیات، رسید و یا گواهی پرداخت عوارض تا پایان سال قبل از تنظیم سند، موضوع بند (ب) ماده (۴۳) این قانون و همچنین رسید پرداخت مالیات نقل و انتقال، موضوع این ماده را طبق جداول تنظیمی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، از معامل یا موکل اخذ و در اسناد تنظیمی موارد زیر را درج نمایند:

الف- شماره فیش بانکی، تاریخ پرداخت، مبلغ و نام بانک دریافت کننده مالیات؛
ب- شماره فیش بانکی، تاریخ پرداخت مبلغ و نام بانک دریافت کننده عوارض یا شماره و تاریخ گواهی پرداخت عوارض؛

ج- مشخصات خودرو شامل نوع، سیستم، تیپ، شماره شاسی، شماره موتور و مدل؛

د- نام متعاملین، کدپستی و شماره ملی و یا شماره اقتصادی متعاملین؛

دفاتر اسناد رسمی همچنین مکلفند که فهرست کامل نقل و انتقالات انجام شده در هر ماه را حداکثر تا پانزدهم ماه بعد طبق فرم یا روشی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور پیش بینی خواهد شد به اداره امور مالیاتی ذی ربط ارسال نمایند.

تبصره ۲- دفاتر اسناد رسمی مکلفند در تنظیم وکالتنامه های کلی در مورد انتقال اموال، فروش خودرو را تصریح نمایند.

تبصره ۳- دفاتر اسناد رسمی در صورت تخلف از مقررات تبصره های (۱) و (۲) این ماده مشمول جریمه به شرح زیر خواهند بود:

الف- در صورتی که مالیات و عوارض متعلق پرداخت نگردیده و یا کمتر از میزان مقرر پرداخت شده باشد، علاوه بر پرداخت وجه معادل مالیات و عوارض و یا مابه التفاوت موارد مذکور، مشمول جریمه ای به میزان دو درصد (۲٪) در ماه، نسبت به مالیات و عوارض پرداخت نشده و مدت تأخیر می باشد. جریمه مذکور غیر قابل بخشودگی است.

ب- تخلف از درج هر یک از مشخصات و موارد مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج) و (د) تبصره (۱)، در سند تنظیمی و ارسال فهرست طبق فرم یا روش موضوع تبصره (۱) در موعد مقرر قانونی، تخلف انتظامی محسوب می شود و مطابق قوانین و مقررات ذی ربط با آنان عمل خواهد گردید.

تبصره ۴- فسخ و اقاله اسناد خودرو تا شش ماه بعد از معامله مشمول مالیات نقل و انتقال مجدد نخواهد بود. در صورتی که پس از پرداخت مالیات نقل و انتقال، معامله انجام نشود مالیات وصول شده با گواهی دفتر اسناد رسمی مربوط طبق ضوابطی که از طرف سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، قابل استرداد به معامل یا موکل خواهد بود.

تبصره ۵- اولین انتقال خودرو از کارخانجات سازنده و یا مونتاژکننده داخلی و یا وارد کنندگان (نمایندگان) رسمی شرکتهای خارجی) به خریداران و همچنین هر گونه انتقال به صورت صلح و هبه به نفع دولت، نهادهای عمومی غیردولتی، دانشگاهها و حوزه های علمیه مشمول پرداخت مالیات نقل و انتقال موضوع این ماده نخواهد بود.

تبصره ۶- قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی انواع

خودروهایی وارداتی که مبنای محاسبه مالیات و عوارض بندهای (ب) و (ج) ماده (۴۳) و مالیات نقل و انتقال قرار می گیرند، همه ساله بر اساس آخرین مدل توسط سازمان امور مالیاتی کشور تا پانزدهم دی ماه هر سال برای اجراء در سال بعد اعلام خواهد شد. مأخذ مذکور در مورد خودروهایی وارداتی از تاریخ ابلاغ قابل اجراء می باشد. این مهلت زمانی برای انواع جدید خودروهایی که بعد از تاریخ مزبور تولید آنها شروع یا به کشور وارد می شود لازم الرعایه نمی باشد. همچنین قیمت فروش یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی خودروهایی که تولید آنها متوقف می شود توسط سازمان یاد شده و متناسب با آخرین مدل ساخته شده تعیین می گردد.

تبصره ۷- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ادارات راهنمایی و رانندگی) مکلف است هنگام نقل و انتقال خودروهایی دولتی به اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی، نسخه پرداخت شده قبض مالیات نقل و انتقال مربوط را اخذ و سپس نسبت به ثبت انتقال در سوابق اقدام نمایند.

ماده ۴۳- مالیات و عوارض خدمات خاص به شرح زیر تعیین می گردد:

الف- حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل زمینی (به استثناء ریلی)، دریایی و هوایی پنج درصد (۵٪) بهاء بلیط (به عنوان عوارض).

ب- عوارض سالیانه انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی حسب مورد معادل یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا یک در هزار مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها.

تبصره- عوارض موضوع بند (ب) این ماده در مورد خودروهای با عمر بیش از ده سال (به استثناء خودروهای گازسوز) به ازاء سپری شدن هر سال (تا مدت ده سال) به میزان سالانه ده درصد (۱۰٪) و حداکثر تا صد درصد (۱۰۰٪) عوارض موضوع بند مزبور این ماده افزایش می یابد.

ج- شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل و یا وارداتی به استثناء خودروهایی سواری عمومی درون شهری یا برون شهری حسب مورد سه درصد (۳٪) قیمت فروش کارخانه و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی آنها (دو درصد (۲٪) مالیات و یک درصد (۱٪) عوارض).

حکم ماده (۱۷) این قانون و تبصره های آن به مالیات و عوارض این ماده قابل تسری نمی باشد.

ماده ۴۴- به پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس)، وزیر بازرگانی، وزیر ذی ربط و معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و تصویب هیأت وزیران، وجوهی بابت صدور، تمدید و یا اصلاح انواع کارت ها و مجوزهای مربوط به فعالیت موضوع مواد (۲۴)، (۲۶) و (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و ماده (۸۰) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ از متقاضیان دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل کشور) واریز می گردد.

ماده ۴۵- به دولت اجازه داده می شود بابت خروج هر مسافر از مرزهای هوایی دویست و پنجاه هزار (۲۵۰/۰۰۰) ریال و از مرزهای دریایی و زمینی مبلغ پنجاه هزار (۵۰/۰۰۰) ریال از مسافران دریافت و به حساب درآمد عمومی (نزد خزانه داری کل کشور) واریز نمایند. تغییرات این مبالغ هر سه سال یک بار با توجه به نرخ تورم با تصویب هیأت وزیران تعیین می گردد.

تبصره- دارندگان گذرنامه های سیاسی و خدمت، خدمه وسایل نقلیه عمومی زمینی و دریایی و خطوط پروازی، دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور (دارندگان اجازه خروج دانشجویی) بیمارانی که با مجوز شورای پزشکی جهت درمان به خارج از کشور اعزام می گردند، دارندگان پروانه گذر مرزی و جانبازان انقلاب اسلامی که برای معالجه به کشورهای دیگر اعزام می شوند، همچنین ایرانیان مقیم خارج از کشور دارای کارنامه شغلی از وزارت کار و امور اجتماعی، در خصوص پرداخت وجوه موضوع این ماده، مستثنی می باشند.

ماده ۴۶-

- الف- مالیات های موضوع مواد (۴۲) و (۴۳) و وجوه موضوع ماده (۴۵) این قانون به حساب یا حساب های درآمد عمومی مربوط که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه داری کل کشور) تعیین و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز می گردد.
- ب- وصول عوارض موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۴۳) این قانون به شهرداری محل محول می شود و عوارض مزبور نیز به حساب شهرداری محل فعالیت واریز می گردد.
- ج- عوارض موضوع بند (ج) ماده (۴۳) به حساب تمرکز وجوه، موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می شود تا حسب ترتیبات تبصره مزبور توزیع و هزینه گردد.
- د- مالیات و وجوه دریافتی موضوع مواد (۴۲)، (۴۳) و (۴۵) این قانون که توسط سازمان امور مالیاتی کشور وصول می گردد مشمول احکام فصل نهم باب چهارم قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و اصلاحات بعدی آن است.
- ه- اختلاف و استتکاف از پرداخت وجوه دریافتی موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۴۳) این قانون که توسط شهرداری ها وصول می گردد، مشمول احکام ماده (۷۷) قانون اداره شهرداریها خواهد بود.
- و- پرداخت مالیات و عوارض موضوع ماده (۴۳) این قانون پس از موعد مقرر موجب تعلق جریمه ای معادل دو درصد (۲٪) به ازاء هر ماه نسبت به مدت تأخیر خواهد بود.
- ماده ۴۷-
- الف- اشخاصی که مبادرت به حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی می نمایند، مکلفند پنج درصد (۵٪) بهاء بلیط موضوع بند (الف) ماده (۴۳) این قانون را با درج در بلیط و یا قرار داد حسب مورد، به عنوان عوارض از مسافران اخذ و عوارض مذکور مربوط به هر ماه را حداکثر تا پانزدهم ماه بعد به حساب شهرداری محل فروش بلیط واریز نمایند.
- ب- مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی مکلفند عوارض سالیانه خودروهای متعلق به خود، موضوع بند (ب) ماده (۴۳) این قانون را به نرخ یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی (وارداتی) بر اساس قیمت های مندرج در جدولی که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می گردد، محاسبه و به حساب شهرداری محل واریز نمایند.
- ج- تولید کنندگان انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین تولید داخل (به استثناء خودروهای سواری که به عنوان خودروهای عمومی شماره گذاری می شود) مکلفند مالیات و عوارض موضوع بند (ج) ماده (۴۳) این قانون را در تاریخ فروش با درج در اسناد فروش از خریداران اخذ و مالیات و عوارض مذکور را حسب مقررات موضوع ماده (۲۱) به ترتیب به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می شود، واریز نمایند.
- تبصره ۱- وارد کنندگان یا مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی (به استثناء خودروهای سواری که عنوان خودرو عمومی شماره گذاری می شوند) حسب مورد مکلفند قبل از شماره گذاری با مراجعه به ادارات امور مالیاتی شهر محل شماره گذاری نسبت به پرداخت مالیات و عوارض موضوع این ماده اقدام نمایند.
- تبصره ۲- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (معاونت راهنمایی و رانندگی) مکلف است قبل از شماره گذاری انواع خودروهای سواری و وانت دو کابین وارداتی به استثناء خودروهای سواری و عمومی درون شهری یا برون شهری، گواهی پرداخت مالیات و عوارض را از وارد کنندگان یا مالکان حسب مورد اخذ و ضمیمه اسناد مربوط نموده و از شماره گذاری خودروهای مزبور که مالیات و عوارض آن پرداخت نشده است، خودداری نماید. گواهی مزبور توسط اداره امور مالیاتی پس از وصول وجوه متعلق صادر خواهد شد.

ماده ۴۸- به منظور تأمین هزینه اجرای برنامه های نگهداری، بهسازی و امنیت پرواز و توسعه زیر بناها در فرودگاهها و نیز استفاده از تجهیزات و سیستمهای جدید فرودگاهی و هوانوردی و امنیتی، به شرکت فرودگاههای کشور اجازه داده می شود با تصویب شورای عالی هواپیمایی کشوری دو درصد (۲٪) قیمت فروش بلیط مسافران پروازهای داخلی را دریافت کند.

ماده ۴۹- آئین نامه اجرائی احکام مقرر در این فصل حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۵۰- برقراری هر گونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکتها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی مجاز، توسط شوراهاى اسلامی و سایر مراجع ممنوع می باشد.

تبصره ۱- شوراهاى اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید، که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجراء در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند.

تبصره ۲- عبارت « پنج درهزار» مندرج در ماده(۲) قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ به عبارت « یک درصد(۱٪)» اصلاح می شود.

تبصره ۳- قوانین و مقررات مربوط به اعطاء تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداریها و دهیارها ملغی می گردد.

تبصره ۴- وزارت کشور موظف است بر حسن اجراء این ماده در سراسر کشور نظارت نماید

ماده ۵۱- از اول ماه پس از تاریخ تصویب این قانون، مالیات موضوع بند(ه) ماده(۳) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن، حذف و عوارض موضوع این بند قانون مذکور به یک و نیم درصد(۱/۵٪) اصلاح می گردد.

حکم تبصره (۱) ماده(۳۹) این قانون در مورد عوارض موضوع بند(ه) ماده(۳) قانون صدرالاشاره نیز جاری خواهد بود. ماده ۵۲- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه های بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هر گونه مالیات غیر مستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هر گونه مالیات غیر مستقیم و عوارض دیگر از تولید کنندگان و وارد کنندگان کالاها و ارائه دهندگان خدمات ممنوع می باشد. حکم این ماده شامل قوانین و مقررات مغایری که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، نیز می باشد.

موارد زیر از شمول حکم این قانون مستثنی می باشد:

- ۱- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ۱۳۶۶ و اصلاحیه های بعدی آن؛
- ۳- قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷؛
- ۴- قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۵؛
- ۵- قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۲؛

۶- عوارض آزاد راهها، عوارض موضوع ماده(۱۲) قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۶؛

۷- قانون نحوه تأمین هزینه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ و اصلاحات بعدی آن؛
۸- مواد(۶۳) و (۸۷) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸.

تبصره- هزینه، کارمزد و سایر وجوهی که از درخواست کننده در ازاء ارائه مستقیم خدمات خاص و یا فروش کالا که طبق قوانین و مقررات مربوطه دریافت می شود و همچنین خسارات و جرائمی که به موجب قوانین و یا اختیارات قانونی لغو نشده دریافت می گردد، از شمول این ماده مستثنی می باشد. مصادیق خدمات خاص، نحوه قیمت گذاری و میزان بهای تعیین شده برای خدمات موضوع این تبصره به پیشنهاد دستگاه اجرائی مربوط و تصویب هیأت وزیران تعیین می گردد.

ماده ۵۳- تاریخ اجراء این قانون در رابطه با مواد (۱۸)، (۲۴)، (۲۵)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۵)، (۳۶)، (۴۲) و (۴۸) از تاریخ تصویب و در مورد ماده(۵۱) از اول ماه پس از تصویب این قانون خواهد بود و سایر مواد آن از اول مهر ماه سال ۱۳۸۷ است. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است ظرف مهلت های مقرر در مواد مربوطه پس از تصویب قانون، آئین نامه ها، دستورالعمل ها و ضوابط اجرائی مربوط را تهیه و به تصویب مراجع ذی ربط برساند.

کانون کارگزاری بورس
دوره آمادگی

دستورالعمل تأسیس و فعالیت پردازش اطلاعات مالی

مقدمه

در اجرای بند ۶ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴ این دستورالعمل به منظور تعیین چارچوب صدور مجوز تأسیس شرکتهای پردازش اطلاعات مالی که به موجب بند ۲۱ مادهی ۱ قانون مذکور، نهاد مالی محسوب میشوند و تعیین شرایط فعالیت پردازش اطلاعات مالی، به شرح زیر به تصویب هیأت مدیرهی سازمان بورس و اوراق بهادار رسید.

تعاریف

ماده ۱ اصطلاحات و واژههای تعریف شده در مادهی ۱ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ماه ۱۳۸۴، به همان معانی در این دستورالعمل بهکار میروند. واژههای دیگر بکار رفته در این دستورالعمل به شرح زیر تعریف میشوند:

۱. **قانون بازار اوراق بهادار:** منظور قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ و اصلاحات بعدی آن است.

۲. **قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید:** منظور قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب آذرماه سال ۱۳۸۸ است.

۳. **شرکت پردازش اطلاعات مالی:** شخصیت حقوقی است که تحت عنوان شرکت پردازش اطلاعات مالی به صورت یک نهادمالی موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار، نزد سازمان ثبت شده است و تحت نظارت سازمان به پردازش اطلاعات مالی میپردازد.

۴. **پردازشگر اطلاعات مالی:** شخص حقوقی است که مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی را از سازمان دریافت نموده است.

۵. **پردازش اطلاعات مالی:** ارائه اطلاعات زیر به دیگری (از هر طریق از جمله رسانههای جمعی، تابلو، وسایل الکترونیکی، نامه، بروشور و سخنرانی) در قبال دریافت مابهازا:

الف) اطلاعات مربوط به ورقه بهادار (اعم از مشخصات و خصوصیات ورقه بهادار، مشخصات ناشر ورقه بهادار، مشخصات اشخاصی که در انتشار یا صدور ورقه بهادار مسئولیتی پذیرفتهاند با ذکر مسئولیت آنها و مشخصات مالکان ورقه بهادار با ذکر مالکیت آنها)

ب) اطلاعات مربوط به معامله ورقه بهادار (اعم از قیمت ورقه بهادار در معامله، مشخصات طرفین معامله، تاریخ و زمان معامله، و تعداد ورقه بهادار معامله شده)

ج) اطلاعات مربوط به سفارش خرید یا فروش ورقه بهادار (اعم از مشخصات سفارش دهنده، نوع سفارش اعم از سفارش خرید یا فروش، مظنه قیمت ورقه بهادار در سفارش و تاریخ و زمان ارائه سفارش)

د) اطلاعات مربوط به ناشر ورقه بهادار (اعم از اطلاعات مالی و غیر مالی ناشر)

۶. **مشتری:** شخصی است که در قالب قراردادی مشخص، از خدمات پردازشگر اطلاعات مالی استفاده میکند

۷. **شخص وابسته:** شخص وابسته به هر شخص حقیقی و حقوقی به شرح زیر است:

الف) شخص وابسته به هر شخص حقیقی عبارت است از همسر و اقرباء نسبی درجهی اول از طبقهی اول آن شخص و هر شخص حقوقی که حداقل ۲۰ درصد منافع آن متعلق به شخص حقیقی مورد نظر باشد یا شخص حقیقی موردنظر بتواند حداقل یکی از مدیران آن را تعیین کند.

ب) شخص وابسته به هر شخص حقوقی عبارتست از شخص وابسته به واحد تجاری که در استانداردهای حسابداری ملی ایران، تعریف شده است.

۸. شریک عمده: یک شخص وقتی شریک عمده در یک شخص حقوقی محسوب میشود که به همراه اشخاص وابسته به خود، حداقل ده درصد از حق رأی برای انتخاب مدیران شخص حقوقی را در اختیار داشته یا حداقل به میزان ده درصد منافع شخص حقوقی شریک باشد.

۹. مؤسس عمده: یک شخص وقتی مؤسس عمده یک شخص حقوقی در شرف تأسیس محسوب میشود که به همراه اشخاص وابسته به خود، حداقل ده درصد از حق رأی برای انتخاب مدیران شخص حقوقی را پس از تأسیس در اختیار میگیرد یا حداقل به میزان ده درصد در منافع شخص حقوقی پس از تأسیس، شریک میشود.

۱۰. مجوز تأسیس یا تبدیل: مجوزی است که در اجرای بند ۶ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار، توسط سازمان صادر و به متقاضی اعطا میشود و در آن ضمن موافقت با تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل یک شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی، شرایط تأسیس یا تبدیل نیز قید میگردد.

۱۱. مجوز فعالیت: مجوزی است که به منظور رعایت بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار، توسط سازمان صادر و به متقاضی اعطا میشود و در آن با فعالیت در زمینه پردازش اطلاعات مالی موافقت میشود.

۱۲. متقاضی: شخصی است که درخواست دریافت مجوز تأسیس، مجوز تبدیل یا مجوز فعالیت را به سازمان ارائه داده و حسب مورد یکی از اشخاص زیر است:

الف) درخصوص درخواست مجوز تأسیس برای تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی، منظور نماینده موسسین شرکت پردازش اطلاعات مالی در شرف تأسیس است؛

ب) درخصوص درخواست مجوز تبدیل یک شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی، شرکت مورد نظر میباشد؛

ج) درخصوص درخواست مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، منظور شخص حقوقی درخواستکننده دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی است.

اشخاص مکلف به دریافت مجوز تأسیس یا فعالیت

ماده ۲ تأسیس هر نوع شخص حقوقی که در نام خود از عبارات "پردازش اطلاعات مالی"، "پردازشگر اطلاعات مالی"، یا عبارات مشابه که در آن به جای کلمه اطلاعات از کلمه "داده"، "دادهها" یا هممعانی آنها استفاده نماید یا تغییر نام یک شخص حقوقی تأسیس شده به نامی که در آن از عبارات مذکور به طور متصل یا منفصل استفاده شود، منوط به دریافت مجوز تأسیس از سازمان است و آن شخص حقوقی باید ضمن احراز شرایط مذکور در این دستورالعمل، تقاضای ثبت خود را به عنوان شرکت پردازش اطلاعات مالی موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار، به سازمان ارائه دهد. همچنین تصدی به فعالیت پردازش اطلاعات مالی (که در بند ۵ ماده ۱ این دستورالعمل تعریف شده است) به موجب بند ۱ ماده ۴۹ قانون بازار اوراق بهادار، مستلزم اخذ مجوز فعالیت از سازمان است و سازمان اشخاصی را که بدون دریافت مجوز لازم، مبادرت به این فعالیت نمایند، به موجب ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار تحت پیگرد قانونی قرار می دهد.

ماده ۳ اشخاص زیر برای ارائه اطلاعات موضوع بند ۵ ماده ۱ به اشخاص دیگر، ملزم به دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی نیستند.

۱ - رسانههای جمعی دارای مجوز، برای انتشار عمومی اطلاعات مذکور،

۲ - ناشر ورقه بهادار در خصوص اطلاعات مربوط به خود یا ورقه بهاداری که خود ناشر آن محسوب میگردد،

۳ - اشخاصی که مسئولیت بازاریابی، تعهد پذیرهنویسی یا به هر طریق فروش ورقه بهادار را پذیرفته‌اند، در خصوص اطلاعات ورقه بهادار مربوطه یا ناشر آن،

۴ - بورسها، بازارهای خارج از بورس و شرکتهای سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه دارای مجوز، در خصوص اطلاعات مربوط به اوراق بهاداری که از طریق آنها امکان معامله دارند و ناشرین این اوراق بهادار در حدود مذکور در مقررات،

۵ - اشخاصی که با اهداف آموزشی نسبت به انتشار یا ارائه اطلاعات در کتب، مجلات، سخنرانیها و امثال آن اقدام مینمایند، مشروط به اینکه خود را تحت عنوان شخصی که در مقابل دریافت مابهازاء، اقدام به انتشار این اطلاعات میکند، معرفی نماید.

تبصره: در صورتیکه طبق سایر مقررات، انتشار یا ارائه اطلاعات توسط اشخاص موضوع این ماده نیاز به مجوز جداگانه به غیر از مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی داشته‌باشد، اشخاص مذکور موظفند قبل از ارائه اطلاعات موضوع بند ۵ ماده ۱ به دیگران، مجوز مربوطه را دریافت کنند. ارائه اطلاعات یاد شده از جمله در شرایط زیر، نیاز به مجوز جداگانه دارند:

- ۱ - انتشار اطلاعات موضوع بند ۵ ماده ۱ در آگهی پذیرهنویسی عمومی ورقه بهادار،
- ۲ - انتشار یا ارائه اطلاعات محرمانهای که به حکم وظیفه، اشخاص موضوع این ماده از آن مطلع شده‌اند، در غیرموارد مقرر،
- در مورد بند ۱ این تبصره، انتشار اطلاعات مذکور با اخذ مجوز عرضه عمومی از سازمان و در مورد بند ۲، انتشار اطلاعات یاد شده، با اخذ مجوز کتبی از شخصی که اطلاعات به وی مربوط میشود، مجاز است.

ممنوعیت ارائه یا انتشار اطلاعات در مورد اوراق بهادار غیر مجاز

ماده ۴ ارائه یا انتشار عمومی اطلاعات موضوع بند ۵ ماده ۱ در مورد اوراق بهادار زیر توسط هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی خواه مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی دریافت نموده یا ننموده باشد و خواه جزو اشخاص موضوع ماده ۳ (اشخاص معاف) محسوب شده یا نشود، ممنوع بوده و متخلف توسط سازمان تحت پیگرد قانونی قرار میگیرد:

- ۱ - ورقه بهاداری که بدون رعایت قانون بازار اوراق بهادار و مقررات مربوطه صادر یا منتشر گردد، در صورتیکه اشخاص موضوع این ماده علم به این مطلب داشته باشند؛
- ۲ - ورقه بهاداری که سازمان از طریق سایت اینترنتی رسمی خود اعلام کند که بدون رعایت قوانین و مقررات مربوطه صادر یا منتشر شده یا در حال صدور یا انتشار است.

شرایط اعطای مجوز تأسیس و مجوز تبدیل

ماده ۵ برای دریافت مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی، متقاضی باید حسب مورد مدارک و اطلاعات ذیل را جهت بررسی به سازمان تسلیم نماید:

الف) برای دریافت مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی:

۱- فرم تکمیل شده تقاضای صدور مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی (پیوست شماره‌ی یک این دستورالعمل).

۲- طرح اساسنامه که تمامی صفحات آن به امضای متقاضی رسیده است،

۳- طرح تجاری شامل اهداف، استراتژیها و برنامه‌های شرکت برای سه سال پس از تأسیس، و ترازنامه و صورت سود (زیان) پیشبینی شده برای یکسال کامل شمسی پس از تأسیس که تمامی صفحات آن به امضای متقاضی رسیده است،

۴- پرسشنامه‌ی تکمیل شده‌ی مشخصات داوطلب سمت مدیرعاملی یا عضویت در

هیأت‌مدیره‌ی شرکت پردازش اطلاعات مالی، مطابق دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی.

ب) برای دریافت مجوز تبدیل یک شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی:

۱- فرم تکمیل شده‌ی تقاضای تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی (پیوست شماره دو این دستورالعمل)؛

۲- اساسنامه یا شرکت‌نامه‌ی شرکت متقاضی؛

۳- اصل و رونوشت مدارک ثبت شرکت متقاضی نزد مرجع ثبت شرکت‌ها (شامل آگهی تأسیس در روزنامه‌ی رسمی)؛

۴- اصل و رونوشت آگهی روزنامه‌ی رسمی مربوط به آخرین مدیران شرکت، صاحبان امضای مجاز و حدود اختیارات آن‌ها؛

۵- صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ی دو سال اخیر شرکت متقاضی همراه با اظهارنظر حسابرس؛

۶- طرح تجاری و برنامه‌های شرکت متقاضی برای سه سال پس از تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی مطابق نظر سازمان؛

۷- پرسشنامه‌ی تکمیل شده‌ی داوطلبین سمت مدیریت شرکت پس از تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی (مطابق دستورالعمل تأیید صلاحیت مدیران نهادهای مالی)؛

تبصره: در مورد تقاضای مجوز تبدیل، صورت‌های مالی آخرین سال مالی شرکت متقاضی باید توسط یکی از موسسات حسابرسی معتمد سازمان حسابرسی شده و راجع به آنها اظهارنظر شده باشد.

ماده ۶ ظرف مدت ۳۰ روز کاری پس از تکمیل مدارک و اطلاعات موضوع ماده‌ی ۵، تقاضای تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی توسط مدیریت مربوطه در سازمان رسیدگی شده و در صورت احراز شرایط زیرحسب مورد به تشخیص سازمان، مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی توسط سازمان، صادر و به متقاضی تسلیم می‌شود؛

الف) شرایط موافقت با تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی:

۱- طرح اساسنامه‌ی ارائه شده، مطابق نمونه‌ی مصوب سازمان برای شرکت‌های پردازش اطلاعات مالی باشد؛

۲- سرمایه‌های که در نظر است هنگام تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی پرداخت شود، معادل یا بیش از ۳ میلیارد ریال باشد؛

۳- مؤسسين و اشخاص وابسته به آن‌ها، منفرداً و مجموعاً، در شخص حقوقی دیگری با فعالیت پردازش اطلاعات مالی به‌عنوان مؤسس یا شریک عمده محسوب نشوند (مگر با ذکر دلایل و موافقت‌هیأت مدیره‌ی سازمان) و ترکیب مؤسسين یا شرکاء به گونه‌ای باشد که شرکت بتواند اهداف مورد نظر برای پردازش اطلاعات مالی را دنبال نماید؛

۴- مؤسسين شرکت، براساس اطلاعات و مدارک در اختیار سازمان، دارای پیشینه‌ی کیفی یا تخلفاتی مؤثر نباشند؛

۵- داوطلبین سمت مدیرعاملی و عضویت در هیأت‌مدیره‌ی شرکت، طبق دستورالعمل مربوطه صلاحیت لازم را داشته باشند؛

۶- در صورتیکه در نظر است قسمتی از سرمایه‌ی شرکت به صورت غیرنقد تأمین شود، سرمایه‌ی غیرنقد در راستای اهداف شرکت قابل استفاده بوده و استفاده از آن در طرح تجاری شرکت پیشبینی شده و به قیمت معقول و متناسب با ارزش روز آن تقویم شده باشد؛

۷- طرح تجاری، اهداف، برنامه‌ها و صورتهای مالی پیشبینی شده، معقول و متناسب با شرایط تجاری موضوع فعالیت پردازش اطلاعات مالی تنظیم شده باشد؛

۸- نام پیشنهادی متضمن عنوان پردازش اطلاعات مالی و مناسب بوده و با نام‌های ثبت شده دیگر مشابه نباشد و به گونه‌ای گمراه‌کننده انتخاب نشده باشد.

ب) شرایط موافقت با تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی:

۱- جمع حقوق صاحبان سرمایه‌ی شرکت، معادل یا بیش از سه میلیارد ریال باشد یا به تشخیص سازمان، با تجدید ارزیابی دارایی‌هایی که در فعالیت پردازش اطلاعات مالی قابل استفاده‌اند، جمع حقوق صاحبان سهام شرکت به بیش از سه میلیارد ریال بالغ خواهد شد؛

۲- ترکیب دارایی‌های شرکت و ساختار مالی آن برای فعالیت پردازش اطلاعات مالی مناسب باشد؛

۳- اظهارنظر موسسه‌ی حسابرسان معتمد سازمان در خصوص صورت‌های مالی آخرین سال (دوره) مالی فعالیت شرکت، مقبول بوده یا حاوی بندهای شرطی که نشان دهد فعالیت شرکت پس از تبدیل، در زمینه‌ی پردازش اطلاعات مالی احتمالاً با مانع یا مشکل مواجه می‌شود، نباشد،

۴- داوطلبانی که مقرر است پس از تبدیل شرکت پردازش اطلاعات مالی سمت مدیریت (مدیرعامل یا عضو هیأت مدیره) را به عهده بگیرند، براساس دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی، صلاحیت لازم را داشته باشند؛

۵- شرکای عمده‌ی شرکت متقاضی، براساس اطلاعات و مدارک در اختیار سازمان، دارای پیشینه‌ی کیفی و تخلفاتی موثر نباشند؛

۶- شرکای عمده‌ی شرکت متقاضی و اشخاص وابسته به آنها، منفرداً و مجموعاً، در شخص حقوقی دیگری که در زمینه‌ی پردازش اطلاعات مالی فعالیت می‌کند، به عنوان شریک یا مؤسس عمده نباشند (مگر با ذکر دلایل و موافقت‌هیأت مدیره‌ی سازمان)؛

۷- ترکیب شرکای عمده‌ی شرکت متقاضی به گونه‌ای باشد که شرکت بتواند پس از تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی، اهداف مورد نظر برای پردازش اطلاعات مالی را دنبال نماید؛

۸- طرح تجاری، اهداف، برنامه‌ها و صورتهای مالی که برای دوره‌های پس از تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی پیشبینی شده‌اند، معقول و متناسب با شرایط تجاری موضوع فعالیت پردازش اطلاعات مالی تنظیم شده باشند؛

۹- نام فعلی شرکت یا نام پیشنهادی برای شرکت پس از تبدیل، متضمن عنوان پردازش اطلاعات مالی و مناسب بوده و با نام‌های ثبت شده دیگر مشابه نباشد و به‌گونه‌های گمراه‌کننده انتخاب نشده باشد؛

تبصره ۱: در صورت عدم موافقت با تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی، موضوع باید توسط مدیریت مربوطه در سازمان و با ذکر دلایل به متقاضی اطلاع داده شود.

تبصره ۲: نام شرکت میتواند از طرق زیر گمراه‌کننده باشد:

الف) استفاده از کلمات و عباراتی نظیر "ایران"، "ملی" و غیره در نام شرکت که معمولاً از طرف اشخاص و نهادهای وابسته به دولت استفاده می‌شوند در حالی که چنین وابستگی وجود نداشته باشد.

ب) استفاده از کلمات و عباراتی که عرفاً به ذهن مخاطب وابسته بودن شرکت به شخص یا اشخاص خاصی را (اعم از دولتی یا خصوصی) متبادر نماید، در حالی که چنین وابستگی وجود نداشته باشد.

تبصره ۳: در صورتی که متقاضی بعضی از شرایط مذکور در این ماده را احراز ننموده باشد، سازمان میتواند به تقاضای متقاضی، موافقت اصولی خود را با صدور مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت متقاضی به شرکت پردازش اطلاعات مالی، مشروط به احراز شرایط و رعایت این دستورالعمل به متقاضی اعلام کند. در این صورت مدت زمان احراز شرایط که حداکثر شش ماه از تاریخ صدور موافقت اصولی خواهد بود، در موافقت اصولی صادره قید می‌گردد. در این صورت متقاضی موظف است برنامه‌ی احراز شرایط را به سازمان ارائه کند.

ماده ۷ پس از ابلاغ مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا مجوز تبدیل شرکت

موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی، متقاضی شش ماه مهلت خواهد داشت تا شرکت پردازش اطلاعات مالی را به صورت یک شرکت سهامی خاص مطابق با شرایط اعلام شده، تأسیس یا شرکت موجود را مطابق شرایط اعلام شده به یک شرکت پردازش اطلاعات مالی سهامی خاص تبدیل نماید و موارد لازم را در مرجع ثبت شرکتها، ثبت و مدارک مربوطه را به سازمان تسلیم کند، در غیر اینصورت مجوز تأسیس یا مجوز تبدیل صادره از درجهی اعتبار ساقط خواهد شد.

تبصره: به تقاضای متقاضی و ذکر دلایل موجه، سازمان می تواند مهلت موضوع این ماده را حداکثر سه ماه دیگر تمدید کند.

ماده ۸ حداکثر ۲۰ روز کاری پس از تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی و ثبت آن نزد مرجع ثبت شرکتها یا انجام تغییرات لازم در شرکت موجود برای تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی و ثبت تغییرات نزد مرجع ثبت شرکتها، شرکت باید مدارک زیر را به سازمان ارائه نماید تا در صورتیکه شرایط مندرج در مجوز تأسیس یا مجوز تبدیل، رعایت شده باشد، به عنوان شرکت پردازش اطلاعات مالی موضوع بند ۲۱ ماده ۱ قانون، نزد سازمان به ثبت برسد و برای دریافت مجوز فعالیت اقدام نماید:

۱- اساسنامهی شرکت؛

۲- تصویر آگهی مشخصات مدیران و صاحبان امضای مجاز شرکت و حدود اختیارات آنها در روزنامه رسمی کشور؛

۳- نام ثبت شده، تاریخ ثبت، محل ثبت و شمارهی ثبت نزد مرجع ثبت شرکتها؛

۴- تصویر آگهی تأسیس یا تغییرات شرکت مندرج در روزنامه رسمی کشور؛

۵- مبلغ سرمایهی ثبت شده، فهرست شرکاء و میزان سرمایهی پرداخت شده و تعهد شدهی هریک؛

۶- سایر مدارکی که نشان دهندهی احراز شرایط تعیین شده در مجوز مربوطه باشد؛

شرایط صدور مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی

ماده ۹ تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی یا تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی براساس مجوز سازمان و همچنین ثبت شرکت تحت عنوان شرکت پردازش اطلاعات مالی مطابق مواد ۷ و ۸ این دستورالعمل نزد سازمان، به عنوان مجوز فعالیت در زمینهی پردازش اطلاعات مالی محسوب نمی شود و شروع به فعالیت پردازش اطلاعات مالی (به استثنای اشخاص معاف موضوع ماده ۳) منوط به دریافت مجوز جداگانه تحت عنوان مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی از سازمان است. اشخاص حقوقی با احراز شرایط زیر میتوانند با تکمیل فرم مربوطه (پیوست شماره ۳) تقاضای دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی نمایند:

۱ - متقاضی قبلاً مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی، شرکت مشاور سرمایه گذاری، شرکت سبگردان، مؤسسه رتبه بندی، شرکت تأمین سرمایه، شرکت کارگزاری، یا شرکت کارگزار/معامله گری یا مجوز تبدیل به یکی از نهادهای مالی یاد شده را از سازمان اخذ نموده و تحت یکی از این عناوین به صورت یک شخصیت حقوقی مورد تأیید سازمان نزد مرجع ثبت شرکتها و سازمان به ثبت رسیده و خارج از موضوع فعالیت خود به فعالیت عمدهی دیگری نمیپردازد؛

۲ - نیروی انسانی، فضا و تجهیزات مناسب اداری و نرم افزارهای رایانه ای را به شرح پیوست شماره ۴ مهیا کرده باشد؛

۳ - در صورتی که متقاضی در نظر دارد صرفاً به فعالیت پردازش اطلاعات مالی مبادرت کند، سرمایهی ثبت و پرداخت شدهی متقاضی معادل یا بیش از سه میلیارد ریال باشد یا به تشخیص سازمان، تجدید ارزیابی داراییهای قابل

استفاده در فعالیت پردازش اطلاعات مالی، منجر به افزایش حقوق صاحبان سهام به مبلغی بیش از سه میلیارد ریال گردد؛

۴- در صورتیکه متقاضی به فعالیت یا فعالیتهای دیگری بپردازد و جمع حقوق صاحبان سرمایهی متقاضی براساس صورتهای مالی آخرین دورهی مالی و تراز آزمایشی حسابهای وی در زمان تقاضای مجوز فعالیت، کمتر از ۵۰ میلیارد ریال باشد، آنگاه سرمایهی متقاضی حداقل باید برابر مجموع سرمایهی موضوع این بند و سرمایهی مورد نظر برای فعالیت یا فعالیتهای مذکور باشد یا به تشخیص سازمان، تجدید ارزیابی داراییهای قابل استفاده در فعالیت پردازش اطلاعات مالی، منجر به افزایش حقوق صاحبان سهام به مبلغی بیش از سه میلیارد ریال به علاوه حداقل سرمایه مورد نظر برای فعالیت یا فعالیتهای مذکور گردد،

۵- رویههای جمعآوری و پردازش اطلاعات شامل چگونگی دریافت اطلاعات، ساز و کار ورود آنها به سامانه اطلاعاتی، روشهای بازنگری در اطلاعات وارد شده و اطمینان از تطبیق اطلاعات وارد شده با اطلاعات موجود در منبع اصلی مطابق ماده ۱۱ تنظیم و در اختیار سازمان قرار گرفته و به تأیید سازمان برسد.

۶- معیارهای در نظر گرفته شده برای انتخاب منابع اطلاعاتی به سازمان اعلام شده و مورد قبول سازمان باشند.

۷- تمامی روابط ریاضی مورد استفاده که در پردازش اطلاعات مالی بکار میروند به سازمان اعلام شود و در صورت تشابه با نسبتهای رایج و متعارف در تضاد با آنها نباشد.

۸- بررسی اطلاعات وارد شده در سامانه اطلاعاتی توسط سازمان بیانگر صحت اقلام یاد شده در سطح اطمینان حداقل ۸۵ درصد باشد.

تبصره ۱: در صورتی که در اثر زینهای وارده، بیش از ثلث سرمایهی در نظر گرفته شده برای پردازشگر اطلاعات مالی طبق این ماده از بین برود، پردازشگر اطلاعات مالی موظف است حداکثر ظرف شش ماه نسبت به ترمیم سرمایه اقدام نماید.

تبصره ۲: در صورت احراز شرایط، مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، ظرف حداکثر ۳۰ روز پس از تکمیل مدارک و اطلاعات مربوطه، با اعتبار دوساله به نام متقاضی صادر میگردد. در صورتیکه حکم لغو مجوز تأسیس یا فعالیت پردازش اطلاعات مالی طبق مقررات صادر نشده باشد، اعتبار مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی برای دورههای دوساله بعد تمدید میشود.

الزامات ارائه خدمات پردازش اطلاعات مالی

ماده ۱۰ ارائه خدمات توسط پردازشگر اطلاعات مالی به هر مشتری بر اساس انعقاد قرارداد جداگانه انجام خواهد شد. در قرارداد منعقد ذکر موارد زیر الزامی است:

۱- مشخصات و نشانی پردازشگر اطلاعات مالی به عنوان یک طرف و مشخصات و نشانی مشتری یا مشتریان به عنوان طرف دیگر قرارداد و مدت اعتبار قرارداد و تاریخ انعقاد آن و شماره قرارداد؛

۲- خدماتی که پردازشگر اطلاعات مالی به مشتری ارائه میدهد و نحوه ارائه خدمات مذکور؛

۳- مسئولیتهای پردازشگر اطلاعات مالی در قبال خدمات ارائه شده به مشتری و ضمانتهای اجرایی آن؛

۴- حقالزحمه و کارمزدی که مشتری در قبال دریافت هر نوع خدمات پردازشگر اطلاعات مالی، باید پرداخت کند و زمانبندی پرداخت حقالزحمه و کارمزد مذکور؛

۵- اینکه پرداخت حقالزحمه و کارمزد پردازشگر اطلاعات مالی صرفاً براساس صورتحساب صادره و از طریق واریز به حساب بانکی متعلق به پردازشگر اطلاعات مالی صورت میپذیرد با ذکر مشخصات حساب بانکی مذکور؛

- ۶- این موضوع که اطلاعات مشتری نزد پردازشگر اطلاعات مالی محرمانه تلقی شده و پردازشگر اطلاعات مالی نمیتواند آنها را بدون اجازه کتبی مشتری افشا کند یا به دیگری اعطاء کند مگر در چارچوب قانون و مواردی که در این دستورالعمل مجاز یا مکلف به اعطاء، افشا یا انتشار اطلاعات مذکور است؛
- ۷- ذکر اینکه در صورتی که مفاد قرارداد مغایر قوانین و مقررات تصویب شده تا زمان انعقاد قرارداد باشد، پردازشگر اطلاعات مالی نمیتواند به مفاد قرارداد عمل کند و چنانچه در اثر آن خسارتی به مشتری وارد آید، پردازشگر اطلاعات مالی مسئول جبران آن است؛
- ۸- ذکر اینکه پردازشگر اطلاعات مالی ملزم به اجرای آن بخش از قرارداد که با قوانین و مقرراتی که بعداً به تصویب میرسد، مغایر باشد نیست و از این بابت مسئولیتی برای جبران خسارت وارده به مشتری نخواهد داشت؛
- ۹- اینکه قرارداد تحت چه شرایطی منفسخ میشود (با رعایت مادهی ۱۱ این دستورالعمل) و طرفین قرارداد تحت چه شرایطی اختیار فسخ قرارداد را پیش از اتمام مدت اعتبار آن دارند؛
- ۱۰- ذکر این موضوع که مرجع رسیدگی به اختلافات بین مشتری و پردازشگر اطلاعات مالی در صورت عدم سازش در کانونهای موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار، هیأت داورى مذکور در مادهی ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار است و تا تشکیل کانون مربوطه، وظیفهی مذکور توسط سازمان صورت میپذیرد؛
- ۱۱- تشریح نحوهی برقراری ارتباط بین پردازشگر اطلاعات مالی و مشتری برای تبادل اطلاعات و مدارک مختلف؛
- ۱۲- ذکر این موضوع که مسئولیتهای قید شده در قرارداد به هیچ عنوان محدود کنندهی مسئولیتهای پردازشگر اطلاعات مالی مطابق مقررات مربوطه نخواهد بود؛
- ۱۳- تعداد نسخ قرارداد و نحوهی توزیع آنها.

تبصره ۱: پردازشگر اطلاعات مالی باید نمونهی قراردادهای خود با مشتریان را قبل از بکارگیری به سازمان ارسال دارد تا از حیث رعایت این ماده به تأیید برسد.

تبصره ۲: هر گونه تغییر در مفاد قرارداد با اضافه کردن متمم به قرارداد امکانپذیر است، مشروط به آن که این ماده در متمم قرارداد نقض نشود. متممهای قرارداد باید به امضای طرفین قرارداد رسیده و حداقل شامل موارد زیر باشد:

(الف) شماره و تاریخ قرارداد و شمارهی متمم؛

(ب) مشخصات طرفین قرارداد همانطور که در قرارداد ذکر شده است؛

(ج) توافقات حاصله طی متمم قرارداد؛

- ماده ۱۱** پردازشگر اطلاعات مالی باید رویهای مکتوب تحت عنوان رویه جمعآوری و پردازش اطلاعات تنظیم و پس از تأیید سازمان، نزد آن سازمان به ثبت برساند. در رویه یاد شده موارد زیر باید درج گردد:
- ۱- معیارهایی که پردازشگر اطلاعات مالی در انتخاب منابع اطلاعاتی خود در نظر میگیرد بهطوری که منابع اطلاعاتی انتخاب شده بر اساس این معیارها، از نظر پردازشگر اطلاعات مالی، موثق باشند،
 - ۲- رویههایی که پردازشگر اطلاعات مالی بهکار میگیرد تا مطمئن شود، اطلاعات مورد استفاده برای ارائه به مشتریان، صرفاً از منابع اطلاعاتی که براساس معیارهای بند ۱ موثق تشخیص داده شدهاند، جمعآوری میشوند،
 - ۳- رویههایی که پردازشگر اطلاعات مالی به کار میگیرد تا از تطابق اطلاعات جمعآوری شده و تغذیهشده در بانکهای اطلاعاتی خود با منابع موثق ارائهکننده اطلاعات، اطمینان حاصل نماید.
 - ۴- فرمولها و روابط ریاضی که در پردازش اطلاعات جمعآوری شده بهکار میگیرد، عنوان و شرح مفهوم اطلاعات پردازش شده پس از اعمال هر فرمول یا رابطه ریاضی، در پیوست رویه مذکور.

تبصره ۱: در انتخاب منابع، جمعآوری اطلاعات و پردازش آنها، پردازشگر اطلاعات مالی

موظف است رویه خود در این زمینه را که مطابق این ماده نزد سازمان به ثبت رسانده است، رعایت نماید. هرگونه تغییر در این رویه باید قبل از اجرا به تأیید سازمان رسیده و نزد آن به ثبت برسد.

تبصره ۲: فرمولها، روابط ریاضی و نمودارهایی که پردازشگر اطلاعات مالی در پردازش اطلاعات مالی به کار میگیرد ضمن مستندسازی و قبل از ثبت نزد سازمان، باید توسط شخصی که حداقل گواهینامه تحلیلیگری اوراق بهادار را اخذ کرده و در شش سال اخیر دستکم ۲ سال سابقه کار مستمر یا ۳ سال سابقه کار غیر مستمر مرتبط به تشخیص سازمان داشته باشد از جهات زیر بررسی و تأیید گردد:

۱ - مفهیمی که برای اطلاعات پردازش شده توسط هر فرمول، رابطه ریاضی یا نمودار تشریح شده است، صحیح باشد.

۲ - عنوان بهکار گرفته شده برای اطلاعات پردازش شده از طریق اعمال هر فرمول، رابطه ریاضی یا نمودار، گویای مفهوم آن بوده و گمراهکننده نباشد؛

۳ - در صورتیکه عنوان با یکی از عناوین شناختهشده در ادبیات مالی تطابق دارد، فرمول، رابطه ریاضی یا نمودار تعریف شده نیز مطابق آنچه در ادبیات مالی برای محاسبه آن شناخته است، باشد.

تأیید صحت فرمولها، روابط ریاضی و نمودارهای مورد استفاده توسط شخص موضوع این تبصره، نافی مسئولیت شرکت پردازش اطلاعات مالی در مورد صحت آنها نمیشود.

ماده ۱۲: در صورتیکه پردازشگر اطلاعات مالی، بانک اطلاعاتی تشکیل داده بهطوریکه اطلاعات ذخیره شده در این بانک را قبل یا پس از پردازش منتشر میکند یا در اختیار دیگران از جمله مشتریان قرار میدهد، یا در صورتیکه از نرمافزارهای رایانهای برای پردازش اطلاعات استفاده میکند، آنگاه:

۱ - آن بخش از اطلاعات که از منابع اطلاعاتی به صورت غیرمکانیزه استخراج و در بانک اطلاعاتی ذخیره میشوند، باید توسط شخص یا اشخاص دیگری به جز شخص یا اشخاصی که مسئولیت استخراج و تغذیه اطلاعات را به بانک اطلاعاتی بهعهده دارند و صلاحیت قید شده در تبصره ۱ این ماده را دارند، مورد بازبینی و تطبیق با منابع منتشر کننده، قرار گرفته و در صورت تطبیق تأیید گردد؛

۲ - نرمافزارهایی که برای استخراج و تغذیه مکانیزه اطلاعات به بانک اطلاعاتی پردازشگر اطلاعات مالی استفاده میشوند، باید مستند شده و صحت طراحی آن توسط شخص صاحب صلاحیتهای موضوع تبصره ۲ این ماده تأیید و همچنین صحت عملکرد آن در انتقال صحیح اطلاعات از طریق بررسی حداقل ۵ درصد اطلاعات منتقل شده که به عنوان نمونه به صورت تصادفی و فراگیر (شامل همه انواع اطلاعات منتقل شده) انتخاب شدهاند، توسط شخص صاحب صلاحیتهای تبصره ۱ این ماده بررسی و تأیید شده باشد؛

۳ - صحت عملکرد نرمافزار در محاسبه عملیات ریاضی برای پردازش اطلاعات، توسط شخص صاحب صلاحیت موضوع تبصره ۲ ماده ۱۱ بررسی و تأیید شده باشد.

تبصره ۱: شخصی که مسئولیت بازبینی موضوع بند ۱ این ماده را بهعهده میگیرد، باید حداقل دارای گواهینامه اصول مقدماتی بازار سرمایه یا مدرک کارشناسی مورد تأیید وزارت علوم در رشتههای حسابداری، مدیریت مالی، مدیریت (گرایشهای مختلف) یا اقتصاد باشد.

تبصره ۲: شخصی که مسئولیت بررسی صحت طراحی نرمافزار (موضوع بند ۲ این ماده) را بهعهده میگیرد، باید حداقل دارای مدرک کارشناسی مورد تأیید وزارت علوم در رشته مهندسی نرمافزار رایانهای باشد.

تبصره ۳: پردازشگر اطلاعات مالی باید جزئیات بررسیهای موضوع این ماده، از جمله نمونههای انتخاب شده و روش نمونهگیری موضوع بند ۲ این ماده، تاریخ بررسی و مشخصات شخص تأیید کننده را مستند و بایگانی نماید. همچنین

این بررسیها باید پس از هرگونه تغییر در طراحی بانک اطلاعاتی، نرمافزار انتقال اطلاعات و نرمافزار پردازش اطلاعات، مجدداً انجام و تأییدیه مربوطه اخذ و مطابق این تبصره مستند و بایگانی گردد.

تبصره ۴: پردازشگر اطلاعات مالی باید قبل از بهکارگیری نرمافزارهای موضوع این ماده، تأییدیه های یادشده را اخذ و نرمافزارها را نزد سازمان به ثبت برساند. همچنین نرمافزارهای یادشده پس از هر تغییر و انجام بررسیها و اخذ تأییدیههای مذکور، باید قبل از بهکارگیری، نزد سازمان به ثبت برسند.

ماده ۱۳: در هرگونه گزارش و اطلاعاتی که پردازشگر اطلاعات مالی منتشر، ارائه یا در دسترس دیگران از جمله مشتریان قرار میدهد، باید منابع اطلاعاتی استفاده شده، قید شده یا توسط مخاطب بهسادگی قابل تشخیص باشند؛ در غیر اینصورت مسئولیت صحت اطلاعات ارائه شده بهعهده پردازشگر اطلاعات مالی خواهد بود. در مورد اطلاعات منتشر یا ارائه شده توسط پردازشگر اطلاعات مالی که منابع آنها قید شدهاند، مسئولیت پردازشگر اطلاعات مالی محدود است به انتخاب صحیح منابع اطلاعاتی مطابق رویه ثبتشده خود نزد سازمان و مطابقت داشتن اطلاعات با آنچه منابع قید شده منتشر نمودهاند. مسئولیت پردازشگر اطلاعات مالی موضوع این ماده، مانع از اعمال مجازاتهای پیشبینی شده در این دستورالعمل نخواهد بود.

ماده ۱۴: در موارد ذیل پردازشگر اطلاعات مالی باید موضوع را به اطلاع مشتری برساند و قرارداد بین مشتری و پردازشگر اطلاعات مالی خود به خود منفسخ میگردد و پردازشگر اطلاعات مالی باید کلیهی مطالبات مشتری را به وی پرداخت کند:

- ۱ - تعلیق مجوز فعالیت پردازشگر اطلاعات مالی به قسمی که انجام تمام یا بخشی از موضوع قرارداد با مشتری بیش از ۱۵ روز ممکن نباشد (مگر با توافق کتبی مشتری ظرف هفت روز کاری پس از تعلیق)؛
- ۲ - لغو مجوز تأسیس یا فعالیت پردازشگر اطلاعات مالی؛
- ۳ - ورشکستگی یا انحلال پردازشگر اطلاعات مالی؛
- ۴ - کنارهگیری از فعالیت پردازشگر اطلاعات مالی.

ماده ۱۵: در صورتیکه پردازشگر اطلاعات مالی به فعالیت رتهبندی، مشاوره سرمایهگذاری یا کارگزاری نیز میپردازد، باید به هریک از فعالیتهای مذکور کارکنان و بخش جداگانه اختصاص داده و هر بخش مستقیماً یا به واسطهی مدیران جداگانه، تحت نظارت بالاترین مقام اجرایی (مدیرعامل) باشد.

ماده ۱۶: پردازشگر اطلاعات مالی میتواند با اخذ مجوز از سازمان اقدام به ایجاد شعبه یا نمایندگی کند. مسئولیت فعالیت شعبه یا نمایندگی پردازشگر اطلاعات مالی به عهدهی پردازشگر اطلاعات مالی است. در ایجاد شعبه یا نمایندگی رعایت موارد زیر ضروری است:

- ۱- تعیین مسئول شعبه یا نمایندگی که باید آموزشهای لازم را سپری کرده باشد؛
- ۲- تدوین رویههای مکتوب برای (الف) راهنمایی مشتریان، (ب) انعقاد قراردادهای پردازش اطلاعات مالی و (ج) کنترلهای داخلی لازم؛
- ۳- اختصاص امکانات مورد نیاز به شعبه یا نمایندگی، شامل فضای اداری، ملزومات نرمافزاری و سختافزاری؛
- ۴- نصب تابلو در محل مناسب برای شعبه یا نمایندگی شامل نام و عنوان پردازشگر اطلاعات مالی.

تبصره: در صورت ثبت پردازشگر اطلاعات مالی نزد سازمان درج عبارت « تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار » در تابلوهای پردازشگر اطلاعات مالی و کلیهی اوراق، اطلاعیهها و آگهیهای آن مجاز است.

ماده ۱۷ پردازشگر اطلاعات مالی، قبل از ارائه خدمات به مشتری خود در زمینه پردازش اطلاعات مالی، موظف است ابتدا نسبت به شناسایی مشتری اقدام و اطلاعات هویتی، نشانی و تلفن مشتری را دریافت و در پرونده مشتری ضبط نماید.

ماده ۱۸ در شرایط وجود تضاد منافع بین پردازشگر اطلاعات مالی و مشتری وی، اولویت با منافع مشتری خواهد بود.

ماده ۱۹ علاوه بر ممنوعیت ارائه یا انتشار اطلاعات در مورد اوراق بهادار موضوع ماده ۴، انجام فعالیتهای زیر نیز توسط پردازشگر اطلاعات مالی مجاز نمیباشد:

۱- انتشار، ارائه یا در دسترس دیگران قراردادن اطلاعات استخراج شده از منابعی که سازمان آنها را در زمره منابع غیر معتبر اعلام نموده، خواه بدون تغییر یا پس از پردازش؛

۲- ارائه یا انتشار پیشبینی خود از روند آتی عرضه و تقاضای اوراق بهادار یا اظهار نظر خود در مورد ارزش اوراق بهادار یا وضعیت آتی ناشر اوراق بهادار بدون اخذ مجوز فعالیت مشاور سرمایهگذاری از سازمان؛

۳- ارائه یا انتشار پیشبینی اشخاص بدون ذکر نام یا اشخاص با ذکر نام که مجوز فعالیت مشاور سرمایهگذاری از سازمان دریافت ننمودهاند در مورد روند آتی عرضه و تقاضای اوراق بهادار یا اظهار نظر آنها در مورد ارزش اوراق بهادار یا وضعیت آتی ناشر اوراق بهادار؛

۴- انعقاد قراردادها یا پذیرش تعهداتی که منجر شود تا پردازشگر اطلاعات مالی نتواند تمام یا بخشی از وظایف خود را مطابق این دستورالعمل انجام دهد یا مسئولیتهای پردازشگر اطلاعات مالی را کمتر از مسئولیتهایی نماید که در این دستورالعمل برای پردازشگران اطلاعات مالی پیشبینی شده است؛

۵- انعقاد قراردادهای پردازش اطلاعات مالی با مشتریان که در آن مسئولیتهای پردازشگر اطلاعات مالی در قبال مشتریان از مسئولیتهای مندرج در این دستورالعمل یا سایر مقررات مرتبط، محدودتر باشد؛

۶- دریافت کارمزد در ارائه خدمات خود بیش از سقفهای مصوب سازمان؛

ثبت و نگهداری حسابها، مدارک و اطلاعات

ماده ۲۰ پردازشگر اطلاعات مالی موظف است طبق استانداردهای حسابداری ملی و دستورالعملهای اجرایی که سازمان ابلاغ میکند، وقایع مالی خود را ثبت و صورتهای مالی خود را تنظیم نماید و در دفاتر مالی خود برای هر مشتری حساب جداگانههای نگهداری و کلیهی مبادلات مالی فیما بین خود و مشتری را در حساب مشتری ثبت کند.

ماده ۲۱ پردازشگر اطلاعات مالی موظف است اسناد و مدارک مربوط به فعالیت خود از جمله اسناد و مدارک زیر را حداقل به مدت پنج سال نگهداری نماید:

۱ - قراردادهای منعقد شده با مشتریان؛

۲ - مکاتبات تبادل شده با مشتریان؛

۳ - مدارک مثبتی وقایع مالی مرتبط با خود به خصوص مبادلات مالی با مشتریان و صورتحسابهای صادره برای آنها؛

۴ - نسخهای از اطلاعاتی که پردازشگر اطلاعات مالی از طریق تارنمای رسمی خود منتشر کرده یا برای مشتریان ارسال نموده یا به نحوی در دسترس آنها قرارداده است، حاوی تاریخ و ساعت انتشار یا ارسال؛

۵ - مدارک راجع به دعاوی حقوقی له یا علیه پردازشگر اطلاعات مالی؛

۶ - سایر مدارک و گزارشهایی که توسط سازمان تعیین و ابلاغ میگردد.

ماده ۲۲ پردازشگر اطلاعات مالی و کارکنان آن باید اطلاعات و مدارک مربوط به مشتری

طرف قرارداد خود را محرمانه تلقی نموده و به استثنای اشخاص زیر در حدود درخواست آنها، بدون رضایت مشتری به شخص دیگری ارائه ننماید در غیر اینصورت مشمول ماده ۴۸ قانون بازار اوراق بهادار خواهند شد:

- ۱- کارکنان پردازشگر اطلاعات مالی که برای ارائه خدمات به مشتری یا انجام سایر وظایف خود به اطلاعات و مدارک مشتری نیاز دارند، در حدود نیاز آنها؛
- ۲- سازمان یا مراجعی که سازمان تعیین میکند؛
- ۳- وکیل، بازرس قانونی یا حسابرس پردازشگر اطلاعات مالی؛
- ۴- مراجع صالح قضایی؛
- ۵- کانون مربوطه در حدودی که در مقررات مصوب سازمان تعیین شده است؛
- ۶- سایر مراجعی که ارائه مدارک و اطلاعات مذکور به آنها، طبق قانون الزامی است.

تبصره: انتشار عمومی یا ارائه اطلاعات به صورت سرجمع به طوری که امکان ردیابی و تشخیص اطلاعات مربوط به هر مشتری ممکن نباشد، مشمول ممنوعیت موضوع این ماده نمیگردد.

اطلاع رسانی و گزارش دهی

ماده ۲۳ پردازشگر اطلاعات مالی ملزم است در تارنمای خود موارد زیر را افشا نماید:

- ۱- نام، نوع شخصیت حقوقی، مشخصات ثبتی، مبلغ سرمایه‌ی پرداخت شده مشخصات شرکای عمده؛
- ۲- مشخصات و سوابق حرفه‌ای و تحصیلی اعضای هیأت‌مدیره، مدیرعامل، مدیران میانی، کارشناسان و نمایندگان تحلیلگر اطلاعات مالی؛
- ۳- خدمات قابل ارایه توسط تحلیلگر اطلاعات مالی و شرایط، حدود مسئولیت و کارمزد هر یک از این خدمات و نحوه محاسبه این کارمزدها؛
- ۴- معیارها و روشهایی که پردازشگر اطلاعات مالی برای انتخاب منابع اطلاعاتی، اطمینان از صحت استخراج اطلاعات از منابع و تغذیه آنها در بانکهای اطلاعاتی خود و اطمینان از صحت پردازش اطلاعات مالی بهکار میگیرد تا حدی که منجر به افشای اسرار تجاری وی نگردد؛
- ۵- منابع مهم اطلاعاتی که پردازشگر اطلاعات مالی برای کسب اطلاعات مورد نیاز خود به آنها متکی است؛
- ۶- تضاد منافی که ممکن است به دلیل ارائه خدمات مختلف بین منافع پردازشگر اطلاعات مالی یا اشخاص وابسته و کارکنان وی با مشتریان بوجود آید و راههای کنترل و حل و فصل این تضاد منافع؛
- ۷- هر گونه رابطه تجاری اساسی که پردازشگر اطلاعات مالی با دیگران دارد و با خدمات پردازش اطلاعات مالی و سایر خدماتی که پردازشگر اطلاعات مالی ارائه میدهد در تضاد است؛
- ۸- هر گونه منافی که ارائه خدمات پردازش اطلاعات مالی برای اشخاص ثالث به استثناء کارکنان شرکت پردازش اطلاعات مالی، بوجود می‌آورد؛
- ۹- نشانی و تلفن دفتر مرکزی و هر یک از شعب یا نمایندگیها و مشخصات مسئولین هر شعبه یا نمایندگی؛
- ۱۰- هر گونه اطلاعات دیگری که طبق مصوبات سازمان ضروری باشد.

نظارت و بازرسی

ماده ۲۴ سازمان میتواند به صورت ادواری یا در مواقع لزوم، مدارک و هرگونه مستندات پردازشگر اطلاعات مالی و هر گونه اماکن متعلق به پردازشگر اطلاعات مالی یا تحت اختیار یا کنترل وی را با اهداف زیر مورد بازرسی قرار دهد یا ارائه اطلاعات، مدارک و گزارشهایی را از پردازشگر اطلاعات مالی درخواست کند:

۱ - اطمینان از تهیه و نگهداری اسناد، مدارک، گزارشها و دفاتر مالی مطابق قوانین و مقررات؛

۲ - اطمینان از انطباق عملکرد پردازشگر اطلاعات مالی با قرارداد پردازش اطلاعات مالی و مقررات مربوطه؛

۳ - اطمینان از حفظ شرایط تعیین شده برای تأسیس و فعالیت پردازشگر اطلاعات مالی؛

۴ - بررسی شکایات و اعتراضات رسیده از سوی مشتری یا افراد دیگر؛

۵ - بررسی تخلفات احتمالی پردازشگر اطلاعات مالی؛

۶ - تهیه گزارشها، اسناد و مدارک برای سایر نهادهای ذیصلاح.

تبصره: پردازشگر اطلاعات مالی موظف است کلیه اطلاعات، اسناد، مدارک و گزارشهای مورد درخواست را در موعد مقرر در اختیار سازمان قرار دهد و به تمامی سوالات نمایندگان سازمان پاسخ داده و امکان بازرسی از دفاتر، مدارک و اماکن مورد نظر را برای بازرسین سازمان بدون فوت وقت فراهم آورد. بازرسین سازمان توسط رئیس سازمان معرفی میشوند.

ماده ۲۵ پردازشگر اطلاعات مالی باید بازرس قانونی و حسابرس خود را از بین موسسات حسابرسی معتمد سازمان انتخاب کند و قرارداد خود با وی را به گونهای تنظیم کند که بازرس یا حسابرس، رعایت قوانین و مقررات از جمله این دستورالعمل، آییننامههای داخلی شرکت، تطبیق مفاد قراردادهای پردازشگر اطلاعات مالی با این دستورالعمل و ثبت صحیح حسابهای مشتری را بررسی و در مورد آنها در گزارش سالیانه خود اظهار نظر نماید. هزینه این رسیدگی بر عهده پردازشگر اطلاعات مالی است و در قرارداد مربوطه پیشبینی میشود.

ماده ۲۶ در صورت درخواست سازمان برای تهیه گزارش ویژه حسابرسی از پردازشگر اطلاعات مالی مطابق مادهی ۲۹ قانون بازار اوراق بهادار، پردازشگر اطلاعات مالی باید علاوه بر ارائه اطلاعات، اسناد و مدارک لازم برای تهیه این گزارش، هزینههای تهیه گزارش مذکور را مطابق آنچه سازمان تعیین میکند، بپردازد.

ضمانتهای اجرا

ماده ۲۷ تخلف پردازشگر اطلاعات مالی از قرارداد پردازش اطلاعات مالی یا مفاد این دستورالعمل، براساس دستورالعمل مربوطه رسیدگی میشود. در صورت احراز تخلف، مرجع رسیدگی کننده متناسباً یک یا چند مورد از تنبیهات زیر را در نظر میگیرد:

۱ - تذکر کتبی به پردازشگر اطلاعات مالی بدون درج در پرونده؛

۲ - تذکر کتبی به پردازشگر اطلاعات مالی با درج در پرونده؛

۳ - تعلیق فعالیت شعبه یا نمایندگی که تخلف از طریق آن صورت پذیرفته حداکثر تا یک سال؛

۴ - الزام به تعطیلی شعبه یا نمایندگی که تخلف از طریق آن صورت پذیرفته؛

۵ - محدود کردن فعالیت پردازش اطلاعات مالی حداکثر تا یک سال؛

۶ - محرومیت از ارائه خدمات پردازش اطلاعات مالی حداکثر تا یک سال؛

۷ - تعلیق مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی برای مدت حداکثر تا یک سال؛

۸ - تعلیق سایر فعالیتهای پردازشگر اطلاعات مالی به مدت حداکثر تا یک سال؛

۹ - لغو مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی؛

۱۰ - لغو مجوز تأسیس پردازش اطلاعات مالی؛

۱۱ - جریمه نقدی پردازشگر اطلاعات مالی مطابق آییننامهی مادهی ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید.

تبصره ۱: در صورتی که تخلف ناشی از فعل یا ترک فعل مدیر یا مدیران یا سایر کارکنان

پردازشگر اطلاعات مالی باشد، مرجع رسیدگی به تخلفات پردازشگر اطلاعات مالی، علاوه بر تنبیهات مقرر در این ماده برای پردازشگر اطلاعات مالی، مدیر یا هر یک از کارکنان متخلف را حسب مورد به یکی از تنبیهات انضباطی زیر محکوم میکند:

- ۱ - تذکر کتبی بدون درج در پرونده؛
- ۲ - اخطار کتبی با درج در پرونده؛
- ۳ - محرومیت از ارائهی خدمات پردازش اطلاعات مالی حداکثر تا دو سال؛
- ۴ - سلب صلاحیت از ادامهی تصدی سمت مدیریت در شرکت پردازش اطلاعات مالی مربوطه حداکثر تا دو سال؛
- ۵ - محرومیت از تصدی سمت در تمام یا برخی از بورسها، بازارهای خارج از بورس، کانونها و نهادهای مالی حداکثر تا دو سال؛
- ۶ - محرومیت از استفاده از گواهینامهی حرفهای صادره توسط سازمان به مدت حداکثر تا دو سال؛
- ۷ - جریمه نقدی مطابق آیین نامهی مادهی ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید.

تبصره ۲: مرجع رسیدگی به تخلفات میتواند به منظور پیشگیری از تکرار تخلف یا گسترش دامنهی آن، اعادهی وضعیت به قبل از انجام تخلف یا رفع اثرات تخلف انجام شده، پردازشگر اطلاعات مالی را ملزم به موارد زیر نماید:

- ۱ - اصلاح یا تقویت نظام کنترلهای داخلی؛
 - ۲ - اصلاح رویهها و آییننامههای داخلی؛
 - ۳ - تأمین، تکمیل و آموزش نیروی انسانی در بخشها و زمینههای خاص؛
 - ۴ - منع پردازشگر اطلاعات مالی از گسترش کمی و یا جغرافیایی فعالیتها تا زمان احراز شرایطی خاص؛
- مرجع رسیدگی همچنین میتواند برای انجام موارد موضوع این تبصره، مهلت تعیین کرده و رفع تعلیق از تمام یا بخشی از فعالیتها یا رفع محدودیت از فعالیتهای پردازشگر اطلاعات مالی را منوط به اجرای آنها در مهلت مقرر نماید. در صورت عدم اجرای موارد تعیین شده در این تبصره در مهلت مقرر، مرجع رسیدگی میتواند تنبیهات مذکور در این ماده را اعمال کند.

تبصره ۳: اعمال تنبیهات موضوع این ماده مانع از مجازاتی که در قوانین در صورت ارتکاب جرم پیشبینی شده یا مانع از جبران خساراتی که در اثر ارتکاب تخلفات یا جرایم به مشتری یا سایر اشخاص وارد شده، نخواهد شد.

ماده ۲۸: در صورتی که یک نهاد مالی بدون دریافت مجوز پردازش اطلاعات مالی، به ارائه خدمات پردازش اطلاعات مالی بپردازد، مرجع رسیدگی کننده پس از رسیدگی به موضوع براساس دستورالعمل مربوطه، یک یا ترکیبی از تنبیهات زیر را در نظر خواهد گرفت:

- ۱ - تذکر کتبی بدون درج در پروندهی نهاد مالی متخلف؛
- ۲ - اخطار کتبی با درج در پروندهی نهاد مالی متخلف؛
- ۳ - تعلیق تمام یا بخشی از فعالیتهای نهاد مالی به مدت حداکثر تا یک سال؛
- ۴ - سلب صلاحیت مدیر یا مدیران نهاد مالی متخلف، از تصدی برخی سمتها در نهاد مالی مربوطه حداکثر به مدت دو سال؛
- ۵ - محرومیت مدیر یا مدیران متخلف نهاد مالی از تصدی سمت در تمام یا برخی از بورسها، بازارهای خارج از بورس، کانونها و سایر نهادهای مالی به مدت حداکثر تا دو سال؛
- ۶ - محرومیت مدیران نهاد مالی از استفاده از گواهینامههای حرفهای صادره توسط سازمان حداکثر تا دو سال؛
- ۷ - لغو مجوز تأسیس نهاد مالی متخلف؛

۸ - جریمه نقدی مطابق آیین نامه ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید.

ماده ۲۹ به اختلافات بین پردازشگر اطلاعات مالی و مشتری، طبق ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار رسیدگی میشود.

سایر موارد

ماده ۳۰ هرگونه نقل و انتقال سهام یا پذیرهنویسی سهام جدید در شرکت پردازش اطلاعات مالی به گونهای که موجب شود شخصی به یک شریک عمده شرکت پردازش اطلاعات مالی تبدیل شود، باید ظرف هفت روز کاری توسط شرکت پردازش اطلاعات مالی به سازمان اطلاع داده شود.

ماده ۳۱ پردازشگر اطلاعات مالی ملزم است هر ساله مبلغی تحت عنوان حق نظارت به سازمان پرداخت نماید. این مبلغ به پیشنهاد سازمان توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار تعیین میگردد.

ماده ۳۲ این دستورالعمل در ۳۲ ماده ۲۲ تبصره و چهار پیوست در تاریخ ۱۳۸۹/۵/۲۳ به تصویب هیأتمدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجرا میباشد.

کانون کارگزاری بورس و اوراق بهادار

تقاضای صدور مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی

این فرم به منظور ارائه ی تقاضای صدور مجوز تأسیس شرکت پردازش اطلاعات مالی تنظیم شده است. اطلاعات در خواست شده در این فرم برای تکمیل مدارک و مستندات لازم جهت بررسی تقاضا الزامی است.

به: مدیریت نظارت بر نهادهای مالی سازمان بورس و اوراق بهادار

احتراماً؛

اینجانبان مؤسسين شرکت در شرف تأسیس پردازش اطلاعات مالی..... (که در این فرم اختصاراً شرکت نامیده می شود)، براساس قانون بازار اوراق بهادار و دستورالعمل مربوطه، صدور مجوز تأسیس این شرکت را به عنوان یک شرکت پردازش اطلاعات مالی موضوع بند ۲۱ ماده ی ۱ قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، با مشخصات زیر از سازمان بورس و اوراق بهادار (که از این پس اختصاراً سازمان نامیده میشود)، تقاضا مینماییم:

۱- نام پیشنهادی برای شرکت: شرکت پردازش اطلاعات مالی

۲- نوع شخصیت حقوقی مورد نظر برای شرکت سهامی خاص است.

۳- اساسنامه ی شرکت به شرح پیوست پیشنهاد می شود که مطابق نمونه ی مصوب سازمان تنظیم شده و به امضای نماینده ی مؤسسين رسیده است.

۴- مبلغ سرمایه و میزان مشارکت هر یک از مؤسسين به تفکیک نقد و غیرنقد به شرح زیر خواهد بود:

(در صورتی که فضای فرم کافی نیست، جدول به ضمیمه فرم ارائه گردد).

ردیف	نام مؤسس	میزان آورده ی نقد		میزان آورده ی غیرنقد		جمع آورده ی نقد و غیرنقد		مبلغ تعهد شده	
		مبلغ (میلیون ریال)	درصد *	مبلغ (میلیون ریال)	درصد *	مبلغ (میلیون ریال)	درصد *	مبلغ (میلیون ریال)	درصد *
۱									
۲									
۳									
۴									
۵									
	جمع								

* درصد از کل سرمایه

۵- در نظر است سهام ممتاز شرکت به شرح زیر صادر گردد:

ردیف	نام دارنده‌ی سهام ممتاز	مبلغ اسمی سهام ممتاز	شرح امتیازات
۱			
۲			
۳			

۶- مشخصات و اوصاف آورده‌ی غیرنقد مؤسسين در صورت وجود و ارزش تقریبی آن:

۷- شرح اینکه آورده‌ی غیرنقد چگونه در جهت اهداف و موضوع فعالیت شرکت بکار می‌آید:

۸- **طرح تجاری و برنامه‌های شرکت:** طرح تجاری و برنامه‌های شرکت برای سه سال پس از تأسیس و ترانزنامه و صورت سود (زیان) برای یک سال پس از تأسیس پیشبینی شده و مطابق دستورالعمل مربوطه تنظیم گردیده و به پیوست آمده است.

۹- **مشخصات نماینده‌ی مؤسسين:** شخص زیر به عنوان نماینده‌ی تام‌الاختیار مؤسسين شرکت به سازمان معرفی میشود. هرگونه مکاتبه و اعلام نظر مؤسسين به امضای وی به سازمان تسلیم می‌شود و ارائه‌ی مکاتبات یا اطلاعات از طرف سازمان به وی یا ارسال مکاتبات به نشانی وی به منزله‌ی ارائه یا ارسال به مؤسسين محسوب می‌شود.

نام و نامخانوادگی	شماره شناسنامه	محل صدور	تلفن	نشانی	امضای نماینده برای قبول سمت

۱۰ هویت و اقامتگاه مؤسسين به شرح زیر است:

ردیف	نام مؤسس	شماره شناسنامه/شماره ثبت	محل صدور/محل ثبت	اقامتگاه	تلفن
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					

۱۱- پرسشنامه مشخصات داوطلب سمت مدیرعاملی یا عضویت در هیأت مدیره‌ی شرکت، مطابق دستورالعمل تأیید صلاحیت حرفه‌ای مدیران نهادهای مالی، توسط داوطلبین مذکور تکمیل و به پیوست ارائه شده‌است.

۱۲- اینجانبان مؤسسين شرکت تعهد مینماییم که اطلاعات مذکور در این فرم را با کمال دقت و صحت و با آگاهی از مفاد ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴، در تاریخ به منظور ارائه به سازمان بورس و اوراق بهادار تکمیل و امضاء نموده‌ایم. چنانچه خلاف این امر ثابت شود، میپذیریم که مطابق مقرراتی که توسط ارکان بازار اوراق بهادار (مذکور در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴)، به تصویب رسیده یا میرسد، با اینجانبان رفتار شود.

ردیف	نام مؤسس	نام و نام خانوادگی صاحب امضاء مجاز	امضاء*
۱			
۲			
۳			

			۴
			۵

موسسین علاوه بر امضاء در این جدول، لازم است تمام صفحات این فرم را نیز امضاء نمایند.
 تقاضای تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی
 این فرم به منظور دریافت تقاضای تبدیل شرکت موجود به شرکت پردازش اطلاعات مالی تنظیم شده است. اطلاعات در
 خواست شده در این فرم برای تکمیل مدارک و مستندات لازم جهت بررسی تقاضا الزامی است.



کانون کارگزاری بورس واورت بھادر

به: مدیریت نظارت بر نهادهای مالی سازمان بورس و اوراق بهادار

احتراماً؛

اینجانب صاحبان امضای مجاز شرکت به شماره ثبت..... تاریخ ثبت...../...../..... و محل ثبت (که از این پس اختصاراً شرکت نامیده می شود)، براساس قانون بازار اوراق بهادار و دستورالعمل مربوطه، از سازمان بورس و اوراق بهادار (که از این پس اختصاراً سازمان نامیده می شود) درخواست صدور مجوز تبدیل این شرکت به یک شرکت پردازش اطلاعات مالی موضوع بند ۲۱ مادهی ۱ قانون بازار اوراق بهادار را داریم. به این منظور اطلاعات شرکت مذکور به شرح زیر ارائه میشود:

۱- نوع شرکت به قرار زیر است:

- شرکت سهامی عام شرکت سهامی خاص شرکت با مسئولیت محدود
 شرکت تضامنی شرکت مختلط سهامی شرکت مختلط غیرسهامی
 شرکت نسبی شرکت تعاونی تولید و مصرف

۲- اساسنامه شرکت به پیوست آمده است و در صورت موافقت سازمان با این درخواست، اساسنامهی شرکت، مطابق اساسنامهی نمونهی شرکت های پردازش اطلاعات مالی مصوب سازمان خواهد شد.

۳- سرمایهی شرکت:

ردیف	نوع سرمایه	پرداخت شده			تعهد شده		جمع پرداخت شده و تعهد شده	
		نقدی (میلیون ریال)	غیر نقدی (میلیون ریال)	جمع (میلیون ریال)	درصد *	میلیون ریال	درصد *	میلیون ریال
۱	عادی							
۲	ممتاز							

* درصد از کل داراییها

در صورت وجود سرمایهی تعهد شده، برنامه پرداخت سرمایه تشریح شود:

۴- امتیازات سهام ممتاز شرکت به شرح زیر است که به اشخاص مشروحه در زیر تعلق گرفته و علت اعطای سهام ممتاز به هر یک از این اشخاص نیز تشریح شده است (در صورت وجود سهام ممتاز).

ردیف	نام دارندهی سهام ممتاز	تعداد سهام ممتاز	ارزش اسمی سهام ممتاز	شرح امتیازات
۱				
۲				
۳				

۵ صورتهای مالی حسابرسی شده دو سال اخیر شرکت تهیه شده و به همراه گزارش حسابرس به پیوست آمده است.

۶- طرح تجاری و برنامههای شرکت (در صورت تبدیل به شرکت پردازش اطلاعات مالی)، مطابق دستورالعمل مربوطه، برای سه سال پس از تبدیل و ترازنامه و صورت سود (زیان) پیشبینی شده برای یک سال پس از تبدیل به پیوست آمده است.

۷- ترکیب، مشخصات و ارزش تقریبی داراییهای شرکت به شرح زیر است:

[در جدول زیر اطلاعات داراییهایی که هر یک به تنهایی بیش از ۵ درصد داراییهای شرکت را تشکیل میدهند، جداگانه و بقیه تحت عنوان سایر داراییها درج شوند. در صورت کافی نبودن فضا، جدول جداگانه به ضمیمهی فرم ارائه گردد].

ردیف	عنوان دارایی	ارزش دفتری (میلیون ریال)	درصد *	ارزش تقریبی روز (میلیون ریال)	شرح مشخصات
۱					
۲					
۳					
جمع کل					

* درصد از کل دارایی ها

۷ - چگونه تبدیل به نقد می شود یا در جهت اهداف و موضوع فعالیت شرکت پردازش اطلاعات مالی بکار می آید:

۸ - شرح اینکه پس از تبدیل شرکت به شرکت پردازش اطلاعات مالی، هر یک از داراییهای بند

۹ - **مشخصات نماینده ی شرکت:** شخص زیر به عنوان نماینده ی تام الاختیار شرکت به سازمان معرفی می شود. هرگونه مکاتبه و اعلام نظر شرکت، به امضای وی به سازمان تسلیم می شود و ارائه ی مکاتبات یا اطلاعات از طرف سازمان به وی یا ارسال مکاتبات سازمان به نشانی شرکت که در بند ۱ آمده است، به معنی ارائه یا ارسال شده به شرکت است.

نام و نام خانوادگی	شماره شناسنامه	محل صدور	سمت	تلفن	نشانی	امضا برای قبول سمت

۱۰ میزان مشارکت هر یک از سرمایه گذارن عمده (دارای بیش از ۵ درصد سرمایه یا حق رأی) شرکت به شرح زیر است:

ردیف	نام سرمایه گذار عمده	میزان سرمایه		شرح ذینفع نهایی *
		مبلغ (میلیون ریال)	درصد	
۱				
۲				
۳				

* در صورتی که سرمایه گذار عمده یک شخص حقوقی است، شخص یا اشخاص حقیقی ذینفع نهایی سرمایه گذار عمده تشریح شود.

۱۱ هویت و اقامتگاه سرمایه گذاران عمده ی شرکت (مذکور در بند ۱۰) به شرح زیر است:

ردیف	نام سرمایه گذار عمده	شماره شناسنامه / شماره ثبت	محل صدور / محل ثبت	اقامتگاه	تلفن
۱					
۲					
۳					

۱۲ **مشخصات مدیران:** مشخصات مدیران شرکت به شرح زیر می باشد:

ردیف	نام مدیر (عضو هیأت مدیره / مدیر عامل)	نام نماینده ی مدیر (در صورتی که مدیر شخص حقوقی است)	سمت (عضو هیأت مدیره / مدیر عامل)	مدت مأموریت	
				از تاریخ	تا تاریخ
۱				/ //	/ //
۲				/ //	/ //
۳				/ //	/ //

۱۳ در صورت موافقت با تبدیل شرکت به شرکت پردازش اطلاعات مالی، نام شرکت به شرح زیر تغییر خواهد کرد:

۱۴- در صورت موافقت با تبدیل شرکت به شرکت پردازش اطلاعات مالی، اشخاص زیر تصدی سمت مدیریت را در شرکت به عهده خواهند گرفت، که اطلاعات تفصیلی آنها طی پرسشنامه مشخصات داوطلب سمت مدیرعاملی یا عضویت در هیأت مدیره ی نهادهای مالی، تکمیل و به پیوست ارائه شده است.

ردیف	نام مدیر (عضو هیأت مدیره / مدیر عامل)	نام نماینده ی مدیر (در صورتی که مدیر شخص حقوقی است)	سمت
۱			
۲			
۳			

۱۵- اینجانبان صاحبان امضای مجاز شرکت به شرح زیر تعهد مینماییم که اطلاعات مذکور در این فرم را با کمال دقت و صحت و با آگاهی از مفاد ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴، در تاریخ/...../..... به منظور ارائه به سازمان بورس و اوراق بهادار تکمیل و امضاء نموده ایم. چنانچه خلاف این امر ثابت شود، میبپذیریم که مطابق مقرراتی که توسط ارکان بازار اوراق بهادار (مذکور در قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴)، به تصویب رسیده یا میرسد، با اینجانبان رفتار شود.

ردیف	نام و نام خانوادگی صاحب امضای مجاز	شماره شناسنامه	محل صدور	شماره ملی	امضاء *	مهر شرکت
۱						
۲						
۳						

علاوه بر این جدول، صاحبان امضای مجاز شرکت باید کلیه صفحات این فرم را امضاء نمایند.

تقاضای دریافت مجوز فعالیت شرکت پردازش اطلاعات مالی

اینجانبان صاحبان امضای مجاز شرکت با مشخصات زیر از سازمان بورس و اوراق بهادار تقاضای صدور مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی را برای این شرکت داریم.

۱ نام و مشخصات ثبتی شرکت:

نام شرکت	نوع شرکت	نوع نهاد مالی*	اطلاعات ثبت نزد مرجع ثبت شرکتهای			اطلاعات ثبت نزد سازمان		مبلغ سرمایهی ثبت و پرداخت شده (میلیون ریال)
			شماره ثبت	تاریخ ثبت	محل ثبت	شماره ثبت	تاریخ ثبت	
				/ /				

* انواع نهادهای مالی که میتوانند مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی را دریافت دارند عبارتند از: شرکت پردازش اطلاعات مالی، مشاور سرمایهگذاری، سبدگردان، تأمین سرمایه، مؤسسه رتبهبندی، کارگزار و کارگزار/ معاملهگر

۲- مشخصات امکانات و تجهیزاتی که به فعالیت پردازش اطلاعات مالی اختصاص یافته است:

۲- الف) تجهیزات مورد استفاده:

ردیف	عنوان تجهیزات و امکانات	مشخصات	محل استقرار	موارد کاربرد
۱				
۲				
۳				

۲- ب) نرم افزارهای مورد استفاده:

ردیف	عنوان نرم افزار	شرکت تولید کننده	محل های استقرار یا دسترسی	شرح قابلیت ها یا موارد کاربرد	نحوه ارتباط یا تبادل اطلاعات با سایر نرم افزارها
۱					
۲					
۳					

۲- ج) تارنما (پایگاه الکترونیکی):

نشانی تارنما	شرح مختصر اطلاعات منتشره در تارنما	نحوه دسترسی مشتریان	شرح خدمات قابل ارائه به مشتری از طریق تارنما

۳- مشخصات محلی که به انجام امور پردازش اطلاعات مالی اختصاص یافته است.

۳- الف) نشانی کامل محل انجام امور پردازش اطلاعات مالی

۳- ب) کروکی محل انجام امور پردازش اطلاعات مالی را در کادر زیر ترسیم نمایید.

۳- ج) نقشه ساختمان محل ارائه خدمات متقاضی را با ذکر ابعاد در کادر زیر ترسیم کرده و با فضای اختصاصی برای انجام

۳- ج) نقشه ساختمان محل ارائهی خدمات متقاضی را با ذکر ابعاد در کادر زیر ترسیم کرده و فضای اختصاصی برای (ج - ۳) نقشه ساختمانی محل انجام امور پردازش اطلاعات مالی را ترسیم کرده و هر قسمت در نقشه واحد ساختمانی

را با ذکر ابعاد و شمارهگذاری معین نمایید.

۳-د) هر قسمت از نقشه‌ی ساختمانی ارائه شده در بند ۳-ج را شماره‌گذاری کرده و اطلاعات مربوط به هر قسمت را در جدول زیر تکمیل کنید:

شماره قسمت	مورد یا موارد استفاده از قسمت	مساحت (متر مربع)	ملاحظات
۱			
۲			
۳			

۳-ه) کلیه‌ی دفاتر متقاضی در تهران و شهرستان به تفکیک هر واحد ساختمانی در جدول ذیل درج گردد:

ردیف	شهر محل استقرار دفتر	نشانی	فعالیت‌هایی که در این واحد انجام میشود	نوع کاربری (طبق سند یا گواهی پایان کار)	مساحت (متر مربع)	
					در مالکیت	در اجاره
۱						
۲						
۳						
۴						

۴- مشخصات کارکنان شرکت:

الف) مشخصات مدیران (شامل مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره):

ردیف	نام و نام خانوادگی مدیر یا نماینده وی	سمت	به نمایندگی از	مدت مأموریت	
				از تاریخ	تا تاریخ
۱				/ /	/ /
۲					
۳					

۴-ب) مشخصات کارکنانی که به فعالیت پردازش اطلاعات مالی اختصاص دارند:

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	آخرین مدرک تحصیلی	محل فعالیت در شرکت	رشته تحصیلی	میزان فعالیت (تمام وقت/ نیمه وقت/ پاره وقت)	گواهینامه حرفه‌ای بازار سرمایه	
							عنوان گواهینامه	تاریخ اخذ
۱								
۲								
۳								
۴								

۴-ج) مشخصات سایر کارکنان:

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	آخرین مدرک تحصیلی	محل فعالیت در شرکت	رشته تحصیلی	میزان فعالیت (تمام وقت/ نیمه وقت/ پاره وقت)	گواهینامه حرفه‌ای بازار سرمایه	
							عنوان گواهینامه	تاریخ اخذ
۱								
۲								
۳								

۵- مجوزهای فعالیت دیگری که توسط متقاضی از سازمان اخذ شده است،

در جدول زیر قید گردد:

ردیف	عنوان مجوز	تاریخ اعطای مجوز	تاریخ پایان اعتبار مجوز	ملاحظات
۱				
۲				
۳				
۴				

۶ تاریخ تکمیل اطلاعات این فرم:

۷- اینجانبان صاحبان امضای مجاز شرکت تعهد مینماییم که اطلاعات مذکور در این فرم را با کمال دقت و صحت و با آگاهی از مفاد ماده ۴۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب آذرماه ۱۳۸۴، تکمیل و به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه نموده‌ایم.

ردیف	نام و نام خانوادگی صاحب امضای مجاز	سمت	امضاء	مهر شرکت
۱				
۲				

حداقل نیروی انسانی و تجهیزات لازم برای شروع فعالیت پردازش اطلاعات مالی

در این پیوست حداقل نیروی انسانی، فضای اداری، تجهیزات سختافزاری و نرمافزارهای مورد نیاز برای اعطای مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، در بندهای (الف) تا (د) آمده است. متناسب با توسعهی فعالیتهای پردازش اطلاعات مالی، نیروی انسانی، فضای اداری و تجهیزات باید طبق مقررات اضافه شده یا ارتقاء یابند.

(الف) نیروی انسانی: علاوه بر مدیرعامل و اعضای هیاتمدیره، متقاضی صدور مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی باید نیروی انسانی به شرح زیر را بهکار گرفته باشد:

ردیف	عنوان شغل	مسئولیت	تعداد (نفر)	توضیحات
۱	تحلیلگر	بررسی و تأیید فرمولها، روابط ریاضی یا نمودارهای مورد استفاده پردازشگر اطلاعات مالی در پردازش اطلاعات و مفاهیم آنها و بررسی و تأیید صحت عملکرد نرمافزار در انجام محاسبات و تهیه نمودارها براساس روابط مذکور	۱	دارای گواهینامهی تحلیلیگری بازار سرمایه با حداقل دو سال سابقهی کار مرتبط (که به صورت پاره وقت نیز قابل قبول است)
۲	کارشناس مسئول بازرینی اطلاعات	تطبيق اطلاعات تغذیه شده در بانک اطلاعاتی پردازشگر اطلاعات مالی با منابع منتخب	۱	دارای حداقل گواهینامهی اصول مقدماتی بازار سرمایه یا مدرک کارشناسی مورد تأیید وزارت علوم در رشتههای مرتبط (بهمصورت تمام وقت)
۳	کارشناس نرم افزار	بررسی و تأیید مستندات و صحت طراحی نرمافزارهای مورد استفاده	۱	دارای حداقل مدرک کارشناسی مورد تأیید وزارت علوم در رشته مهندسی نرمافزار رایانههای (بهمصورت پاره وقت)
۴	متصدی جمعآوری و ارائه اطلاعات	جمعآوری اطلاعات از منابع اطلاعاتی منتخب و ذخیره آنها در بانک اطلاعاتی پردازشگر اطلاعات مالی و ارائه آنها به مشتری یا انتشار عمومی آنها	۱	حداقل دارای گواهینامه اصول مقدماتی بازار سرمایه یا مدرک کارشناسی مورد تأیید وزارت علوم در رشتههای حسابداری، مدیریت مالی، مدیریت و اقتصاد (بهمصورت تمام وقت)
۵	حسابدار	ثبت وقایع مالی، ثبت دفاتر قانونی، تهیه صورتهای مالی، تنظیم اظهارنامهی مالیاتی، تهیه فهرست حقوق و دستمزد و بیمه و مالیات، صدور چکها، دریافت و نگهداری اوراق بهادار، تنظیم صورت مغایرت بانکی و سایر وظایف معمول یک حسابدار	۲ یا ۱	یک نفر دارندهی مدرک تحصیلی فوق دیپلم یا بالاتر در رشتهی حسابداری یا رشتههای مرتبط که توانایی انجام وظایف محوله را داشته باشد. (بهمصورت تمام وقت) و یک نفر دارندهی مدرک تحصیلی کارشناسی یا بالاتر در رشتهی حسابداری یا رشتههای مرتبط که توانایی و تجربه تهیه سرفصل حسابها، تنظیم و هدایت سامانهی حسابداری تهیهی صورتهای مالی، و تنظیم اظهارنامه مالیاتی را داشته باشد و بر قوانین مالیاتی، بیمه و حقوق و دستمزد مسلط باشد، (بهمصورت نیمهوقت) یا یک نفر با خصوصیات قید شده برای نفر دوم فوق به صورت تمام وقت.
۶	بایگان	تنظیم و بایگانی مدارک و انتقال مدارک و نامهها بین پردازشگر اطلاعات مالی و سایر اشخاص از جمله بانکها، ادارات مالیاتی، ادارات بیمه، سازمان و مشتری	۱	بهمصورت تمام وقت که به تشخیص سازمان میتواند وظایف دیگری در پردازشگر اطلاعات مالی بپذیرد.

۲۱

توضیحات:

از تاریخ تصویب این دستورالعمل به مدت یکسال، متقاضی دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی میتواند با موافقت معاونت نظارت بر نهادهای مالی و تأیید ریاست سازمان، از دارندگان گواهینامهی اصول مقدماتی بازار سرمایه (نمایندهی ۲ کارگزاری) که حداقل ۳ سال سابقه کار و تحصیل مرتبط و کافی داشته باشند، برای سمتهایی که نیازمند گواهینامهی تحلیلیگری بدون سابقه است، استفاده نماید. برای سمتهایی که نیازمند گواهینامهی تحلیلیگری به همراه سابقه است، سابقهی کار با گواهینامهی اصول مقدماتی بازار سرمایه، باید دو برابر نصاب تعیین شده برای دارندگان گواهینامهی تحلیلیگری باشد.

ب) فضای اداری: برای دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، متقاضی باید حداقل فضای مناسب اداری به شرح زیر در مالکیت یا اجاره‌ای داشته باشد:

ردیف	قسمت اداری	مساحت (مترمربع)		
		پایه	اضافی	جمع
۱	اتاق مدیرعامل	۱۲		۱۲
۲	هیأت‌مدیره و اتاق جلسات	۱۲		۱۲
۳	محل استقرار منشی	۶		۶
۴	امور پردازش اطلاعات مالی	۱۵	۱۵	۱۵
۵	محل استقرار مراجعه کنندگان	۱۰	۵	۱۵
۶	امور حسابداری	۱۰	۵	۱۵
۷	بایگانی	۴	۲	۶
۸	سایر (شامل آبدارخانه و سرویس بهداشتی)	۹		۹
۹	جمع	۶۳	۲۷	۹۰

توضیحات:

۱- در صورتیکه متقاضی صرفاً به امر پردازش اطلاعات مالی بپردازد، فضای اداری مورد نیاز، برابر جمع فضای پایه و اضافی خواهد بود. در صورتیکه متقاضی علاوه بر فعالیت پردازش اطلاعات مالی، به فعالیتهای دیگری نیز بپردازد، فضای مورد نیاز برای هر ردیف برابر جمع فضای اضافی فعالیتهای مختلف به علاوه بیشترین فضای پایهی آن فعالیتهای خواهد بود. مثلاً چنانچه یک کارگزار، فضای اداری پایهی جدول فوق را قبلاً برای فعالیت کارگزاری تامین نموده باشد، برای دریافت مجوز پردازش اطلاعات مالی، صرفاً به فضاهای اضافی جدول فوق نیازمند است.

۲- در صورتیکه فضای اداری موضوع جدول فوق در اجاره‌ای متقاضی باشد، وی باید تعهد نماید که ظرف حداکثر یکسال از صدور مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، نسبت به تامین فضای اداری مناسب در مالکیت خود اقدام خواهد کرد.

۳- در صورت افزایش تعداد کارشناسان، تحلیلگران یا مشاوران به تعدادی بیش از تعداد مذکور در ردیفهای ۱ تا ۴ جدول بند (الف)، به ازای هر نفر اضافی باید حداقل ۵ متر مربع به بخش امور پردازش اطلاعات مالی و ۲ متر مربع به سایر بخشها اضافه گردد.

۴- در بررسی تقاضای مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی بنابه تشخیص معاونت نظارت بر نهادهای مالی، نصابهای مذکور در بندهای ۱ تا ۸ جدول (ب) تا ۲۰ درصد و نصاب بند ۹ این جدول تا ۱۰ درصد قابل تعدیل است.

ج) تجهیزات اداری: برای دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، متقاضی باید حداقل تجهیزات اداری لازم را به تشخیص مدیریت مربوطه در سازمان فراهم نموده باشد.

د) امکانات نرم‌افزاری: برای دریافت مجوز فعالیت پردازش اطلاعات مالی، متقاضی باید حداقل امکانات نرم‌افزاری و اتصال به شبکه‌ی اینترنت را به شرح زیر فراهم نموده باشد:

۱-د) نرم‌افزار ذخیره‌سازی، پردازش و گزارشگیری اطلاعات مالی که در آن کلیه اطلاعاتی که توسط پردازشگر اطلاعات مالی منتشر، ارائه یا در دسترس دیگران قرار داده میشود به همراه تاریخ و ساعت انتشار، ارائه یا در دسترس قراردادن، ثبت و کلیه تغییرات بعدی آن بدون حذف سوابق قبلی نیز ثبت گردد.

- ۲-د) دسترسی به نرم افزارهای بانکهای اطلاعاتی منابع اطلاعاتی منتخب.
- ۳-د) تارنما که امکان ارائه اطلاعات را مطابق مقررات مربوطه داشته باشد.
- ۴-د) امکان اتصال به شبکه جهانی اینترنت برای رایانههای در اختیار متصدیان جمعآوری و ارائه اطلاعات و کارشناسان بازیابی اطلاعات با سرعت مناسب
- توضیح:** نرم افزارهای موضوع این بند باید به تأیید مدیریت مربوطه در سازمان، ضمن داشتن قابلیتهای ذکر شده، از رویه های کنترل داخلی مناسب، تهیهی به موقع اطلاعات و گزارشها، امکانات نظارتی مناسب و سایر قابلیتهای مورد نظر برخوردار باشند.



کانون کارگزاری بورس واورق بھادر